

مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

ISSN: 2645-4475

فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال چهارم، شماره ۳ (پیاپی: ۱۶)، تابستان (شهریور) ۱۴۰۰

عوامل اجتماعی موثر در تحولات لباس اجتماع زنان ایرانی بعد از انقلاب
۵۷

مجید اسدی فارسائی، فاطمه نجفی معتمد

مقایسه اثربخشی روش دستگاه الکتروشوک RT-901 بر ترک اعتیاد و
بررسی میزان این اثربخشی با سطح تأثیر روش متادون درمانی
جواد تقوی سوره برق، شبینم تویدی پشتیبری

بررسی میزان و شدت عشق آنلاین در کاربران اینترنتی
سید کمال الدین موسوی، حدیثه شمس راوندی

الگوی مفهومی مدیریت کلاس درس و تدریس اثربخش
ناصر کمالپور خوب، کبری کمالپور خوب

تحلیل اجتماعی وضعیت و علل مصرف مشروبات الکلی
نیلوفر آقایی

نقش دعا در پیشگیری از صدمات ناشی از ابتلا به بیماری کرونا
مرضیه نظری

تغییرات سبک زندگی خانوادگی در همه‌گیری کرونا
راضیه نظری

روی‌کردی کارکردی در بررسی‌های جادو
امید ابرقوئی



اعضای شورای علمی و داوری تحریریه: (به ترتیب حروف الفبا)

- دکتر خدیجه اسدی سروسناتی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر محمد امیرپناهی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر فاروق امین مظفری، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز
- دکتر محمدرضا حسینی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر عبدالرسول حسینی‌فر، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر غلامرضا لطیفی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر مهدی معینی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

فراخوان پذیرش مقاله:

نشریه «مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی» توسط موسسه مطبوعاتی مطالعات کاربردی شباک و با همکاری علمی اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور به انتشار مقالات علمی می‌پردازد. از این‌رو از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان و پژوهشگران دعوت می‌شود با ارسال مقالات علمی خود از طریق وبسایت نشریه به نشانی www.ASSCS.ir در پربارتر کردن این نشریه، ما را یاری نمایند. برای ارسال مقاله کافی است تا در وبسایت ثبت‌نام نموده و با ورود به پنل کاربری، مقاله خود را ثبت کنید.

محورها و موضوعات پذیرش مقاله:

- جامعه‌شناسی
- مردم‌شناسی
- جمعیت‌شناسی
- فلسفه علوم اجتماعی
- آسیب‌های اجتماعی
- برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی
- مطالعات جوانان
- برنامه‌ریزی توسعه‌ای منطقه‌ای
- مطالعات فرهنگی و مدیریت راهبردی فرهنگ
- مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم اجتماعی

نشریه

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری، کوچه شهید سبحانی، پلاک ۲۸، واحد ۴
کدپستی: ۳۱۴۳۹۵۳۵۹۵
www.ASSCS.ir
Shij.journals@gmail.com

چاپ

نشانی: تهران، افسریه، ۱۵ متری اول، کوچه ۲۸، پلاک ۳۹۳
انتشارات هنر و علوم دانشگاهی، تلفن: ۰۲۱ ۳۳۸۴۰۷۹۲

فهرست مقالات

صفحه	عنوان مقاله
۵۷	عوامل اجتماعی موثر در تحولات لباس اجتماع زنان ایرانی بعد از انقلاب
۱	مجید اسدی فارسانی، فاطمه نجفی معتمد
۱۳	مقایسه اثربخشی روش دستگاه الکتروشوک RT-901 بر ترک اعتیاد و بررسی میزان این اثربخشی با سطح تأثیر روش متادون درمانی
	جواد تقوی سوره برق، شبنم نویدی پشتیری
۲۳	بررسی میزان و شدت عشق آنلاین در کاربران اینترنتی
	سیدکمال الدین موسوی، حدیثه شمس راوندی
۳۷	الگوی مفهومی مدیریت کلاس درس و تدریس اثربخش
	ناصرکمالپورخوب، کبری کمالپورخوب
۴۵	تحلیل اجتماعی وضعیت و علل مصرف مشروبات الکلی
	نیلوفر آقایی
۵۵	نقش دعا در پیشگیری از صدمات ناشی از ابتلا به بیماری کرونا
	مرضیه نظری
۶۷	تغییرات سبک زندگی خانوادگی در همه گیری کرونا
	راضیه نظری
۷۵	رویکردی کارکردی در بررسی جادو
	امید ابرقوئی

عوامل اجتماعی موثر در تحولات لباس اجتماع زنان ایرانی بعد از انقلاب ۵۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸

کد مقاله: ۸۰۹۱۷

مجید اسدی فارسانی^۱، فاطمه نجفی معتمد^۲

چکیده

انقلاب اسلامی ایران و تحولات آن، بر پایه تفکرات دینی بنا نهاده شد و پوشش اجتماع زنان ایران در راس توجهات قرار گرفت. از این رو مسئله پژوهش حاضر این است که همسو با تحولات کلان اجتماعی در ایران پس از انقلاب، چه تحولاتی در فرم لباس اجتماع زنان رخ داده است و هدف اصلی این است که سیر تحول لباس اجتماع زنان بعد از گذشت چهار دهه بعد از انقلاب ترسیم گردد. این پژوهش، با رویکردی کیفی و ماهیتی توصیفی تحلیلی صورت یافت و ابزار گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و فیش برداری انجام شد. جامعه هدف را پوشش اجتماع زنان ایران از انقلاب ۱۳۵۷ تا کنون تشکیل داده است که حجم نمونه به صورت هدفمند انتخاب شده است، با محوریت قرار دادن تحلیل محتوای کیفی از تجزیه و تحلیل نمونه‌ها با توصیف ساختار، رنگ، فرم و مقایسه با تحولات اجتماعی همزمان با دوره مشابه، مسیر تحولات شناسایی گردیده است. در نتیجه حاصله مشخص گردید که علی‌رغم تحولات کلان هم‌راستا با انقلاب در پوشش زنان ایران، از دهه ۷۰ به بعد کوتاه شدن قد مانتوها، اضافه شدن چاک، در دهه ۸۰ استفاده از تزیینات، مدل‌های کوتاه، استفاده از پارچه‌های لیزری، براق، ریون، در دهه ۹۰ حذف کامل دکمه‌ها، استفاده از پارچه‌های تور و بدن‌نما، گیپور، آستین‌های کوتاه، شلوارهای جذب کوتاه، استفاده از ساپورت، مانتوهای پشت‌نویسی، مدل‌های فانتزی از بیشترین تحولات لباس اجتماع زنان محسوب می‌شود. که این تحولات هم‌راستا با وقایع اجتماعی مختلفی رخ داد که مهم‌ترین آنها بعد از انقلاب ۵۷، جنگ تحمیلی، و تغییر دولت‌ها و روابط سیاسی با غرب و رواج اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای را می‌توان نام برد.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، زنان، لباس اجتماع

۱- استادیار گروه ارتباط تصویری دانشکده هنر و علوم انسانی دانشگاه شهرکرد. (نویسنده مسئول)

majid.asadi@sku.ac.ir

۲- گروه طراحی و دوخت، دانشکده هنر، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، قم، ایران.

۱- مقدمه

پوشاک همواره یک نوع رفتار اجتماعی است. که بیان کننده افکار عقاید و اندیشه های یک قوم و یک ملت می باشد و پیام رسانی قوی برای دیگر اقوام می باشد. یک طراح پوشاک همیشه با طرحی که ایجاد می کند. پیام و معانی مختلفی را می رساند. هر قطعه از لباسی که او طراحی می کند، چه از لحاظ برش، رنگ و جنسیت پارچه به کار رفته در لباس، خود حامل پیام های گوناگونی برای دیگر افراد می باشد. (الهی، ۱۳۸۹) عوامل موثر بر تحولات لباس شامل موارد مختلفی است که می توان به چند نمونه اشاره نمود. ۱- شرایط اقلیمی جغرافیایی؛ ۲- جنسیت افراد؛ ۴- زیبایی و ذوق و سلیقه افراد ۵- دین و مذهب؛ این گزینه نیز یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر فرم پوشاک لباس افراد می باشد، مثلا در اسلام نوع پوششی که برای افراد مشخص شده خصوصا زنان با پوششی که در دیگر مذاهب برای زنان مشخص شده کاملا متفاوت می باشد. در اسلام تاکید بر پوشیدگی و پوشیده بودن بدن و در مقابل نامحرم می باشد ۶- آداب و رسوم. (محمدی، ۱۳۹۲) پوشاک به گونه ای اهمیت دارد که نقش مستقیم آن در روح انسان را می توان در نوشته های مختلف مشاهده نمود. پوشاک به عنوان پدیده ای فرهنگی همواره نقش مهم و اساسی در زندگی انسان و جوامع انسانی داشته است. پوشاک در ارتباط مستقیم با نفس انسان است و هیچ هنری نیست که بیشتر از هنر جامه در روح آدمیان موثر باشد. (بوکهارت، ۱۳۶۵: ۱۱۱) بنابراین لباس های زنان بعد از انقلاب اسلامی علی رغم پایه ریزی مبنای فرم دهی آنان بر اساس مبنای پوشش اسلامی، دچار دگرگونی هایی شد که می تواند ریشه هایی در جامعه داشته باشد که تحولات اجتماعی در راستای تحولات پوشش زنان مساله اصلی پژوهش حاضر گردید. هدف شناخت رابطه میان این تحولات اجتماعی و بازتاب آنها در پوشاک زنان بود. بنابراین با استفاده از روش کیفی با ماهیتی توصیفی تحلیل و جمع آوری مطالب به روش کتابخانه ای صورت یافت و رویکرد بازتاب به عنوان مبنای اصلی پژوهش قرار گرفت.

۱-۱- پوشش از منظر قرآن

قرآن پوشیدگی را یکی از نعمتهای بهشتی می شمارد و بدبختی و شقاوت انسان ها را نتیجه پذیرش و وسوسه های شیطان و محصول ساده اندیشی و طمع ورزی و تبلیغات دروغین او می داند و تصریح می کند که نخستین گام در هبوط آدم، خوردن میوه ممنوعه و پیدایش برهنگی است. قرآن در سوره اعراف آیه ۲۶، پوشش را، نعمتی آسمانی می شمارد و می فرماید: ((هان ای آدمیان! پوششی که زشتی هایتان را بپوشاند، بر شما فرود آورديم و اسباب آراستگی برای شما قرار داديم و جامه پارسایی بهتر است؛ این از نشانه های خداست باشد که متذکر شوند)). (عیسی زاده، ۱۳۹۷، ۱۵) در آیه ۸۱ سوره نحل آمده است: خداوند از آنچه که آفریده سایه هایی برای شما قرار داده، و از کوه ها پناهگاه های، و برای شما پیراهن هایی آفریده که شما را از گرما (سرما) حفظ می کند، و پیراهن هایی که حافظ شما به هنگام جنگ است، و این گونه او نعمتهایش را بر شما کامل می کند تا تسلیم فرمان او شوید. (جباری، ۱۳۹۵، ۴۹) خداوند در سوره احزاب آیه ۵۹ می فرماید: ای پیامبر به همسران و دخترانت و زنان مومنان بگو: روسری های بلند بر خود بیفکنند، این عمل مناسب تر است، تا (به عفت و پاکدامنی) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند و خداوند آمرزنده مهربان است. در این آیه به پارچه بلندی که تمام بدن و سر و گردن را می پوشاند اشاره شده است. در آیه ۳۲ سوره احزاب احزاب سخن از حجاب و پوشش به میان آمده و بیانگر آن است که برهنگی و رعایت نکردن حجاب از شئون حجاب از شئون عصر جاهلیت بوده و شما با هتک حریم حجاب، جاهلیت دیگری بوجود نیاورید. بنابراین در منطق قرآن، بی بند و باری و زنان، و بی حجابی و بدحجابی آنها، نه تنها تمدن و نشانه ترقی و رشد نیست، بلکه یک نوع واپسگرایی و جاهلیت و پستی است و باید به شدت با آن مبارزه کرد. در فرهنگ دینی و تعلیم والای اسلام حجاب به عنوان حافظ ارزش و کرامت انسان است، که هر فردی به عنوان بنده و مطیع خداوند ملزم به رعایت آن می باشد. پس از بررسی آیات نورانی قرآن کریم و پی بردن به اهمیت امر حجاب که امری سلیقه ای و منطقه ای و نیست. بلکه دستور مستقیم خالق و فرمانروای عالم است.

۲-۱- پوشاک و سیاست

مونس سرخه (۱۳۹۱) می نویسد، قدرتهای سیاسی همیشه در تغییرات یک جامعه و شکل دهی به آن موثر بوده است. در تفکرات افراد جامعه نقش اساسی دارد. تغییرات سیاسی می تواند نوع خاصی از پوشش را به افراد جامعه تحمیل کند، نمادی از قدرت در آن جامعه باشد. در بسیاری از مواقع نشان دهنده بینش بیگانگان و سلطه فرهنگی آنها در جامعه می باشد. سیاست می تواند با اهداف خود زمینه ورود فرهنگ بیگانه به کشور و سبب هویت زدائی فرهنگی شود. حکومت با سیاست های خود می تواند نمادی را با پوشاک به نمایش بگذارد، مانند یونیفرم های نظامی که همواره به شکل لباس های متحدالشکل و به عنوان نماد یک کشور بوده است. سیاست می تواند در تغییر شکل، فرم و رنگ لباس افراد در گرایشات خاص سیاسی معنا و مفهوم زیادی را برساند. گرچه به نظر می رسد هویت یابی های مربوط به پوشش به شدت منعطف و بی هیچ مانع اجتماعی اند، اما باید در نظر داشت هر جا که لباس با عوامل ساختاری پیوند می یابد، این آزادی به چالش کشیده می شود و این عوامل ساختاری عمدتا یا دینی اند یا

سیاسی. ادیان و دولتها در غیاب تاثیر ساختاری و الزامات صنفی و گروهی، مهم ترین عاملان ایجاد محدودیت در سبکهای پوشش اند. ادیان با تاکید بر تفاوت های جنسیتی میان زن و مرد، سعی در حفظ تفاوت میان لباس زنان و مردان دارند و دولت ها نیز هر جا که لباس دارای دال های سیاسی مخالف باشند، به شکلی که مصداق نقض قوانین باشد، از پوشیده شدن آن لباسها جلوگیری می کنند. شایان ذکر است که در بیشتر مواقع، می توان میان تصمیمات دولت ها و الزامات ادیان روابطی را جستجو کرد. (جوادی یگانه و دیگران، ۱۳۸۶: ۷۳)

۳-۱- پوشاک و اجتماع

انسان برای تهیه پوشاک علاوه بر انگیزه و نیاز اولیه یکسری ضروریاتی در محیط اطراف زندگی وجود دارد که بر او تحمیل می شود این ضروریات عبارتند از شرایط اقلیمی، هماهنگی پوشش با شرایط اقلیمی و محیط زندگی او، و ابزار تهیه پوشاک، تنوع و نیاز به ما در تهیه و چگونگی استفاده از امکانات و اختراعات در زمینه تهیه و تولید پوشاک کمک شایانی به ما می کند. (صالحی، ۱۳۷۸) ضروریات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از جمله ضروریات ارزشی حاکم بر جامعه می باشد، چه نوع رفتار افراد بر اساس آن شکل می گیرد فرم طراحی و رنگ و تغییرات اجتماعی همواره بر تغییرات پوشاک اثرگذار است تغییرات اجتماعی می تواند بر فرم تغییر طرح لباس موثر باشد ایده های جدید در زمینه پوشاک نیز بر آن موثر است این نکته که بعضی از افراد این نوع پوشاک را بر اساس تأثیرات روانی خاص در خود تهیه می کنند. و این نکته که بعضی از افراد نوع پوشاک خود را بر اساس تأثیرات روانی خاص تهیه می کنند انگیزه ای است که همواره از گذشته در زندگی بشر وجود داشته است. (توسلی، ۱۳۷۰) با بررسی تاریخ جوامع بشری متوجه این مطلب می شویم که هرچقدر انسان بیه سمت زندگی در شهرها متمرکز شود متناسب با فعالیت خود در جامعه و حرفه ای خود پوشاک خود را انتخاب میکند با گسترش جوامع انسانی و نهاد های مختلف اجتماعی اقتصادی سیاسی فرهنگی در جامعه بیشتر پدیدار می شود هرچقدر که یک جامعه گسترش پیدا کند نوع پوشش افراد با توجه به فعالیت آنها دسته بندی می شود.

۲- مبنای نظری پژوهش

«ولفگانگ بروختر» در بررسی شیوه های گوناگون و تجزیه و تحلیل آنها به چهار نظریه اصلی دست یافته که از آخرین نظریه های عرضه شده در مطالعات پوشاک دیدگاه تاریخ اجتماعی می باشد:

الف- نظریه اشاعه گرایی: یعنی نگرش به پوشیدنی ها به مثابه بازمانده انواع پوشاک

ب- نظریه تاریخی توسعه: نگرش به تحول و تکامل درونی پوشاک و تأثیرهای فرهنگی بیرونی در همانند سازی آنها که براساس آن، تکامل جامعه ها در طی تاریخ و تأثیرهای فرهنگی بیرون بر آن، بررسی می گردد.

ج- نظریه های کارکرد اجتماعی: که به پوشاک همچون زبانی از نشانه ها می نگرد و آن را قابل بازگشایی و رمزگشایی می داند. این نظریه، رویکردی نمادین به لباس دارد و آن را زبانی ساخته شده از علائم قابل رمزگشایی و بازخوانی، معرفی می نماید.

د- نظریه های قومی: یعنی نگرش به انواع لباس به عنوان شناسه گروه های قومی، منطقه ای و زبانی که در آن، انواع خاص لباس به عنوان شناسه گروه های قومی، محلی و زبانی خاص، منظور می گردد. (یارشاطر، ۱۳۹۶: ۲۲)

پوشاک از راه مجموعه علائم مادی، یک نظام ارتباطی فرهنگی در میان مردم جامعه برقرار می کند. رمزگشایی از این علائم و دریافت مفهوم آنها در هر گروه و جامعه، نیازمند درک رفتارهای اجتماعی و فرهنگی مردم آن گروه و جامعه، و شناخت نظام های دینی - اعتقادی و باورهایی است که پوشاک ارزش های نمادین خود را از آنها گرفته است. این ارزشها نقش مهم و برجسته ای در نگهداشت هویت اجتماعی و فرهنگی مردم جامعه و استمرار بخشیدن آن در طول حیات تاریخی نسل ها ایفا می کنند. جامعه ها نشان دهنده ی پایگاه اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، شغلی و احوال روحی پوشندگان آن ها و برتابنده ی تفاوت های جنسی، نسبی و جایگاه طبقاتی افراد در گروه های اجتماعی گوناگون هستند. نوع، جنس، رنگ، طرز دوخت، شکل و فرهنگ وازگان مربوط به تن- پوشها با مجموعه ای از ارزش ها و معیارهای فرهنگی، اخلاقی و معنوی و باورهای دینی، مذهبی و آرمانی درآمیخته است. (یارشاطر، ۱۳۸۳: ۱۷)

۲-۱- رویکرد بازتاب

روش های مختلفی برای نقد جامعه شناسانه هنر قابل تصور است. یکی از این روش ها رویکرد بازتاب، است. اغلب نظریه بازتاب نامیده شده است اما این نام گذاری اشتباه است؛ چراکه این رویکرد، یک نظریه رسمی یا روش واحد و یگانه برای مشا هده رابطه هنر و جامعه محسوب نمی شود. بلکه استعاره ای برای فهم این رابطه است. (الکساندر، ۱۳۹۰: ۷۲). جامعه شناسان هنر بسیاری در رویکرد بازتاب معتقدند که شرایط، ویژگی ها و تحولات اجتماعی در آثار هنری معاصرشان بازتاب داده می شوند و با

نقد جامعه‌شناختی می‌توان به شناخت مناسبی از جامعه درباره آثار هنری معاصر رسید. در این رویکرد عقیده بر این است که هنر حاوی اطلاعاتی درباره جامعه است. ویکتوریا الکساندر^۱ در کتاب «جامعه‌شناسی هنرها» به طور مفصل درباره این رویکرد سخن می‌گوید. وی معتقد است که «رویکرد بازتاب در جامعه‌شناسی هنر مشتمل بر حوزه گسترده از تحقیقات است، مبتنی بر این عقیده مشترک هستند که هنر آینه جامعه است یا هنر به واسطه جامعه مشروط شده یا تعین می‌یابد» (الکساندر، ۱۳۹۰: ۲۱)

شارحین بر این اندیشه باور دارند که «موجودیت اثر هنری با ویژگی‌های یک دوره تاریخی، یک گروه اجتماعی یا فرد رابطه دارد». (دوونینو، ۱۳۹۲: ۷۵). چراکه خود آثار هنری خود شمول نیستند، بلکه فرآورده اعمال تاریخی خاصی هستند که در شرایطی معین، گروه‌های اجتماعی قابل شناسایی آن‌ها را انجام می‌دهند بنابراین مهر عقاید، ارزش گروه‌ها و شرایط زندگی آن گروه‌ها و نمایندگانشان را بر خود دارند». (ولف، ۱۳۶۷: ۶۳).

مجموعه آنچه نظریات بازتاب خوانده می‌شود، رویکرد زمینه‌ای ما در این پژوهش است. این رویکرد معتقد است که هنر حاوی اطلاعاتی درباره جامعه است. ویکتوریا الکساندر معتقد است که «رویکرد بازتاب» در جامعه‌شناسی هنر مشتمل بر حوزه گسترده‌ای از تحقیقات است که مبتنی بر این عقیده مشترک اند که هنر آینه جامعه است یا هنر به واسطه جامعه مشروط شده و تعین می‌یابد. (الکساندر، ۱۳۹۰: ۲۱). برای رد ادعاهایی که رویکرد بازتاب را به سبب مطلق بودن بازتاب هنر از جامعه با ارزش نمی‌دانند به نقل قولی از الکساندر بسنده می‌کنیم که «یکی از بنیان‌های نظریات بازتاب در مارکسیسم ریشه دارد و بر این فرض استوار است که فرهنگ و ایدئولوژی هر جامعه روبنا و بازتاب اقتصادی یا زیربنای جامعه است. این ایده بنیان تحلیل‌های مارکسیستی درباره فرهنگ است». (الکساندر، ۱۳۹۰: ۲۲). رویکرد بازتاب، بر آن استوار است که هنر، همواره چیزی درباره جامعه به ما می‌گوید. این منظر، شامل تحقیقات گسترده‌ای است که فصل مشترک تمام آن‌ها، این باور است که، هنر آینه جامعه است. (الکساندر، ۱۳۹۰: ۵۵) از این روی در پژوهش حاضر از نظریه کارکرد اجتماعی با رویکردی بازتابی استفاده می‌شود که بازتاب مسائل اجتماعی در تحولات لباس زنان بعد از انقلاب تبیین گردد.

۳- روش پژوهش

در این پژوهش بنا بر وسعت زمانی برابر با چهل سال شاخص‌های اصلی در تحولات لباس زنان و وقایع کلان اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. هرچند این مقایسه‌ها و بازتاب‌های اجتماعی الزاما عامل اصلی برای تحولات نیست لذا برابری همزمان این تحولات مورد توجه قرار گرفته است. همچنین تحولات صورت گرفته نمونه‌های کلی و شاخصی هستند که روند مدگرایی را نشان می‌دهد و دلیل بر این نیست که گفته شود زنان جامعه همه از این الگو پیروی نموده‌اند و به گونه‌ای هنجارها با نمونه‌های تثبیت شده پوشش اولیه مورد توجه بوده است. از این رو در جداولی به منظور خلاصه نمودن مطالب در بندهای مختلف برای تحولات پوشش و تحولات جامعه و در نهایت جمع‌بندی این مقایسه در هر جدول بنا بر تقسیم‌بندی دهه‌های مختلف یعنی دهه ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰ و ۹۰ صورت گرفته است.

۳-۱- رواج مانتو و چادر بعد از انقلاب اسلامی

امام خمینی در طی سخنرانی در ۱۵ اسفند ۱۳۵۷ اعلام کردند که: «در وزارتخانه اسلامی نباید معصیت شود. در وزارتخانه‌های اسلامی نباید زن‌ها لخت بیایند؛ زن‌ها بروند؛ اما با حجاب باشند. مانعی ندارد بروند کار بکنند، لکن با حجاب شرعی باشند» (امام خمینی، ج ۵: ۱۵۰). این سخنرانی نوع پوشیدگی جامعه اسلامی ایران را به نوعی ترسیم نمود و پوشش‌هایی همچون مانتو و چادر به دلیل پوشیدگی آنها در اولویت قرار گرفتند.



تصویر ۱: (سمت راست) پوشش زنان در اوایل انقلاب، تصویر (سمت چپ)، پوشش‌های مختلف زنان در خیابان‌ها بدون حجاب سر در اوایل انقلاب

۱. Victoria, D Alexander

۳-۲- وضع قوانین مربوط به پوشش

همان طور که نخستین دستور العمل های مربوط به پوشش، برای زنان کارمند صادر شد، نخستین قانونگذاری مربوط به حجاب نیز، مربوط به زنان کارمند بود. مجلس شورای اسلامی در مهرماه ۶۰ قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت را تصویب کرد که در آن ضوابط پاکسازی و نحوه اجرای آن مشخص شده بود. بر اساس ماده ۱۸ این قانون، عدم رعایت حجاب اسلامی به عنوان یکی از موارد اعمال خلاف اخلاق عمومی شناخته شده و مرتکب آن مشمول قانون بازسازی نیروی انسانی می شد (ماده ۱۹) و مجازات هایی از توبیخ کتبی با درج در پرونده تا بازخرید، اخراج و انفصال از خدمت در انتظار او بود. (ماده ۲۰). (قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه ها، ۱۳۶۰)

این قانون که تنها برای مدت دو سال اعتبار داشت بعدها با قانون هیأت های رسیدگی به تخلفات اداری (مصوب اسفند ۶۲ مجلس شورای اسلامی) جایگزین شد بر اساس بند ۱۳ ماده ۸ این قانون، تخلف و مشمول مجازات های اداری شناخته می شود. در ۱۸ مرداد سال ۱۳۶۲، ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات به عنوان نخستین مصوبه قانونی در مورد پوشش، به همراه سایر مواد این قانون از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت. این ماده مقرر می داشت: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انتظار عمومی ظاهر شوند به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد. (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۶۲)

اجرای این ماده در زمان تصویب به عهده کمیته های انقلاب اسلامی (گشت های نارالله) و دادگاه های انقلاب بود. با انحلال کمیته ها و تأسیس نیروی انتظامی در سال ۱۳۷۱، نیروی انتظامی به عنوان ضابط قضایی مأمور اجرای این ماده از قانون شد. در سال های اول پس از انقلاب، دایره رسیدگی به منکرات دادگاه انقلاب رسیدگی به جرائم مربوط به این قانون را بر عهده داشت اما از آن پس، دادسراها و دادگاه های عمومی به جرائم مربوط به پوشیدن لباس ها یا آرایش های خلاف شرع و موجب فساد و هتک حرمت عمومی رسیدگی می کنند.

بر اساس تبصره ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات، متن ماده به شرح زیر است: «هر کس علناً در انتظار و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می گردد و در صورتی که نفس عمل دارای کیفر نمی باشد ولی اگر عفت عمومی را جریحه دار نماید، فقط تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می گردد.

تبصره: زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انتظار عمومی ظاهر شوند به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد. «کمیته های انقلاب اسلامی زنانی را که پوشش آنها با این ماده منطبق نبود دستگیر و به دادسرا معرفی می کردند. (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۶۲)

با تصویب قانون جدید تعزیرات به عنوان بخش پنجم قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۵۷، ماده ۱۰۲ ملغی و جای خود را به تبصره ماده ۶۳۸ داد که مقرر می دارد: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انتظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.» به این ترتیب، مجازات شلاق که پیش از سال ۷۵ برای نقض قوانین مربوط به پوشش از سوی زنان اجرا می شد، با این اصلاحیه جای خود را به حبس یا جزای نقدی داد. (هاشمی، ۱۳۸۶)

در کنار ماده ۱۰۵ قانون تعزیرات، قانونگذار در سال ۱۳۶۵، قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس هایی را که استفاده از آنها در ملاعام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه دار می کند به تصویب رساند. بر اساس ماده ۳ این قانون «کسانی که در انتظار عمومی وضع پوشیدن لباس و آرایش آنها خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالحه محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازات های مذکور در ماده ۲ محکوم می گردند.» (قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان، ۱۳۶۵)

این مجازات ها از تذکر و ارشاد، توبیخ و سرزنش و تهدید شروع می شود و به جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال می رسد و «دادگاه با توجه به شرایط و حالات مجرم، دفعات و زمان و مکان وقوع جرم و دیگر مقتضیات، مجرم را به یکی از مجازات های مذکور محکوم می نماید.» (همان)

در آیین نامه اجرایی این قانون (مصوب ۵/ ۴/ ۱۳۶۸) کمیسیونی مرکب از نمایندگان نخست وزیری، شورای عالی قضایی، وزارت کشور، وزارت ارشاد، وزارت فرهنگ، وزارت آموزش و پرورش، صدا و سیما و شورای فرهنگی اجتماعی زنان، مظاهر فساد را تشخیص می دهند و به مراجع قضایی ابلاغ می کنند. مراجع قضایی موظفند بر اساس مصادیق و مواردی که این کمیسیون تعیین می نماید به تخلفات رسیدگی کنند. به موجب ماده مزبور، کمیته انقلاب اسلامی دستگاه اجرایی تصمیمات کمیسیون بود (جز در موارد خاصی که خود کمیسیون دستگاه اجرایی دیگری را تعیین می کرد). (آیین نامه اجرایی قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان، ۱۳۶۸)

به دلیل عدم انتشار مصوبات این کمیسیون، مشخص نیست در چند مورد کمیسیون یاد شده به تعیین مصادیق تخلف اقدام کرده است. بر اساس سندی که مربوط به سال ۷۱ است، برخی از مصادیق البسه و آرایش غیر مجاز که توسط «کمیسیون سیاستگذاری در امور اجرایی مبارزه با مظاهر فساد» تعیین شده به شرح زیر است:

– استفاده از انواع لباس های شهره از قبیل کت و شلوار مردانه، بلوز و دامن بدون مانتو، مانتوهای کوتاه، بالای زانو و آستین کوتاه با مدل های دوخت متنوع چراغ دار و فلش دار و ...

– استفاده از انواع جوراب کوتاه گی پور، نازک، توری، لنگه به لنگه، رنگین دارای علائم و تصاویر و نشانه های خاص
– استفاده از انواع وسایل نمایشی و مبتذل از قبیل کلاه، گردنبند، گوشواره، کمر بند، مچ بند (دست و پا)، عینک، پیشانی بند، انگشتر، کیف، شال و دستمال گردن، کراوات، تسبیح، یا کمر بند (شب رنگ دار، پولک دار، چراغ دار و ...) (مصوبه هیات وزیران، ۱۳۶۸)

همچنین به موجب مصوبه ۷۵ / ۶ / ۲۵ کمیسیون یاد شده موارد دیگری به مصادیق البسه و آرایش غیر مجاز اضافه می شود که استفاده از کمر بند، مچ بند، عینک های دارای طرح های غیر متعارف، انگشترهای دارای نقوش و حروف لاتین، لباس هایی که روی آنها تصاویر حیوانات نظیر کله گرگ، کله روباه و سایر حیواناتی که مظهر درندگی، موزیگری و شهوترانی می باشد یا روی آنها تصاویر حشرات باشد جزیی از آن است. (همان)

به این ترتیب، ضابطان قضایی پس از بازداشت کسانی که نحوه پوشش آنها با مصادیق یاد شده منطبق بود، آنها را به دادسرا و دادگاه می فرستادند. به عنوان مثال، استفاده از هر یک از لوازم آرایش (مانند روژ لب، خط چشم و ...)، به طور جداگانه در گزارش ضابطان قضایی جهت تعیین میزان مجازات یا جریمه ذکر می شد. با این همه به نظر می رسد از سال های پایانی دهه ۷۰ به این سو، کمیسیون یاد شده عملاً تشکیل نشده است و نیروی انتظامی مصادیق نقض حجاب شرعی را در انظار و اماکن عمومی برای ضابطان خود مشخص کرده است. به عنوان مثال در خرداد ۸۴، اداره اماکن نیروی انتظامی فروش و استفاده از مانتوهای رنگ روشن و عینک های آفتابی ماهواره ای را ممنوع اعلام کرد. (روزنامه یاس نو، ۱۳۸۴: ۱۰)

پیش از تشکیل کمیسیون یاد شده نیز همواره ساز و کارهای دولتی وجود داشته اند که این مصادیق را عمدتاً با توجه به البسه ای که در زمان تعیین مصادیق، مد بوده اند مشخص می کرده اند. به عنوان مثال، شورای اجتماعی استان تهران (مستقر در استانداری تهران) آیین نامه اجرایی مبارزه با بد حجابی در جامعه اسلامی را در سال ۶۷ تدوین و ابلاغ کرده است. در این آیین نامه، انواع بدحجابی که موجب جلب و تحویل به مقامات قضایی می شود به «بی حجابی های مربوط به سر» و «بی حجابی های مربوط به تنه و پا» تقسیم می شود که مصادیق هر مورد به تفصیل بیان شده است:

«ماده ۱- طبقه بندی و تعریف انواع بدحجابی که مشمول جلب و تحویل به مقامات قضایی می شود:

الف - بی حجابی های مربوط به سر:- بیرون بودن بخشی از موی سر به صورت نمایشی و زننده.- آرایش صورت با استفاده از رژلب، سایه چشم و به صورت زننده و تحریک آمیز

ب- بی حجابی های مربوط به تنه و پاها:- استفاده از لباس هایی که قسمت هایی از بدن را پوشش ندهد- استفاده از لباس های توری و نازک و بدن نما.- استفاده از لباس هایی که برجستگی های بدن را به صورت تحریک آمیزی جلوه گر نماید.- استفاده از شلوارهای تنگ بدون مانتو- استفاده از جوراب های توری پانما، بدون شلوار یا شلوارهای کوتاه.- استفاده از لباس هایی که دارای علامات و عکس ها یا نوشته های زننده خلاف اسلامی باشد.

نحوه اجرای آیین نامه بدین شرح است:

ماده ۲- کلیه موارد مربوط به ماده یک (تعاریف) چنانچه سهواً انجام پذیرد، به تشخیص مأمورین، مشمول ارشاد و تذکر می شود.

ماده ۳- مواردی که مشمول تذکر و ارشاد و نهایتاً اخذ تعهد کتبی می گردند به شرح ذیل می باشند:

الف- نمایان بودن موی سر به غیر از حالات مندرج در ماده یک.

ب- هرگاه بلندی مو موجب نمایان شدن مو از قسمت پشت روسری گردد.

ج- چنانچه حرکات مختلفه بدنی موجب بی حجابی شود.

د - باز بودن دگمه های لباس به صورتی که موجب نمایان شدن قسمتی از بدن گردد. (آیین نامه شورای اجتماعی استان تهران، ۱۳۶۷)

همچنین شورای عالی انقلاب فرهنگی و سایر مراجع اداری، مصوباتی را در سال های مختلف برای پوشش دانشجویان، کارمندان و مراجعان و نیز برخی دیگر از مشاغل خاص تصویب کردند که آخرین نسخه این مصوبات، اغلب پس از چند بار تغییر و تحول، در مجموعه ای که پیش رو دارید منتشر شده است. همانطور که در برخی از مصوباتی که در این مجموعه آمده دیده می شود، در میان این مقررات تفاوت های قابل توجهی به چشم می خورد. به عنوان مثال برای حضور در برخی از اماکن آموزشی و حتی بهداشتی و درمانی، پوشش چادر الزامی شناخته شده است، « به عنوان مثال پوشیدن چادر برای تمامی مراجعین و ملاقات

کنندگان زن در بیمارستان بقیه الله تهران که متعلق به سپاه پاسداران می باشد اجباری است. همچنین است مدارس شاهد از کلاس چهارم دبستان به بعد، برخی از واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خواران دانشگاه امام صادق (ع) و...». (اصول و مبانی و روش های اجرای گسترش فرهنگ عفاف، ۱۳۷۶) در حالی که در بیشتر ادارات دولتی و اماکن آموزشی چنین الزامی وجود ندارد. شورای عالی انقلاب فرهنگی، علاوه بر تصویب قوانینی برای پوشش در فضاهای آموزشی و فرهنگی، در دو مورد دست به تصویب مقررات عام زده است. اولین مورد، «اصول و مبانی و روش های اجرایی گسترش فرهنگ عفاف» مصوب ۱۳۷۶/۱۱/۱۴، و دومین، راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف مصوب ۱۳۸۴/۵/۴ است. با توجه به اجرایی نبودن اولین مصوبه، در مصوبه دوم وزارت ارشاد موظف شده کمیته ی ترویج و گسترش فرهنگ عفاف را با نمایندگان ۲۲ سازمان، وزارتخانه و نهاد حکومتی تشکیل دهد تا «راهکارها، آیین نامه ها و دستورالعمل های اجرایی و نقش دستگاه های ذیربط در این خصوص را تهیه و تصویب نموده و به اطلاع شورای عالی انقلاب فرهنگی برساند». (راهبرد های گسترش فرهنگ و عفاف، ۱۳۸۴)

یکی از دستگاه های یاد شده نیروی انتظامی بود که در چار چوب وظایف تعیین شده، طرح ارتقای امنیت اجتماعی را از سال ۸۶ با مستقر کردن گشت های ارشاد در خیابان ها و اماکن عمومی به اجرا رساند. بر اساس بند ۱ بخش مربوط به نیروی انتظامی در راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، «اعلام حدود و ضوابط قانونی عفاف و ملاک های بدحجابی در جامعه به منظور تشخیص مصادیق آن» بر عهده نیروی انتظامی گذاشته شده است. نیروی انتظامی تاکنون موارد زیر را به عنوان مصادیق «بدپوشی» اعلام کرده است:

برای زنان، استفاده از: ۱- شلوار کوتاه ۲- مانتوهای کوتاه ۳- مانتو یا لباس های چسبان (به جای مانتوهای مناسب) ۴- روسری یا شال های کوتاه و کوچک که موها را نمی پوشاند ۵- پوتین های بلند ۶- کلاه بدون مقنعه یا روسری ۷- پوشیدن پالتو یا کاپشن کوتاه بدون مانتو و برای مردان، استفاده از: ۱- شلوار کوتاه ۲- لباس هایی با مارک منحرف ۳- آرایش مو به سبک گروه های فاسد غربی. (مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴)

آخرین قانونگذاری عمومی مربوط به پوشش، تصویب قانون ساماندهی مد و لباس در سال ۸۵ در مجلس شورای اسلامی بود که در ۱۳/۳/۸۷ هم آیین نامه اجرایی آن به تصویب وزیران عضو کمیسیون فرهنگی دولت رسید. (قانون ساماندهی مد و لباس، ۱۳۸۵)

جدول ۱: مقایسه ای تحولات اجتماعی و پوشش زنان بعد از انقلاب

رویداد (سال)	نوع لباس	مدل لباس	تحولات جامعه	تغییرات لباس	جنسیت پارچه و رنگ	جمع بندی
سال ۵۷ تا ۶۰	چادر سنتی		۱. تظاهرات و مبارزه علیه رژیم شاه جهت حذف حکومت پهلوی ۲. انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی	۱. رواج استفاده از چادر در جامعه	۱. پارچه های خشک و آهار دار مثل ترگال	تغییر به سمت پوشیدگی است
	چادر انقلابی		۳. نو سازی فرهنگی، جایگزینی ارزشهای دینی و مذهبی بجای الگو های غربی	۲. رواج چادرهای انقلابی یا آستین دار	۲. رنگهای تیره مثل مشکی	
	مانتوهای اوایل انقلاب	 	۴. تبلیغات رهبران دینی، صدور بخشنامه های حجاب ۵. قوانین پوشش و جلوگیری از ورود زنان بی حجاب در ادارات ۶. انقلاب فرهنگی، برتر شمردن چادر به عنوان حجاب برتر از سوی رهبران دینی، آغاز جنگ تحمیلی، افزایش روحیه ایثار و شهادت در بین مردم.	۳. استفاده از مانتو های گشاد و بلند، چین دار در سرشانه با یقه های بسته، آستین های مچ دار.	۳. قهوه ای سرمه ای خاکستری روشن ترین رنگ کرمی	

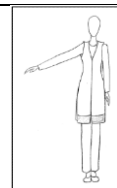
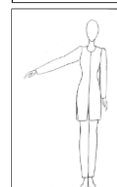
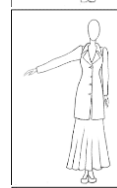
ادامه جدول ۱: مقایسه ای تحولات اجتماعی و پوشش زنان بعد از انقلاب

رویداد (سال)	نوع لباس	مدل لباس	تحولات جامعه	تغییرات لباس	جنسیت پارچه و رنگ	جمع بندی
دهه ۶۰	چادر دهه ۶۰		۱. جنگ تحمیلی، دفاع از تمامیت ارضی کشور در برابر دشمن. ۲. جهاد فرهنگی و نظامی، ایدئولوژی صدور انقلاب، حفظ ارزشهای انقلاب، رواج روحیه شهادت و از خود گذشتگی. ۳. تثبیت انقلاب، حاکم شدن قوانین انقلابی در جامعه، ۴. مهاجرت از شهرهای مرزی به شهرهای بزرگ، صدور اطلاعاتیه‌های مربوط به پوشش، صدور بخشنامه‌ها و آئین نامه‌های پوشش مدارس. ۵. تشکیل کمیته انقلاب اسلامی، سخنان مسئولین در مورد حجاب و پوشش در تریبون‌های نماز جمعه. ۶. تصویب قانون ۱۰۲ تعزیرات عمومی مجازات شلاق افراد بد حجاب، صدور بخشنامه پوشش برای زنان کارمند، پایان جنگ و آتش بس. قطعنامه ۵۹۸، بازسازی کشور، پایان جنگ خلیج فارس، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ۸. روی کار آمدن دولت جدید	۱. پیدایش چادر آستین دار ۲. مانتوهای گشاد چین دار و پیلی دار و بلند در بعضی موارد کوتاه، به همراه اپل در سرشانه‌ها ۳. مانتوهای شبیه بارانی دارای کمر بند، رواج یقه انگلیسی ۴. پیدایش چاک در پشت مانتو‌ها	۱. شبیه پارچه‌های دوره قبل بیشتر از جنس‌هایی شبیه ترگال استفاده می‌شد، در بعضی موارد از پارچه‌های نخی ضخیم ۲. رنگ سفید در این دهه کم‌کم وارد مانتو‌ها شد، در بعضی موارد رنگ‌های صورتی نیز دیده می‌شود. بیشتر رنگ‌های گرمی، طوسی، خردلی، سرمه‌ای، قهوه‌ای، مشکی،	حفظ نمونه‌های محجب و تثبیت پوشش اسلامی. تداوم فرم قبلی

رویداد (سال)	نوع لباس	مدل لباس	تحولات جامعه	تغییرات لباس	جنسیت پارچه و رنگ	جمع بندی
دهه ۷۰	مانتو دهه ۷۰		۱. محاصره اقتصادی، ۲. تعامل بیشتر با کشورهای خارجی، ۳. انقلاب جمعیتی، فعالیت زنان در حوزه‌های مختلف علمی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، ۴. افزایش خصوصی سازی ۵. ایجاد فاصله طبقاتی در جامعه، کم رنگ تر شدن ارزشهای سنتی، پر رنگ شدن ارزشهای مدرن، ۶. انحلال کمیته انقلاب و تشکیل نیروی انتظامی، ۷. آزاد شدن قاچاق ویدئو، واردات کالا افزایش تبلیغات.	۱. مانتو آزاد و بلند دارای اپل آستین سرشانه چین دار دو ردیف دکمه تعداد دکمه کمتر از قبل یقه انگلیس باز پشت دارای چاک ۲. یقه انگلیسی باز آستین کیمونو کوتاه بالای زانو پشت چاک دار دارای اپل مانتو آستین کیمونو ساده‌بند دارای اپل و چاک پهلوی	۱. پارچه نخی ضخیم رنگ‌های روشن مثل سفید وارد مانتو‌ها شده ۲. پارچه کرپ و دارای تعدادی تنوع رنگ	در حال فاصله گرفتن از پوشیدگی و حرکت به سمت ایجاد شکاف با نمونه‌های اولیه تثبیت شده انقلاب

ادامه جدول ۱: مقایسه‌ای تحولات اجتماعی و پوشش زنان بعد از انقلاب

رویداد (سال)	نوع لباس	مدل لباس	تحولات جامعه	تغییرات لباس	جنسیت پارچه و رنگ	جمع بندی
دهه ۷۰	مانتو خفاشی		۸. افزایش شبکه های تلویزیونی، چاپ نشریات متعدد زنان، ۹. روی کار آمدن دولت جدید در سال ۷۶، طرح گفتگوی تمدن ها ۱۰. تغییر در امور سیاسی و اقتصادی کشور. با گفتمان تنش زدایی و اعتماد سازی در سیاست خارجی کشور ۱۱. سفر رئیس جمهور به کشور های اروپایی	۱. مانتو خفاشی، لبه ها از پارچه مصرفی استفاده شده دارای اپل ۲. مانتو کوتاه یقه انگلیسی دوردیف دکمه دارای کمر بند ۳. مانتو ساده بلند دارای چاک در دو طرف پهلوی بند های بلند در آستین ها برای کوتاه کردن قد آستین، دارای اپل	۱. پارچه کرپ و ساتن تنوع رنگی ۲. پارچه نخ ضخیم رنگ بندی مختلف ۳. پارچه کرپ و دارای رنگ بندی	ایجاد تنوع در پوشش زنان و وجود تنوع رنگی و فرمی در مانتو ها و همچنین کوتاه شدن آنها نسبت به دوره های قبلی و در نهایت چاک پهلوی در مانتو های بلند
	مانتو های دهه ۷۰		۱۲. افزایش اینترنت، ۱۳. تغییر آئین نامه پوشش مدارس.			
						

رویداد (سال)	نوع لباس	مدل لباس	تحولات جامعه	تغییرات لباس	جنسیت پارچه و رنگ	جمع بندی
دهه ۸۰	مانتو سارافونی			۱. مانتو بدون آستین شبیه به سارافون چاک در پهلوی اندامی ۲. مانتو لی ساده تنگ دو طرف پهلوی دارای چاک ۳. مدل مانتو کوتاه با یقه انگلیسی دامن کلوش بلند ماکسی مانتو ساده در قسمت دامن گشاد و دو طرف پهلوی مانتو آویز و بلندتر از قسمت جلو ۴. استفاده از یقه های فانتزی و مانتو های بلند بدون دکمه به عنوان مانتو مجلسی	۱. پارچه لیزی براق تنوع رنگی ۲. پارچه جین (لی) رنگ آبی ۳. پارچه کرپ لطیف، تنوع رنگی ۴. پارچه ریبون نرمو لطیف بدن نما تنوع رنگی ۵. کرپ نخ و تنوع رنگی	از سال ۸۴ دولت تلاش کرد که پوشش به روال اوایل انقلاب برگردد، می توان گفت حرکت به سمت پوشیدگی را در این دهه داریم اما در ادامه با رواج جنسیت پارچه ریبون و طراحی نمونه های بدون دکمه اما پوشیده بستری مناسب برای گام بعدی یعنی لباس های جذب و مانتو های بدون دکمه فراهم گردید.
	مانتو لی					
	مانتو دامن		۱. طراحی لباس ملی، در آبان سال ۱۳۹۰ ۲. افتتاح اولین نمایشگاه ملی مد و مانتو در فرهنگسرای نیاوران، ۳. رواج تبلیغات ماهواره ای، گسترش واردات،			
	مانتو ریبون					
	مانتو یقه فانتزی					

ادامه جدول ۱: مقایسه ای تحولات اجتماعی و پوشش زنان بعد از انقلاب

رویداد (سال)	نوع لباس	مدل لباس	تحولات جامعه	تغییرات لباس	جنسیت پارچه و رنگ	جمع بندی
دهه ۹۰	ماتو اندامی آستین کوتاه		۱. سال ۹۱ دومین جشنواره بین المللی مد و لباس فجر ۲. روی کار آمدن دولت جدید در سال ۹۲ ۳. ایراد سخنرانی توسط مسئولین در مورد گشت های ارشاد ۴. مذاکرات هسته ای، تحریم ایران توسط کشور های اروپایی و آمریکا، ۵. سفر رئیس جمهور به کشور های ایتالیا و فرانسه و گفتگو با رهبر کاتولیک های جهان ۶. افزایش شبکه های ماهواره ای و اجتماعی مثل واتساپ، تلگرام و....	۱. حذف کامل دکمه از ماتو ها، رواج استفاده از آستین کوتاه در ماتو ها ۲. حذف کامل دکمه از ماتو، چاک های بلند در پهلوی آستین سه ربع ۳. مدل پیراهنی، یقه گرد کراواتی، کمر لیفه ای، دامن خمره ای و کوتاه آستین بلند مچی ۴. حذف کامل دکمه از ماتو ها، جلو باز آستین سه ربع ۵. رواج ماتو های منقوش بدن نما ۶. آزاد و بلند بدون دکمه ۷. ماتو ساده بدن نما، بدون دکمه، در پهلوی چاک های بلند ۸. رواج ماتو های متنوع از ماتو ۹. رواج استفاده از آستین های فانتزی و کلوش، ۱۰. استفاده از آستین های فانتزی و کلوش، ۱۱. پارچه های بدن نما با چاک بلند در پهلوی ۱۲. ماتو کوتاه همراه با دامن و برش های رنگی در ماتو ۱۳. ماتو ساده دارای برش های ساده که قسمتی از برش ها از تور استفاده شده و بدنما است.	۱. پارچه کرپ نازک و نخی نازک و بدنما ۲. پارچه نخی با طرح نوشته، معروف به روزنامه ای ۳. پارچه کرپ نازک و نخی نازک ۴. پارچه های حریر منقوش ۵. پارچه حریر شیشه ای نازک با چاک های بلند در پهلوی ۶. پارچه نخی نازک بدن نما ۷. استفاده از پارچه های تافته ۸. پارچه حریر مورد استفاده قرار گرفته است ۹. پارچه ساده و طرح دار و سنتی ۱۰. پارچه تور و کرپ نخ ساده تنوع رنگی و توجه به ست رنگی زیاد	ایجاد شکاف بیشتر بین پوشش تثبیت شده انقلابی و ایجاد هنجارها در مقایسه با آن نمونه ها. تبدیل فرم ماتو به پیراهن و استفاده از پارچه های غیر معمول برای لباس بیرونی در ماتو. اندامی شدن لباس ها و تنگ شدن آنها، کوتاه شدن قد شلوارهای جذب و جلو باز بودن ماتو ها بستر سازی برای تبدیل ماتو به یک پوشش نمادین و کاملاً متضاد با رویه اولیه از جنبه اهمیت پوشندگی بدن.
	ماتو پشت نویسی شده					
	ماتو دهه ۹۰					
	ماتو جلو باز همراه شلوار گشاد لیفه ای					
	ماتو منقوش					
	ماتو شیشه ای					
	ماتو شالی					
	ماتو فانتزی					
	ماتو شیشه ای، آستین فانتزی					
	ماتو دامن طرح سنتی					

۴- نتیجه گیری

بر یافته های پژوهش آنچه بعد از انقلاب اسلامی ایران رخ داد، تحولی انقلابی در مسیر تحولات قبلی در حوزه لباس زنان در جامعه بود که با عنوان لباس اجتماع زنانه مطرح گردید. لباس زنان به دلیل اهمیت آن با برپایی نظام اسلامی در راس امور قرار گرفت و در سال های اولیه بعد از انقلاب بسیار سریع مورد تغییر و دگرگونی هایی شد. هرچند تحولات دورا پهلوی در شهر ها و روستاهای کوچک تر کم تر شکل یافته بود و زنان همچنان بر شیوه پوشش مرسوم خود پافشاری کرده بودند اما در شهر های بزرگ تر جریان کشف حجاب پر رنگ تر بود. بعد از انقلاب با سخنرانی های مذهبی و تحلیل های مختلف و قوانین وضع شده حد و حدودی برای آن تشریح شد و بعد از کش و قوس هایی بالاخره در همان ابتدای سال های انقلاب چادر و مانتو به دلیل نوع پوشیدگی شان در زمره پوشاک اجتماع زنان پذیرفته شد و در راس لباس های زنانه قرار گرفت. با تصویب قانون های مختلف بخصوص برای زنان دولتی در نهایت مانتو هایی که پوشیدگی کافی داشتند و جلب توجه نمی کردند به نوعی در کنار چادر لباس های اصلی اجتماع زنان شدند و تمام طراحی های دیگر با حفظ جنبه های پوشیدگی و تبعیت از آن اصول پیش رفت که نمونه های بارز آن مانتو خفاشی بود. اما در دهه های بعد با تغییر در راس دولت و ارتباط با جامعه غرب و نفوذ فرهنگ بیگانه از طریق آزاد سازی ویدیو های خانگی و عدم نظارت هدفمند و تا حدودی عدم سازماندهی در شرایط استفاده از ماهواره و ... به عنوان بخشی از تحولات اجتماع نقش مستقیمی در تحولات مانتو و لباس اجتماع زنان داشت. هرچند در ماهیت اصلی استفاده از فضای مجازی و کانال های ارتباطی و گسترش تکنولوژی و اینترنت و عمومی شدن آنها برای سنین مختلف امری همسو با پیشرفت است. در نهایت طرح های مسکن همچون استقبال دولت از طراحی لباس ملی و ساماندهی جشنواره های مد و لباس نتوانست مسیر تحولات را ساماندهی نماید که خود این امر و دلایل آن در بحث این پژوهش نمی گنجد. و بالاخره در مسیر طی شده آنچه صورت یافته است سمدلی از نمونه اولیه مانتو است که در نقطه مقابل اهداف اولیه شکل یافته است. البته لازم به ذکر است که نباید این تحولات را برای عموم مردم در نظر گرفت و بسیاری از زنان ایرانی همچنان مبتنی بر همان نوع پوشش هستند و طراحی های جدید تزریق شده به جامعه مورد نظر و استفاده آنها نبوده است. این مسیر روشن کننده مسیر حرکت طراحی های جدید در پوشش زنان در جامعه به حساب می آیند.

منابع

۱. بوکهارت، تیتوس (۱۳۶۵). هنر اسلامی: زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات سروش.
۲. یارشاطر، احسان، (۱۳۹۶)، پوشاک در ایران زمین، ترجمه پیمان متین، نشر امیرکبیر، تهران.
۳. الهی، محبوبه، (۱۳۸۹). لباس به مثابه هویت، فصلنامه مطالعات ملی، سال یازدهم، شماره ۲، ص ۴ تا ۲۷.
۴. مونس سرخه، مریم، (۱۳۹۱). بازخوانی نظام پوشاک ایرانی (با تاکید بر رویکرد پسا ساختار گرایی بارت)، نشر پژوهش هنر دانشگاه هنر اصفهان، شماره ۳، ص ۳۷ تا ۴۶.
۵. صالحی، نصرالله، (۱۳۷۸). البسه نامانوس: (از نیمه حکومت قاجار تا بعد از انقلاب اسلامی (بازتاب تحولات فرهنگی در تنوع و کارکرد آنها)، نشر کتاب ماه هنر، شماره ۱۷ و ۱۸، ص ۶۶ تا ۶۷.
۶. یار شاطر، احسان، (با همکاری پیمان متین)، (۱۳۸۳)، پوشاک در ایران زمین، تهران: امیر کبیر.
۷. الکساندر، ویکتوریا، (۱۳۹۰). جامعه شناسی هنرها، شرحی بر اشکال زیبا و مردم پسند هنر، ترجمه اعظم راودراد، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
۸. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد ۵، ص ۱۵۰.
۹. جوادی یگانه، محمد رضا و سید علی کشفی، (۱۳۸۶)، نظام نشانه ها در پوشش فصلنامه کتاب زنان، س ۱۰، ش ۳۸، ص ۷۳.
۱۰. محمدی، رامونا، سیر تاریخ و تحولات پوشاک در ایران، تهران، جمال هنر، زمستان ۱۳۹۲.
۱۱. توسلی، حمید رضا، (۱۳۷۰). پوشاک در گذر زمان، انتشارات جلوه هنر، شماره ۱، ص ۱۰ تا ۱۵.
۱۲. ولف، جانت، (۱۳۶۷)، تولید اجتماعی هنر، ترجمه نیره توکلی، تهران: مرکز، ص ۶۳.
۱۳. جباری، طاهره، (۱۳۹۵)، حجاب و عفاف، قم، بهار دلها، چاپ البرز، چاپ دوم.
۱۴. عیسی زاده، عیسی، (۱۳۹۷)، پوشش بر اساس آموزه های قرآن و اهل بیت علیه السلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۵. مصوبات مجلس شورای اسلامی، (ماده ۱۸، ۱۹، ۲۰) قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی وابسته به دولت، ۱۳۶۰/۷/۵، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
۱۶. مصوبات مجلس شورای اسلامی، (ماده ۱۰۲)، قانون مجازات اسلامی، ۱۳۶۲/۵/۱۸، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

۱۷. مصوبات مجلس شورای اسلامی، (تبصره ماده ۱۰۲)، قانون مجازات اسلامی، ۱۳۶۲/۵/۱۸، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
۱۸. هاشمی، سید حسین، (۱۳۸۶)، مطالعات راهبردی زنان (نقدی بر ماده ۶۳۸ ق.م.ا. در جرم انگاری بد حجابی) شماره ۳۷، ۱۹. مصوبات مجلس شورای اسلامی، (ماده ۲) قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس ها . . . ، ۱۳۶۵/۱۲/۲۸، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
۲۰. مصوبات هیات وزیران، (ماده ۱) آیین نامه اجرایی قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس ها . . . ، ۱۳۶۸/۳/۲۰، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
۲۱. مصوبات هیات وزیران، بخشنامه شماره ۶۰۸/۱ مورخ ۱۳۶۸/۳/۲۰، عبدالله نوری وزیر کشور.
۲۲. صدر، شادی، (۱۳۸۴)، شهر ممنوع، روزنامه یاس نو، ش ۶۹، ۷ خرداد ۱۳۸۴، ص ۱۰.
۲۳. مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، راهبرد های گسترش فرهنگ عفاف، جلسه ۴۲۷، ۱۳۸۴/۱۰/۱۳.
۲۴. شورای اجتماعی استان تهران، آیین نامه اجرایی مبارزه با بد حجابی، (۱۳۶۷).
۲۵. مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، راهبرد های گسترش فرهنگ عفاف، جلسه ۵۶۶، ۱۳۸۴/۵/۴.
۲۶. مصوبات مجلس شورای اسلامی، قانون ساماندهی مد و لباس، ۱۳۸۵/۱۰/۱۲، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

مقایسه اثربخشی روش دستگاه الکتروشوک RT-901 بر ترک اعتیاد و بررسی میزان این اثربخشی با سطح تأثیر روش متادون درمانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲

کد مقاله: ۱۸۱۰۰

جواد تقوی سوره برق^۱، شبنم نویدی پشتیری^۲

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر مقایسه میزان اثربخشی درمان الکتروشوک RT-901 و درمان با متادون (MMT) در نگرش به مواد مخدر در معتادان است. روش پژوهش حاضر نیمه‌تجربی است و برای جمع‌آوری داده‌ها از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون (سه گروهی) با دو گروه آزمایش و یک گروه کنترل استفاده شده است، که در آن ۳۰ نفر از معتادان مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد شهر رشت انتخاب شده و در سه گروه الکتروشوک، درمان با متادون و گروه کنترل جایگزین شدند. آزمودنی‌های هر سه گروه (۲ گروه آزمایش و ۱ گروه کنترل)، قبل و پس از پایان مداخله پرسشنامه سنجش وسوسه مصرف مواد را تکمیل نمودند. به منظور تحلیل داده‌های حاصل از نمره کل شرکت‌کنندگان، از تحلیل کوواریانس یک متغیری (ANCOVA) استفاده شد. آزمون لون حکایت از برابری واریانس‌ها داشت ($p>0/05$)، $F=1/952$ و جهت بررسی دقیق‌تر یافته‌ها از آزمون تعقیبی بونفرونی استفاده شد. با توجه به سطوح معناداری به‌دست آمده برای گروه‌ها، مشخص گردید درمان با الکتروشوک ($P=0/000$) در مقایسه با درمان با متادون ($P=0/018$) از اثربخشی بالاتری برخوردار می‌باشد؛ بنابراین شرکت در هر دو گروه آزمایشی (الکتروشوک و متادون) در قیاس با گروه کنترل تغییر معنادار نگرش نسبت به مواد ایجاد شد و همچنین مطابق با نتایج حاصل درمان الکتروشوک با ایجاد انزجار و بر پایه شرطی‌سازی کلاسیک تأثیر به‌مراتب سریع‌تر و بهتری بر میل به مصرف مواد نسبت به روش متادون درمانی داشته است؛ بنابراین باتوجه به این یافته‌ها استفاده از روش الکتروشوک در مقایسه با روش متادون درمانی باتوجه به عوارض جانبی متادون می‌تواند به‌عنوان یک روش غیردارویی در کاهش میل به مصرف مواد مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: اعتیاد، تشنج الکتریکی، متادون، رشت

۱- دانشجوی دکتری تخصصی روان‌شناسی عمومی، عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان

۲- دانشجوی دکتری تخصصی روان‌شناسی عمومی، مدرس دانشگاه، عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی، رشت

اختلال سوءمصرف مواد و اعتیاد^۱ یکی از بحران‌های چهارگانه قرن بیست و یکم و از معضلات بهداشت، روانی و اجتماعی است که تمام جوامع را درگیر کرده است. در ایجاد و تداوم اعتیاد عوامل مختلف از جمله عوامل فردی، اجتماعی، روانشناختی و زیستی نقش دارند. اعتیاد به الگوی ناسازگارانه مصرف مواد اطلاق می‌شود که با مجموعه‌ای از نشانه‌های رفتاری، فیزیولوژیکی و شناختی در طول یک دوره ۱۲ ماهه نمایان می‌شود و باعث مصرف مداوم مواد می‌شود و زندگی شخصی فرد و خانواده و جامعه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد (راطق و فرهادی، ۱۳۹۸). در واقع، پدیده شوم اعتیاد، یکی از موضوعات بسیار مهم و اساسی در ارتباط با سلامت افراد محسوب می‌شود. اعتیاد از جمله آسیب‌های مهم اجتماعی قلمداد می‌شود، چرا که نه تنها مخاطراتی برای سلامت فرد و جامعه در پی دارد، بلکه انحطاط روانی و اخلاقی افراد را نیز موجب خواهد شد (علی مرادی و همکاران، ۱۳۹۰). اعتیاد به مواد مخدر یکی از مسائل مهم در هر جامعه و از گسترده‌ترین عوامل خطرزا در سلامتی است که می‌توان آن را از منظر عوامل زیست شناختی، روان شناختی و اجتماعی بررسی کرد. اعتیاد بیماری پیشرونده و تخریب‌کننده‌ای است که نه تنها می‌تواند باعث مرگ فرد مبتلا شود، بلکه باعث آسیب به خانواده فرد معتاد که در آن زندگی می‌کند، می‌شود (سلطانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۶). به عبارت دیگر، یکی از جدی‌ترین معضلات بشری در سال‌های اخیر و یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌های انسانی، سوءمصرف مواد است که به‌عنوان الگوی غیرانطباقی مصرف مواد مشکلات مکرر شغلی، اجتماعی و قانونی را به دنبال خواهد داشت (منصوری جلیلیان و یزدان بخش، ۱۳۹۳). اعتیاد به‌آسانی می‌تواند اساس زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی یک فرد را با تغییر دادن افکار، خلق و خو، شخصیت و رفتار از بین ببرد (ترنر، مکدونالد و سومرست^۲، ۲۰۰۸) و به‌طور جدی سلامت، امنیت و اقتصاد ملل جهان را تحلیل ببرد (عبدلی و همکاران، ۱۳۹۶). اختلالات مصرف مواد با مشکلات جدی بهداشت فرد و اجتماعی و مالی همراه است. سیستم‌های درمانی و روش‌های درمانی کارآمد برای درمان اختلالات مربوط به سوءمصرف مواد نیازمند شناسایی دقیق عوامل تأثیرگذار در بروز اعتیاد هستند (اودینجنز^۳ و همکاران، ۲۰۱۹).

سوءمصرف مواد مخدر یکی از مشکلات بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی بسیار مهم در بسیاری از کشورها است. جهان در سده‌دهه اخیر با آماری تکان‌دهنده درخصوص شیوع مصرف مواد در سطح جامعه و به‌ویژه در بین جوانان و نوجوانان مواجه شده است. هر چند سیر صعودی مصرف مواد در کشورهای صنعتی تا حدودی کاهش یافته و در حال حاضر سیر نزولی در میان جوانان دارد، اما به نظر می‌رسد که در کشور ایران سوءمصرف مواد میان جوانان سیر پیشرونده‌ای را طی می‌کند. مصرف مواد یکی از جدی‌ترین معضلات بشری و یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌های انسانی است که پایه‌ها و بنیان‌های جامعه انسانی را به تحلیل می‌برد و پیشگیری از آن نیازمند کاربرد تئوری‌های متعدد در رشته‌های علمی مختلف و تکنیک‌های متنوع است. سوءمصرف مواد مخدر و اعتیاد فراگیر شده و حتی در دو دهه اخیر میزان مرگ و میر ناشی از مصرف بیش از حد مواد افیونی به‌طور مداوم افزایش یافته است (زلدونا^۴ و همکاران، ۲۰۱۹؛ نعمتی سولگی تپه، ۱۳۹۹).

فقر مالی، مشکلات خانوادگی، اختلافات زناشویی، وجود الگوهای نامناسب برای همسان‌سازی و نهایتاً مسأله بیکاری از جمله عوامل عمده گرایش به اعتیاد محسوب می‌شود. در واقع، برطبق مطالعات نظری صورت گرفته، از عوامل عمده اعتیاد دو دسته علل فردی و اجتماعی عنوان شده است (صادقیه احاری، ۲۰۰۴). پدیده اعتیاد به‌دلیل آسیب‌های ایجادکننده اکنون تشخیص و درمان آن، در خط اول دفاع در جنگ علیه بیماری‌های رفتاری، مانند ایدز و هپاتیت و دیگر بیماری‌ها، در سراسر جهان قلمداد می‌شود (مارگولین^۵، ۲۰۰۶؛ عبدلی و همکاران، ۱۳۹۶) و همواره مشکلات عدیده‌ای را در گستره زندگی انسان به دنبال داشته است. از جمله مشکلات ایجاد شده شامل: افت سلامت عمومی، افزایش مرگ‌ومیر، آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی، از دست رفتن فرصت‌های آموزشی و شغلی و افزایش نرخ درگیری با سیستم قضایی، ایجاد چرخه مصرف مواد، تداوم آسیب و بازپیدایی آن‌ها در نسل‌های بعدی (آدرم و نیک منش، ۱۳۹۱). بر اساس آمار به‌دست آمده میلیون‌ها انسان در جهان از این اختلال در رنج هستند که اغلب همراه با دیگر بیماری‌های روانی بروز می‌یابد و به دنبال آن تحمیل‌کننده هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی گوناگونی بر جامعه خواهد بود (دالاس^۶، ۲۰۱۰؛ به نقل از علی مرادی، ۱۳۹۰).

امروزه مواد مخدر و روان‌گردان به شش گروه مواد سستی زاء، مواد توهم زاء، مواد توان افزاء، داروهای جانشین‌شونده، آرامبخش‌ها (ضد اضطراب)، داروهای مسکن و خواب‌آور، تقسیم می‌شوند. از مواد سستی‌زا می‌توان به تریاک، مرفین، هروئین، دی فن اکسیلات و شیره اشاره کرد. حشیش، چرس، بنگ نیز جزء مواد توهم‌زاها هستند و ال اس دی و شیشه، اکستازی، شب عید و قرص عشق توهم‌زاهای مصنوعی هستند. کوکائین و کرک جزء مواد توان‌افزا می‌باشند. متادون، کلونیدین و نالتکسون مواد جانشین‌شونده و دیازپام و اگزاپام و... مواد آرام‌بخش می‌باشند. باربیتورات‌ها و تمجیزک نیز جزء داروهای مسکن و خواب‌آور می‌باشند.

1 substance abuse disorder & addiction
2 Turner, Macdonald & Somers
3 Oudejans
4 Zeledona
5 Margooline
6 Dollas

برای درک بهتر نقش مخرب اعتیاد بر جنبه‌های مختلف سلامت فردی و اجتماعی برآن شده‌ایم تا ابتدا مروری بر آسیب‌های ناشی از سیگار بپردازیم که در جامعه به مقدمه‌ای برای ورود به دام اعتیاد به مواد معروف است؛ مصرف سیگار علت عمده بسیاری از مرگ‌ومیرها و ناخوشی‌ها در سراسر جهان بوده و افراد سیگاری حدود ۲ الی ۴ برابر بیشتر در معرض ابتلاء به بیماری‌های عروق کرونر و سکنه‌مغزی هستند (کریسوهو^۱، ۲۰۱۵). همچنین خطر بروز سرطان ریه در این افراد ۲۵ برابر بیشتر است (واندر و همکاران^۲، ۲۰۱۳). علاوه بر این، افراد سیگاری بیشتر به بیماری‌های متعدد تنفس، بدخیمی‌های ساختاری، اختلالات ایمنولوژیکی و دیگر ناخوشی‌های همراه مبتلا می‌شوند (جعفری پور و همکاران، ۱۳۹۷). نتایج مطالعات سازمان جهانی بهداشت نشان می‌دهند که در حال حاضر، سالانه بیش از ۵ میلیون نفر در جهان به علت عوارض مصرف سیگار فوت می‌کنند و باتوجه‌به روند پیش‌بینی شده برای مصرف سیگار، این تعداد تا ۲۰ سال آینده حدود ۱۰ میلیون نفر افزایش خواهد یافت (هاکسلی^۳ و همکاران، ۲۰۰۷). با توجه به اینکه در آینده، مصرف دخانیات یکی از معضلات اصلی بهداشتی در جوامع در حال پیشرفت خواهد شد، اجرای برنامه‌های کنترل دخانیات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (جنسن^۴، ۲۰۰۷). این برنامه‌ها شامل مواردی چون پیشگیری از شروع مصرف دخانیات در نوجوانان، وضع قوانین مربوط به فروش و عرضه و مصرف دخانیات، اجرای برنامه‌های درمانی و تأیید و تصویب معاهده جهانی کنترل دخانیات می‌باشد (فیور^۵، ۲۰۰۰؛ مرجع پزشکی سلامتی، ۲۰۰۷). یکی از مهم‌ترین موارد برنامه‌های کنترل دخانیات سامان‌دهی اجرای برنامه‌های ترک دخانیات در سطح جامعه است (مک نیل و همکاران^۶، ۱۹۸۶؛ جان و همکاران^۷، ۲۰۰۴). اعتیاد در کنار سوءتغذیه و آلودگی‌های زیست‌محیطی از مشکلات بزرگ جوامع بشری است که متأسفانه تمامی جوامع صنعتی و غیرصنعتی را گرفتار کرده است و جامعه ما نیز به میزان زیادی با آن روبرو است. به‌گونه‌ای که در ایران اعتیاد در سال‌های اخیر روند رو به رشد داشته است (صادقیه احاری، ۲۰۰۴).

ایران یکی از قربانیان بزرگ مواد مخدر در جهان محسوب می‌شود. از آنجا که ایران در سر راه یکی از مسیرهای اصلی حمل‌ونقل مواد افیونی قرار دارد و نیز به دلایل دیگر تاریخی و اجتماعی (نعمتی سوگلی تپه، ۱۳۹۹). در ایران بر طبق بعضی برآوردها ۱/۲ تا ۶ میلیون نفر از مواد مخدر به‌صورت وابستگی یا تفننی استفاده می‌کنند. حدود ۴۰ درصد از جمعیت کشور دارای سن کمتر از ۱۵ سال هستند و جمعیت افراد بالای ۱۵ سال حدود ۳۵ الی ۴۰ میلیون نفر برآورد شده است. اگر به‌صورت خوشبینانه حدود دو میلیون معتاد را در کشور در نظر بداریم؛ بنابراین طبق برآوردها حدود ۵ درصد جمعیت بالغ کشور با مسئله اعتیاد به مواد مخدر دست به‌گریبان خواهند بود. در حالی که این رقم نسبت به دوده‌های صنعتی در حال حاضر بسیار کاهش نشان داده و در حدود ۲-۱ درصد است (ساسمن^۸، ۱۹۹۶).

استعمال سیگار یک تهدید جدی برای سلامت انسان‌ها است و سالانه افراد زیادی را در سطح دنیا به کام مرگ می‌کشاند. سازمان جهانی بهداشت تعداد افرادی را که تا سال ۲۰۲۰ در اثر ابتلاء به بیماری‌های مرتبط با تنباکو جان خود را از دست می‌دهند، سالانه هشت میلیون و چهارصد هزار نفر برآورد می‌کند (پیردهقان و همکاران، ۲۰۱۵). مطالعات اخیر ثابت کرده‌اند که مصرف دخانیات نه تنها به افزایش خطر عفونت (هپاتیت، هریس و سل) و بیماری‌های تنفسی و قلب و عروق کمک می‌کند، بلکه عامل اصلی ایجاد و توسعه سرطان، به‌ویژه سرطان‌های سر و گردن و ریه است (ایوب و همکاران^۹، ۲۰۱۸). مصرف دخانیات بار اقتصادی قابل توجهی را بر جامعه تحمیل می‌کند به‌طوری‌که علاوه‌بر هزینه‌های غیرمستقیم نظیر از دست دادن نیروهای کارآمد، آسیب‌های زیست‌محیطی و بسیاری از آسیب‌های دیگر نیز پیامدهای استعمال دخانیات می‌باشند (فریزر و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۶). نیکوتین^{۱۱} باعث تحریک سیستم عصبی سمپاتیک و ترشح آدرنالین شده و باعث انقباض عروق، افزایش ضربان قلب، افزایش فشارخون و آسیب به دیواره عروق و در نهایت تشکیل و توسعه پلاک آترواسکلروتیک^{۱۲} می‌شود. همچنین اثرترجمی روی سایر عوامل خطر ابتلاء به بیماری‌های عروق کرونری دارد (کاتز و نس^{۱۳}، ۲۰۱۵؛ بادروح و همکاران، ۱۳۹۸).

همچنین بررسی وضعیت پریشیوم افراد سیگاری وضعیت بدتری را در مقایسه با افراد غیرسیگاری نشان داده است؛ مشخص گردیده میزان تحلیل استخوان (لازی و همکاران^{۱۴}، ۲۰۰۷؛ هیکن و همکاران^{۱۵}، ۲۰۰۸)، میزان Attachment loss (کالسینا و همکاران^{۱۶}، ۲۰۰۲) عمق پاکت‌های پریدنتال (لازی و همکاران، ۲۰۰۷)، درگیری فورکای دندان (کردوانگبوندیت و ویکسرو^{۱۷}، ۲۰۰۰) و لقی دندان‌ها (کالسینا و همکاران، ۲۰۰۲) در افراد سیگاری بیشتر بوده است و نیز باید اشاره داشته باشیم به

- 1 Chrysohoou
- 2 Wender et al
- 3 Huxle & et al
- 4 Jensen
- 5 Fiore
- 6 McNeill & et al
- 7 John & et al
- 8 Sussman
- 9 Ayoub & et al
- 10 Frazer & et al
- 11 Nicotine
- 12 Atherosclerotic
- 13 Katz & Ness
- 14 Luzzi & et al
- 15 Heikkinen & et al
- 16 Calsina & et al
- 17 Kerdvangbundit & Wikesjo

ارتباط مواردی چون سندرم متابولیک که یک فاکتور اساسی و مهم برای پیشرفت عوارض بیماری‌های خطیری همچون دیابت نوع ۲ و بیماری‌های قلبی عروقی (CVD) می‌باشد (کلشادی و همکاران^۱، ۲۰۰۵). با زندگی ناسالم شامل عدم فعالیت فیزیکی مصرف غذاهای پرکالری، مصرف الکل، سیگار و در معرض استرس‌های محیطی بودن می‌باشند (پانگوتاکس و همکاران^۲، ۲۰۰۱). سوءمصرف مواد یک معضل جهانی است که هر جامعه باتوجه به ویژگی‌های خاص افراد خود، به نحوی از آن رنج می‌برد (میثمی و همکاران^۳، ۲۰۰۶). این معضل می‌تواند بر کل زندگی افراد اثر بگذارد، منجر به دامنه وسیعی از رفتارهای بیمارگون شود و کارکردهای فرد را در خانواده، محیط کار و اجتماع مختل سازد. گرایش به سوءمصرف مواد مانند بسیاری از پدیده‌های اجتماعی تک عاملی نیست بلکه مجموعه‌ای از عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی در آن تأثیر دارند (عبدی و همکاران، ۱۳۹۸). سوءمصرف مواد، نه تنها بر کارکرد فرد مصرف‌کننده اثر می‌گذارد، بلکه کارکرد سایر اعضای خانواده را نیز مختل می‌سازد. در واقع کارکرد خانواده مهم‌ترین جنبه از محیط خانوادگی است که در سلامت جسمانی، هیجانی و اجتماعی افراد اثرات مهمی دارد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۴).

در ادامه با اشاره به مفهوم دوم در بررسی حاضر شامل دستگاه الکتروشوک (Electro Shock Therapy) EST این‌طور باید اشاره داشت که این دستگاه وسیله‌ای است کاملاً بی‌خطر برای ایجاد تحریک الکتریکی بر روی پوست و به صورت جلدی؛ این دستگاه با دستگاه ECT (Electro Convulsion Therapy) که در روانپزشکی کاربرد دارد، به لحاظ عملکرد و موارد کاربرد به کلی متفاوت است. دستگاه‌های ECT برای ارائه تحریک الکتریکی نسبتاً قوی بر سیستم اعصاب مرکزی (مغز) به کار گرفته می‌شوند و در واقع به دلیل تشنج ناشی از اثر این تحریک نام ECT بر آنها گذاشته شده است. در مقابل دستگاه EST تحریک الکتریکی بسیار خفیفی را در روی پوست (و نه بر سیستم اعصاب مرکزی) وارد می‌سازد که اثر ناشی از این تحریک به صورت گزش پوست احساس می‌شود. البته شدت این گزش برحسب درجه شوک متفاوت خواهد بود و چنانچه در حد مناسبی زیاد باشد، می‌تواند حالت بیزاری و اجتناب را در فرد ایجاد کند. همراه شدن این حالت (اجتناب) به عنوان یک محرک غیرشرطی ناخوشایند با آنچه رفتار نامطلوب یا غیرمعمول در نظر گرفته می‌شود (به عنوان محرک شرطی) باعث انتقال احساس بیزاری و اجتناب، به محرک شرطی شده و از این طریق اثرات درمانی خود را ایجاد می‌کند. به این ترتیب تکنیک‌های شرطی‌سازی اجتنابی (Avoidance Conditioning)، بیزار سازی (Aversive Therapy) و توقف فکر (Thought Stopping)، اصلی‌ترین روش‌هایی به شمار می‌آیند که این دستگاه در آن به کار گرفته می‌شود. تکنیک‌های فوق کمک مؤثری در درمان اختلالاتی از قبیل وسواس‌های فکری و عملی، اعتیاد به مواد مخدر، عادات نامطلوب رفتاری و انحرافی و... به شمار می‌آید؛ لذا در این مقاله تصمیم گرفته شد تا با تمرکز بر همین توانایی‌ها به بررسی تأثیر دستگاه بر ترک عادت اعتیاد در داوطلبان و مقایسه میزان این تأثیر با گروه‌های مورد بررسی با روش متادون درمانی بپردازیم که از مشتقات دی فنیل هپتانها (هیپتامینها) بوده و به عنوان ضد درد بالینی مفید و مؤثر قرار گرفته است. درمان نگهدارنده^۴ یکی از روش‌های اصلی درمان اعتیاد به مواد افیونی است. در طول درمان، بیمار مجموعه‌ای از درمان‌های طبی، دارویی و روان‌درمانی دریافت می‌نماید (کیانی و محمودی، ۱۳۹۶). درمان نگهدارنده با داروهای آگونیست یکی از متداول‌ترین درمان‌ها برای بیماران با رفتارهای پرخطر است (ماتیک^۵ و همکاران، ۲۰۱۴). دو داروی متادون و بوپرونورفن درمان داروهای آگونیست از همه بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. متادون یک آگونیست گیرنده‌های مو^۶ و یک ضد درد ترکیبی است که قدرت چسبندگی بالاتری به گیرنده‌های اپیوئیدی نسبت به تریاک و مشتقات آن را دارد (ریکشم، گوسوب و کلاس^۷، ۲۰۱۴؛ خاقانی، ترکان و یوسفی، ۱۳۹۹). از جمله تأثیرات روش متادون این است که علی‌رغم اینکه مشکلات مربوط به ترک را از بین برده و همچنین تأثیرات مثبتی بر جنبه‌های مختلف فردی و اجتماعی افراد برجای می‌گذارد (روحانی و همکاران، ۱۳۹۱). مکانیسم اثر آن، این است که با اتصال به گیرنده‌های اپیوئیدی در سطح نخاعی انتقال ایمپالس درد را مهار می‌کند. متادون را می‌توان به صورت خوراکی، وریدی و زیر پوستی مورد استفاده قرار داد که به خوبی از طریق دستگاه گوارش جذب می‌شود و میزان سطح خونی آن بیشتر از مورفین خوراکی خواهد بود (برندز و همکاران^۸، ۲۰۰۲). متادون، ماده اپیوئیدی صناعی است که در صورت مصرف مقادیر ثابت، سرخوشی شدید ناشی از مصرف مخدرهایی مثل تریاک یا هروئین را به وجود نمی‌آورد (لایورس و یاکیموف^۹، ۲۰۰۳). در نتیجه با مصرف این مواد، وضعیت جسمانی بیمار در حالت متعادل مانده و کمتر از نظر روانی دچار نوسانات خواهد شد. این در حالی است که مواد مخدر غیرمجاز گاهی بیمار را بسیار سرخوش و گاهی او را دچار خماری می‌کند. این نوسانات بر روان بیمار اثر مخرب گذاشته و قسمت زیادی از عوارض اعتیاد را سبب می‌شود. تعادل رفتاری به وجود آمده، باعث خواهد شد که بیمار کمتر خشمگین و یا بدون کنترل شود و به دنبال آن دچار مشکلات کمتری گردد (کدر و

1 Kelishadi & et al

2 Panagiotakos & et al

3 Meysamieh & et al

4 MaintenansTreatment

5 Mattick

6 Mu

7 Riksheim, Gossop & Clausen

8 Brands & et al

9 Lyvers & Yakimoff

همکاران^۱، ۲۰۱۱؛ کیانی و محمودی، ۱۳۹۶). لذا می‌توان در بیمارانی که قصد قطع مصرف مواد اپیوئیدی غیر قانونی را دارند، از این دارو استفاده کرد. استفاده از متادون به شکل کوتاه مدت برای کاهش علائم سندرم محرومیت و یا به شکل درازمدت برای کاهش همزمان وسوسه مصرف مجدد مواد اپیوئیدی می‌تواند صورت پذیرد. به این روش معمولاً درمان نگهدارنده با متادون (MMT) گفته می‌شود. این درمان یکی از اقدامات پرهامیت و کلیدی است که در راستای راهکار کاهش آسیب انجام شده و استفاده از مواد غیرقانونی را کاهش می‌دهد، همچنین مصرف منظم و درازمدت متادون از عود و مصرف مجدد، پیشگیری کرده و بیمار بهبود می‌یابد (مینتز و همکاران^۲، ۲۰۰۵). مؤثرترین دارو برای ترک معتادان از هروئین، متادون است. از آنجا که متادون یک آگونیست طولانی اثر با نیمه عمر حدود ۲۴ تا ۳۶ ساعت می‌باشد (لوز و همکاران^۳، ۲۰۱۷)، یکی از عوارض متادون، وابستگی فیزیولوژیک^۴ است. در واقع، متادون یکسری پیامدها و عوارض را به دنبال خواهد داشت. از جمله پیامدهای متادون عبارت‌اند از: مشکلات جسمی، روانی و عارضه‌های خانوادگی، اجتماعی و عوارض مشابه سایر مواد افیونی (نیکبخت، ۱۳۹۳). عوارض متادون شبیه سایر موارد افیونی می‌باشد. مصرف متادون تأثیرات منفی بر پردازش اطلاعات^۵، حافظه^۶، کارکرد اجرایی^۷ دارد. ۳۰٪ تا ۷۰٪ بعد از یکسال میزان ماندگاری درمان با متادون گزارش گردیده است. از مهم‌ترین عوامل ماندگاری دوز مصرف متادون و سن بوده است (ژو و ژانگ^۸، ۲۰۱۴؛ به نقل از قدرتی میکوهی و همکاران، ۱۳۹۶). در مطالعه بل و همکاران که در سال ۲۰۰۹ با هدف بررسی عوارض اپیوئیدها انجام شد نتایج حاکی از آن بود که بیوست به‌عنوان اصلی‌ترین عارضه برای متادون مطرح است (بل و همکاران^۹، ۲۰۰۹). در پژوهشی که عقیلی و همکاران در سال ۱۳۹۱ با هدف بررسی شیوع انواع علائم گوارشی در بیماران مراجعه‌کننده به کلینیک ترک اعتیاد در اصفهان انجام دادند به این نتیجه رسیدند که بیوست شایع‌ترین عارضه گوارشی است (عقیلی و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۳).

۲- روش بررسی

جامعه: کلیه مبتلایان به سوء مصرف مواد مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد رشت در سال ۱۳۹۹
نمونه: نمونه شامل سه گروه ۱۰ نفره بود که به طور تصادفی از بین جامعه انتخاب شدند.

۳- ابزار بررسی

پرسشنامه سنجش وسوسه مصرف مواد پس از ترک به‌منظور سنجش میزان افکار و خیالات مربوط به مواد و وسوسه مصرف توسط قدرتی، برعرفان و ضیایی (۲۰۰۸) ساخته شده است و دارای ۲۰ گویه است. نمره‌گذاری آن به‌صورت طیف لیکرت ۶ درجه‌ای (کاملاً درست است=۵ اصلاً درست نیست=۰) است. در این پرسشنامه میزان اعتبار بر حسب آلفای کرونباخ (۰/۹۴) کسب شد. جهت و اندازه همبستگی‌ها تأیید کننده روایی آن بود. جهت سنجش روایی از پرسشنامه اطمینان موقعیتی^{۱۱}، آنیس^{۱۲} و گراهام^{۱۳} (۱۹۹۸) (r=0/53, p=0/001) هوس روانی (راب^{۱۴} و همکاران، ۲۰۰۴) (r=0/48, p=0/001) و عواطف مثبت (r=-0/32, p=0/001) و منفی، (r=0/55, p=0/001) واتسون^{۱۵}، کلارک^{۱۶} و تلگان^{۱۷} استفاده گردید.

۴- روش اجرا

مطالعه حاضر از نوع نیمه‌تجربی و با طرح پیش آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل است. این پژوهش دارای دو گروه درمان توسط دستگاه الکتروشوک RT-901 و درمان نگهدارنده با متادون به‌عنوان گروه آزمایش و یک گروه کنترل هستند. جامعه پژوهش حاضر را کلیه افراد مبتلا به اختلال سوء مصرف مواد که برای درمان وابستگی خود طی سه ماه آخر سال ۱۳۹۹ به مراکز ترک اعتیاد با متادون و مراکز سم زدایی در شهر رشت مراجعه نموده‌اند، تشکیل می‌دهد. ۷۰۰ نفر تعداد مراجعه‌کنندگان به این مراکز بود. در پژوهش حاضر، یکی از ملاک‌های ورود به پژوهش مصرف حداقل یک ماده (مثل شیر، ترپاک و ...) بود.

- 1 Coderre & et al
- 2 Mintzer & et al
- 3 Lones & et al
- 4 Physiological dependence
- 5 Processing information
- 6 Memory
- 7 Executive function
- 8 Zhou & Zhang
- 9 Bell & et al
- 10 Aghili & et al
- 11 Situational confidence Questionnaire (SCQ)
- 12 Annis
- 13 Graham
- 14 Raabe
- 15 Watson
- 16 Clark
- 17 Tellegen

نمونه‌آماری این پژوهش شامل سه گروه ۱۰ نفره بود که به صورت تصادفی از بین جامعه انتخاب شدند. هم‌تاسازی اعضای نمونه از لحاظ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از جمله تعداد بازگشت‌های گذشته به مصرف مواد، سن، جنس، تحصیلات و طبقه اقتصادی-اجتماعی انجام شد. جهت هم‌تاسازی سن ۱۷ تا ۴۰ سال مورد بررسی قرار گرفتند. مردان حداقل دارای مدرک سیکل، افراد شرکت کننده در پژوهش را تشکیل دادند و همچنین هم‌تاسازی سه گروه (۲ گروه آزمایش و ۱ گروه کنترل) از نظر تحصیلات انجام شد. علاوه بر این، طبقه اقتصادی-اجتماعی بر اساس درآمد مشخص گردید. در مرحله اول انتخاب آزمودنی‌ها بر اساس نمونه‌گیری در دسترس بوده و سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، نمونه‌ها در ۳ گروه جایگزین شدند.

به موجب بررسی حاضر ابتدا شرکت‌کنندگان توسط آزمون پرسشنامه سنجش وسوسه مصرف مواد پس از ترک مورد سنجش پیش‌آزمون قرار گرفته و در مرحله بعد دو گروه آزمایش بطور مجزا به دو طریق الکتروشوک RT-901 و درمان نگهدارنده با متادون به مدت ۴ ماه مورد درمان قرار گرفتند که طی آن در روش الکتروشوک با هدف ایجاد انزجار مبتنی بر نگاه شرطی‌سازی کلاسیک در طی جلسات هفتگی درمان به مرور مواجه با سطوح بالاتر شوک برقی قرار گرفته و در روش متادون درمانی مطابق با روش مسبب در طی روند درمان با توجه به سطح تحمل مراجع از مقدار متادون کاسته شد و در پایان نتایج پس‌آزمون در شرکت کنندگان توسط پرسشنامه سنجش وسوسه مصرف مواد پس از ترک مورد سنجش قرار گرفت که بررسی نهایی توسط آزمون SPSS به طور مشروح در بخش یافته‌ها آمده است.

۵- یافته‌ها

هدف این پژوهش مقایسه درمان با الکتروشوک و درمان با متادون در مقایسه با گروه کنترل بر میزان وسوسه مصرف مواد در معتادان می‌باشد. داده‌های جدول ۱ میانگین و انحراف معیار گروه‌ها در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار نمرات در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون سه گروه

	گروه درمان با متادون		گروه درمان با الکتروشوک		گروه کنترل	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
پیش‌آزمون	70/90	15/878	81/70	13/833	72/80	15/576
پس‌آزمون	59/00	11/005	47/00	20/710	73/20	15/978

به منظور تحلیل داده‌های حاصل از نمره کل شرکت‌کنندگان، از تحلیل کوواریانس یک متغیری (ANCOVA) استفاده شد. آزمون لون حکایت از برابری واریانس‌ها داشت ($F=1/952$ $p>0/05$). آنچه از نتایج تحلیل کوواریانس در مرحله پس‌آزمون به دست آمد نشان داد که با کنترل آماری متغیر پیش‌آزمون بین میانگین‌های سه گروه در مرحله پس‌آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. جدول ۲ تفاوت نمرات سه گروه را براساس تحلیل کوواریانس نشان می‌دهد.

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار نمرات در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون سه گروه

متغیر	درجه آزادی	مجموع میانگین‌ها	آماره F	سطح معناداری	مجذور اتا
کل	۲	۵۱۱/۷۷۸	۵/۵۵۰	۰/۰۱۰	۰/۳۱۶

جهت بررسی دقیق‌تر یافته‌ها از آزمون تعقیبی بونفرنی استفاده شد. باتوجه به سطوح معناداری به دست آمده برای گروه‌ها، مشخص گردید درمان با الکتروشوک ($P=0/000$) در مقایسه با درمان با متادون ($P=0/018$) از اثربخشی بالاتری برخوردار می‌باشد.

جدول ۳- نتایج آزمون بونفرنی درون گروهی برای مقایسه نمرات کل پرسشنامه ولع مصرف

گروه I	گروه J	تفاوت میانگین‌های I-J	خطای استاندارد	سطح معناداری
گروه درمان با متادون	گروه درمان با الکتروشوک	23/096	4/634	0/000
گروه درمان با متادون	گروه کنترل	-13/294	4/404	0/018
گروه درمان با الکتروشوک	گروه کنترل	-36/391	4/580	0/000

۶- بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش مؤید این نکته بود که شرکت در هر دو گروه آزمایشی یعنی استفاده از دستگاه الکتروشوک و با متادون در مقایسه با گروه کنترل باعث تغییر معنادار نگرش نسبت به مواد گشته و همچنین مطابق با نتایج حاصل درمان الکتروشوک با ایجاد انزجار و بر پایه شرطی‌سازی کلاسیک تأثیر به‌مراتب سریع‌تر و بهتری بر میل به مصرف مواد نسبت به روش متادون درمانی داشته است؛ بنابراین باتوجه به این یافته‌ها استفاده از روش الکتروشوک در مقایسه با روش متادون درمانی با توجه به عوارض جانبی متادون می‌تواند به‌عنوان یک روش غیردارویی در کاهش میل به مصرف مواد مؤثر باشد.

"در تأیید تأثیر متادون بر ترک اعتیاد تحقیقات گسترده‌ای شده است که از این بین می‌توان به‌طور گزیده اشاره به چند نمونه داشت؛ بطور مثال اسماعیلی "و همکاران در پژوهش خود بر روی زندانیان تحت پوشش درمان با متادون در استان تهران، اثر بخش بودن مصرف متادون بر بهبود کیفیت زندگی این افراد را تأیید نمود (اسماعیلی و همکاران، ۲۰۱۲) و "کوئینک" در مطالعه خود نشان داد که سلامت روانی و جسمانی انسان با زندگی معنوی او رابطه مثبت دارد و افرادی که اعتقادات مذهبی قوی‌تری دارند، سازگاری بهتری با موقعیت‌های زندگی نشان می‌دهند (کوئینک، ۲۰۰۷) و مطالعه دیگری نشان داده است که درمان با متادون می‌تواند موجب کاهش افسردگی در معتادان شده و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم پیش‌آگهی اعتیاد را تحت تأثیر قرار دهد (کلارکین و کندال، ۱۹۹۲). ولی نکته خاص و نوآوری پژوهش حاضر استفاده از درمان توسط دستگاه الکتروشوک RT-901 درمورد معتادان به مواد مخدر می‌باشد که مطابق با بررسی‌های انجام شده در هیچ تحقیق معتبر ایرانی دیگری چنین اقدامی صورت نگرفته و حتی در نمونه‌های انگلیسی زبان نیز موضوعات مختصری من جمله در موارد غیر اعتیاد مقالاتی مشاهده شده است؛ لذا از محققین و همکاران دعوت می‌گردد که در این موضوع اقدام به بررسی‌های بیشتری نمایند.

منابع

۱. سلطانی نژاد، امیر؛ برشان، ادیبه؛ درتاج ثانی، سمیه؛ انارکی، محمدرضا؛ صابری، رضا (۱۳۹۶). مقایسه اثربخشی گروه‌درمانی با رویکرد پذیرش خویشتن به روش درآیدن با آموزه‌های گروه‌های معتادین گمنام بر مؤلفه‌های سلامت روان معتادین شهرستان کرمان. فصلنامه اعتیادپژوهی سوءمصرف مواد، دوره ۱۱، شماره ۴۱.
۲. جلیلی، طاهره؛ زارعی، افشین (۱۳۹۵). بررسی اثربخشی رفتار جرأت مردانه بر کاهش آمادگی به اعتیاد. دوره ۵، شماره ۴، ص ۲۵۱-۲۵۶.
۳. خاقانی، فاطمه؛ ترکان، هاجر؛ یوسفی، زهرا (۱۳۹۹). مطالعه کیفی عوامل مؤثر بر پابندی به درمان در افراد وابسته به مواد تحت درمان نگهدارنده با متادون در شهر اصفهان. فصلنامه علمی اعتیادپژوهی، سال چهاردهم، شماره پنجاه و شش، صص ۵۹-۷۸.
۴. راطق، مسعود؛ فرهادی، هادی (۱۳۹۸). بررسی کیفی علل عود مواد در معتادان. فصلنامه اعتیادپژوهی، شماره ۵۳.
۵. روحانی، صمد؛ سالاریه، ایرج؛ عابدی، صالح؛ خیرخواه، فرزانه (۱۳۹۱). بررسی تأثیر درمان نگهدارنده متادون بر کیفیت زندگی افراد وابسته به مواد مخدر. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دوره بیست و دوم، شماره ۸۷، صص ۴۷-۵۵.
۶. عبدلی، جواد؛ احمدی، سلطان؛ اماتی ساری بگلو، جواد؛ کاظم‌زاده بیطالی، مهدی (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر سوءمصرف مواد مخدر از دیدگاه دانشجویان: کاربست نقشه‌های شناختی. فصلنامه اعتیادپژوهی سوءمصرف مواد، سال پانزدهم، شماره چهل و یکم.
۷. عبدی، علیرضا؛ صادقی سقدل، حسین؛ عصارای آرائی، عباس؛ ناصری، علیرضا (۱۳۹۸). مدل‌سازی نحوه تأثیر اعتیاد بر رفاه اجتماعی با تأکید بر سلامت: مطالعه موردی ایران. فصلنامه اعتیادپژوهی سوءمصرف مواد، سال سیزدهم، شماره پنجاه و سوم.
۸. علی‌مرادی، عبداللطیف؛ هوشیار، سمانه؛ مدرس غروی، مرتضی (۱۳۹۰). مقایسه فعالیت سیستم‌های مغزی رفتاری و سلامت روان در افراد معتاد وابسته به مواد مخدر و افراد بهنجار. مجله اصول بهداشت روانی، ۱۳(۴)، ۳۰۴-۳۱۳.
۹. قدرتی میرکوهی، مهدی؛ بالداران، ناهید؛ عبداللهی بقرایادی، قاسم (۱۳۹۶). پیش‌بینی انعطاف‌پذیری شناختی افراد تحت درمان با متادون بر اساس فرا نگرانی‌ها، اضطراب، مدت و میزان مصرف متادون. فصلنامه اعتیادپژوهی سوءمصرف مواد، سال یازدهم، شماره چهل و دو.
۱۰. کیانی، ژاله؛ محمودی، ژاله (۱۳۹۶). اثربخشی درمان نگهدارنده متادون بر کاهش رفتارهای پرخطر و پیشگیری از عود مصرف مواد در مردان معتاد ساکن شهر کرمانشاه، سلامت جامعه، دوره یازدهم، شماره ۱.
۱۱. محمدی، مهسا؛ حاتمی، شکوفه؛ نقاش زاده، شادی؛ ممدلی، یعقوب؛ بهرامی، نصرت (۱۳۹۴). بررسی میزان گرایش به اعتیاد و عوامل مرتبط با آن در نوجوانان پسر شهرستان دزفول. همایش بین‌المللی اعتیاد دانشگاه شهید بهشتی.
۱۲. منصوری جلیلیان، افسانه؛ یزدان بخش، کامران (۱۳۹۳). پیش‌بینی گرایش به سوءمصرف مواد مخدر براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه و کمال‌گرایی در دانشجویان، فصلنامه اعتیادپژوهی، شماره ۳۲، صص ۵۱-۶۲.

۱۳. نعمتی سوگلی تپه، فاطمه؛ شاهمرادی، سمیه؛ رحیمی، فاطمه السادات؛ خالدیان، محمد (۱۳۹۹). بررسی عوامل تأثیرگذار در سوءمصرف مواد مخدر و اعتیاد با رویکرد گراند تئوری. فصلنامه علمی اعتیادپژوهی، سال چهاردهم، شماره پنجاه و هفتم، ص ۱۱-۳۴.
14. Aghili M, Molodi M, Afshar H, Salehi M, Hasanzadeh A, Adibi P. Prevalence of Gastrointestinal Symptoms in Opioid Consumers Referring to Methadone Maintenance Treatment (MMT) Clinics in Isfahan, Iran. *Journal of Isfahan Medical School*. 2013; 240(31):843-50. [Article in Persian]
15. Ayoub M, Larrouy P, Dominique Morsomme D. The effect of smoking on the fundamental frequency of the speaking voice. *Journal of Voice*. 2018;4(2):1-6.
16. Bell TJ, Panchal SJ, Miaskowski C, Bolge SC, Milanova T, Williamson R. The prevalence, severity, and impact of opioid-induced bowel dysfunction: results of a US and European Patient Survey (PROBE 1). *Pain medicine*. 2009; 10(1):35-42.
17. Brands B, Marsh D, Hart L, Jamieson W. Health Canada Literature review-Methadone Maintenance Therapy. 1st. Ottawa: Health Canada: Best practices; 2002. P.1-104.
18. Chrysohoou C. (2015). Are cardiac risk scores useful in daily clinical practice. *Hellenic J Cardiol*. 56(4):309-10.
19. Coderre E, Conklin K, van Heuven WJ. Electrophysiological measures of conflict detection and resolution in the Stroop task. *Brain research* 2011;1413:51-9.
20. Calsina G, Roman JM, Echerria JJ: Effects of smoking on periodontal tissues. *J Clin Periodontol* 2002; 29 (8): 771-776.
21. Clarkin, J. F., & Kendall, P. C. (1992). 20-Comorbidity and treatment planning, summary and Future directions. *Journal of consulting and clinical psychology*, 1992, 904-908.
22. Esmaili I, Ghiasi M, Najafi L, Shah Hosini R. Effect of methason on qualitu of life in Tehran prisons. *Journal of military management studies* 2012; 7:76-86. [In Persian]
23. Fiore MC, Bailey WC, Cohen SJ, Dorfman SF, Goldstein MG, Gritz ER, et al. Clinical Practice Guideline: Treating Tobacco Use and Dependence. U.S. Department of Health and Human Services, Public Health Servic; 2000. Also available from URL: http://www.surgeongeneral.gov/tobacco/treating_tobacco_use.pdf.
24. Heikkinen AM, Pajukanta R, Pitkaniemi J, Broms U, Sorsa T, Koskenvuo M, Meurman JH: The effect of smoking on periodontal health of 15- to 16-year-old adolescents. *J Periodontol*. 2008 Nov; 79 (11): 2042-7.
25. John U, Meyer C, Hapke U, Rumpf HJ, Schumann A. Nicotine dependence, quit attempts, and quitting among smokers in a regional population sample from a country with a high prevalence of tobacco smoking. *Prev Med* 2004; 38(3):350-8.
26. John Wiley & Sons. MedicineNet [Internet]. [Place unknown]: methadone dispersible tablet – oral, Methadose; 2004 [updated 2014]. Available from: http://www.medicinenet.com/methadone-dispersible_tablet/article.htm
27. Jensen K, Jensen AB, Grau C. Smoking has a negative impact upon health related quality of life after treatment for head and neck cancer. *Oral Oncol* 2007; 43(2):187-92.
28. Kalra R, Singh SP, and Savage SM, et al. Effects of cigarette smoke on immune response: chronic exposure to cigarette smoke impairs antigen-mediated signaling in T cells and depletes IP3-sensitive Ca (2+) stores. *J Pharmacol Exp Ther*. 2000; 293(1):166-71.
29. Katz MJ, Ness SM. Coronary Artery Disease (CAD). *Journal of Wild Iris Medical Education*. 2015;1(1):2-89.
30. Kelishadi R, Derakhshan R, Sabet B, Sarrafzadegan N, Kahbazi M, Sadri GH, et al. The metabolic syndrome in hypertensive and normotensive subject: The Isfahan Healthy Heart programme. *Ann Acad Med Singapore*. 2005; 34:243-249 .
31. Kerdvambundit V, Wikesjo ME: Effect of smoking on periodontal health in molar teeth. *J Periodontol* 2000; 71: 433-437.
32. koening HG. Spirituality and depression. *Southern Medical Journal* 2007; 7: 737-39.
33. Luzzi LI, Greggi SL, Passanezi E, Sant'ana AC, Lauris JR, Cestari TM: Evaluation of clinical periodontal conditions in smokers and non-smokers. *J Appl Oral Sci*. 2007 Dec;15 (6): 512-7 .
34. Lyvers M, Yakimoff M. Neuro-psychological correlates of opioid dependence and withdrawal.
35. Lones, C., Bond, G., McGovern, M., Carr, K., Leckron-Myers, T., Hartnett, T. & Becker, D. (2017). Individual Placement and Support (APS) for Methadone Maintenance Therapy Patients: A pilot randomized controlled trial. *Administration and Policy in Mental Health and Mental Health Services Research*, 44, 359-364.
36. McNeill AD, West RJ, Jarvis M, Jackson P, Bryant A. Cigarette withdrawal symptoms in adolescent smokers. *Psychopharmacology* 1986; 90:533-6.
37. Mintzer MZ, Copersino ML, Stitzer ML. Opioid abuse and cognitive performance. *Drug Alcohol*

38. Mattick R P, Breen C, Kimber J, Davoli M. (2014) Buprenorphine maintenance versus placebo or methadone maintenance for opioid dependence. *Cochrane Database of Systematic Reviews*, 2, CD002207. DOI: 10.1002/14651858.CD002207.pub4.
39. Meysamieh A, Faramarzi B, Holakouei Naeini K. [How addicts think about addiction and community problems?]. *Tehran University Medical Journal (TUMJ)*. 2006 Augest; 64:(۵)
40. Murray C J L, Lopez A D. Alternative projections of mortality and disability by cause 1990-2020: global burden of disease study. *lancet* 1997; 349:1498-1504
41. Oudejans, S., De Weert-van, O., Spits, M., Wildt, W., Merks, M., Dekker, J., Visch, I., & Goudriaan, A. (2019). A Self-Reported Version of the Measurements in the Addictions for Triage and Evaluation-Q: Concurrent Validity with the MATE 2.1. *European Addiction Research*, 26(1), 20-27.
42. Office of the US Surgeon General. Reducing the health consequences of smoking: 25 years of progress Atlanta. GA: Office on Smoking and Health, 1989.
43. Panagiotakos DB, Pitsavos C, Chrysoshoou C, Stefanadis C, Toutouzas PK. Risk stratification of coronary heart disease through established and emerging lifestyle factors in a Mediterranean population: Cardio 2000 epidemiological study. *J Cardiovasc Risk*. 2001; 6:329-339.
44. Pirdehghan A, Vakili M, Arab M, Aghakoochak. Frequency and modeling the underlying predicting factors of tobacco smoking among high school students in Yazd city. *Journal of Shahrekord University of Medical Sciences*. 2015; 16(5):56-65. Persian.
45. Simpson NB, Cunliffe WJ. Disorders of the sebaceous glands. In: Burns T, Breathnaeh S, Cox N, et al, editors. *Rook textbook of Dermatology*. 7th ed. Massachusetts: Blackwell science. 2004; 3:17-43.
46. Frazer K, McHugh J, Callinan JE, Kelleher C. Impact of institutional smoking bans on reducing harms and second hand smoke exposure. *Cochrane Database of Systematic Reviews*. 2016; 5(1):118-56.
47. Riksheim, M., Gossop, M., Clausen, T. (2014). From methadone to buprenorphine: changes during a 10 year period within a national opioid maintenance treatment programme, *Journal of substance abuse treatment*, 46(3), 291-294.
48. Sadeghieh Ahari S, Azami A, Amani F, Sedigh A. Factors affecting the relapse among the patients referring voluntarily to addiction abandoning centers, 2000. *Journal of Ardabil University of Medical Sciences (JAUMS)*. 2004 June-September; 3(12):36-40 .
49. Smoking and health: a physician's responsibility. A statement of the joint committee on smoking and health. American college of Chest Physicians, American Thoracic Society, Asian pacific Society of Respiriology, Canadian Thoracic society, European Respiratory Society, International Union against Tuberculosis and Lung Disease. *Eur Respir J* 1995; 8: 1808-1811.
50. Sussman S. Development of a school – based drug abuse prevention curriculum for high – risk youths. *J Psychoactive Drugs* 1996; 28: 169-182
51. Turner, N. E., Macdonald, J., & Somerset, M. (2008). Life skills, mathematical reasoning and critical thinking: A curriculum for prevention of problem gambling. *Journal of Gambling Studies*, 24(3), 367-380.
52. WebMD medical reference from healthwise. How does smoking increase your risk of heart attack? - What does this tool measure? [Cited 2006 Nov 24] ; Available from URL: <http://www.webmd.com/heart-disease/tc/interactive-toolhow-does-smoking-increase-your-risk-of-heart-attack-what-does-this-tool-measure>.
53. Wender R, Fontham ET, Barrera Jr E, Colditz GA, Church TR, Ettinger DS, et al. American Cancer Society lung cancer screening guidelines. *CA: a cancer journal for clinicians*. 2013; 63(2):106-17.
54. Zeledona, I., Westb, A., Antonyc, V., Tellesd, V., Begaya, C., Hendersona, B., Jennifer, B., & Claradina, S. (2020). Statewide collaborative partnerships among American Indian and Alaska Native (AI/AN) communities in California to target the opioid epidemic: Preliminary results of the Tribal Medication Assisted Treatment (MAT) key informant needs assessment. *Journal of Substance Abuse Treatment*, 108, 9-19.
55. Zhou, K. & Zhuang, G. (2014). Retention in methadone maintenance treatment in mainland China, 2004–2012: A literature review. *Addictive Behaviors*, 39(1), 22-29.



فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال چهارم، شماره ۳ (پیاپی: ۱۶)، تابستان (شهریور) ۱۴۰۰

بررسی میزان و شدت عشق آنلاین در کاربران اینترنتی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۳

کد مقاله: ۳۴۶۳۷

سید کمال الدین موسوی*^۱، حدیثه شمس راوندی^۲

چکیده

پژوهش حاضر به مطالعه عشق در فضای مجازی و میزان آن در تعاملات اینترنتی کاربران پرداخته است. چهارچوب نظری پژوهش را عمدتاً نظریات بن زئیف، ایلوز، اندرسون، مک کینا و بریگل در زمینه عشق آنلاین تشکیل می دهد. روش اصلی تحقیق را پیمایش و جامعه آماری را شهروندان شهر کاشان در سال ۱۳۹۹ تشکیل داده اند که از این میان نمونه ای به تعداد ۳۸۴ نفر انتخاب و به شیوه نمونه گیری طبقه ای مورد مطالعه قرار گرفته اند. یافته های پژوهش نشان داد هرچند این پژوهش در یک جامعه نسبتاً سنتی مثل کاشان صورت گرفته اما در این محیط نیز فضای مجازی بستری برای تعاملات رومانتیک بوده و در آن شاهد شکل گیری عشق آنلاین آنهم با میزانی نزدیک به حد متوسط هستیم. نتایج پژوهش نشان می دهد که میزان و شدت عشق آنلاین بر حسب متغیرهایی چون تحصیلات، سن، وضع تاهل، نوع نگرش به اینترنت، نوع اشتغال و مدت زمان تداوم دوستی اینترنتی یکسان نبوده و تفاوت های معناداری را نشان می دهد.

واژگان کلیدی: عشق آنلاین، فضای مجازی، خودپنداره، محیط اینترنتی

۱- استادیار جامعه شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)

okna8062@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه کاشان

۱- مقدمه

عشق آنلاین^۱، عشقی است که در آن اینترنت میان عاشق و معشوق میانجی است و احساسات مثبت را میان طرفین انتقال می‌دهد. آنهم در شرایطی که برخی از ویژگیهای ظاهری از چشمان طرفین پنهان و پوشیده اند. تا قبل از ظهور اینترنت نسل دوم و رواج شبکه‌های اجتماعی چون فیس‌بوک، تلگرام، اینستاگرام، تیندر، واتساپ و... عشق آنلاین به فرایندی از احساسات تشدید شده مثبت می‌مانست که در فضای اینترنتی نه چندان مجهز و در هاله‌ای از گمنامی میان عاشق و معشوق نطفه بندی می‌شد. فضایی فاقد تصویر و عکس، بدون حرکات بدن و خالی از نشانه‌های فیزیکی و اجتماعی که گمنامی بر آن سایه انداخته و تنها کلمات و جملات زیبا حامل احساسات عاشقانه‌ای بودند که میان افراد منتقل می‌شدند. در این مرحله نوزادی اینترنت یعنی سالهای آخر قرن بیستم، چت روم‌ها، سایت‌ها، بلاگ‌ها، ایمیل‌ها و دیگر محیط‌های متن محور، لنگرگاه عشق آنلاین بودند. همان دوره‌ای که کاربران جویای عشق، بدون اینکه بتوانند یکدیگر را دیده و موقعیت همدیگر را بدانند برای یکدیگر متن‌های پر از احساس می‌نوشتند. در واقع، بخش مهمی از ادبیات نظری در باره عشق آنلاین مربوط به چنین دورانی است و مختصات عشق در آن دوره را تشریح کرده‌اند.

۲- مبانی نظری

مروری اجمالی بر ادبیات موضوع نشان می‌دهد دو دسته نظریه‌ها بطور مشخص در باره عشق و روابط رومانتیک در فضای اینترنتی صحبت کرده‌اند. دسته اول نظریاتی‌اند که ماهیت عشق در فضای آنلاین و خصوصیات آنرا تشریح نموده و بعضاً به تفاوتها و شباهتهای عشق آنلاین با عشق‌های عادی و معمولی پرداخته‌اند. دسته دوم نظریاتی هستند که در باره نقش میانجیگرانه تکنولوژی اینترنت در عشق و روابط رومانتیک صحبت کرده و به تاثیراتی که اینترنت بر روابط رومانتیک و عاشقانه گذاشته است اشاره دارند. در اینجا به اجمال به تشریح این دو دیدگاه می‌پردازیم:

الف: نظرات مربوط به ماهیت و ویژگی‌های عشق در فضای آنلاین

آدامز و موتا (۲۰۰۰) عشق در فضای اینترنت را فرایندی میدانند که طی آن دو نفر ابتدا سعی می‌کنند یکدیگر را بشناسند و چنانچه همه چیز خوب پیش رفت آنگاه وارد روابط جدی تری شوند. گویا مکانیزم رشد و توسعه یک رابطه آنلاین همانند رشد و توسعه یک دوستی فاقد تمایلات جنسی است، و بنابراین، ظرفیت‌های بیشتری برای تقویت یک دوستی واقعی دارد زیرا معمولاً در روابط آنلاین روی مولفه‌ها و موضوعاتی تمرکز می‌شود که برای شکل‌گیری واستحکام دوستی‌ها بسیار اساسی‌اند. بخاطر وجود همین عناصر و مولفه‌های مربوط به صمیمیت و دوستی است که بسیاری از افراد، عشق آنلاین و روابط رومانتیک در فضای اینترنتی را جالب‌تر و معنادارتر از روابط رومانتیک عادی تلقی می‌کنند (آدامز و موتا، ۲۰۰۰: ۱۰۷). البته، روابط میان انسانها لزوماً از همان ابتدا با کشش و تمایل به یکدیگر همراه نیست اما عشق و علاقه در رابطه از زمانی جرقه می‌زند که نگرش مثبت به دیگری پدیدار شود. در روابط آنلاین، پیدایش نگرش‌های مثبت و خوشایند می‌تواند از لابلای گفتگوهای با کیفیت خوب و جالب پدیدار شود. یک گفتگوی مطلوب می‌تواند بتدریج کشش و جذابیتی ایجاد کند (جاذبه آنلاین) که در ابتدا اساساً قابل تصور نبود. محققان روابط اینترنتی، کشش و جاذبه رومانتیک آنلاین را عمدتاً نتیجه گفتگوی دوستانه و لذتبخش میان دو نفر دانسته و بر این باورند که موفقیت در شکل‌دادن به یک دوستی آنلاین، شکل‌گیری یک عشق آنلاین را تسهیل می‌نماید حتی اگر طرفین در ابتدا قصد برقراری رابطه رومانتیک و عاشقانه هم نداشته‌اند. بن زئیف (۲۰۰۴) یکی از علایم انتقال از رابطه دوستانه به رابطه رومانتیک یا عشق را پدیدار شدن حالت بی‌قراری و نا‌پایداری آنهم بگونه‌ای که شخص دیگر مثل روال عادی رفتار نمی‌کند دانسته است. حالتی که در آن تبادل فراوان و پی‌در پی پیام و متن در رابطه با موضوعات متنوع و در زمان‌های گوناگون بصورتی انجام می‌گیرد که نشان‌دهنده هریک از طرفین فضای ذهنی طرف دیگر را کاملاً اشغال کرده است. این در حالی است که وقتی هنوز رابطه در مرحله دوستانه است و به مرحله عشق وارد نشده، معمولاً پیامها روزی یک بار، با ریتم منظم و در زمان‌های معینی تبادل می‌شوند (بن زئیف، ۲۰۰۴: ۱۷۰).

چنانچه می‌دانیم، در روابط آنلاین بخش مهمی از ویژگیهای اجتماعی افراد بر یکدیگر پوشیده است، با این وجود به زعم گروهی از نظریه پردازان، علیرغم فقدان نشانه‌های اجتماعی و ظاهری در بسیاری از محیط‌های اینترنتی، جاذبه آنلاین در این محیط‌ها شکل گرفته و افراد به سمت همدیگر کشیده می‌شوند زیرا آنچه که معمولاً افراد را به یکدیگر جذب می‌کند در دنیای آنلاین و دنیای عادی تقریباً مشابه و مشترکند. به عنوان نمونه، دب لوین به پنج ویژگی عمده اشاره میکند که در زندگی عادی باعث جذب افراد بسوی همدیگر می‌شوند: همجواری^۲، ارائه خود^۳، مشابهت^۴، دوسویگی^۵ ارتباط و انتظارات متقابل. اما لوین عقیده

1 Online Love
2 Proximity

دارد که این پنج عامل در روابط آنالاین نیز هستند و جاذبه آنالاین را به وجود می آورند. مثلاً، همجواری که عاملی اساسی در جذب افراد در دنیای روزمره است در روابط آنالاین نیز شکل می گیرد اما بصورت یکتو همجواری ذهنی^۴ بوده و براساس پیوندها و دلبستگی های ذهنی، فکری و احساسی تعریف می شود و نه براساس نزدیکی فیزیکی و جغرافیایی. از اینرو، بسیاری از دوستان اینترنتی که کیلومترها از یکدیگر دور هستند، خود را جدانشدنی از یکدیگر تلقی می کنند. بنظر لوین همجواری ذهنی یا مجازی را می توان به کمک شاخصهایی چون: تعداد مکالمات طرفین، طول مکالمات، فاصله یک مکالمه تا مکالمه بعدی و عمق مکالمات سنجش و اندازه گیری نمود. در واقع، تکرار تماس ها در فضای آنالاین - همچون فضای واقعی - باعث تقویت کشش و جاذبه میان طرفین می گردد. مدتی قبل از لوین نیز، مطالعات باس (۱۹۸۸) نشان داده بود که زنان و مردان مشترکاً پنج عامل را مهمترین عوامل جذب شدن به جنس مخالف میدانند که اتفاقاً این عوامل هیچکدام ربطی به ویژگی های قابل مشاهده و ظاهری افراد ندارند. پنج عامل مزبور عبارتند از: شوخ طبعی، خوش رفتاری، آمادگی برای گذراندن وقت با یکدیگر، همدردی نسبت به مشکلات دیگری و آمادگی برای کمک به دیگری (لوین ۲۰۰۰). از آنجا که در فضای آنالاین حضور فیزیکی معنا ندارد، انتظار می رود عوامل ذکر شده قادر به نقش آفرینی بوده و اگر در تعامل میان دو جنس مخالف در فضای آنالاین این پنج ویژگی وجود داشته باشند طرفین جذب یکدیگر خواهند شد.

بن زئیف (۲۰۰۴) عاشق شدن در فضای آنالاین را تقریباً مشابه وضعیتی می داند که در زندگی عادی رخ می دهد با این تفاوت که در فضای آنالاین، اگرچه اطلاعات کاملی در باره طرف مقابل نداریم اما خلاء معلومات خود را با یکتو ایده آسازی و نسبت دادن ویژگیهای مثبت اضافی به طرف مقابل پُر می کنیم. مثلاً با مشاهده روحیه شوخ طبعی و بذله گویی، این ویژگی مبنای نسبت دادن یکسری خصوصیات مثبت دیگر به طرف مقابل می گردد. همچون زندگی عادی که غالباً جاذبه های ظاهری طرف مقابل، پرتو خود را بر دیگر خصوصیات و صفات شخصیتی - حتی نداشته - وی می اندازد، در فضای آنالاین نیز توانمندی های طرف مقابل بویژه توان نگارشی او پرتوی خود را بر دیگر ویژگی ها و حتی خصوصیات ظاهری وی می اندازد. از اینرو، بن زئیف هم عشق آفلاین و هم عشق آنالاین را نمونه هایی از عشق واقعی می داند که هردو بر پایه معلوماتی ناقص و تصویرسازی هایی شکل می گیرند که این خلاء معلومات را بتواند پُر کند. وی تأکید می کند اگرچه چنین عشقی ممکن است در طول زمان کاهش یابد و یا حتی از بین برود اما چیزی از واقعی بودن آن نخواهد کاست. به علاوه، هرچند در محیط آنالاین افراد جسم خود را در اختیار طرف مقابل نمی گذارند اما قلب خود را در اختیار وی قرار می دهند، و از این رو، واژه "هم روحی" در توصیف جفت های آنالاین بسیار استفاده می شود (بن زئیف، ۲۰۰۴: ۱۸۹).

از سوی دیگر، در روابط رومانتیک آنالاین، نقش تخیل و تصور را نیز نمی باید فراموش کرد. پولا ایلوز^۵ (۲۰۱۲) در مطالعات خود پیرامون رابطه میان احساس عاشقانه و تخیل نشان داده است که به هنگام عاشق شدن، نقش تخیل و تصویر سازی از طرف مقابل پر رنگ می شود زیرا عشق از طریق تخیل، می تواند معشوق یا همان شخص ایده آل را ایجاد کند و جالب اینکه، تصویر تخیلی معشوق نیز به همان اندازه حضور واقعی او قدرتمند و اثر گذار است. بنابراین، هنگامیکه به دیگری عشق می ورزیم، تخیل پردازی در باره معشوق می تواند در ما احساسات، آرزوها و عواطفی را ایجاد کند که مربوط به آینده اند و هنوز واقعا اتفاق نیفتاده اند، اما این احساسات پیش از موقع، ارزیابی ما را از زمان حال و آینده شکل خواهند داد (ایلوز، ۲۰۱۲: ۲۰۶). در نگاه ایلوز، تخیل عاشقانه زود هنگام می تواند به دو شکل قابل تشخیص باشد. شکل اول مبتنی بر ترکیب تعداد زیادی از تصاویر ذهنی، روایت ها و عناصر است، همچون میل به عشق ورزی ای که در اثر دیدن طرف مقابل بوجود می آید. شکل دوم، آن تخیل و تصویری است که با تقلید و شبیه سازی از یک ملاقات واقعی، آنهم با استفاده از فناوری شکل می گیرد و جالب اینکه این نوع تخیل عمدتاً در روابط رومانتیک آنالاین ایجاد می شود. ایلوز برای توضیح شکل اول، از اصطلاح "تخیل عاشقانه سنتی"^۶ استفاده می کند و آنرا تخیلات عاشقانه مبتنی بر همجواری و نزدیکی نامیده است یعنی آن تخیلات رومانتیکی که بر برپایه حضور دو بدن فیزیکی و ملاقات چهره به چهره ایجاد می شوند. اگرچه تخیل عاشقانه سنتی که براساس همجواری و نزدیکی عمل می کند هنوز نیرومند است و نقش مهمی را در جوامع ایفا می کند اما بنظر ایلوز، اینترنت هم اکنون زمینه را برای عزیمت و گذار انسانها از تخیلات عاشقانه سنتی به سمت شکل دومی از تخیلات یعنی تخیل عاشقانه اینترنتی فراهم کرده است. تخیل عاشقانه سنتی مبتنی بر بدن فیزیکی است و پدیده های حاضر را با تصاویر و تجربیات گذشته تلفیق می کند، اما "تخیل عاشقانه اینترنتی" بر یک شناخت کلی و متن - محور اتکاء داشته و در فرایند تعامل و ارزیابی طرف مقابل، تحت تاثیر "زبان و ادبیات"ی است که بین طرفین رد و بدل می شود. علاوه بر این، تخیل اینترنتی دانش دیگری را نیز بر پایه توان تجمیع صفات می طلبد و این امر به افراد امکان می دهد تا ویژگیهای نامطلوب معشوق را - هنگام تخیل پردازی - ناچیز شمرده و ویژگی های جدیدی را برای او در تصورات خود جایگزین کنند.

- 1 Self-Presentation
- 2 Similarity
- 3 Reciprocity
- 4 Mental Proximity
- 5 Illouz
- 6 Traditional romantic imagination

بنابراین، تخیلات عاشقانه اینترنتی به افراد امکان می‌دهد تا اینگونه شکافها را پر نموده و تصویر جدیدی را از طرف مقابل ساخته و تقویت کنند (ایلو، ۲۰۱۲: ۳۰).

ب: نظریه های مربوط به تاثیر اینترنت بر عشق و روابط رومانتیک

دسته دوم از نظریه ها عمدتاً در باره نقش میانجیگرانه تکنولوژی اینترنت در عشق و روابط رومانتیک صحبت کرده اند که از این میان برخی اینترنت را به عنوان یک تکنولوژی فیلترساز و محدود کننده روابط عاشقانه تلقی کرده و برخی دیگر برای اینترنت نقش نوسازی و ترکیب بندی مجدد عشق و روابط رومانتیک را قایلند. تعدادی از مطالعات اولیه در زمینه ارتباطات کامپیوتر-محور باعث پیدایش این نگاه در گروهی از محققان شده که کامپیوتر و اینترنت نقش مانع و فیلتر کننده را در ارتباط میان انسانها بازی می کند. به عنوان نمونه، اندرسون (۲۰۰۵)، عقیده دارد هرچند کامپیوتر و اینترنت دسترسی انسانها به یکدیگر را آسان و سریع کرده است اما بسیاری از نشانه ها و خصوصیات مهم غیر کلامی، فیزیکی، محیطی و زمینه ای را که در روابط عادی و روزمره وجود دارد فیلتر می کند و این در حالی است که ویژگیها و نشانه های محیطی، فیزیکی، اجتماعی و...، در هر ارتباطی بسیار مهم و حیاتی اند زیرا همین نشانه ها و خصوصیات فیلتر شده هستند که قدرت تفسیر و معنا بخشی به مشارکت کنندگان داده و روابط انسانی را به عملی معنادار تبدیل می کنند. از اینرو، اندرسون روابط با واسطه کامپیوتری را ضعیفتر از آن می داند که آن حجم و غنای اطلاعات را که برای حفظ و تداوم روابط شخصی و نزدیک همچون روابط رومانتیک لازم است بتواند میان افراد در فضای اینترنت انتقال دهد. در نگاه وی، روابط کامپیوتری بیشتر متناسب با روابط وظیفه - محور و غیر شخصی است تا روابطی عاطفی همچون روابط رومانتیک و عاشقانه (اندرسون، ۲۰۰۵: ۵۲۳). برخی از این هم فراتر رفته و معتقدند اینترنت با حذف ویژگیهای ظاهری و نشانه های اجتماعی نه تنها مانع ابراز عشق می شود بلکه این گمنامی و ناشناختگی در اینترنت می تواند باعث تشدید رفتارهای خود خواهانه، غیرمسئولانه و آسیب زننده به معشوق گردد. به نظر جونسون، گمنامی و عدم مسئولیت پذیری که اساساً با روابط کامپیوتر- واسطه در هم آمیخته است موجبات نوعی خود محوری، بی توجهی و کم بها دادن به حالات و نیاز های طرف مقابل را فراهم می کند (بریگل، ۲۰۰۸: ۲۲۴). البته، برخی محققان خوشبینانه به نقش فیلتر کننده اینترنت نگریسته و آنرا دارای نکات مثبت میدانند، به این معنا که فیلتر شدن خصوصیات و نشانه های فیزیکی، اجتماعی توانسته است روابط رومانتیک و عاشقانه را در فضای آنلاین تقویت کند. مک کینا (۲۰۰۲) و همکارانش در تحقیقات خود دریافته اند گمنامی موجود در روابط اینترنتی موجب رشد و گسترش خود اظهاری ها و بیان آزادانه احساسات و افکار می شود زیرا افراد خود را از نگاه جمع رها و کمتر احساس خطر می کنند، از اینرو راحت تر می توانند خود واقعی شان را ارائه و احساسات صمیمی و عاشقانه خود را به طرف مقابل نشان دهند. علاوه بر این، مک کینا تأکید می کند که در روابط رومانتیک آنلاین، نشانه ها و خصوصیات اساسی و لازم برای ارتباط حذف نمی شوند بلکه ویژگیهای گول زننده، منحرف کننده، و زمینه ساز پیشداوری ها توسط کامپیوتر حذف و فیلتر می شوند. به عبارتی، اینترنت، با حذف برخی نشانه ها و خصوصیات مزاحم و گول زننده همچون: سن، نژاد، وزن، وضع ظاهری و... چشمان افراد را باز می کند تا به روح و جوهره اصیل معشوق خود بنگرند. به علاوه، اینترنت با حذف مشخصات و نشانه های اجتماعی کاربران، زمینه را برای رشد روندی موسوم به ایده آل سازی فراهم می کند. ندیدن یکدیگر در روابط آنلاین، منجر به ساختن تصاویر ایده آل و پردازش شده افراد از خود و دیگران شده و این انسانهای ایده آل و به گفته ژوزف والت (۱۹۹۶) این "فرا انسان ها" هستند که در فضای اینترنت با یکدیگر رابطه دارند. در واقع، ارتباط میان نسخه های پردازش شده و ایده آل انسانی باعث شده تا برای بسیاری از مردم، فضای ارتباطی آنلاین جذاب تر و مطلوب تر از فضای ارتباطات واقعی و حضوری تلقی شود و جالب اینکه این ایده آل سازی مورد رضایت و حمایت طرفین ارتباط نیز بوده و گردونه ارتباط را بخوبی پیش می برد (بریگل، ۲۰۰۸: ۲۲۵).

اما گروه دیگری از محققان، اساساً اینترنت را عامل نوسازی و شکل دهی تازه به پدیده عشق و روابط رومانتیک می دانند، به این معنا که تکنولوژی اینترنت نه تنها صرفاً همان روابط رومانتیک عادی و روزمره را بازتاب نمی دهد بلکه اساساً ماهیت جدیدی به عشق و روابط رومانتیک بخشیده و آن را از نو می سازد، آنهم با ماهیت و مختصات که قبلاً سابقه نداشته است. در این رابطه، آدام بریگل (۲۰۰۸) نوسازی و ترکیب بندی مجدد عشق را با ذکر مثالی در زمینه سونوگرافی شرح داده است، بدینصورت که تصاویر ظاهر شده از جنین در رحم مادر که در سونوگرافی ها معمول است در واقع به کمک امواج صوتی دستگاه اولتراسوند خلق می شوند و این یعنی، تکنولوژی اولتراسوند تجربه دیدن پدیده ای را که قبلاً نمی شد دید را در اختیار ما می گذارد. دیدن تصاویر مربوط به فکر کردن و احساسات متفاوت خشم، ترس، هیجان، شادی و... در مغز انسان نیز امروزه به کمک دستگاههای عکس برداری ام آر آی امکان پذیر شده است در حالیکه قبلاً چنین امکانی قابل تصور هم نبود. این نمونه ها به روشنی نشان می دهد که تکنولوژی با وساطت خود، در واقع شکل های جدیدی از پدیده های زیستی، طبیعی، روانی و اجتماعی را ساخته و پرداخته و در اختیار انسان قرار می دهد بگونه ای که اگر وساطت تکنولوژی نبود، جنین انسان، یا جریان فکر و احساسات در مغز و بسیاری پدیده های دیگر اساساً مخفی مانده و هیچگاه قابل مشاهده نمی شدند. با این نگاه، بریگل سعی دارد بگوید که اینترنت باعث شکل دهی مجدد عشق و روابط رومانتیک شده و دیر یا زود بسیاری از زوایای پنهان و نادیدنی آنرا نوسازی کرده و مقابل چشمان

ما خواهد گذاشت (بریگل، ۲۰۰۸: ۲۲۶). بنابر این، عشق آنالاین و یا حتی روابط جنسی سایبری صرفاً همان تجربیات عاشقانه عادی منهای برخی نشانه‌ها و ویژگی‌ها نیستند، بلکه مدل‌های جدیدی از عشق همراه با ساختارهای کاملاً متفاوتی هستند که به کمک تجهیزات فنی بدیع و تازه تکنولوژیهای اطلاعات و ارتباطات شکل گرفته‌اند. تجربه زیسته افراد در عشق آنالاین نیز مسیر متفاوتی را در مقایسه با عشق عادی و روزمره طی خواهد کرد. بریگل کیفیت عشق و روابط عاشقانه آنالاین را نیز بالاتر از کیفیت روابط عاشقانه عادی و آنالاین دانسته و برای این ادعای خود دو عامل را که باعث می‌شوند روابط رومانتیک اینترنتی در سطح بالاتری از روابط عادی قرار گیرند مطرح کرده است. دو عامل مورد نظر بریگل یکی "فاصله" و دیگری "تامل و احتیاط" هستند وجود فاصله میان عاشق و معشوق باعث افزایش عطش و اشتیاق به سمت دیگری می‌شود - برعکس حالت نزدیکی و مجاورت که باعث عادی و تکراری شدن افراد برای یکدیگر می‌شود- و جالب اینکه این فاصله همیشه و همه جا در تعاملات اینترنتی وجود دارد. عامل دوم تامل و احتیاط در روابط رومانتیک آنالاین بویژه متن - محور است که فاقد شتابزدگی‌های موجود در بسیاری از روابط عاشقانه کلامی و حضوری است. این تامل و احتیاط، رابطه میان طرفین را به برخی لایه‌ها و جنبه‌های عمیق‌تر احساسی و ارتباطی پیوند زده و میزان حساسیت و توجه به وضعیت خود و طرف مقابل را در یک رابطه رومانتیک تقویت می‌کند. (بریگل، ۲۰۰۸: ۲۲۸).

۳- پیشینه تجربی پژوهش

تأثیر اینترنت و فضای مجازی بر روابط رومانتیک و نحوه تجربه عشق آنالاین توسط کاربران موضوعی است که در دو دهه اخیر توجه محققان را بویژه در خارج کشور به خود جلب کرده است. در این پژوهشها جنبه‌های مختلفی از مساله مورد کنکاش بوده و هر محقق از زاویه‌ای به مساله نگریسته است. به عنوان نمونه، اندرسون (۲۰۰۵)، در مطالعه‌ای دریافته است گرایش به اینترنت و مدت زمان صرف شده در تعاملات آنالاین موجب درک بهتری از روابط عاشقانه آنالاین در افراد می‌شود. به عبارتی، اگر افراد احساس تعلق خاطر به اینترنت داشته و زمان زیادی را صرف اینترنت کنند، ذهنیت مثبت تری به روابط رومانتیک آنالاین پیدامیکنند. اندرسون پیش بینی میکند چون همه جا استفاده از اینترنت در حال افزایش است، احتمالاً روابط عاشقانه آنالاین نیز برای افراد جامعه روزبه روز شایع تر و قابل قبول تر خواهد شد. در مطالعات ویلدر موث و ولگبائر (۲۰۰۷)، نیز که طی آن نقل قول‌های مکتوب ۲۰۲ کاربر در سایت "یوزنت" بررسی شد تا مشخص شود افراد چگونه تجارب عاشقانه اینترنتی خود را توصیف می‌کنند نتایج نشان داد علی‌رغم فقدان تماس بدنی در روابط آنالاین، این روابط احساسات مثبت و منفی قدرتمندی برای شرکت کنندگان ایجاد نموده است. بسیاری از شرکت کنندگان در آن پژوهش احساسات خود نسبت به شرکای آنالاین شان را به عنوان یک عشق واقعی توصیف کرده و تجربه عشق آنالاین را نوعی احساس رها شدن و یا احساس پیوند فوری و سریع برشمردند. در بررسیهای لاوسون و لک نیز عشق آنالاین توسط پاسخگویان به منزله آزادی از تعهدات و نقش‌های اجتماعی کلیشه‌ای، و بعضاً یکنوع ماجراجویی و فانتزی رمانتیک تلقی شده است. بارینگ^۱ و براکت^۲ (۲۰۰۸) نیز در پژوهشی پیرامون روابط اینترنتی دریافته‌اند که عشق آنالاین دیگر جنبه‌ای جدا ناپذیر از زندگی روزمره در عصر پست مدرن شده است زیرا افراد- در مقایسه با فضاهای عادی- در فضای اینترنت احساس ایمنی بیشتری برای ایجاد رابطه و رومانس با یکدیگر دارند. بویژه کسانی که در برقراری روابط آنالاین موفق نبوده و یا بیشتر در معرض عدم پذیرش توسط دیگران قرار داشته‌اند، از اینترنت برای یافتن یک شریک رومانتیک بیشتر استفاده کرده و در مقایسه با بقیه، بیشتر مستعد استفاده از محیط‌های دوستیابی در فضای مجازی هستند (پاناناونساب، ۲۰۱۶: ۴۹-۵۱). علاوه بر آنچه ذکر شد، نتایج مطالعات مونیکا ویتی^۳ (۲۰۰۸)، در زمینه روابط رومانتیک آنالاین نشان داده است فضای مجازی محیط منحصر به فردی را برای یادگیری و تجربه در مورد روابط و تمایلات جنسی در اختیار افراد قرار می‌دهد. بنظر ویتی، فقدان نشانه‌های اجتماعی و ظاهری در اینترنت می‌تواند به ایجاد رابطه‌های بسیار شخصی و صمیمی منجر شود. همچنین، آنا لومانوسکا و ماتیو گیتون (۲۰۱۶) در یک فراتحلیل از تحقیقات انجام شده قبلی پیرامون "روابط صمیمانه آنالاین" دریافته‌اند که این روابط می‌توانند از نظر معنا و مفهومی که دارند، و بلحاظ میزان صمیمیت و پایداری موجود در آنها، تقریباً مشابه با روابط آنالاین و معمولی باشند و حتی بعضاً روابط آنالاین موجود را هم تقویت کرده و غنی سازند. نتایج این بررسی نشان داده است حتی می‌توان از تجهیزات واقعیت افزوده برای شبیه‌سازی برخی جنبه‌های جسمانی موجود در تعاملات صمیمی نیز استفاده کرد (لومانوسکا و همکاران، ۲۰۱۶). در همین حال، مطالعات آدلبرتو سانچز (۲۰۱۷) بر روی نمونه‌ای شامل افراد ۱۸ تا ۷۳ ساله نشان داده است مدت زمان سپری شده در فضای آنالاین تأثیری بر کیفیت روابط صمیمی و نزدیک ندارد و مردم می‌توانند فارغ از اینکه چقدر برای شبکه‌های اجتماعی زمان صرف می‌کنند، روابط صمیمی و رضایت بخشی را تجربه کنند. همچنین باو

1 Baring

2 Bracket

3 Whitty

(۲۰۱۰) در مطالعه ای پیرامون نحوه رشد روابط رومانتیک در فضای آنلاین دریافت بسیاری اوقات با لایک کردن و کامنت گذاشتن برای محتویات و مطالب پروفایل ها و پُست هاست که رابطه میان افراد در این فضا شروع می شود، اما بتدریج با تغییر این رابطه از حالت رابطه میان دو انسان تنها به دو انسان مرتبط و گرفتار در عشق، کم کم شاهد ظهور نوعی احساس تملک و غیرت در طرفین هستیم بگونه ای که دیگر هیچکدام حاضر نیستند طرف مقابل خود را با افراد دیگر در فضای آنلاین شریک شوند. این مساله، با توجه به دسترسی آسان و گسترده به افراد گوناگون در فضای اینترنت، می تواند حتی آغازگر برخی حسادت ها و تنش ها در روابط شود (هازرا، ۲۰۱۸: ۱۵-۸). در مطالعات اویتسیل^۱ و همکارانش از دانشگاه آنتورپ در سال ۲۰۱۵ بر روی تعدادی از جوانان شهر فلاندرز بلژیک نیز افراد مورد بررسی به مسایلی چون بروز حسادت و یا کنترل و نظارت طرف مقابل در روابط رومانتیک آنلاین اشاره کردند (اویتسیل و همکاران، ۲۰۱۶: ۷۷). در کنار مطالعات خارج کشور، تعدادی از مطالعات داخل کشور نیز در سالهای اخیر به تأثیرات اینترنت و شبکه های اجتماعی بر روابط رومانتیک پرداخته اند اما کانون توجه این مطالعات بیشتر روی همسرگزینی و ازدواج یا نگرش به روابط اینترنتی دختر و پسرها بوده است. به عنوان نمونه، بررسی مردم نگارانه مهدوی (۱۳۸۵) در بین کاربران اینترنتی جوان، تحصیله کرده و متعلق به طبقه متوسط در تهران نشان داد از آنجا که در ایران معاشرت با جنس مخالف تا حدود زیادی توسط مذهب تنظیم و کنترل می شود، جوانان با استفاده از دوستیابی اینترنتی بجای ملاقات حضوری با جنس مخالف، در واقع از خطرات احتمالی مساله اجتناب می کنند. ازاینرو، برای جوانان عشق اینترنتی یک شکل امن تر برای ایجاد رابطه رومانتیک است و به آنها امکان شناختن یکدیگر را آنهم قبل از ریسک کردن و دیدار حضوری می دهد. نتایج این پژوهش نشان داد، فضای چت فرصت مناسبی را به شرکت کنندگان - به خصوص جوانان که قبلاً تجربه رابطه با جنس مخالف نداشته اند - می دهد تا فارغ از محدودیت های اجتماعی و خصوصیات فردی خود ملاقات و معاشرت با جنس مخالف را یاد گرفته و تمرین کنند. در مطالعه ای دیگر، کنعانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان « بررسی رابطه استفاده از اینترنت با نگرش به دوستی اینترنتی در بین دانشجویان دانشگاه گیلان» بر روی تعدادی از دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان دریافتند استفاده از اینترنت - چنانچه اندرسون نیز اشاره داشت - در نگرش مثبت به دوستی اینترنتی با جنس مخالف تأثیرگذار بوده و بین سن دانشجویان با نگرش به دوستی اینترنتی نیز رابطه مثبت مشاهده گردید. نتایج همین پژوهش نشان داد رفیق بودن، سادگی و گمنامی در تماس های شبکه ای و همچنین آزادی موجود در فضای مجازی باعث گرایش بیش از اندازه جوانان به اینترنت و دوستی های اینترنتی است. جوانان در عین آگاهی از پیامدهای منفی روابط آنلاین از قبیل عدم اعتماد، عدم تعهد و ناپایداری، با اینحال عموماً نگرش مثبتی به روابط و دوستی های اینترنتی داشته و حتی تمایل به ازدواج از این طریق نیز در بین آن ها ملاحظه شد. در یک جمع بندی کوتاه، مطالعات محققان بویژه در خارج کشور نشان می دهد روابط نزدیک و رومانتیک در فضای اینترنت میان افراد می تواند شکل بگیرد، و حتی واقعی تلقی شده و از چنان شدتی برخوردار گردد که مانند عشق و علاقه های معمولی، در طرفین ویژگیهایی از قبیل وابستگی، احساس تملک، حسادت و میل به کنترل طرف مقابل را پدیدار سازد. اما در مطالعات داخل کشور بنظر می رسد هنوز توجه چندانی به ماهیت و ابعاد روابط رومانتیک و عشق در فضای مجازی نشده و عمدتاً نگرش افراد به این روابط و یا نقش ابزاری اینترنت در همسرگزینی و ازدواج مد نظر قرار گرفته است.

به هر تقدیر، عشق پدیده ای است که در طول تاریخ همواره پُر رمز و راز بوده و هم اینک با پدیدار شدن عشق آنلاین و اینترنتی، رمز و رازهای دو چندان پیدا کرده است. عشق آنلاین، آنهم با توجه به اقبال فزاینده ای که در جوامع مختلف از آن می شود طبعاً پدیده ای است که آمده تا بماند و بنابراین لازم است ابعاد گوناگون آن مورد مطالعه قرار گیرد. با توجه به جدید بودن موضوع در فضای داخل کشور، ابعاد و مسایلی که باید در این زمینه روشن گردد فراوان و خلاء های پژوهشی نیز در این رابطه بسیارند اما بهر حال از آنجا که همواره بررسی و کنکاش را باید از نقطه ای آغاز نمود، پژوهش حاضر در گامی کوچک، مطالعه در باره عشق آنلاین و میزان و شدت آن را در دستور کار خود قرار داده و سعی دارد ضمن ارزیابی امکان شکل گیری عشق آنلاین در کاربران اینترنتی، میزان و شدت آن را نیز سنجش نماید. بر این اساس، اهداف پژوهش حاضر در قالب سوالات و فرضیاتی چند به شرح زیر ارائه می گردد:

- آیا عشق آنلاین در بین کاربران شکل گرفته است یا خیر؟ به چه میزان و شدتی؟
- میزان و شدت عشق آنلاین با خودپنداره کاربران رابطه دارد.
- میزان عشق آنلاین بر حسب نوع نگرش کاربران به اینترنت متفاوت است.
- میزان عشق آنلاین بر حسب مدت زمان تداوم دوستی اینترنتی کاربران متفاوت است.
- میزان عشق آنلاین بر حسب نوع محیط اینترنتی مورد استفاده کاربران متفاوت است.
- میزان عشق آنلاین بر حسب ویژگیهای کاربران (جنس، سن، شغل و...) متفاوت است.

۴- تعریف مفاهیم

خود پنداره: خودپنداره شامل تمام اندیشه‌ها، ادراکات و ارزش‌هایی است که "من" یا "خودم" را می‌سازند و دربرگیرنده آگاهی از "آنچه هستم" و "آنچه می‌توانم انجام دهم" است. این خویشتن ادراک‌شده، به نوبه خود بر ادراک فرد از جهان و رفتارش تأثیر می‌گذارد و جالب اینکه، آدمی هر تجربه‌ای را در رابطه با خودپنداره خویش می‌سجد (آتکینسون، ۱۳۹۳: ۴۷۰). هرچند خود پنداره از مفاهیمی است که بیشتر در روانشناسی و علوم تربیتی مطرح و مورد سنجش قرار می‌گیرد اما با توجه به اینکه در ادبیات موضوع، خودپنداره کاربران نیز به عنوان یک پارامتر اثر گذار شناسایی شده بود بنابراین سنجش نقش آن در میزان عشق آنالین تجربه شده مد نظر قرار گرفته است. دراین پژوهش، خودپنداره به کمک شاخص‌هایی چون: رضایت از گذشته خود، رضایت از وضع ظاهری و جسمانی، و رضایت از ویژگیهای اخلاقی و شخصیتی خود، مورد سنجش قرار گرفته و سطح سنجش این متغیر نیز فاصله‌ای است. دامنه تغییر نمرات این متغیر بین ۳ تا ۹ و میانگین نظری آن ۶ می‌باشد.

محیط اینترنتی: یک محیط بر ساخته و مبتنی بر شبکه‌های کامپیوتری که افراد می‌توانند در این محیط‌ها لحظه به لحظه به مبادله اطلاعات با یکدیگر بپردازند. شبکه‌های کامپیوتری موسوم به اینترنت با ایجاد محیط‌های گوناگونی چون وب سایت، ایمیل، چت روم، شبکه‌های اجتماعی فیس بوک، توییتر، تلگرام، اینستاگرام و... زمینه را برای تبادل آراء، تجربیات و اطلاعات میان مردم و در فضایی خارج از فضای واقعی فراهم می‌سازند (اسد نژاد، ۱۳۹۱: ۹۹). در این پژوهش محیط اینترنتی شامل محیط-هایی چون ایمیل، چت روم، وبسایتهای دوستیابی، شبکه‌های اجتماعی واتساپ، تلگرام، اینستاگرام می‌گردد که توسط کاربران برای روابط رومانتیک بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. سطح سنجش این متغیر اسمی خواهد بود.

عشق آنالین: نیکولا دورینگ (۲۰۰۲)، عشق آنالین را عشق و علاقه‌ای تعریف می‌کند که میان افراد در فضای اینترنتی بوجود آمده و به آنان امکان تجربه صمیمیت و احساسات عمیق متقابل را می‌بخشد. این تجربه احساسی تا آنجا می‌تواند عمیق گردد که نشانه‌هایی شبیه به علائم اعتیاد اینترنتی را در شخص پدیدار سازد؛ علایمی چون فقدان کنترل بر خود، درلاک خود فرورفتن و کناره‌گیری از دیگران، و افزایش سهل انگاری و مسامحه در کارهای روزمره (Doering, 2002: 4-8). در این پژوهش عشق آنالین به کمک شاخصهایی چون علائم فیزیولوژیک هیجان و طیش قلب و...، علاقه و میل جنسی و عاطفی، انتظار و بی‌قراری، ارسال مکرر پیام، تخیل و تصور پردازی، صمیمیت شدید و احساس رها شدگی که در نظرات برخی کارشناسان و صاحبانظران اینترنت مطرح شده است استخراج و مورد سنجش واقع شده و سطح سنجش آن نیز فاصله‌ای است. دامنه تغییر نمرات این متغیر بین ۱۱ تا ۳۳ و میانگین نظری آن ۲۲ می‌باشد.

۵- روش پژوهش

این مطالعه به روش پیمایش صورت گرفته و جامعه آماری را اهالی شهر کاشان در سال ۱۳۹۹ تشکیل میدهند که جمعیت آنان براساس نتایج آخرین سرشماری کشور در سال ۱۳۹۵ معادل ۳۰۴۱۴۶ نفر بوده و از این میان به کمک فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای برای انتخاب پاسخگویان در نظر گرفته شد تا بتوان موضوع پژوهش را در دو فضای دانشگاهی و غیردانشگاهی بررسی نمود. در پاییز ۱۳۹۹، پرسشنامه پژوهش به دو صورت آنالین و حضوری در بین پاسخگویان توزیع گردید. بخشی از پرسشنامه‌ها به صورت آنالین در گروه‌های تلگرامی، اینستاگرامی و واتساپی توسط دانشجویان و بخش دیگر بشکل حضوری در سطح شهر و توسط افراد عادی متعلق به رده‌ها و اصناف شغلی مختلف تکمیل شدند.

ابزار پژوهش را یک پرسشنامه محقق ساخته ۱۵ سوالی مرکب از ۱۲ سوال بسته و ۳ سوال باز تشکیل می‌دهد. برای تدوین سوالات مربوط به متغیر عشق آنالین ابتدا نظریات و پیشینه تحقیق مورد واکاوی قرار گرفته و گزاره‌های متعددی بالغ بر ۵۰ گزاره که بیانگر علائم و نشانه‌های عشق آنالین بودند استخراج و پس از چند مرحله غربالگری، نهایتاً شاخصهایی برای عشق آنالین تعیین و بصورت ۱۱ گویه در پرسشنامه نهایی قرار گرفت. اعتبار پرسشنامه پژوهش، اعتبار سازه‌ای است. به تعبیر ناچمیاس، اعتبار سازه‌ای عبارت است از ایجاد ارتباط بین ابزار سنجش (سنجه‌ها) با چهارچوب نظری کلی برای اینکه ببینیم آیا ابزار تحقیق با مفاهیم و پیش فرض‌های نظری رابطه دارد یا خیر (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۱۴۳). در پژوهش حاضر نیز چنین روندی مرحله به مرحله دنبال شد. از درون مبانی نظری معرفها و شاخصهایی استخراج، غربالگری، و سپس به گویه‌هایی تبدیل شدند تا در برخورد با واقعیت میدانی میزان پایایی آنها سنجیده شده و در اندازه‌گیری موضوع تحقیق بکار رود. به منظور سنجش پایایی ابزار تحقیق ابتدا پرسشگری در بین ۳۰ نفر از جامعه مورد بررسی انجام و سپس داده‌های به دست آمده با آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شد که در نتیجه ضریب آلفای کرونباخ متغیرعشق آنالین ۹۱ درصد بدست آمد.

۶- یافته های تحقیق

الف. یافته های توصیفی

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۵۰٫۵٪ زنان و ۴۹٫۴٪ مردان بوده و میانگین سن پاسخگویان ۳۰ سال می باشد. بلحاظ وضعیت زناشویی، ۵۳٫۸ درصد پاسخگویان متاهل، ۴۲٫۶ درصد مجرد و ۳٫۴ درصد نیز مطلقه یا بیوه هستند. بلحاظ تحصیلی، دانشجویان تا سطح لیسانس بیشترین سهم را در پاسخگویان داشته اند (۶۱٫۸٪)، اما دانشجویان تحصیلات تکمیلی یا دارندگان مدرک فوق لیسانس یا دکترا (۱۹٫۷٪) و نیز افراد دارای تحصیلات تا دیپلم (۱۸٫۵٪) به ترتیب در رتبه های بعدی قرار دارند. میانگین نمره سطح خود پنداره پاسخگویان (۶٫۷) یا کمی بیش از حد متوسط و میانگین نظری (۶) است. دوسوم یا ۶۷٪ پاسخگویان نگرشی نسبتاً مثبت به فضای مجازی داشته اند ولی افرادی که نگرش کاملاً مثبت (۱۶٫۷٪) و نه چندان مثبت (۱۵٫۸٪) داشته اند به ترتیب در رتبه های بعدی قرار می گیرند. اصلی ترین محیط آنلاین برای دوستیابی، مربوط به اینستاگرام (۵۱٫۲٪) بوده است اما استفاده از تلگرام (۱۷٫۲٪)، واتساپ (۱۴٫۸٪)، سایتهای دوستیابی (۴٫۲٪)، چت روم (۲٫۵٪) و ایمیل (۱٪) نیز به ترتیب در رتبه های بعدی اند. در بین پاسخگویان، حدود ۱۰ درصد در مشاغل دولتی، ۲۴٫۶ درصد در مشاغل آزاد، ۶٫۴ درصد در مشاغل تخصصی، ۵۲٫۵٪ اشتغال به تحصیل و ۴٫۴٪ خانه دار هستند. میانگین نمره میزان و شدت عشق آنلاین در پاسخگویان نمره ۱۹٫۴ می باشد که از حد متوسط یا میانگین نظری این متغیر (۲۲) کمی پایین تر است. روابط رومانتیک در فضای مجازی برای ۳۰٪ پاسخگویان حداکثر تا ۳ ماه دوام داشته است در حالیکه برای ۲۱٪ افراد مورد بررسی بیش از یکسال بطول انجامیده، و برای ۱۱٫۶٪ افراد بین ۶ تا ۹ ماه، برای ۱۱٫۶٪ بین ۹ تا ۱۲ ماه، و نهایتاً برای ۱۰٫۶٪ پاسخگویان نیز بین ۳ تا ۶ ماه بوده است.

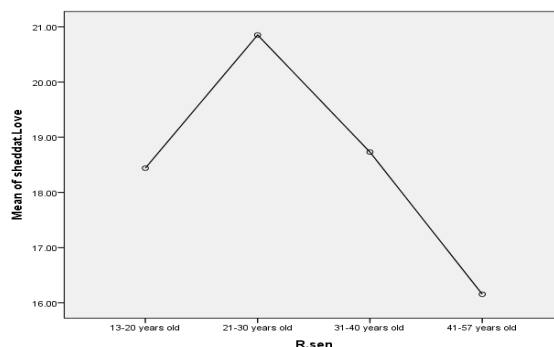
ب. یافته های تحلیلی

یافته های توصیفی نشان داد جامعه مورد بررسی با میانگین نمره ۶٫۷ دارای خودپنداره ای مثبت و کمی بالاتر از حد متوسط (میانگین نظری ۶) بوده است یعنی از خصوصیات ظاهری، ویژگیهای شخصیتی و زندگی گذشته خود در حد متوسط راضی و خشنود است. اما برای حصول اطمینان از چنین نتیجه ای، آزمون تی تک نمونه بکار گرفته شد و با توجه به سطح معناداری کوچکتر از ۰٫۰۵ نتیجه ذکر شده تایید شد. در مورد میزان عشق آنلاین که توسط کاربران تجربه شده نیز نتایج بدست آمده نشان داد میانگین نمره عشق آنلاین کاربران (۱۹٫۴) اندکی پایین تر از حد متوسط یا میانگین نظری این متغیر (۲۲) بوده است. برای اطمینان از چنین نتیجه ای نیز آزمون تی تک نمونه بکار گرفته شد که با توجه به سطح معناداری کوچکتر از ۰٫۰۵ معلوم شد عشق آنلاین واقعاً در کاربران شکل گرفته اما مقدار آن اندکی پایین تر از حد متوسط است. در ادامه و براساس فرضیات پژوهش، رابطه میان برخی متغیرها با عشق آنلاین مورد سنجش قرار گرفت تا رابطه آنها با میزان و شدت عشق آنلاین معلوم گردد. در ابتدا، رابطه عشق آنلاین با متغیرهای فاصله ای پژوهش همچون "سن و خود پنداره" از طریق آزمون همبستگی مورد سنجش قرار گرفت که نتایج بدست آمده در جدول شماره یک ارائه می گردد.

جدول شماره ۱. نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای فاصله ای تحقیق و عشق آنلاین

متغیرها	تعداد	نمره آزمون همبستگی	سطح معناداری
سن / عشق آنلاین	۳۷۹	- ۰٫۲۵۶	۰٫۰۰۰
خودپنداره / عشق آنلاین	۳۸۴	۰٫۰۲۵	۰٫۶۷۲

با توجه به کوچکتر بودن سطح معناداری از ۰٫۰۵، نتایج جدول شماره ۱ رابطه ای معنادار و معکوس را میان سن افراد و میزان عشق آنلاین نشان می دهد و فرضیه مربوطه نیز تایید شده است. با تاملی در میانگین نمرات بدست آمده می توان دریافت کاربران جوان و دارای سنین ۲۱ تا ۳۰ ساله- در مقایسه با کاربران دارای سنین بالاتر- شدت عشق بیشتری را در تعاملات رومانتیک خود در فضای آنلاین تجربه کرده اند. هرچقدر سن افرادی که در فضای مجازی به تعاملات رومانتیک می پردازند بالاتر می رود و به سنین میانسالی و بزرگسالی می رسد از میزان و شدت عشقی که تجربه می کنند نیز کاسته می شود. این نتیجه چندان هم دور از ذهن نبوده و با واقعیت همخوانی دارد چرا که شور و هیجان احساسی بویژه در روابط نزدیک و عاشقانه غالباً در سنین جوانی و نوجوانی شدید تر از سنین میانسالی و بزرگسالی است. به عبارتی، تاثیر سن و سال در میزان عشقی که توسط افراد احساس می شود در فضای واقعی و آنلاین گویا تقریباً مشابه است. جهت ارائه تصویر بهتری از کیفیت نوسانات عشق آنلاین بر حسب سن و سال افراد در اینجا از تکنیک نمودار تحلیل روند استفاده می شود.



نمودار ۱. تغییرات در شدت عشق آنلاین بر حسب سن و سال کاربران

نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد تا سن ۲۰ سالگی تجربه عشق آنلاین از شدت بالایی برخوردار نیست اما وقتی سن و سال به مرحله ۲۱ سالگی تا ۳۰ سالگی می‌رسد میزان احساس عشق آنلاین در کاربران به بالاترین نقطه اوج خود می‌رسد. لیکن با افزایش سن به میانسالی (۳۱ تا ۴۰ سال) و سپس بزرگسالی (۴۱ تا ۵۷ سال) روند نزولی آغاز شده و از شدت احساس عشق آنلاین در تعاملات اینترنتی کاربران کاسته می‌شود.

از سوی دیگر، نتایج جدول شماره یک - با توجه به سطح معناداری بزرگتر از ۰,۰۵ - نشان داده است رابطه معناداری بین خودپنداره کاربران با میزان عشقی که در فضای مجازی تجربه می‌کنند وجود ندارد و طبعاً فرضیه مربوطه تایید نشده است. به عبارتی، میزان رضایت از خود (خودپنداره) تاثیری بر روی تجربه عشق آنلاین به میزانی کمتر و یا بیشتر ندارد و نمی‌توان گفت افرادی که کمتر از خودشان راضی هستند یا خود پنداره و اعتماد بنفس آنها ضعیفتر از بقیه است در تعاملات رومانتیک خود در فضای مجازی نیز عشق کمتری را احساس خواهند کرد. در ادامه، نقش بقیه متغیرها (متغیرهای اسمی یا ترتیبی) در میزان عشق آنلاین تجربه شده توسط کاربران از طریق آزمون های T و F مورد سنجش قرار گرفت که نتایج آن در جدول شماره دو ارائه شده است.

*جدول شماره ۲: نتایج آزمون T و F بین متغیرهای مقوله ای پژوهش با عشق آنلاین

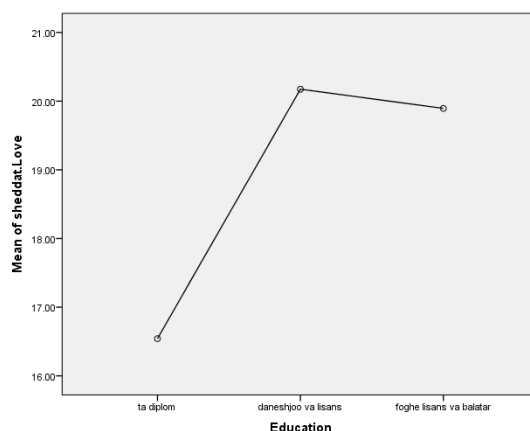
متغیرها	ضریب آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون تعقیبی توکی
جنس / عشق آنلاین	T= - 0.79	0.425	عدم تایید فرضیه
وضع تاهل / عشق آنلاین	F= 6.9	0.001	متاهل > مجرد > بیوه یا مطلقه
تحصیلات / عشق آنلاین	F= 11.7	0.000	تا دیپلم > فوق لیسانس و بالاتر > دانشجو و لیسانس
نگرش به اینترنت/ عشق آنلاین	F= 30.7	0.000	کاملاً مثبت > تا حدودی > نه چندان مثبت
محیط اینترنتی / عشق آنلاین	F= 1.57	0.168	عدم تایید فرضیه
مدت تداوم رابطه/ عشق آنلاین	F= 20.4	0.000	کمتر از ۳ ماه > ۳ تا ۹ ماه > بیش از یکسال > ۱۲ تا ماه
نوع اشتغال / عشق آنلاین	F= 30.7	0.000	دولتی > تخصصی > آزاد > شاغل به تحصیل خانه دار >

نتایج جدول شماره دو نشان می‌دهد متغیرهایی چون جنسیت و محیط اینترنتی مورد استفاده - با توجه به بزرگتر بودن سطح معناداری از ۰,۰۵ - نقش و تاثیری در میزان و شدت عشق آنلاین تجربه شده توسط کاربران ندارند و بنابراین فرضیه های مربوط به ایندو متغیر رد می‌شوند. از اینرو، می‌توان گفت در زنان و مردان مورد بررسی، میزان عشق آنلاین تجربه شده متفاوت نیست بلکه مشابه و نزدیک به یکدیگر بوده است (میانگینهای ۱۹,۶ و ۱۹,۲). همچنین باید اعتراف کرد که برقراری رابطه رومانتیک در محیط های گوناگون اینترنتی نیز باعث نشده است تا کاربران میزان و شدت متفاوتی از عشق آنلاین را احساس و تجربه کنند. در حقیقت، پژوهش حاضر نشان می‌دهد جنسیت و محیط اینترنتی مورد استفاده، تاثیری بر روی میزان و شدت عشق آنلاین که کاربران آنرا در فضای مجازی احساس می‌کنند ندارد.

اما در همین حال، بقیه متغیرهای پژوهش در ارتباط با میزان عشق آنلاین تجربه شده توسط کاربران نقش داشته و فرضیه های مربوط به آنها نیز تایید شده است. نتایج جدول شماره سه نشان می‌دهد کاربران بر حسب وضع تاهل خود میزان متفاوتی از عشق آنلاین را تجربه کرده اند (F=6.9 و sig.=0.001) و آزمون تعقیبی توکی در این رابطه حکایت از آن دارد که شدت عشق آنلاین در مطلقه ها و بیوه ها کمی بیش از مجرد ها و در مجردها نیز بیش از متاهل ها (به ترتیب با میانگین های ۲۰,۸، ۲۰,۵ و ۱۸,۴) بوده است.

بعلاوه، براساس نتایج ارائه شده در جدول (F= 11.7 و sig.= 0.000) می‌توان ملاحظه نمود شدت متفاوتی از عشق آنلاین توسط افراد دارای سطوح تحصیلی مختلف تجربه و احساس شده است بگونه ای که این شدت در دانشجویان تا مقطع لیسانس

بیش از دانشجویان تحصیلات تکمیلی و دارندگان فوق لیسانس و دکترا و یا دارندگان تحصیلات تا دیپلم (به ترتیب با میانگین‌های ۲۰,۲، ۱۹,۸ و ۱۶,۵) بوده است. برای ارائه تصویر روشنتری از کیفیت نوسانات شدت عشق آنلاین برحسب سطح تحصیلات کاربران در اینجا از تکنیک نمودار تحلیل روند استفاده شده است.

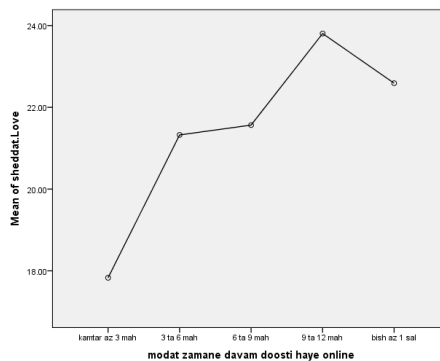


نمودار ۲. تغییرات در شدت عشق آنلاین بر حسب سطح تحصیلات کاربران

چنانچه در نمودار شماره ۲ ملاحظه می شود زمانیکه سطح تحصیلات کاربر زیر دیپلم است میزان عشق تجربه شده در فضای مجازی در پایین ترین حالت خود قرار دارد. اما با افزایش سطح تحصیلات تا لیسانس، شاهد افزایش میزان شدت عشق آنلاین هستیم لیکن وقتی تحصیلات به مقاطع بالاتر افزایش می یابد، تجربه عشق آنلاین شدیدتر نشده بلکه تقریباً در همان سطح قبلی متوقف می شود. نتایج حاصله در مورد نگرش به اینترنت ($F = 30.7$ و $sig. = 0.000$) نیز حاکیست در کاربران دارای نگرشهای گوناگون به اینترنت، شدت عشقی که در فضای آنلاین تجربه می شود یکسان نبوده و بر خلاف انتظار رایج، افرادی که گرایش چندان مثبتی به اینترنت ندارند عشق آنلاین شدیدتری را (با میانگین ۲۱,۵) نسبت به کسانی که تا حدودی مثبت یا کاملاً مثبت به اینترنت نگاه می کنند (بترتیب بامیانگین‌های ۲۰,۱ و ۱۴,۸) تجربه کرده اند. شناسایی دلایل چنین نتیجه غیر منتظره‌ای در خور بررسی و مطالعه مستقل و جداگانه ای است.

همچنین، به نقش اشتغال در تجربه عشق آنلاین می باید اشاره کرد که براساس نتایج حاصله ($F = 6.11$ و $sig. = 0.000$) افراد دارای اشتغال گوناگون، در دوستیابی های خود در فضای مجازی به میزان متفاوتی عشق آنلاین را احساس کرده اند. با توجه به ازمون تعقیبی توکی، این تفاوت بگونه‌ای است که شدت عشق آنلاین در شاغلین به تحصیل بیش از همه (با میانگین ۲۰,۷) و پس از این گروه، کارکنان مشاغل آزاد (م ۱۸,۴)، کارکنان مشاغل تخصصی (۱۷,۴)، کارکنان مشاغل دولتی (م ۱۷,۱) و خانه دارها (م ۱۶,۲) به درجات کمتری توانسته اند عشق آنلاین را در تعاملات خود در فضای مجازی تجربه کنند.

نهایتاً، نتایج جدول شماره دو ($F = 20.4$ و $sig. = 0.000$) نشان می دهد مدت زمان تداوم روابط رومانتیک در فضای مجازی می تواند منجر به تجربه میزان و شدت متفاوتی از عشق آنلاین گردد. براین اساس، پاسخگویی که روابط رومانتیک آنها در فضای مجازی بین ۹ تا ۱۲ ماه بطول انجامیده است بیشترین میزان عشق آنلاین را احساس کرده اند (میانگین نمره ۲۳,۸). پس از این گروه، کسانی که مدت زمان تعاملات رومانتیک آنان بیش از یکسال بطول انجامیده نیز میزان عشقی بالاتر از حد متوسط را تجربه کرده اند (میانگین ۲۲,۵). سومین گروه آنهایی هستند که دوستی رومانتیک آنها بین ۶ تا ۹ ماه دوام داشته است و این گروه نیز تقریباً در حد متوسط یا میانگین نظری توانسته اند عشق آنلاین را تجربه و احساس نمایند (م ۲۱,۶). کسانی که تعاملات رومانتیک شان بین ۳ تا ۶ ماه (میانگین ۲۱,۳) و یا کمتر از سه ماه (میانگین ۱۷,۸) بوده است در رتبه های بعدی قرار می گیرند. ارائه نمودار تحلیل روند در اینجا می تواند تصویر بهتری از مساله را آشکار سازد.



نمودار ۳. تغییرات در شدت عشق آنلاین بر حسب مدت زمان دوستی و رابطه اینترنتی

چنانچه در نمودار شماره ۳ ملاحظه می شود، گویا رسیدن به احساس عشق در فضای مجازی - همچون دنیای واقعی - یک پروسه زمانبر است و حداقل چند ماه نیاز دارد تا عواطف انسانها را شدیداً درگیر سازد. در دوستی های اینترنتی که از عمر آنها حداکثر ۳ ماه می گذرد میزان عشق آنلاین در پایین ترین مقدار خود قرار دارد؛ اما به موازاتی که دوستی اینترنتی تداوم پیدا می کند بر شدت عشق تجربه شده توسط کاربران نیز افزوده می شود تا اینکه در دوستی های با سابقه ۹ تا ۱۲ ماه شاهد یک نقطه اوج هستیم به این معنا که بیشترین میزان عشق آنلاین در دوستی های اینترنتی از ماه نهم تا دوازدهم توسط کاربران تجربه و احساس می شود. در دوستی هایی با سابقه بیش از یکسال، دوباره شاهد روند نزولی در میزان عشق آنلاین هستیم که می تواند احتمالاً ناشی از عادی شدن ارتباط، یا بروز حسادت، حس تملک و غیرت و... چنانچه در تحقیقات باو، اویتسل، راشل و دیگران ذکر شده بود باشد. بدین ترتیب، در پایان این بخش می توان گفت عواملی که بر میزان عشق آنلاین تجربه شده توسط کاربران اثر می گذارند را سن کاربر، وضع تاهل، سطح تحصیلات، نوع اشتغال، نوع نگرش به اینترنت و نهایتاً مدت زمان تداوم دوستی اینترنتی تشکیل می دهد. متقابلاً، جنسیت کاربران، خودپنداره های آنها و محیط دوستیابی اینترنتی مورد استفاده آنها نقشی در کم و زیاد شدن میزان عشق آنلاین تجربه شده ندارد.

۷- نتیجه گیری

موضوع این پژوهش، بررسی عشق آنلاین و شدت آن در کاربران اینترنتی بوده است. هدف اصلی آن بوده که ببینیم آیا اساساً امکان شکل گیری عشق در فضای مجازی یا عشق آنلاین وجود دارد؟ و آیا چنین عشقی در این فضا بوجود آمده؟ و به چه میزان بوجود آمده؟ و اینکه برخی ویژگیهای کاربران اعم از خصوصیات جمعیتی شناختی و غیر جمعیتی شناختی چه نقشی در میزان عشق آنلاین تجربه شده داشته است؟ در این رابطه دو سوال و پنج فرضیه مطرح شد که سرنوشت آنها در نتایج توصیفی و تحلیلی آشکار گردیده است. در زمینه نخستین سوال یا "امکان شکل گیری عشق در فضای مجازی و میزان آن"، نتایج نشان داد در تعاملات اینترنتی جامعه مورد بررسی، عشق آنلاین شکل گرفته است و مقدار آن نزدیک به حد متوسط می باشد. امکان پدیدار شدن عشق آنلاین در جامعه مورد بررسی با نتایج پژوهش های بن ژئف (۲۰۰۴)، اندرسون (۲۰۰۵)، ویتی (۲۰۰۸)، لومانووسکا و ماتیه گیتون (۲۰۱۶) همسو می باشد چرا که آنها نیز در مطالعات خود امکان شکل گیری عشق آنلاین یا عشق در فضای مجازی را تایید کرده اند.

کنکاش بیشتر آنهم براساس فرضیات تحقیق، مسیر پژوهش را به سنجش رابطه میان متغیرهای تحقیق با عشق آنلاین هدایت کرد و معلوم شد سه متغیر "جنسیت، خود پنداره، و محیط اینترنتی مورد استفاده کاربران" نقشی در میزان و شدت عشق آنلاین در کاربران ندارند و فرضیه های مربوط به آنها تایید نمی گردد. یعنی زنان و مردان مورد مطالعه میزان عشق چندان متفاوتی را در تعاملات آنلاین خود تجربه نکرده اند. در واقع، برخلاف نتایج پژوهش بارینگ و براکت (۲۰۰۸)، در این پژوهش رابطه معناداری بین خودپنداره افراد با میزان عشقی که در فضای مجازی تجربه می کنند دیده نمی شود. یعنی میزان رضایت کلی از خود باعث تجربه عشق بیشتر یا کمتر در فضای مجازی نخواهد شد. از سوی دیگر، محیط اینترنتی مورد استفاده کاربران نیز با میزان عشقی که در آن فضا احساس می کنند رابطه ندارد. به غیر از متغیرهای ذکر شده، رابطه عشق آنلاین و دیگر متغیرهای تحقیق همگی مورد تایید قرار گرفتند که در باره آنها به اختصار نکاتی بیان می گردد.

نتایج بدست آمده نشان داد جوانهای بین ۲۰ تا ۳۰ ساله در تعاملات اینترنتی خود، میزان عشق آنلاین بیشتری را نسبت به دیگر گروههای سنی تجربه می کنند، گویا هرچه سن افرادی که در فضای مجازی به تعاملات رومانتیک می پردازند بالاتر می رود از میزان و شدت عشقی که در آن فضا تجربه می کنند کاسته می شود. از سوی دیگر، کاربران بر حسب وضعیت تاهل خود میزان

متفاوتی از عشق آنالاین را تجربه کرده اند و این تجربه در مطلقه ها و بیوه ها شدیدتر از مجرد ها و در مجردها نیز بیشتر از متاهل هاست. در دانشجویان و لیسانسیه ها نیز احساس و تجربه عشق آنالاین از شدت بیشتری نسبت به دارندگان فوق لیسانس، دکتر، و یا دارندگان تحصیلات تا دیپلم می باشد. همچنین برخلاف نتایج پژوهش اندرسون (۲۰۰۵) یافته های این پژوهش نشان داد افرادی که گرایش چندان مثبتی به اینترنت ندارند در مقایسه با کسانی که تا حدودی مثبت یا کاملاً مثبت به اینترنت نگاه می کنند عشق آنالاین بیشتری را تجربه و احساس کرده اند. به علاوه، در این پژوهش، همسو با نظر ویتی (۲۰۰۸) روشن شد تداوم مدت دوستی اینترنتی در تجربه عشق آنالاین نقش دارد زیرا افرادی که رابطه دوستی آنها در فضای مجازی بین ۹ تا ۱۲ ماه و یا بیش از یکسال بطول انجامیده است میزان عشقی بالاتر از حد متوسط را تجربه کرده اند اما بقیه تعاملات که کوتاه مدت تر بوده اند احساس و تجربه عشق آنالاین در آنها کمتر می باشد. شاید این ارقام نکات جالبی را درباره بازه زمانی لازم جهت تجربه و احساس عشق آنالاین - آنهم در بین شهروندان یک جامعه سنتی - برای ما بیان می کند. یعنی، اگر چه در اجتماعات مدرن شکل گیری عشق در فضای مجازی ممکن است بسیار سریع و فوری صورت پذیرد اما در یک اجتماع و محیط سنتی حداقل ۹ ماه یا بیشتر زمان لازم است تا در طرفین نوعی از احساس عاشقانه بتواند پیکر بندی شود. همچنین، با توجه به نتایج بدست آمده، شاغلین به تحصیل، شاغلین مشاغل آزاد، کارکنان مشاغل تخصصی، کارکنان مشاغل دولتی و خانه دارها به ترتیب میزان بیشتری از عشق را در تعاملات خود در فضای مجازی تجربه کرده اند.

۸- بحث و نظر

از مهمترین دستاوردهای این پژوهش کشف این نکته است که شکل گیری عشق در فضای مجازی حتی در شهروندان یک محیط سنتی و پایبند به آداب و سنن همچون کاشان نیز امکان دارد زیرا نتایج پژوهش نشان داد که این عشق آنالاین واقعا به میزانی نزدیک به حد متوسط در جامعه مورد مطالعه پدیدار شده است. چنین دستاوردی همسو با آراء صاحب نظرانی چون بن زئیف، ویتی، ویلدر موث، ولگبائر و دیگرانی است که بر امکان شکل گیری روابط عاشقانه در فضای مجازی و اینکه این روابط می توانند گاهی بسیار عمیق، عاطفی و اثر گذار شوند تاکید دارند. دومین نکته اینکه، ماندگاری و تداوم رابطه رومانتیک اینترنتی نیز در بخش قابل توجهی از جامعه مورد مطالعه بلند مدت بوده است بدینصورت که تقریباً در یک چهارم افراد مورد مطالعه، این تعاملات بیش از یکسال بطول انجامیده که نشان می دهد از هر ۴ رابطه رومانتیک در فضای مجازی یکی از تداوم و ماندگاری بالایی برخوردار است. اگرچه مشخص نیست چه بخشی از این روابط در نهایت به همسر گزینی و ازدواج منتهی می شوند اما چنانچه نتایج تحقیق مهدوی (۱۳۸۵) در تهران نشان داده است حداقل می توان فهمید که چون در ایران - بویژه در محیط های سنتی تر - معاشرت با جنس مخالف ممانعت و کنترل می شود، ازاینرو، برای جوانان، عشق اینترنتی یک شکل امن تر برای ایجاد رابطه رومانتیک است و به آنها امکان شناختن یکدیگر را آنهم قبل از ریسک کردن و دیدار حضوری با معشوق خود می دهد.

نکته سوم شناسایی تیپ اجتماعی کاربرانی است که در دوستی های اینترنتی خود احتمالاً بالاترین میزان عشق آنالاین را تجربه می کنند. این پژوهش نشان داد، مجردها، مطلقه ها و بیوه ها، جوانان دانشجوی و کاربرانی که حداقل ۹ ماه در فضای مجازی رابطه رومانتیک مداوم دارند همان تیپ اجتماعی هستند که شانس تجربه بیشترین میزان عشق آنالاین را دارند. متقابلاً، آن تیپ اجتماعی که در دوستی های اینترنتی خود حظ و بهره چندانی از عشق آنالاین نمی برد و کمترین میزان عشق آنالاین را احتمالاً تجربه خواهد کرد شامل افراد متاهل، افراد دارای تحصیلات زیر دیپلم، افراد خانه دار و یا کسانی است که حداکثر ۳ ماه در فضای مجازی رابطه رومانتیک مداوم داشته اند می گردد.

با توجه به نتایج بدست آمده شاید بتوان گفت درگیر شدن در عشق آنالاین به همان اندازه که برای تیپ اجتماعی اول مفید و پیش برنده است، برای تیپ اجتماعی دوم می تواند نوعی اتلاف وقت یا بعضاً حامل پیامدهای منفی بلحاظ اجتماعی و روانی باشد. جوانان، مجردها، بیوه ها و مطلقه ها با صبر، هشیاری و تداوم در دوستی های اینترنتی می توانند عشق نسبتاً کم خطر تری را در مقایسه با روابط عاشقانه واقعی تجربه کنند و در این مسیر درسهایی خوبی نیز بیاموزند. اما متاهلین و افراد خانه دار - خصوصاً اگر از تحصیلات و تجربه پائینی نیز برخوردار باشند - با ورود به فضای عاشقانه ای جدید و اینترنتی ضمن اینکه میزان بالایی از عشق را تجربه نخواهند کرد احتمالاً دردسرهای و مشکلات گوناگونی را به سمت خود و یا زندگی شغلی و خانوادگی خویش جذب خواهند کرد.

منابع

۱. اتکینسون (۱۳۹۳). زمینه روانشناسی هیلگارد، ترجمه ی رضا براهنی، تهران: انتشارات رشد.
۲. اسدنژاد معصومه (۱۳۹۱). تحلیل جامعه شناختی فرهنگ اعتماد. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی. تهران: دانشگاه شاهد.
۳. ساروخانی باقر (۱۳۷۷). روشهای تحقیق در علوم اجتماعی. جلد دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۴. شمس حدیثه (۱۳۹۹). گونه های اجتماعی عشق در فضای مجازی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات فرهنگی. کاشان: دانشگاه کاشان. دانشکده حقوق و علوم انسانی
۵. محمد امین کنعانی، حمیده محمدزاده (۱۳۹۵) تماسهای شبکه ای و تجربه عشق سیال: مطالعه کیفی دانشجویان دختر دانشگاه گیلان. مجله تحقیقات فرهنگی ایران. (بهار ۱۳۹۵) دوره ۹. شماره ۱. (پیاپی ۳۳) صص: ۱۱۵ تا ۱۴۷.
۶. موسوی سیدکمال الدین، (۱۳۹۶) دنیای دوم: درآمدی بر جامعه شناسی جهان مجازی. تهران: نشر بهینه ودانشگاه کاشان.
7. Anderson, T., (2005), "Relationships among internet attitudes, internet use, romantic beliefs, and perceptions of romantic relationships", *Cyberpsychology & Behavior*, 8(6): 521-531.
8. Ben-Ze, ev A. (2004). *Love Online: Emotions on the Internet*. NY: Cambridge University Press.
9. Briggie, A. (2008). Love on the internet: a framework for understanding Eros online. *Journal of Information, Communication & Ethics in Society*. 6(3): 216-232 .
10. Doering, N. (2002). Studying Online-Love and Cyber Romance. In <http://www.nicola.doering.de/publications/cyberlove-doering-2002.pdf>.
11. Hazra, S., Kewalramani, S. (2018). Social networking & romantic relationships in youn adults. *International Journal of Social Science Review*: 6(3): 349-354.
12. Holyst, A. J. (2017). *Cyber emotions: Collective Emotions in Cyberspace*. Switzerland: Springer
13. Illouz, E. (2012). *Why love hurts: A sociological explanation*. Cmbridge: polity Press.
14. Levine, D. (2000). Virtual attraction: What rocks your boat. *Cyber Psychology & Behavior*, 3: 565-573.
15. Lomanovska A., Guitton M. (2016) Online intimacy and well-being in the digital age, *Internet Intervention*. 4: 138-144.
16. Ouytsel, J. Van. (2016). Exploring the role of social networking sites within adolescent romantic relationships and dating experiences. *Journal of Computers in Human Behaviors*, 55:76- 86.
17. Pananakhonsab, W., (2016) *Love and Intimacy in Online Cross-cultural Relationships* pathumthani, Thailand: Palgrav Macmillan Publications.
18. Whitty M., Carr A. (2006). *Cyberspace Romance: the psychology of online Relationships*. Hampshire: Palgrave Macmillan,

Study of the Intensity of Online Love among Internet Users

Seyed Kamaleddin Mousavi, Hadis Shams Ravandi

Abstract

Present study has investigated the possibility of love formation in cyberspace and its extent in users' Internet interactions. The theoretical framework of the research consists mainly of the theories of Ben Ze-ev, Illouz, Anderson, McKenna and Brigell about online love. The main research method is survey and the statistical population is the citizens of Kashan in 2020, from which a sample of 384 people were selected and studied by stratified sampling method. Findings showed that although this research was conducted in a relatively traditional society such as Kashan, but in this environment, cyberspace is bedrock for romantic interactions and in it, we see the formation of online love at an average level relatively. The results also show that the intensity of online love in terms of variables such as education, age, marital status, type of attitude to the Internet, type of employment and duration of online friendships are not the same and show significant differences.

Keywords: online love, cyberspace, self-concept, internet environment



فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال چهارم، شماره ۳ (پیاپی: ۱۶)، تابستان (شهریور) ۱۴۰۰

الگوی مفهومی مدیریت کلاس درس و تدریس اثربخش

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۸

کد مقاله: ۵۵۹۷۱

ناصر کمالپور خوب^۱، کبری کمالپور خوب^۲

چکیده

این جستار یک مطالعه توصیفی-کتابخانه‌ای است که به واکاوی سبک‌های مدیریت کلاس درس و تناسب آن‌ها با الگوهای تدریس پرداخت. هدف آن، شناسایی سبک‌های مختلف مدیریتی و انتخاب بهترین سبک تدریس توسط معلمان برای ارائه مطالب و اعمال نظم و انضباط در کلاس درس بکار می‌گیرد، تا بتواند در سه حوزه انتخاب سبک مدیریت مناسب، شناسایی عوامل مثبت و منفی تأثیرگذار بر جو کلاس و عوامل فرا کلاسی اعمال مدیریت کند. اطلاعات مورد نیاز از طریق یادداشت‌برداری و فیش‌برداری گردآوری شد، که در آن از تحقیقات انجام‌شده مرتبط با مدیریت کلاس درس و مبانی نظری اندیشمندان و حوزه‌های علوم آموزشی و تربیتی استفاده شده است. یافته‌ها: ابتدا ابعاد مرتبط با مدیریت کلاس درس در سه حوزه مدیریت افراد (دانش‌آموزان)، مدیریت فضا (مدرسه) و مدیریت خود و توانایی معلم، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. سپس با مفهوم‌سازی و پیکربندی مبانی نظری پیرامون سبک‌های مختلف مدیریت کلاس درس (مستبدانه، اقتدارگرایانه، آسان‌گیرانه، آزادمنشانه) و تطبیق آن‌ها با الگوهای تدریس مکانیستی و ارگانیستی مدل تلفیقی از آن‌ها ارائه شد که بر مبنای آن با در نظر گرفتن ابعاد مختلف مورد بررسی در شیوه تدریس، اثربخش‌ترین شیوه تدریس، سبک اقتدارگرایانه است که در آن ضمن داشتن ابهت، اقتدار و مدیریت از انعطاف و تعامل لازم و به‌موقع نیز برخوردار است.

واژگان کلیدی: مدیریت کلاس، تدریس اثربخش، سبک‌های مدیریتی، الگوهای تدریس

۱- دکترای جامعه‌شناسی سیاسی و دبیر آموزش و پرورش، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

kamalpourn76@gmail.com

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گچساران، ایران.

۱- مقدمه

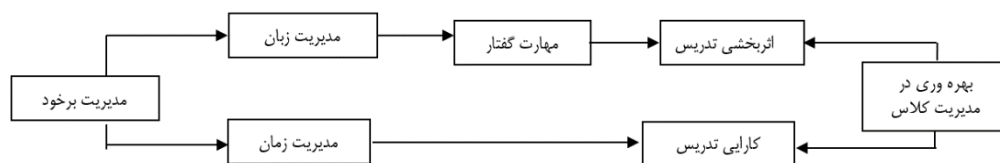
بشر در دوره‌های مختلف تاریخی شیوه‌هایی را برای فراگیری و انتقال آموزش‌های لازم برای رفع نیازها و سازگار کردن خود با محیط و جامعه طراحی و به‌کاربرده است. امروزه شیوه نوین آموزش به همراه فراگیر بودن آن در ابعاد موضوعی و در اجتماعات مختلف به علم و دانش چنان اصلاتی بخشیده است که تمامی پیشرفت‌ها، اکتشافات زمینی و فرازمینی، خلق سازمان‌ها و پدیده‌های اجتماعی سازمان‌یافته را نتیجه علم و دانش امروزی بشر می‌دانند. آموزش و پرورش رسمی به‌عنوان مؤثرترین و قابل‌اعتناترین مرجع آموزشی یاددهی و تربیت نیروهای لازم در تمامی بخش‌های ذکرشده جایگاه ویژه‌ای دارد. این نهاد ضمن حفظ چهارچوب و رسالت اصلی خود که همانا تربیت و آموزش نیروهای موردنیاز جامعه با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی مناسب توانسته است متناسب با این تغییر و تحولات خود را در بروز ساخته و مضاف همپای نیازهای جدید، پرورش‌دهندگانی چندبعدی و حرفه‌ای در معنای عام آن تحویل دهد. در میان اضلاع چندگانه آموزش، معلم به‌عنوان تکمیل‌کننده چرخه یادگیری - یاددهی در جوامع مختلف با القاب مختلف خطاب می‌شود که فصل مشترک همه آن‌ها نشان از درجه و اهمیت آن در بین بشر امروزی دارد. در ایران جملات پربار و سنگینی مانند "معلم شغل انبیاست" معلم کارخانه انسان‌سازی است "درس معلم ار بود زمزمه محبتی جمعه به مکتب آورد طفل گریزپای را" نشان از توجه فراتر از شغل به حرفه‌ی معلمی است. حداقل در حوزه نظر و ایده آلیستی جایگاه ویژه‌ای برای معلمان به‌عنوان راهبر آموزش و پرورش مهم‌ترین مخلوق یعنی انسان متصور است. از این رو چنین سوژه‌ای با چنین جایگاه و ارزش، نیازمند فراگیری چند جانبه‌گرایی در ابعاد توانایی، مهارتی حرفه‌ای است. شخصیت، روحیه و توانایی مدیریت کردن پرورش‌دهندگان می‌تواند نقش بسزایی در بهبود کار خود آن‌ها و فراگیران ایفا کند. مدیریت به طور کلی و در بخش آموزش یعنی طراحی و سازماندهی و رهبری و نظارت و کنترل و ارزشیابی است به عبارتی مدیریت فعالیت علمی است که در یک موقعیت سازمان‌یافته برای هماهنگی و هدایت امور در جهت هدف‌های معینی صورت گیرد (علاقه مند، ۱۳۷۸: ۱۷). مدیر کسی است که بتواند بر اساس دانش و یافته‌های علمی توانایی هنری، مهارت‌های قلبی و اخلاقی بر مجموعه از شرایط گروه‌ها و پدیده‌های اعمال نظارت کنترل هدایت و سازماندهی کند (همان). مدیریت بخش آموزشی تفاوت محسوس و آشکاری با سایر مدیریت‌ها دارد. از آنجایی که در تمامی بخش‌های آموزشی اهداف در جهت دست‌یابی به بهترین شیوه‌های یاددهی به فراگیران برای دست‌یابی به بهترین نتیجه است. توجه و تجهیز مهم‌ترین رکن اجرایی این مکان در کلاس درس از بین معلم، دانش آموز، فضا و عوامل بیرونی، معلم بالاترین جایگاه را دارد. چراکه تمامی نقشه‌ها و امکانات در تسهیل و آماده سازی تحت تأثیر توانایی‌ها و مهارت‌های این کنشگر طراحی می‌شود؛ تا بتواند آموخته‌ها و مهارت‌های خود را به بهترین شکل انتقال دهد. از این رو مدیریت کلاس درس و رهبری آن مقوله چندبعدی، حساس و سرنوشت‌ساز است. از این رو این کنشگر به لحاظ اصول و معیارهای انسانی باید از ویژگی‌های شخصیتی چندبانه گرایانه، حرفه‌ای و جامع برخوردار باشد. مدیریت کلاس درس همواره تحت تأثیر سه مقوله وضعیت انضباطی دانش آموز (مدیریت افراد، توانایی معلم (مدیریت رفتار) و فضای آموزشی (مدیریت آموزش) است. هر کدام از این ساحت‌ها با شاخص‌ها و معیارهایی مشخص می‌گردد که در این جستار تلاش می‌شود برای شناسایی ابعاد این حوزه‌ها و معرفی بهترین شیوه اداره کلاس درس برای اثر بخشی بیشتر مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

مدرسه اصلی‌ترین نهادی است که وظیفه تربیت و آماده سازی نیروهای موردنیاز هر جامعه را برعهده دارد. از این‌رو شناخت ویژگی‌ها، الگوها و بخش‌های مرتبط و تأثیرگذار بر عنصر آموزش دهنده (معلم) که در این مبحث ذیل مفهوم مدیریت کلاس درس عملیاتی می‌شود، از مهم‌ترین مسائل مهم آموزشی است. نیروی اداره کلاس درس به واقع هماهنگ کننده تمامی شرایط درون متنی و جانی در کلاس برای بهره‌گیری تمامی عناصر موجود در کلاس از مطالب آموزشی است تا هر چه بیشتر موجب تسهیل انتقال فرایند یاددهی-یادگیری شود. واکاوی مفهوم مدیریت کلاس درس ناخودآگاه به مفهوم انضباطی دانش آموزان گره می‌خورد. البته مدیریت کلاس دایره‌ی گسترده‌تری از مدیریت زمان، مدیریت مطالب درسی، مدیریت سنجش و ارزیابی را هم در بر می‌گیرد. ملموس‌ترین شکل آن برای بهبود تعامل فرایند یاددهی-یادگیری، ایجاد جوی آرام، خود کنترل و پذیرایی یادگیری در گرو رعایت و عملیاتی کردن نظم و انضباط است. بعد از آماده شدن شرایط در کلاس، مدیر کلاس متناسب با محیط، فراگیر و مطالب آموزشی سبک مدیریتی مناسب را بکار می‌گیرد. اگر این چرخه به درستی اجرا شود، می‌توان امید داشت که آموزش مفید و اثربخش خواهد بود. لذا شناخت معلم در چهار بخش شناخت از خود، شناخت از دانش آموز، شناخت از محیط و فضا و شناخت از مطالب آموزشی از یک سو و انتخاب سبک مدیریت کلاس درس متناسب با این ظرفیت‌ها برای اثر بخشی تدریس ضرورتی است که در این نوشتار به آن پرداخته شد. شناخت الگوی مناسب مدیریت کلاس درس می‌تواند برای معلمان نوعی آگاهی نسبت به ظرفیت‌های ذکرشده، سبک مدیریتی قابل اجرا و انتخاب روش تدریس متناسب برای آن‌ها به همراه داشته باشد؛ بنابراین تلاش می‌شود ضمن شناسایی ابعاد مدیریت‌پذیر فرایند یاددهی-یادگیری، سبک‌های مدیریتی کلاس درس واکاوی و الگویی مناسب برای اثربخش بخش بودن بهتر این فرایند ارائه شود.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

با توجه به چندبعدی بودن مقوله مدیریت کلاس درس، معلم نیز می‌بایست حداقل مهارت‌های لازم را در ابعاد گوناگون رفتاری، زبانی، علمی و اخلاقی داشته باشد. صاحب‌نظران از دست‌یابی به این مهارت‌ها با عنوان اخلاق حرفه‌ای یا توسعه حرفه‌ای

معلم در مدرسه نام می‌برند. چراکه از نظر ایشان و پژوهشگران حوزه تربیت و آموزش، معلم بیش از اینکه یک شغل باشد یک حرفه است که مبتنی بر مؤلفه‌های دانش تخصصی، تجربه شغلی، مهارت و توانایی، نگرش متفاوت (ژرفنگری، دوراندیشی و نگرش سیستمی و جامع نگرشی و نگرش انتقادی) تعهد و مرام اخلاقی است (قراملکی، ۱۳۹۲: ۳۴). از نظر ایشان فضای آموزشی و مدرسه از نوع رابطه برون شخصی و ناظر به ارتباط شخص با دیگر انسانها است (همان، ۶۴). پدیده یاددهی-یادگیری در ذات خود ضمن برخورداری بودن عامل یاددهنده از شرایط ذکر شده، فعالیتی آموزشی است که معطوف به یادگیری و عملکرد و ایجاد تغییر می‌باشد. این نوع آموزش مفید و اثربخش است. آنچه در کلاس درس با عنوان مدیریت از آن یاد می‌شود آگاهی و شناخت معلم به سه نوع مدیریت زبانی، زمانی و آموزشی است. از آنجایی که مدرسه به مثابه فضای اخلاقی مفهوم سازی می‌شود؛ نخستین مرحله شکل-گیری ذهنیت دانش اولیه دانش آموز از معلم از مهارت‌ها و الگوهای کلامی و گفتاری که معلم به کار می‌برد شروع می‌شود. چرا که مهارت‌های گفتاری و نوع زبان بکار برده شده در جایگاه مناسب و متناسب در برگزیده تسلط بر اطلاعات، داده‌ها، انگاره‌ها و الگوها و به طور کلی اخلاق حرفه‌ای در کلاس درس می‌باشد که ضعف و ناتوانی در آن به تعبیر قرآن "سدید" است و سوء مدیریت آن در کلاس درس به تهدید و بی‌انگیزگی دانش آموزان در فراگیری‌شان می‌انجامد. "یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله قولوا قولاً سدیداً" (برگرفته از قرآن به نقل از قراملکی، ۱۳۹۵: ۶۵). بعد دیگر مدیریت معلمی در حوزه زمان است. آگاهی به اینکه ظرفیت کلاس‌ها و توانایی یادگیری دانش آموز، چه میزان از حجم مطالب را پذیراست و تسلط بر بخش‌های مختلف زمان در نظر گرفته شده برای ارائه مطالب یک جلسه درسی و اینکه تمام اهداف آن مطالب بر اساس الگوی طرح درس از بررسی، سنجش، ارائه و نتیجه‌گیری ضرورتی است که نشان می‌دهد معلم علاوه بر مدیریت و مهارت در مطالب، کلاس درس و دانش آموز، بر خود نیز مدیریت دارد.



شکل ۱- برگرفته از اخلاق حرفه‌ای در مدرسه، قراملکی: ۱۳۹۵

در مطالعات تجربی جعفری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان رابطه شایستگی و خودکارآمدی مدیریت کلاس درس و نگرش مدیریت کلاس به این نتیجه رسیدند که همبستگی معناداری بین شایستگی، خودکارآمدی، مدیریت کلاس، نگرش مدیریت کلاس و عوامل دموگرافیک مانند (تجربه تدریس و مرتبه علمی) وجود دارد. براساس الگوی معادله ساختاری در این پژوهش میزان پیش‌بینی نگرش مدیریت کلاس درس از طریق شایستگی ۵۶ درصد می‌باشد. پیری و پورفرهادی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان رابطه تفکر و سبک‌های تدریس با مدیریت کلاس به این نتیجه رسیدند که در بین انواع سبک‌های تدریس، سبک تدریس خبره بطور معناداری می‌تواند سبک مدیریت کلاس را پیش‌بینی کند. همچنین در این پژوهش مشخص شد سبک تدریس می‌تواند به میزان ۱۰ درصد سبک مدیریت کلاس درس را پیش‌بینی کند. مهدی نژاد (۱۳۸۹) در پژوهش با عنوان دیدگاه دبیران متوسطه در خصوص بی‌انضباطی دانش آموزان و راهکارهای بهبود مدیریت کلاس به این نتیجه رسید که ۱/۶۷ درصد از دبیران بیش از آنچه که بایسته، برای اداره و کنترل کلاس وقت صرف می‌کنند. آن‌ها عنوان کردند که بی‌انضباطی دانش آموزان بر حسب میزان یا تکرار، شامل صحبت کردن، شوخی کردن با دیگران، غروندن کردن نسبت به تکالیف، سخت‌گیری و ایجاد صداهای غیر کلامی عمدی، بوده است.

بخشایش (۱۳۹۱) مدیریت معلمان مدارس در شهر یزد به این نتیجه رسید که سبک‌های مدیریت آموزش از بین پنج ویژگی شخصیتی تنها با ویژگی با وجدان بودن رابطه معناداری داشت کمتر از (۰/۵). همچنین رابطه معنادار بین سبک مدیریت و رفتار با ویژگی روان آزرده‌گی، سازگاری و وظیفه‌شناسی در سطح کمتر از (۰/۵). وجود داشت. نتایج کلی آنان نشان داد که بیشتر معلمان مورد بررسی دارای سبک مدیریت تعاملی می‌باشند که در آن معلمان تکاملی و شیوه‌ی متعادل بین مداخله و عدم مداخله را دارند و در دادن اختیار به دانش آموزان در انتخاب فایل‌های آموزشی و یادگیری حد تعادل را رعایت کنند در این تحقیق ویژگی‌های شخصیتی همچون روان آزرده‌گی، برون‌گرایی، گشودگی، سازگاری و وظیفه‌شناسی با سبک مدیریتی (مدیریت آموزش، مدیریت رفتار، مدیریت افراد) مورد بررسی قرار گرفت.

۲-۱- عناصر سه‌گانه مدیریت کلاس

تدریس اثربخش نیازمند در اختیار داشتن و تعامل سه عنصر اصلی و مستقیم فضای آموزشی، عنصر یادگیرنده (دانش‌آموز) و عنصر یاددهنده (معلم) است. معلم باید بتواند هر سه عنصر را تحت کنترل درآورده و با استفاده از ظرفیتهای آن‌ها بهترین تدریس ممکن را ارائه دهد. هر کدام از این عناصر با رویکرد مدیریتی بررسی می‌شود.

الف: فضای آموزشی (مدیریت فضا و آموزش): بدون تردید برای دانش‌آموزانی که در سن احساسی و زیبایی شناختی ظاهری به سر می‌برند، اولین نگاه به فضای درونی و بیرونی کلاس درس و محوطه مدرسه نقش تعیین کننده‌ای در ایجاد انگیزه و تقویت

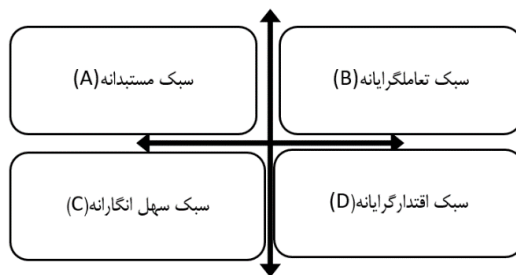
احساس علاقه به مدرسه و کلاس ایجاد خواهد کرد. در صورت بروز چنین حسی می‌تواند به تقویت یادگیری احساس تعلق به مدرسه، کلاس و معلم منجر شود. آنگونه که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش فضای مناسب برای یادگیری و رشد کودک را مدرسه صالح معرفی می‌کند (کمالپورخوب و همکاران ۱۳۹۹). از طرفی عدم تضاد و تناقض بین فضای داخل کلاس با مدیریت معلم، فضای مدرسه با مدیریت مدیر و معاونین مدرسه و همسویی و سازگاری بین این دو و برنامه‌های آموزشی متناسب با ظرفیت دانش آموز می‌تواند دانش آموزان را متقاعد کند که تمامی عوامل همراه برای یادگیری ایشان انجام می‌گیرد که به لحاظ روانی حس مسئولیت پذیری را در او تقویت می‌کند. فضایی که در کنار عوامل دیگری چون معلم، خانواده و رسانه، اگر همسو و در خدمت آموزش و تربیت دانش آموز باشد، می‌تواند به تربیت فرد متعالی در ابعاد اخلاقی و مهارتی در آینده شود. لذا مدیریت فضا آموزشی به در واقع مفهومی دیگر از یک محیط فیزیکی دارای کارکرد معماری و ... خارج شده و بیشتر کارکرد اجتماعی فرهنگی به خود می‌گیرد (کمالپورخوب و همکاران، ۱۳۹۹). در پژوهش قنبری و همکاران (۱۳۹۶) بر این نکته تاکید شد که مطلوب یک محیطی که به طور بالقوه و بالفعل در یاددهی معلمان اثرگذار بوده است؛ زمینه رشد حرفه‌ای معلم را فراهم می‌آورد و بر یادگیری دانش آموزان اثر می‌گذارد و شکل گیری فضای گرم و صمیمی سبب تسهیل روابط مثبت و تعامل سازنده و ایجاد همبستگی گروهی می‌شود (قنبری و یاسینی، ۱۳۹۶).

ب: *دانش آموز (مدیریت افراد):* فضای کلاس به شدت تحت تاثیر چگونگی به هنجار بودن یا نابهنجار بودن دانش آموزان کلاس می‌باشد که در آن معلمان بیشترین دردها، دغدغه‌ها و زحمات را نسبت به این حوزه دارند. به عبارتی مفید بودن روش‌های مدیریت کلاس در بخش مدیریت افراد، تشخیص و شناخت عوامل موثر بهنجار بودن دانش آموزان است. در خصوص تسلط معلم بر فضای کلاس دانش آموزان و شناسایی کسانی که مخل نظم کلاس درس می‌باشند، می‌تواند کمک زیادی به مدیریت کلاس و اثربخشی تدریس کند. کاترین (۲۰۰۵) می‌گوید معلمانی که شایستگی مدیریت را دارند می‌توانند به تشخیص عوامل مختلف مدیریتی تدریس دست یافته و فضای درس را برای فهم و یادگیری دانش آموزان مهیا کنند. بر اساس دیدگاه روانشناسان تربیتی و کارشناس تعلیم و تربیت مهمترین مسئله مدیریت کلاس و یادگیری دانش آموزان، تشخیص به موقع و درست عوامل نابهنجار و ناسازگار با فضای کلاس، در عین حفظ فضای مسالمت آمیز و تعاملی کلاس درس می‌باشد (رحمانی، ۱۳۹۱). معلم موفق در مدیریت کلاس درس معلمی است که در عین تسلط بر فضای افراد، آموزش و برخورد از شخصیت کاریزماتیک، لازم است از قدرت تشخیص کافی برای شناسایی روحیات فردی دانش آموزان و پیدا کردن دانش آموزان مشکل آفرین، ناسازگار و بی‌انضباط در کلاس درس باشد، که خود نیازمند توانایی معلم در به کارگیری سبک مدیریتی مناسب در کلاس درس با اتخاذ تصمیم مناسب با دانش آموزان خاطی و اعمال تنبیهات و عکس العمل‌های قابل بازخورد مثبت و اثرگذار و متناسب با نوع تخلف می‌باشد. لزارچ به عنوان یک معلم دوره پیش دبستانی عنوان می‌کند که مشکلات در مدیریت کلاس عمدتاً ناشی از سه عامل ۱- از محیط ۲- از معلم ۳- از دانش آموز است (سانتراک، ۱۳۸۷: ۵۱۶).

ج: *خود مدیریتی معلم و توانایی او:* معلمان به عنوان راهبر، تأثیرگذار، سازنده و برنامه‌ریز، برای اثرگذاری خود نیازمند برخورداری از مهارت‌ها در بخش‌های شخصیتی مانند خلق و خوی روحی وضعیت جسمانی؛ مهارت‌های رفتاری حرفه‌ای و توانایی علمی است. در بخش ویژگی‌های شخصیتی نخستین بازخورد شخصیت معلم وضعیت ظاهری آراسته، چهره‌ی شاداب، مهربانانه توأم با جدیت و اقتدار است که در ذهنیت دانش آموز شکل می‌گیرد. در بخش رفتار حرفه‌ای همانگونه که ولفگانگ و گلیکمن (۱۹۸۶) در تعریف مدیریت کلاس می‌گویند مدیریت کلاس یعنی تمامی تلاش‌های معلم برای هدایت و رهبری فعالیت‌های کلاس درس شامل تعاملات گروهی و جمعی رفتار شاگردان و یادگیری و آموزش است (سیف، ۱۳۸۷: ۴۸۰). فرینگ عنوان می‌کند که تصمیمات و فعالیت‌های معلمان در کلاس درس بر پایه باورها، اعتقادات و ارزش‌های ذهنی آنهاست (جرمین ۲۰۰۲). در مورد توانایی علمی همان گونه که در قبل عنوان شد، مدیریت زمان توسط معلم نقش بسیار مهمی در یادگیری دانش آموزان دارد. معلم باید تسلط کافی بر مطالب علمی و مباحث درسی داشته باشد تا بتواند میان زمان اختصاص یافته به کلاس و ارائه مطالب و ارزشیابی از کلاس درس و برقرار کردن تناسب میان اجرای این حوزه‌ها و مدیریت آن تلاش کند. چنین معلمانی با این مهارت‌ها با فراهم آوردن فرصت‌هایی برای مشارکت دانش آموزان در تجربه‌های یادگیری مانند بحث کردن، شیوه‌های یادگیری انتقادی و فعالیت‌های گروهی ایفای نقش می‌کنند که در نهایت شهروندانی بهنجار، مسئولیت‌پذیر، آشنا به الگوهای مدیریتی و فعال تربیت کند (کمالپورخوب، ۱۳۹۹: ۱۶).

۲-۲- سبک‌های مدیریتی

معلم با ورود به کلاس درس نیازمند تجهیز خود به انواع آمادگی‌های ذهنی و روحی، سلامت جسمانی و آمادگی علمی برای ارائه مطالب و طراحی ساختاری منسجم از عناصر فضا، مطلب، افراد و زمان است که بتواند در ابعاد گفتاری و رفتاری حداکثر تأثیرگذاری را داشته باشد. بوریچ و تومباری (۱۹۹۵) و یانگ (۱۹۹۰) سبک‌های مدیریت معلمان در کلاس را بر اساس دو مقوله عاطفی-دلسوزی و سختگیری-کنترل به چهار دسته تقسیم کردند. سبک قدرترگرا (مستبدانه) سبک قانون گرا (مقتدرانه) سبک تعامل گرایانه (آزاد اندیشانه) و سبک آسان گیرانه (بی تفاوت) (دولیتل، ۲۰۰۳).



شکل ۲- منبع سبک‌های مدیریتی کلاس بوریچ و تومباری (۱۹۹۵) به نقل از پیری و پورهادی (۱۳۹۷)

این تقسیم بندی از سبک‌های معلمان در کلاس درس ریشه در دیدگاه بامریند و نظریه سبک فرزند پروری او دارد (baumrind, ۱۹۳۲) که شباهت زیادی به الگوی نظری ولفگانگ و کیلگمن در تقسیم‌بندی سه سبک مدیریتی مداخله‌گر، تعاملی و غیر مداخله‌گر دارد. در ادامه به محاسن ویژگی‌های هر کدام از این سبک‌ها می‌پردازیم:

سبک مستبدانه (A): براساس این دیدگاه، عده‌ی معلمانی که سبک مستبدانه را انتخاب می‌کنند، از الگوی کلاس معلم محور پیروی کرده و معمولاً کلاس را خشک و غیرقابل انعطاف پذیر اداره می‌کنند. شیوه کار چنینی معلمانی تکلیف محور و خشن می باشد که معمولاً پرسش و پاسخ در کلاس به حداقل می‌رسد. این سبک عمدتاً در میان نظریات کلاسیک تعلیم و تربیت مانند دیدگاه جامعه شناختی والر (۱۹۳۲) مطرح است که بر تقویت اعمال کامل قوانین مدرسه برای حفظ نظم در کلاس توسط معلم تاکید دارد. از نظر او کلاس درس یک میدان جنگی است که معلم همیشه برای کنترل آن بایستی بجنگد.

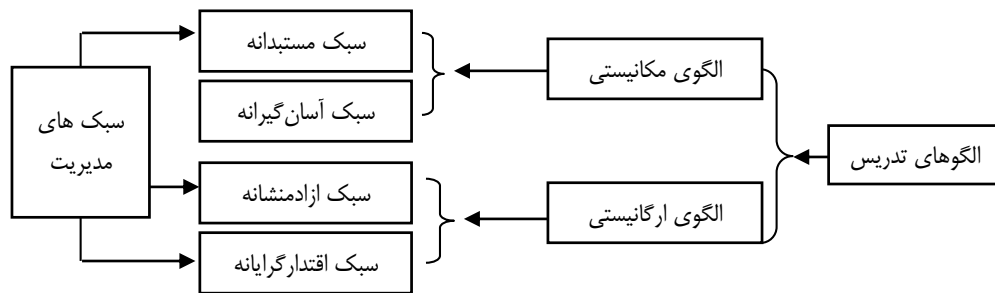
سبک تعامل گرایانه (آزادمنشانه B): در این سبک معلم از ویژگی‌هایی چون خیلی صمیمی رفتار دوستانه بیش از اندازه با دانش آموزان و به اصطلاح خیلی خودمانی می‌شود و حداقل تفاوت بین معلم و دانش آموز دیده می‌شود. دانش آموز آزادی کامل دارد از شوخی کردن، اظهار نظر کردن در هر زمینه‌ای و حتی حضور در کلاس درس و معمولاً تذکرات توسط معلم عمدتاً غیرمستقیم غیرکلامی است که با رویکرد رفاقتی و صمیمانه بین طرفین اجرا می‌شود در این رویکرد نظرسنجی تا حدود زیادی از حد معمول فراتر رفته دانش آموز اعمال نفوذ بسیار زیادی در اداره کلاس و مطالب درس و تدریس دارد. معلم با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی خود سبک یا سبک‌های مدیریتی را در کلاس انتخاب می‌کند و متناسب با آن سبک روش ارائه مطالب مناسب را بر مبنای الگوهای تدریس مرتبط برمی‌گزیند.

سبک سهل انگارانه (C): در این سبک همانند سبک قبل معلم آسان گیر و دانش آموز دارای اختیار است، اما بر خلاف سبک قبلی که آزادی وجود داشت و به اصطلاح معلم خونگرم و دلشاد بود. در این سبک روحیه سرد و زمخت داشته که همکلاس را رها کرده و هم هیچ گونه تعامل و رابطه دوستی بین معلم و دانش آموز شکل نمی‌گیرد. از مهمترین ویژگی‌های این سبک ناهنجاری‌ها و شیوه‌های اعمالی برای مدیریت عمدتاً به تعویق می‌افتد.

سبک اقتدارگرایانه (قانونگرایانه D): در این سبک طرفین یاددهنده-یادگیرنده با حفظ فاصله خود نسبت به جایگاه دیگری از حقوق طرف مقابل آگاه بوده و تلاش می‌کنند به این حریم احترام بگذارند. چنین معلمانی دارای روحیه ای شاد و دلسوز به همراه منشی مقتدر، جدی و کارزماتیک که توانایی تغییر حالات رفتاری گفتاری و آموزشی در حالت‌های مختلف از خندیدن، شوخی کردن، چهره عوض کردن و خارج کردن کلاس درس از حالت یکنواختی است. در این سبک چون قوانین عمدتاً با پذیرش طرفین طراحی و تهیه می‌شود و انگیزه پذیرش و رعایت آن‌ها در بین شاگردان بیشتر دیده می‌شود و معمولاً فعالیت‌های دانش آموزان با تشویق‌های معلم همراه است. در بخش روحی و روانی این سبک عمدتاً روابط گرم و صمیمی همراه با پذیرش احساس مسئولیت است و تشویق و تنبیه در جاهای موردنیاز متناسب با فعالیت‌های فراگیر اعمال می‌شود (مصرآبادی، ۱۳۹۳).

۲-۳- الگوهای تدریس

الگوهای تدریس خود به طور کلی به دو الگوی مکانیستی و ارگانیستی تقسیم می‌شوند (شعبانی، ۱۳۸۲: ۲۵۵). الگوی مکانیکی قدیمی، خشک و معلم محور می باشد. در صورتی که الگوی ارگانیستی شاگرد محور بوده و بر روش های نوین تدریس که بیشتر بر خلاقیت شاگردها توجه دارد تاکید می‌کند. با توجه به ویژگی‌های مدل ارگانیستی همخوانی و سازگاری نظری و عملیاتی نزدیکی با سبک اقتدارگرایانه دارد. در ذیل این الگوها روشهای تدریس متفاوتی از سخنرانی، روش سقراطی تا روش های نوینی چون بحث گروهی، حل مسئله، ایفای نقش، بارش مغزی و بدیعه پردازی و ... قرار می‌گیرند که معمولاً معلمان برای اداره بهتر کلاس و ارایه بهتر مطالب در کلاس درس امروزی تلاش می‌کنند دو یا چند روش از این فنون را با هم تلفیق کرده و با رویکرد تلفیق گرایانه‌ای کلاس و مطالب درس را ارائه دهد.



شکل ۳- رویکرد تلفیقی الگوها و سبک‌های تدریس: منبع مبانی نظری و یافته‌های تحلیلی مقاله

۳- بحث و نتیجه گیری

برای دستیابی به اهداف غایی، کلی، رفتاری، آموزشی و تربیت شهروند در کشورهای مختلف از ابزارها و شیوه‌های مختلفی استفاده می‌شود؛ اما فصل مشترک همه این شیوه‌ها تقویت حس مسئولیت، مشارکت و فراهم سازی شرایط برای بروز خلاقیت‌های دانش آموزان در مدرسه به طور مستقیم تحت تاثیر نیروهای آموزش دهنده و مدیریت کلاس درس آن‌ها قرار دارد. به دلیل موقعیت سنی و عاطفی که دانش آموز دارد امکان پاسخگویی به هر نوع مطالب، هر شیوه تدریس و هر نوع رفتاری نیست. از این رو حرفه معلمی و بخصوص مدیریت کلاس درس دارای پیچیدگی‌های خاص، ناگهانی و منحصر به فرد است. علت این پیچیدگی‌ها ناشی از چند جنبه گرایی (سوژه و ابژه) تداخل زمانی (وقوع چند پدیده به طور همزمان) و تأخر فکری (سبقت گرفتن وقوع رویدادها از تفکر) می‌باشد؛ اما غالب معلمان همانگونه که در این مقاله گفته شد تلاش می‌کنند با تفکیک سه حوزه‌ی مدیریت فضا (مدرسه)، مدیریت خود (معلم) و مدیریت افراد (دانش‌آموزان) در هنگام اجرا بهترین شیوه مدیریتی را اعمال می‌کنند. اگر معلمی نتواند به چنین قدرت تفکیک پذیری و کنترل کلاس ناتوان باشد، فضای کلاس به هرج و مرج کشیده می‌شود. قطعاً نمی‌توان در این فضا انتظار تدریس اثربخش داشت. از این رو معلمان زمانی می‌توانند به اثربخشی تدریس‌شان امیدوار باشند که در هر سه حوزه (علمی، فنی و رفتاری) مهارت و توانایی لازم را داشته باشند. چیزی که امروز از آن با عنوان توسعه‌ی حرفه‌ای یاد می‌شود. همانگونه که در مبانی نظری مطالعه اشاره شد، مدیریت کلاس درس به شدت تحت تاثیر عوامل و ویژگی‌های شخصیتی و توانایی علمی معلم و نحوه ارائه مطالب (سبک‌ها، روش، الگوها و فنون تدریس) می‌باشد؛ زیرا سبک‌ها و الگوهای تدریس بکار برده در کلاس هستند که باعث پذیرش و انگیزه او توسط دانش‌آموز می‌شود. این شرایط می‌تواند تدریس اثربخش را به همراه خواهد داشت. در عامل اول معلم با واریسی شرایط فیزیکی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری اعم از وسایل کمک آموزشی متناسب با نیاز مواد آموزشی قابل ارائه، شرایط را برای انتقال مطالب مفید بررسی می‌کند و در همان ابتدا ضعف‌ها را در این زمینه برطرف می‌کند. توجه معلم به این شرایط فواید زیادی اعم از تقویت توجه دانش‌آموز، راحت‌تر شدن انتقال محتوا و مسلط شدن به فضای عمومی کلاس درس را به همراه خواهد داشت.

در عامل دوم (مدیریت خود) معلم با آگاهی از ظرفیت‌های خود در سه بخش گفتاری، رفتاری و علمی ضمن تاثیرگذاری بر دانش آموزان آن‌ها را متقاعد می‌کند که او همان شخصی است که می‌تواند به‌عنوان مرجع علمی و الگوی اجتماعی-فرهنگی و از همه مهمتر به عنوان دوست قابل اعتنا پذیرفته شود. در این بعد نخستین مدیریت، شامل ویژگی‌های ظاهری مانند (آراستگی، فن بیان و.....) است که معلم برای تداوم این مقبولیت و مدیریت به‌عنوان یک رهبر تلاش می‌کند نخست در نمای بیرونی قابل پذیرش باشد. در ادامه با واگذار کردن خود به فضای کلاس و قطع تعلق از عوامل بیرونی نامرتبط با فرایند تدریس، آموزش را شروع می‌کند.

در عامل سوم (مدیریت افراد) با ورود معلم به کلاس درس ضمن ارزیابی کلی سیمای ظاهری افراد به ارزیابی گزینشی افراد به تشخیص خود می‌پردازد. در این زمینه با پرسش‌های جانبی از وضعیت روحی و روانی افراد مورد هدف اطلاع پیدا کرده و ذهنیت آن‌ها را برای ورود به کلاس درس آماده می‌کند. به نوعی حتی می‌توان گفت ارزشیابی‌های ابتدایی معلم را در ابعاد درسی و فرادرس از دانش آموزان در این ساحت مدیریت کلاس در نظر گرفت؛ اما رسالت اصلی مدیریت افراد در این ساحت، به مسائل کنترلی و انضباطی دانش‌آموزان و ایجاد تعادل میان ایجاد فضایی بانشاط و فعال میان دانش‌آموزان و کنترل آن‌ها برای خارج نشدن افراد از هنجارهای کلاسی و خارج از منطق کلاس برمی‌گردد. معلم با توجه به مهارت‌های کلاس داری خود دانش‌آموزان را از طریق روشهای یادگیری تلفیقی و فعال دانش‌آموزان را ضمن درگیر کردن در فعالیت‌های کلاسی آن‌ها را تحت کنترل قرار می‌دهد.

معلم متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی و فرهنگی، و برآورد اولیه از وضعیت فضا، افراد و خود، سبک‌های مدیریتی را انتخاب می‌کند که بتواند حداکثر تاثیرگذاری، تعامل و بازخورد رفتاری و آموزشی را داشته باشد. با بررسی سبک‌های متفاوت مدیریتی الگوی بورج و تمباری از میان سبک‌های مستبدانه، آسان‌گرایانه، آزادمنشانه و اقتدارگرایانه، بهترین سبک مدیریت کلاس درس سبک اقتدارگرایانه معرفی شد؛ و بدترین سبک‌ها، مستبدانه و تاحدودی آسانگیرانه معرفی شد. سپس متناسب با سبک‌های

مدیریتی که انتخاب کرده روش یا روش‌های مناسب برای انتقال و اجرای محتوای علمی به دانش‌آموزان را انتخاب می‌کند که سازگار با الگوی خاصی باشد. همانگونه که در این مقاله گفته شد از میان دو الگوی تدریس الگوی ارگانیستی به دلیل اجازه بروز خلاقیت، تقویت مهارت و اعتماد به نفس به استفاده از روش‌های نوین تدریس مانند حل مسئله، بعدیعه پردازی و... می‌تواند در اثربخشی تدریس به معلم کمک شایانی کند. در نهایت معلم که به شرایط خود، محیط و افراد تسلط داشته باشد می‌تواند با بکارگیری بهترین سبک مدیریت بهترین نحوه ارائه از توانایی‌های خود و از بهترین روش‌ها و فنون تدریس بهترین بازخورد را بگیرد. در این مقاله ضمن بهره‌گیری از سبک‌های مدیریتی بوریچ و تمباری و تلفیق آن با الگوهای تدریس، بین الگوهای تدریس مکانیستی و سبک‌های مدیریتی مستبدانه و آسانگیرانه سازگاری بیشتری وجود دارد. در سوی دیگر بین الگوهای تدریس ارگانیستی و سبک‌های مدیریتی اقتدارگرایانه و تا حدودی آزادمنشانه نزدیکی مفهومی و عملیاتی قابل توجهی وجود دارد.

اما آنچه در عمل و در کلاس درس اتفاق می‌افتد کاملاً تحت تأثیر ابعاد مختلف علمی، شخصیتی، اجتماعی و مدیریتی معلم می‌تواند شکل‌های متفاوت و چندگانه‌ای را به خود بگیرد. در نهایت این معلم است که به عنوان مدیر تصمیم می‌گیرد که روشی خاص، تلفیقی یا نوآورانه برای مدیریت تدریس و کلاس درس بکارگیرد تا بهترین اثر را داشته باشد. لذا پیشنهاد می‌شود که معلمان ضمن مجهز کردن خود به انواع روش‌ها، فنون و الگوها، برای اثربخش بودن تدریس، از به صورت سیال از روش‌های مختلفی متناسب با ظرفیت و نیاز فراگیران استفاده کنند.

منابع

۱. امینی، محمد، حمید، رحیمی، زهرا، غلامیان (۱۳۹۳) بررسی سبک‌های مدیریت کلاس درس بین اعضا هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی، مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، چاپ دوازدهم، شماره ۱۲
۲. بخشایش، علیزضا (۱۳۹۲)، رابطه سبک مدیریت با ویژگی‌های شخصیتی معلمان مدارس یزد، فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال چهارم، شماره ۲
۳. پیری و پورفرهادی (۱۳۹۷) رابطه سبک تفکر و سبک‌های تدریس با مدیریت کلاس، نامه آموزش عالی‌فدوره جدید، سال یازدهم، شماره ۴۱.
۴. جعفری خراسانی، عبدی (۱۳۹۶) الگوی ساختاری رابطه شایستگی خودکارآمدی و مدیریت کلاس، مجله توسعه آموزش در علوم پزشکی، دوره اول.
۵. رحمانی (۱۳۹۲)، تمایز دانش‌آموزان منضبط و غیر منضبط بر اساس ذهن خوانی و هوش هیجانی، مجله علمی-پژوهشی معلم فکور دوره اول چاپ دوم.
۶. سانتراک، جان دلبیو (۱۳۸۳) روانشناسی تربیتی، ترجمه شاهده، سعیدی، مهشید، عراقچی، رسا، چاپ اول.
۷. سبحانی نژاد (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، نشر یسپرون، چاپ اول
۸. سیف، ولی الله (۱۳۸۳) روانشناسی تربیتی، پیام‌نور، چاپ سوم.
۹. شعبانی، حسن، (۱۳۷۲)، مهارت‌های آموزشی و پرورشی روش‌ها و فنون، سمت، تهران، چاپ اول.
۱۰. قراملکی، احد فرامرز (۱۳۹۶) اخلاق حرفه‌ای در مدرسه، نشر مهدوی، چاپ اول
۱۱. قنبری، یاسینس (۱۳۹۶) بررسی تأثیر جو سازمانی و اخلاق کاری، فصلنامه توسعه حرفه‌ای معلم، سال دوم، شماره پنجم.
۱۲. علاقیند، علی (۱۳۷۸) اصول مدیریت آموزشی، تهران، پیام نور، چاپ اول.
۱۳. کمالپورخوب، ناصر (۱۳۹۹). تربیت شهروندی. تربیت شهروند مطلوب، معلم و نظام رسمی، تهران، نشر فرهوش، چاپ اول.
۱۴. کمالپورخوب، ناصر، هاشمی، سید ضیا و نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۹). تحلیل جامع‌شناسی اولویت‌های تربیت شهروند مطلوب در اسناد رسمی و واقعیت اجتماعی مدرسه. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، شماره ۱۳، ۱۶۹-۱۷۹.
۱۵. کمالپورخوب، ناصر، هاشمی، سید ضیا و نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی مواضع سیاسی تربیت دانش‌آموز به مثابه شهروند مطلوب
۱۶. در اسناد رسمی جمهوری اسلامی ایران) مطالعه موردی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله (فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۷۳، ۸۰-۵۹.
۱۷. مهدی نژاد، ولی (۱۳۸۹) دیدگاه دبیران دوره متوسطه درخصوص بی‌انضباطی کلاسی دانش‌آموزان و راهکارهای بهبود مدیریت کلاسی، دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، سال بیستم، شماره ۳.
۱۸. مصرآبادی، جواد (۱۳۹۳) سبک‌های تدریس معلمان بر میزان بی‌انضباطی‌های دانش‌آموزان، فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت نوآوری، سال ششم.

19. Baumrind.d(1991)parenting styes and adoles cont development.inj.iroooks gunnr.r.lerner&A.C.

Conceptual model of effective classroom management and teaching

Abstract

This paper is a descriptive-library study that explores classroom management styles and their relevance to teaching patterns. Its purpose is to identify different management styles and select the best teaching style by teachers to present content and apply discipline in the classroom, to be able to select the appropriate management style in three areas, identify the positive and negative factors affecting the classroom atmosphere and Extraclass agents manage actions. The required information was collected through taking notes and taking notes, in which research related to classroom management and the theoretical foundations of thinkers and fields of educational sciences have been used. Results: First, the dimensions related to classroom management in the three areas of individual management(students),space management(school)and self-management and teacher ability were discussed. Then, by conceptualizing and configuring the theoretical foundations of different styles of classroom management(authoritarian, authoritarian, easy-going, liberal) and adapting them to mechanistic and organic teaching patterns, a combined model of them was presented, based on which considering the dimensions. The case study in the teaching method is the most appropriate and effective teaching method of authoritarian style in which, while having grandeur, authority and management, it has the necessary flexibility and interaction in a timely manner.

Keywords: Classroom Management, Effective Teaching, Management Styles, Teaching Patterns

تحلیل اجتماعی وضعیت و علل مصرف مشروبات الکلی

نیلوفر آقایی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۹

کد مقاله: ۶۳۳۸۸

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل اجتماعی وضعیت و علل مصرف مشروبات الکلی صورت پذیرفته است. جامعه آماری ۱۴۱۸۲ نفر از شهروندان محله جوی آباد و حجم نمونه در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار نمونه‌گیری SPSS Sample Power صورت گرفته و ۴۱۳ نفر می‌باشد. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه با سؤالات بسته می‌باشد که روایی آن از نوع روایی سازه است همچنین پایایی سؤالات سرمایه اجتماعی ۰,۷ و سؤالات سنجش نگرش به اعتیاد در محله ۰,۷۲ به‌دست‌آمده است. با توجه به یافته‌های این پژوهش، بین سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن با گرایش به مشروبات الکلی رابطه منفی اما معناداری وجود داشته، بدین‌صورت که هرچه میزان سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن افزایش یابد میزان گرایش به مشروبات الکلی کاهش خواهد یافت و بالعکس. بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده، تمرکز بر سرمایه اجتماعی در یک محله کم‌برخوردار در عدم گرایش به مشروبات الکلی اثرات قابل‌توجهی دارد. این امر در مناطق کم‌برخوردار و در بین جوانان و نوجوانان بیشتر به چشم می‌خورد و با برنامه برای اوقات فراغت در محلات می‌توان زمینه افزایش مشارکت و به‌طور کلی سرمایه اجتماعی را فراهم کرد.

واژگان کلیدی: مشروبات الکلی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حمایت اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی

۱- مقدمه

مشکلات مربوط به آسیب‌های اجتماعی از گذشته دور در جامعه بشری مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. در این میان سوء مصرف مواد از جمله الکل به عنوان یک مسئله اجتماعی پدیده‌ای است که توانایی جامعه در حفظ نظم و سازمان‌یابی از بین می‌رود و عملکرد به هنجار حیات اجتماعی را مختل می‌کند و همچنین در ساختار نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک اجتماع دگرگونی‌های اساسی به وجود می‌آورد. مطالعات بسیاری نشان داده‌اند که سوء مصرف الکل در جامعه باعث بروز انواع رفتارهای ضد اجتماعی و خشونت‌آمیز در میان جوانان و نوجوانان می‌شود (سیسیلیانو^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). از این رو رفتارهای پرخطر و ناهنجاری مانند مصرف الکل آثار بسیار مخربی را برای جامعه و فرد به دنبال دارد و مصرف الکل یک بیماری اجتماعی پیش رونده، مزمن و بالقوه کشنده در نظر گرفته شده است (حجتی و همکاران، ۲۰۱۰).

الکل را به دلیل تاثیری که بر فعالیت‌های روانی و جسمی افراد دارد جزء مواد مخدر محسوب می‌کنند. الکل به خلاف تصورات رایج جزء محرک‌ها نیست بلکه کندکننده بوده، به گروه آرام بخش‌ها و خواب آورها تعلق دارد زیرا فعالیت‌های بدن و مغز را کند می‌کند و مهارت ذهنی-حرکتی فرد الکی را به شدت کاهش می‌دهد. الکل می‌تواند تعادل حرکتی افراد را مختل سازد، بر قوه تشخیص افراد از نظر زمان و فاصله و برچگونگی انجام کارهای محوله به افراد تاثیرات منفی داشته باشد و همه این تاثیرات غیر اختیاری و بدون اراده فرد الکی صورت می‌گیرد (مک اندرو و اگر تون، ۱۹۶۹). سوء مصرف مواد والکل می‌تواند نه تنها به دلیل آثار سوء فردی، بلکه همچنین به دلیل پیامدهای منفی آن برای جامعه، به یک مسئله اجتماعی مهم و خطرناک تبدیل شده است به ویژه در محلات کم برخوردار به دلیل عدم نظارت کافی از طرف مسئولین در بوجود آوردن تفریحات سالم، عدم وجود الگوی مناسب اوقات فراغت و دسترسی آسان به مشروبات الکی اهمیت این موضوع بیشتر می‌شود.

عوامل بسیاری در گرایش افراد به مشروبات الکی اثر می‌گذارند اما این پژوهش درصدد است از حیث سرمایه اجتماعی و مولفه‌های آن یعنی مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و شبکه‌ی روابط و حمایت اجتماعی در محله جوی آباد شهرستان خمینی شهر اصفهان موضوع را مورد بررسی قرار دهد.

۲- پیشینه تحقیق

با بررسی مطالعات پیشین داخلی و خارجی در این زمینه می‌توان به پژوهش‌هایی که در ادامه آمده اشاره کرد. در پژوهشی جعفریان و همکاران (۱۳۹۵) به این نتیجه رسیدند که نگرش به مشروبات الکی، انزوای اجتماعی، باورها و اعتقادات مذهبی، الگوپذیری از خرده فرهنگ‌ها منحرف و دسترسی به امکانات فرهنگی و رفاهی با ترتیب ذکر شده از جمله عوامل موثر در گرایش جوانان به مصرف مشروبات الکی بوده است. ترقی‌جاء (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای دریافت که میان جنسیت، سن و پیشینه مصرف مشروبات الکی در اعضای خانواده رابطه وجود دارد همچنین میان حمایت عاطفی خانواده و نگرش والدین نسبت به مصرف مواد با داشتن تجربه مصرف مشروبات الکی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

در مطالعه‌ای محمدخانی و رضایی جمالویی (۱۳۹۳) دریافتند که بین مشروبات الکی با نظارت خانواده و احساس تعهد به مدرسه همبستگی معناداری وجود دارد. بزازیان و همکاران (۱۳۹۳) دریافتند که باورهای مذهبی و پیوند با خانواده با گرایش به مصرف سیگار، مواد مخدر و مشروبات الکی رابطه منفی دارند. باورهای مذهبی و پیوند با خانواده می‌توانند مصرف سیگار، گرایش به مواد مخدر و گرایش به مشروبات الکی را تبیین کنند.

حقدوست و همکاران (۱۳۹۲) دریافتند که روند مصرف الکل در رفسنجان در کلیه گروه‌های مختلف سنی، جنسی و طبقات اجتماعی در حال افزایش است و هم چنین جنسیت، سطح تحصیلات، درآمد و وضعیت اشتغال خانواده و به عبارت دیگر طبقه و جایگاه اجتماعی بر نحوه مصرف و نوع مواد مصرف شده تاثیر گذار بوده و طبقات پایین اجتماعی دارای آسیب پذیری بیشتر می‌باشند.

نتایج پژوهش علیوردی نیا و همتی (۱۳۹۲) حاکی از آن است که متغیرهای پیوستگی به مذهب، پیوستگی تحصیلی، خودکنترلی و برجسب رسمی دارای تاثیر معناداری بر گرایش به مصرف الکل بوده و متغیر پیوستگی به مذهب مهم ترین تبیین کننده گرایش به مصرف الکل بوده است. بنابر نتایج مطالعه کرای (۱۳۸۹) بین عواملی چون امید دسترسی به اهداف مشروع شغلی، مشارکت اجتماعی، مصرف مشروبات توسط خانواده و درآمد خانواده از دیگر عواملی هستند که رابطه معناداری با گرایش به مصرف مشروبات الکی دارند.

یافته های تحقیق عزیزی (۱۳۸۷) نشان داد که متغیرهای فرهنگ بزهکاری، سرمایه اجتماعی و احساس ناامیدی دارای بیشترین تاثیر بر سوء مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی هستند. فرهنگ بزهکاری و احساس ناامیدی باعث افزایش سوء مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی و افزایش سرمایه اجتماعی باعث کاهش آن در میان افراد می شود.

در پژوهشی دیگر لاندبرگ (۲۰۰۵)، با مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و استفاده از مواد مخدر نشان داد که کشیدن سیگار با اعتماد و مشارکت اجتماعی رابطه منفی دارد. علاوه بر آن اسپرینگر و همکارانش (۲۰۰۶) با بررسی ارتباط بین حمایت اجتماعی و انسجام اجتماعی با رفتارهای پرخطر نشان دادند که دانش آموزانی که حمایت اجتماعی کمتری از والدین خود دریافت کرده بودند، بیشتر احتمال دارد تا به رفتارهای پرخطر مرتکب شوند و الکل مصرف کنند (غلامی و شهرودی، ۱۳۹۳: ۱۱۹).

۳- مبانی نظری

در این راستا پیشگیری از سوء مصرف الکل، مستلزم کاربرد نظریه های گوناگون در رشته های علمی متعدد است. یکی از نظریه های مطرحه در این راستا نظریه یادگیری اجتماعی بندورا^۱ است. بر طبق این نظریه، برخی عوامل محیطی مانند همسالان منحرف، والدین و عوامل فردی همچون سبک مقابله ای اجتنابی، عزت نفس و پرخاشگری به طور مستقیم و غیر مستقیم با مصرف مواد در نوجوانان مرتبط هستند؛ بنابراین نحوه تعامل نوجوانان و جوانان با محیط اجتماعی اطرافشان نقش به سزایی در ارتقای سلامت آنها دارد (اعالی و کدیور، ۲۰۱۰). نظریه ای دیگر مرتبط با همبستگی اجتماعی است که یکی از ارکان سرمایه اجتماعی به شمار می رود. به نظر دورکیم در جامعه ای که همبستگی اجتماعی قوی است، اعضای آن احتمالاً با هنجارهای مشترک و ارزش های مشترک هم نوا می شوند ولی در جامعه ای که میان اعضای آن همبستگی ضعیفی وجود دارد احتمال بیشتری وجود دارد که مردم آن جامعه دچار انحراف شوند. نظریه نوین کنترل نیز برچنان بینشی تکیه دارند به این صورت که بیان می کند که «کسانی که با اجتماع خود همبستگی دارند تمایل به تبعیت از مقررات آن دارند در حالی که کسانی که از اجتماع خود دور شده اند و بریده اند، ممکن است تمایل به نقض آن مقررات را داشته باشند» (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۷۵). نظریه دیگری که در این خصوص مطرح است نظریه ساترلند با عنوان پیوند افتراقی بر این نکته تاکید دارد که نزدیکان و همسالانی که بزهکار باشند تاثیر زیادی بر تشکیل و تقویت نگرش بزهکاری میگذارند و فرد را به سوی بزهکاری سوق می دهند. نظریه پیوند افتراقی محتوای اجتماعی بزهکاری را در نظر دارد و فرد بزهکار را در جایگاه اجتماعی او از حیث رابطه اش با خانواده، محله، رفقا و مصاحبان در نظر می گیرد (مشکانی، ۱۳۸۱: ۱۱).

از نظر فورمن و لینی (۱۹۹۱) سبک والدینی الگوهای ارتباطی و تعارض های درون خانواده به طور معناداری با مصرف بیش از حد و نامتعارف مواد مرتبط است. نقش خانواده به عنوان یک عامل مهم در فرایند مصرف و سوء مصرف مواد به قدری اهمیت دارد که در برخی پژوهش ها به عنوان یک متغیر مستقل مورد آزمایش قرار گرفته است (جوی و راین، ۲۰۰۷).

هیرشی در این زمینه بر این باور بود که کج روی زمانی رخ می دهد که فرد به درستی جامعه پذیر نشده باشد. برای هیرشی جامعه پذیری مناسب، دربرگیرنده ی حضور پیوندهای اخلاقی قدرتمند بین فرد با جامعه است. از این رو می توان گفت که مفهوم پیوند اجتماعی مدنظر هیرشی، به روابط میان فرد و اجتماع بازمیگردد که اغلب از طریق نهادهای اجتماعی برقرار می شود. این پیوند با جامعه، شامل پیوستگی (دلبستگی به دیگران)، تعهد به خطوط متداول کنش، درگیری و حضور در فعالیت های مرسوم و باور به نظم قانونی و اخلاقی است. از این رو، رفتار کج روانه در شرایطی مانند عدم پیوستگی لازم به ویژه به خانواده و والدین، عدم تعهد فرد به موفقیت های شغلی و آموزشی، عدم درگیری مناسب با فعالیت هایی چون ورزش، عدم باور به مشروعیت و اخلاقی بودن قوانین رخ می دهد. برای هیرشی تمام چهار عنصر پیوند با اجتماع از اهمیت زیادی برخوردار هستند اما پیوستگی به دیگران در بین این چهار عنصر نسبت به دیگر عناصر از اهمیت دیگری برخوردار است.

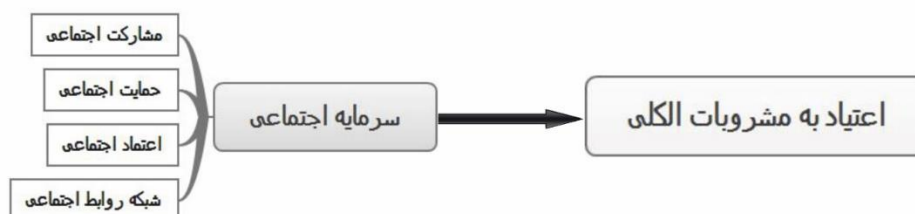
از نظریات فوق در می یابیم که سرمایه اجتماعی و مولفه های آن مانند مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و همبستگی اجتماعی در گرایش در مصرف مشروبات الکلی تاثیر به سزایی دارد.

۴- روش پژوهش

در این پژوهش روش انتخاب شده با توجه به معیارهای متفاوتی صورت پذیرفته است، این پژوهش بر اساس معیار هدف در گروه پژوهش های کاربردی، بر اساس معیار زمان گردآوری داده ها در گروه پژوهش های پیمایشی، بر اساس معیار ماهیت داده ها و مبنای پژوهش یک پژوهش کمی، بر اساس معیار خصوصیات موضوع یا مسئله پژوهش یک پژوهش همبستگی یا همخوانی، بر اساس معیار انواع تحقیقات بر اساس نوع داده یک پژوهش با داده های دست اول، بر اساس معیار روش جمع آوری اطلاعات یک

پژوهش میدانی با استفاده از تکنیک پرسشنامه و بر اساس معیار میزان ژرفایی یک پژوهش پنهانگر می‌باشد. اصلی‌ترین ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش ۲ پرسشنامه (پرسشنامه سرمایه اجتماعی، و پرسشنامه اعتیاد به مشروبات الکلی) می‌باشد. طیف مورد استفاده در پرسشنامه این پژوهش یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای می‌باشد. پاییی ابزار پژوهش نیز بر اساس آزمون آلفای کرونباخ برای پرسشنامه سرمایه اجتماعی ۰/۷۰ و برای پرسشنامه اعتیاد به مشروبات الکلی ۰/۷۷ درصد به تأیید رسیده است. ابزار تجزیه و تحلیل اطلاعات پرسشنامه‌ای این پژوهش نرم‌افزار آماری SPSS & AMOS می‌باشد. به منظور تعیین وجود یا عدم وجود رابطه یا تأثیر بین متغیرها و برآورد و تعمیم نتایج به دست آمده از حجم نمونه به جامعه آماری از مدل رگرسیونی و آزمون تی تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل شهروندان محله حاشیه‌ای جوی آباد در شهرستان خمینی شهر اصفهان می‌باشد. جامعه آماری ۱۴۱۸۲ نفر می‌باشد که حجم نمونه در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار نمونه‌گیری SPSS Sample Power صورت گرفته و حجم نمونه مطابق با خروجی نرم‌افزار با محاسبه آلفای ۰/۰۱، توان ۰/۹۰ و معناداری ۰/۰۵ از ضریب تعیین (R^2) در جامعه آماری برابر با ۴۲۷ نفر می‌باشد که با کسر ۱۴ پرسشنامه مخدوش حجم نهایی نمونه به ۴۱۳ نفر کاهش یافت، شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای می‌باشد.

۵- مدل مفهومی پژوهش



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

۶- فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه اصلی ۱: به نظر می‌رسد، بین سرمایه اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی رابطه وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۱-۱: به نظر می‌رسد، بین مشارکت اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی رابطه وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۱-۲: به نظر می‌رسد، بین حمایت اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی رابطه وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۱-۳: به نظر می‌رسد، بین اعتماد اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی رابطه وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۱-۴: به نظر می‌رسد، بین شبکه روابط اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی رابطه وجود دارد.
- فرضیه اصلی ۲: به نظر می‌رسد، وضعیت اعتیاد به مشروبات الکلی در جامعه آماری پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد.

۷- یافته‌ها

جدول ۱. فراوانی پاسخگویان به تفکیک متغیرهای جمعیت شناختی

متغیرها		تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۲۱۴	۵۱٫۸
	زن	۱۹۹	۴۸٫۲
میزان تحصیلات	دیپلم و پایین‌تر	۳۳۱	۸۰٫۱
	فوق دیپلم	۲۶	۶٫۳
	لیسانس	۴۷	۱۱٫۴
	فوق لیسانس و بالاتر	۹	۲٫۲
سن	کمتر از ۲۰ سال	۳۷	۹
	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	۱۰۵	۲۵٫۴
	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	۱۰۹	۲۶٫۴
	بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۵۸	۱۴
	بیشتر از ۵۰ سال	۱۰۴	۲۵٫۲
	میانگین سن	انحراف معیار	حداقل سن
	۳۹٫۵	۱۶	۸۶
		حداقل سن	۱۵

توزیع جنسیت پرسش‌شوندگان در این پژوهش حاکی از آن است که ۵۱٫۸ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۸٫۲ درصد زن بوده‌اند. ۸۰٫۱ درصد از پرسش‌شوندگان میزان تحصیلات خود را دیپلم یا پایین‌تر و ۶٫۳ درصد فوق دیپلم، ۱۱٫۴ درصد لیسانس و ۲٫۲ درصد نیز میزان تحصیلات خود را فوق لیسانس و بالاتر گزارش نموده‌اند. ۹ درصد از پرسش‌شوندگان سن خود را کمتر از ۲۰ سال، ۲۵٫۴ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۲۶٫۴ درصد بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۱۴ درصد بین ۴۰ تا ۵۰ سال و ۲۵٫۲ درصد نیز سن خود را بیشتر از ۵۰ سال گزارش نموده‌اند. میانگین سنی پرسش‌شوندگان در این پژوهش ۳۹٫۵ سال (حدود ۴۰ سال)، حداقل سن ۱۵ و حداکثر سن ۸۶ سال گزارش شده است.

جدول ۲. آماره‌های پراکندگی مرکزی از متغیرهای سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی

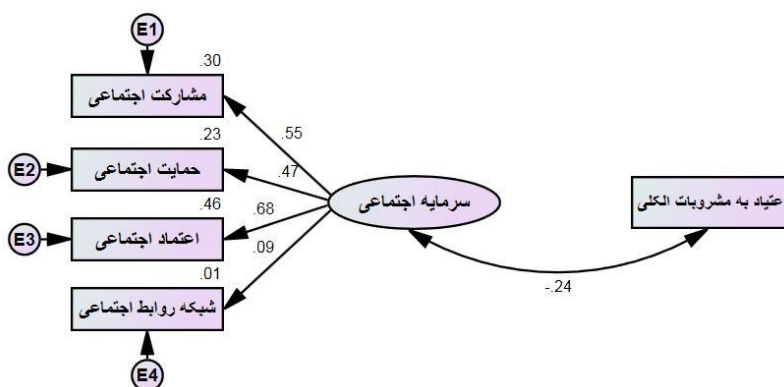
متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار
مشارکت اجتماعی	۴۱۳	۲٫۱۰	۰٫۷۸
حمایت اجتماعی	۴۱۳	۱٫۴۴	۰٫۹۳
اعتماد اجتماعی	۴۱۳	۲٫۳۷	۰٫۹۲
شبکه روابط اجتماعی	۴۱۳	۲٫۹۹	۰٫۶۸
سرمایه اجتماعی	۴۱۳	۲٫۲۱	۰٫۵۹
اعتیاد به مشروبات الکلی	۴۱۳	۳٫۴۱	۰٫۷۶

با توجه به آماره‌های فوق که به میانگین‌های اکتسابی متغیرهای پژوهش اختصاص دارد، متغیر سرمایه اجتماعی و کلیه مؤلفه‌های آن دارای میانگینی پایین‌تر از حد متوسط جامعه (۳) می‌باشند، بیشترین تا کمترین میانگین در مؤلفه‌های متغیر سرمایه اجتماعی به ترتیب اختصاص دارد به: ۱. شبکه روابط اجتماعی ۲. اعتماد اجتماعی ۳. مشارکت اجتماعی ۴. حمایت اجتماعی. متغیر اعتیاد به مشروبات الکلی نیز دارای میانگینی بالاتر از حد متوسط جامعه (۳) و برابر با ۳٫۴۱ گزارش شده است.

فرضیه اصلی ۱: "به نظر می‌رسد، بین سرمایه اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی رابطه وجود دارد"

جدول ۳: آزمون ضریب همبستگی پیرسون و مدل همبستگی برای بررسی فرضیه اصلی ۱

جدول آزمون ضریب همبستگی پیرسون			
متغیر مورد بررسی	تعداد	ضریب پیرسون	سطح معناداری
سرمایه اجتماعی	۴۱۳	-۰٫۲۴	۰٫۰۰۱
	۴۱۳		
اعتیاد به مشروبات الکلی			
جدول خروجی کوواریانس استاندارد شده			
رابطه سرمایه اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی	مقادیر استاندارد شده	نقاط بحرانی	سطح معناداری
	-۰٫۲۴	۴٫۱۱	۰٫۰۰۱



شکل ۲- مدل بررسی آزمون فرض یک

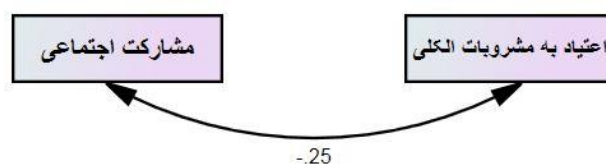
با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری در جدول آزمون پیرسون و خروجی کوواریانس استاندارد شده برابر با ۰/۰۰۱ می‌باشد و این مقدار از سطح بحرانی و استاندارد خطای ۰/۰۵ کوچکتر است پس فرضیه فوق تأیید می‌گردد. مقدار ضریب همبستگی این دو متغیر منفی و برابر با -۰/۲۴ بوده و بیانگر آنست که این دو متغیر از شدت همبستگی مناسبی برخوردارند این

رابطه بیانگر یک رابطه منفی و معکوس در بین دو متغیر می‌باشد، پس می‌توان چنین استنباط نمود که بین سرمایه اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی یک رابطه منفی و معنادار وجود دارد، بدین‌صورت که هرچه میزان سرمایه اجتماعی افزایش یابد میزان اعتیاد به مشروبات الکلی کاهش خواهد یافت و بالعکس.

فرضیه فرعی ۱-۱: "به نظر می‌رسد، بین مشارکت اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی رابطه وجود دارد"

جدول ۴: آزمون ضریب همبستگی پیرسون و مدل همبستگی برای بررسی فرضیه فرعی ۱-۱

جدول آزمون ضریب همبستگی پیرسون			
متغیر مورد بررسی	تعداد	ضریب پیرسون	سطح معناداری
مشارکت اجتماعی	۴۱۳	-۰,۲۵	۰,۰۰۰۱
	۴۱۳		
اعتیاد به مشروبات الکلی			
جدول خروجی کوواریانس استاندارد شده			
رابطه مشارکت اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی	مقادیر استاندارد شده	نقاط بحرانی	سطح معناداری
	-۰,۲۵	۴,۲۰	۰,۰۰۰۱



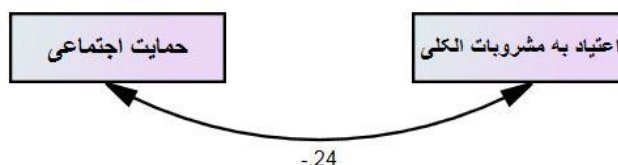
شکل ۳- مدل بررسی آزمون فرض فرعی ۱-۱

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری در جدول آزمون پیرسون و خروجی کوواریانس استاندارد شده برابر با ۰/۰۰۰۱ می‌باشد و این مقدار از سطح بحرانی و استاندارد خطای ۰/۰۵ کوچکتر است پس فرضیه فوق تأیید می‌گردد. مقدار ضریب همبستگی این دو متغیر منفی و برابر با -۰/۲۵ بوده و بیانگر آنست که این دو متغیر از شدت همبستگی مناسبی برخوردارند این رابطه بیانگر یک رابطه منفی و معکوس در بین دو متغیر می‌باشد، پس می‌توان چنین استنباط نمود که بین مشارکت اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی یک رابطه منفی و معنادار وجود دارد، بدین‌صورت که هرچه میزان سرمایه مشارکت افزایش یابد میزان اعتیاد به مشروبات الکلی کاهش خواهد یافت و بالعکس.

فرضیه فرعی ۱-۲: "به نظر می‌رسد، بین حمایت اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی رابطه وجود دارد"

جدول ۵: آزمون ضریب همبستگی پیرسون و مدل همبستگی برای بررسی فرضیه فرعی ۲-۱

جدول آزمون ضریب همبستگی پیرسون			
متغیر مورد بررسی	تعداد	ضریب پیرسون	سطح معناداری
حمایت اجتماعی	۴۱۳	-۰,۲۴	۰,۰۰۰۱
اعتیاد به مشروبات الکلی	۴۱۳		
جدول خروجی کوواریانس استاندارد شده			
رابطه حمایت اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی	مقادیر استاندارد شده	نقاط بحرانی	سطح معناداری
	-۰,۲۴	۴,۱۵	۰,۰۰۰۱



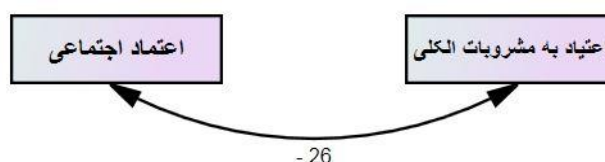
شکل ۴- مدل بررسی آزمون فرض فرعی ۲-۱

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری در جدول آزمون پیرسون و خروجی کوواریانس استاندارد شده برابر با $0/0001$ می باشد و این مقدار از سطح بحرانی و استاندارد خطای $0/05$ کوچکتر است پس فرضیه فوق تأیید می گردد. مقدار ضریب همبستگی این دو متغیر منفی و برابر با $-0/24$ بوده و بیانگر آنست که این دو متغیر از شدت همبستگی مناسبی برخوردارند این رابطه بیانگر یک رابطه منفی و معکوس در بین دو متغیر می باشد، پس می توان چنین استنباط نمود که بین حمایت اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی یک رابطه منفی و معنادار وجود دارد، بدین صورت که هرچه میزان حمایت اجتماعی افزایش یابد میزان اعتیاد به مشروبات الکلی کاهش خواهد یافت و بالعکس.

فرضیه فرعی ۳-۱: "به نظر می رسد، بین اعتماد اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی رابطه وجود دارد"

جدول ۶: آزمون ضریب همبستگی پیرسون و مدل همبستگی برای بررسی فرضیه فرعی ۳-۱

جدول آزمون ضریب همبستگی پیرسون			
متغیر مورد بررسی	تعداد	ضریب پیرسون	سطح معناداری
اعتماد اجتماعی	۴۱۳	-۰,۲۶	۰,۰۰۰۱
اعتیاد به مشروبات الکلی	۴۱۳		
جدول خروجی کوواریانس استاندارد شده			
رابطه اعتماد اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی	مقادیر استاندارد شده	نقاط بحرانی	سطح معناداری
	-۰,۲۶	۴,۲۵	۰,۰۰۰۱



شکل ۵- مدل بررسی آزمون فرض فرعی ۳-۱

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری در جدول آزمون پیرسون و خروجی کوواریانس استاندارد شده برابر با $0/0001$ می باشد و این مقدار از سطح بحرانی و استاندارد خطای $0/05$ کوچکتر است پس فرضیه فوق تأیید می گردد. مقدار ضریب همبستگی این دو متغیر منفی و برابر با $-0/26$ بوده و بیانگر آنست که این دو متغیر از شدت همبستگی مناسبی برخوردارند این رابطه بیانگر یک رابطه منفی و معکوس در بین دو متغیر می باشد، پس می توان چنین استنباط نمود که بین اعتماد اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی یک رابطه منفی و معنادار وجود دارد، بدین صورت که هرچه میزان اعتماد اجتماعی افزایش یابد میزان اعتیاد به مشروبات الکلی کاهش خواهد یافت و بالعکس.

فرضیه فرعی ۴-۱: "به نظر می رسد، بین شبکه روابط اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی رابطه وجود دارد"

جدول ۷: آزمون ضریب همبستگی پیرسون و مدل همبستگی برای بررسی فرضیه فرعی ۴-۱

جدول آزمون ضریب همبستگی پیرسون			
متغیر مورد بررسی	تعداد	ضریب پیرسون	سطح معناداری
شبکه روابط اجتماعی	۴۱۳	-۰,۲۰	۰,۰۰۰۱
اعتیاد به مشروبات الکلی	۴۱۳		
جدول خروجی کوواریانس استاندارد شده			
رابطه شبکه روابط اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی	مقادیر استاندارد شده	نقاط بحرانی	سطح معناداری
	-۰,۲۰	۳,۸۹	۰,۰۰۰۱



-20

شکل ۶- مدل بررسی آزمون فرض فرعی ۱-۴

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری در جدول آزمون پیرسون و خروجی کوواریانس استاندارد شده برابر با $0/0001$ می باشد و این مقدار از سطح بحرانی و استاندارد خطای $0/05$ کوچکتر است پس فرضیه فوق تأیید می گردد. مقدار ضریب همبستگی این دو متغیر منفی و برابر با $-0/20$ بوده و بیانگر آنست که این دو متغیر از شدت همبستگی مناسبی برخوردارند این رابطه بیانگر یک رابطه منفی و معکوس در بین دو متغیر می باشد، پس می توان چنین استنباط نمود که بین شبکه روابط اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی یک رابطه منفی و معنادار وجود دارد، بدین صورت که هرچه میزان شبکه روابط اجتماعی افزایش یابد میزان اعتیاد به مشروبات الکلی کاهش خواهد یافت و بالعکس.

فرضیه اصلی ۲: "وضعیت اعتیاد به مشروبات الکلی در جامعه آماری پایین تر از حد متوسط می باشد"

جدول ۸: آزمون تی تک نمونه ای برای بررسی فرضیه اصلی ۲

جدول آماره‌های توصیفی				متغیر		
تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد	وضعیت اعتیاد به مشروبات الکلی		
۴۱۳	۳,۴۱	۰,۷۶	۰,۰۷			
جدول آماره‌های استنباطی						
آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها			حد پایین / حد بالا
۰,۷۱	۴۱۲	۰,۴۲	۰,۴۱			۱,۵۵ / -۰,۷۲
بالا تر از حد متوسط اما غیر معنادار				نتیجه کلی آزمون		

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری به دست آمده در جدول آزمون تی تک نمونه ای برابر با $0/42$ می باشد و این مقدار با اطمینان $0/95$ از سطح خطای $0/05$ بزرگ تر است و به عبارت دیگر چون مقدار آماره تی برابر با $(0/71)$ و کوچکتر از مقدار $(1/96)$ می باشد، می توان نتیجه گرفت که وضعیت اعتیاد به مشروبات الکلی در جامعه آماری بالاتر از حد متوسط می باشد. نتایج این آزمون نشان می دهد که میانگین اکتسابی نمونه برابر با $3/41$ می باشد که از میانگین جامعه (3) با اختلاف $0/41$ بالاتر از حد متوسط گزارش شده است اما این تفاوت به لحاظ آماری یک تفاوت معنادار گزارش نشده است.

۸- بحث و نتیجه گیری

سوء مصرف الکل در جامعه هدف به عنوان یک آسیب اجتماعی شناخته شد. این پژوهش که با هدف تحلیل اجتماعی وضعیت و علل مصرف مشروبات الکلی صورت پذیرفته است دارای ۶ فرضیه (۲ فرضیه اصلی و ۴ فرضیه فرعی) می باشد که از این مجموع ۵ فرضیه تأیید و یک فرضیه رد شده است.

نتیجه فرضیه اصلی ۱: بین سرمایه اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی یک رابطه منفی و معنادار وجود دارد، بدین صورت که هرچه میزان سرمایه اجتماعی افزایش یابد میزان اعتیاد به مشروبات الکلی کاهش خواهد یافت و بالعکس. عزیزی (۱۳۸۷) و لاند برگ (۲۰۰۵) و اسپیرینگر و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهش های خود در این حوزه به نتایج مشابه با این فرضیه دست یافتند. نتیجه فرضیه فرعی ۱-۱: بین مشارکت اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی یک رابطه منفی و معنادار وجود دارد، بدین صورت که هرچه میزان سرمایه مشارکت افزایش یابد میزان اعتیاد به مشروبات الکلی کاهش خواهد یافت و بالعکس. نتیجه این پژوهش لاندبرگ (۲۰۰۵) و کرابی (۱۳۸۹) همسو است. فرضیه فرعی ۲-۱: بین حمایت اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی یک رابطه منفی و معنادار وجود دارد، بدین صورت که هرچه میزان حمایت اجتماعی افزایش یابد میزان اعتیاد به مشروبات الکلی کاهش خواهد یافت و بالعکس. از نتایج پژوهش ترقی جاه (۱۳۹۴) و محمدخانی و رضایی جمالویی (۱۳۹۳) و بزازیان و همکاران (۱۳۹۳) و اسپیرینگر و همکاران (۲۰۰۶) میتوان دریافت که نتایج با این فرضیه از پژوهش در یک راستا است. فرضیه فرعی ۳-۱: بین اعتماد اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی یک رابطه منفی و معنادار وجود دارد، بدین صورت که هرچه میزان اعتماد اجتماعی افزایش یابد میزان اعتیاد به مشروبات الکلی کاهش خواهد یافت و بالعکس. فرضیه فرعی ۴-۱: بین شبکه روابط اجتماعی و اعتیاد به مشروبات الکلی یک رابطه منفی و معنادار وجود دارد، بدین صورت که هرچه میزان شبکه روابط اجتماعی افزایش یابد میزان اعتیاد

به مشروبات الکلی کاهش خواهد یافت و بالعکس. نتایج پژوهش اسپیرینگر و همکاران (۲۰۰۶) با نتایج این فرضیه همپوشانی دارد. نتیجه فرضیه اصلی ۲: وضعیت اعتیاد به مشروبات الکلی در جامعه آماری بالاتر از حد متوسط می‌باشد. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که میانگین اکتسابی نمونه برابر با ۳/۴۱ می‌باشد که از میانگین جامعه (۳) با اختلاف ۰/۴۱ بالاتر از حد متوسط گزارش شده است اما این تفاوت به لحاظ آماری یک تفاوت معنادار گزارش نشده است.

این نتایج موید نظریات هیرشی است که معتقد بود با افزایش پیوندهای اجتماعی می‌توان گرایش افراد به ارتکاب عمل کج روانه را افزایش داد. بر اساس نظریات هیرشی، اگر فرد به اندازه کافی به موفقیت های شغلی و آموزشی متعهد نباشد، پیوند او با جامعه سست می‌شود و احتمال ارتکاب رفتار کج روانه از سوی فرد افزایش می‌یابد. از منظر هیرشی پیوستگی یکی از راههای کسب و حفظ قدرت در اجتماع است و در بسیاری از محیط های اجتماعی می‌توانند جایگاه و موقعیت فرد را تحت تاثیر قرار دهد. همچنین نتایج این پژوهش نظریات دورکیم مبنی بر تاثیر همبستگی اجتماعی بر گرایش به مصرف مشروبات الکلی را تایید می‌کند. لذا جهت کاهش گرایش نوجوانان و جوانان به مشروبات الکلی باید سرمایه اجتماعی را افزایش داد و این کار جز با فعالیت های مشارکتی و استفاده از ظرفیت های بالقوه محلات کم برخوردار برای گسترش اوقات فراغت مطلوب میسر نخواهد شد.

منابع

۱. بزازیان، سعیده؛ رجایی، یدالله و افسری، لیلا (۱۳۹۳)، «نقش بازدارنده باورهای مذهبی و پیوند با خانواده در گرایش به مصرف سیگار، مواد مخدر و مشروبات الکلی»، روانشناسی خانواده، دوره ۱، شماره ۱، صص ۲۸-۱۹.
۲. ترقی جاه، صدیقه (۱۳۹۴)، «بررسی نقش خانواده در تجربه مصرف مشروبات الکلی دانشجویان دانشگاه دولتی»، فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، شماره ۳، صص ۱۳۵-۱۲۱.
۳. جعفریان، هادی؛ بسیج، احمدرضا و سمیعانی، محمد (۱۳۹۵)، «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش جوانان شهرستان شهرکرد به مصرف مشروبات الکلی»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۴۰، صص ۱۵۹-۲۰۰.
۴. حق دوست، علی اکبر؛ امامی، مژگان؛ اسماعیلی، مریم؛ صابری نیا، امین؛ نژاد قادری، محسن و مهرالحسنی، محمد حسین (۱۳۹۲)، «تحلیل وضعیت و علل مصرف مشروبات الکلی (مطالعه موردی همه گیری مسمومیت مصرف الکل در رفسنجان)»، فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی، شماره ۶، صص ۵۲-۶۸.
۵. رابرتسون، یان (۱۳۷۴)، «درآمدی بر جامعه»، ترجمه حسن بهروزان، تهران انتشارات استان قدس رضوی، چاپ دوم.
۶. عزیزی، جلیل (۱۳۸۷)، «فقر اقتصادی و سوء مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین جوانان شهر تهران و شمیرانات با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۹، صص ۷۱-۹۰.
۷. علیوردی نیا، اکبر و همتی، اعظم (۱۳۹۲)، «تحلیل اجتماعی گرایش به مصرف مشروبات الکلی در میان دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره هفتم، صص ۷۷-۱۰۲.
۸. غلامی کوتنایی، کوروش و شهرودی، یدالله قربان نژاد. (۱۳۹۳)، «بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی خانواده بر اعتیاد جوانان (شهر قائم شهر)»، بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی خانواده بر اعتیاد جوانان، شماره ۴، صص ۱۱۵-۱۳۹.
۹. کرایی، حمدالله (۱۳۸۹)، «سنجش میزان گرایش به مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی و بررسی عوامل اجتماعی موثر بر آن در بین دانش آموزان مقطع متوسطه شهر کازرون در سال تحصیلی ۸۸-۸۹»، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران: دانشکده علوم انسانی.
۱۰. محمدخانی، شهرام و رضایی جمالویی، حسن (۱۳۹۳)، «پیشبینی کننده های مصرف مواد و مشروبات الکلی در نوجوانان»، مجله دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، دوره دوم، شماره ۴، صص ۱-۱۰.
۱۱. مشکلاتی، محمدرضا، مشکانی، زهرا سادات (۱۳۸۱)، «سنجش تاثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره دوم.
12. Alayi Kharaem R, Kadivar P, Mohammadkhani Sh Sarami GhR, Alaei MH. Model of causal relationships of family, environmental, and individual factors in drug use among teenagers of the Karaj city. Journal of Rural Development 2010; 2(2): 137-56.
13. Choi, S., & Ryan, J. (2007). Co- occurring problems for substance abusing mothers in child welfare: Matching services to improve family reunification. Children and Youth Services Review, 29, 1393-1410.
14. Hojjati H, Salmasi E, Ghorbani M, Hejazi Sh, Fesharaki M, Mohammadnezhad E. Study of because of desire to alcohol consumption among of anonymous alcoholics forum in Karaj. J Urmia Nurs Midwifery Fac 2010; 8(1): 20-8
15. Mac Andrew, Craig and Robert B. Edgerton. (1969). Drunken Compartment, London: Nelson.
16. Siciliano V, Mezzasalma L, Lorenzoni V, Pieroni S, Molinaro S. Evaluation of drinking patterns and their impact on alcohol-related aggression: a national survey of adolescent behaviours. BMC Public Health 2013; 13: 950.

نقش دعا در پیشگیری از صدمات ناشی از ابتلا به بیماری کرونا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲

کد مقاله: ۴۴۷۰۸

مرضیه نظری^۱

چکیده

دعا در متون دینی یکی از راهی ارتباط با خداوند است و در برخی از آیات الهی به عنوان نوعی عبادت از آن یاد شده است. از طرفی با توجه به آیات الهی انسان همراه در سختی‌ها و گرفتارها به سر می‌برند که یکی از این سختی‌ها و گرفتاری‌ها بیماری است و صدا البته در جهان کنونی که ویروسی به عنوان کوید ۱۹ در سراسر جان شیوع پیدا کرده است، انسان‌ها بیش‌ازپیش در سختی و گرفتاری به سر می‌برند؛ اما با توجه به این مسئله که ویروس کوید ۱۹ یا همان کرونا شیوعی بسیار آسان دارد؛ از ضرورت و اهمیت این مسئله ایجاب می‌کند که انسان‌ها دچار نگرانی از مبتلا شدن به ویروس پیدا نکنند و همین نگرانی قبل از مبتلا شدن می‌تواند صدماتی را برای اشخاص به وجود آورده و سلامت و روحی و روانی آن‌ها و به تبع سلامت جسمانی آن‌ها را مختل سازد و همچنین هدف از این مقاله بیان نقش‌هایی است که دعا می‌تواند برای پیشگیری و کنترل از صدمات ایفا کند، می‌باشد؛ درواقع این مقاله به روش توصیفی _ تحلیلی به بیان این مسئله پرداخته است که ارتباط با خداوند تحت عنوان دعا می‌تواند یک فرایند شفا بخش باشد و صدمات وارده را که سلامت روحی روانی اشخاص را مختل می‌سازد؛ کنترل سازد؛ زیرا که انسان باید بداند که تأثیرگذاری هر امری در عالم هستی بنابر اراده خداوند متعالی است و اگر اراده او بر چیزی تعلق بپذیرد، تخلف‌ناپذیر است. این نگاه بالاترین اثر را در دفع و رفع ناخوشی‌ها دارد. پس دعا می‌تواند نقش‌هایی اعم از: ایجاد امنیت روانی برای اشخاص، ایجاد شادی برای اشخاص، کنترل احساس تنهایی، کنترل ترس از گرفتن بیماری، از بین رفتن اضطراب، ایجاد رضایت از زندگی در اشخاص و در نهایت می‌تواند از افسردگی جلوگیری کند؛ داشته باشد.

واژگان کلیدی: دعا، صدمات، بیماری کرونا

۱- مقدمه

ازجمله نیازهای بنیادی انسان‌ها نیاز ارتباط و اتصال به خدای متعال است. همچنین بر اساس آموزه‌های خلقت هدف نهایی انسان، ارتباط با خداوند یعنی عبودیت است. حقیقت عبادت این است که انسان، در ارتباط با خداوند خود را بنده و مملوک خدا دانسته و اراده مستقلی در مقابل خداوند نداشته باشد و به‌طور کامل تسلیم اراده او باشد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: انسان وقتی به این مقصد نهایی، یعنی عبودیت دست‌یافت، در جرگه انسان‌های متکامل و هدایت‌شده قرار می‌گیرد و همان‌طور که دانسته می‌شود یکی از این راه‌های ارتباطی دعا است. درواقع دعا یک آغاز است. آغازی که فرجامش اجابت است. این دعا که بزرگ‌ترین لطف الهی است باعث پیوند عاطفی با مبدأ همه نیکی‌ها و خوبی‌ها می‌شود و با توجه به آموزه‌های اسلامی دعا کردن به درگاه معبود امری فطری و یکی از ابزار برای رسیدن به خدا و نیل به تکامل مادی و معنوی و حل مشکلات فردی و اجتماعی است (فهیمی، شرفیه، نقش نماز و دعا در تکامل معنوی انسان، ص اول) این پیوند باید بر اساس یک نوع خودآگاهی و بیداری اندیشه و دل باشد: یعنی اول انسان از غفلت خارج شود تا آنگاه به مرتبه دعای حقیقی برسد، در مفهوم دعا، خواستن و طلب هم مستتر است، چنانچه در مورد حقیقت دعا باید گفت خواستن چیزی است به‌وسیله موجود پست‌تر از موجود برتر، به جهت فروتنی و درماندگی که دارد.

بهتر است که انسان درهرحال توسط دعا ارتباط خود را با خالق هستی برقرار نماید ولی در مواقع دشواری این ارتباط تنگ‌تر خواهد شد، یکی از موارد دشواری بیماری است. بیماری مسئله‌ای است که تاکنون هیچ بشری از آن در امان نبوده است و در عصرهای مختلف جوامع را به خود درگیر کرده است، اما با ورود ویروس کرونا به‌عنوان یک بیماری نوپدید و کاملاً ناشناخته و پیچیده بشر بیش‌ازپیش در معرض بیماری قرار گرفته است. (جهانگیر، اکرم، کار بخش، مژگان، جعفری، سمیه، نقش دعا در ارتقا سلامت: چشم‌اندازی بر سیره نبوی و مستندات جدید علمی، ص ۱۵۴) همچنین بیماری کرونا به دلیل انتقال آسان آن می‌تواند صدماتی به افراد قبل از مبتلا شدن وارد سازد؛ صدماتی که بهداشت روحی و روانی اشخاص را به خطر بی اندازد؛ اما ممکن است این سؤال مطرح شود که منظور از بهداشت روحی و روانی چیست؟ می‌توان این‌طور پاسخ داد که بهداشت روانی یعنی داشتن احساس امنیت، آرامش، به دور بودن از اضطراب، افسردگی، تعارض‌های مزمن روانی از منظر دیگر بهداشت روانی؛ یعنی بهره‌مندی از سلامت ذهن و اندیشه و تفکر (میلانی فر، بهروز، بهداشت روانی، ص ۱۲)؛ و در مقاله حاضر بیان خواهد شد که دعا برای کنترل این صدمات نقش‌هایی ایفا خواهد کرد و درواقع دعا می‌تواند یک فرایند شفا بخش باشد همان‌طور که دانسته می‌شود تاریخچه استفاده از آن برای تسکین و بهبود آلام جسم و جان انسان شاید به تاریخ زندگی بشر بر روی کره‌ی زمین برمی‌گردد. در سال‌های اخیر تأثیر دعا و نحوه‌های مختلف برگزاری آن در درمان بیماری‌ها به‌طورجدی توسط پژوهشگران موردتوجه قرار گرفته است ازجمله مقالاتی که به این مسئله پرداخته است؛ اثبات نقش دعا در درمان است، نقش دعا در ارتقا سلامت. درواقع در این مقالات بیماری‌هایی ازجمله بیماری‌های قلب و عروقی و فشارخون و... را بررسی کرده که این بیماری‌ها از افراد به یکدیگر در تعاملات روزانه انتقال پیدا نمی‌کند اما در مقاله حاضر به بررسی نقش دعا در بیماری کرونا ویروس که به‌آسانی انتقال میابد و در تعاملات روزانه برای افراد خطرآفرین است؛ به روش توصیفی - تحلیلی می‌پردازد.

حال که راز و نیاز با پروردگار یکی از ضروری‌ترین و اساسی‌ترین وظایف انسان است و توجه به مرکزی که نقطه ثقل جهان است، لازمه زندگی بشر است. پس از اهمیت و ضرورت این تحقیق همین بس که در شرایط طاقت‌فرسا مانند ویروس کرونا نیاز به یک نقطه اتصالی همچون دعا و توسل هست تا افراد از پس شرایط به‌خوبی بربایند و آن را بتوانند کنترل کنند. هدف از این تحقیق هم بررسی نقش‌هایی است که دعا می‌تواند قبل از ابتلا به بیماری ایفا کند تا شرایط به‌خوبی قابل کنترل باشد، ازاین‌رو پژوهش حاضر به دنبال پاسخ پرسش‌های زیر است:

۱) دعا از منظر اسلام چه جایگاهی دارد؟

۲) مؤلفه‌هایی که شخص را قبل از ابتلا به بیماری درگیر می‌کند چیستند و دعا در این زمینه چه نقشی ایفا می‌کند؟

۳) دعای هفتم صحیفه سجادیه در این زمینه چه نقشی را ایفا می‌کند؟

۲- مفهوم شناسی

تعریف لغوی دعا: کلمه دعا در اصل لغتی عربی و از ریشه (دعو) و به معنی فراخواندن و به یاری خواستن است. این کلمه در زبان انگلیسی چندین معادل دارد که عبارت‌اند از درخواست، دعا و عبادت، توسل و التماس، استمداد. (اکرمی، ۱۳۸۷: ۵۹)

تعریف اصطلاحی دعا: برای اصطلاح دعا از سوی صاحب‌نظران تعریف‌های متعددی ارائه شده است که ما در ذیل به چند مورد از آن اشاره می‌کنیم: دعا و نیایش یکی از بنیادی‌ترین و مهم‌ترین مشخصات ادیان است تا آنجا که می‌توان گفت دین بدون دعا دین نیست، بخش وسیعی از ادبیات همه ادیان به دعا و مناجات اختصاص یافته است دعا و مناجات آیینی است که دران احوال و احساسات و تجارب دینی و عرفانی مجال نمود و بروز می‌یابد. در دین اسلام به‌عنوان کامل‌ترین و آخرین دین اسمانی دعا

و نیایش جایگاه و منزلت ویژه‌ای دارد. قرآن کتاب مقدس مسلمانان مؤمنان را دعوت به دعا و نیایش به درگاه خدای متعال کرده است. در سنت و سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع) مکرر و مؤکد به دعا و نیایش توصیه شده و اهمیت آن گوشزد شده است و علاوه بر آن دعا‌های بسیار پرمحتوا و جالبی از این بزرگان به‌جامانده است. (همان) در مقاله حاضر به بررسی دعا به معنای یاری خواستن از خداوند و مناجات‌ای که با خداوند در شرایط بحرانی صورت می‌گیرد؛ می‌پردازد.

تعریف صدمه از نظر لغوی: صدمه در فرهنگ لغت به معنای آسیب دیدن، آزار دیدن، راندن و دفع کردن، کوبیدن دو چیز به هم مصیبت، تحمل مشقت کردن و می‌باشد؛ اما در مقاله حاضر صدمه به معنای آسیب به‌کاررفته است.

تعریف کرونا: بیماری کوید ۱۹ یک بیماری است که تمام مردم جهان را درگیر کرده است این بیماری در اواخر سال ۲۰۱۹ به‌عنوان یک ذات‌الریه و ویروسی در چین آغاز شد و تا مارس ۲۰۲۰ به مرحله‌ای رسید که با سرعت بیشتر نقاط جهان را مبتلا کرده است.

این بیماری سهولت آسان، عدم ایمنی جمعیت و همچنین تأخیر در پاسخ‌گویی به آزمایش، کمبود تجزیهات، عدم فاصله‌گذاری اجتماعی و محدود کردن تماس‌ها، عوارض جبران‌ناپذیر را ایجاد می‌کند. (نوری، بی تا)

۳- جایگاه دعا از منظر اسلام

بر اساس آموزه‌های خلقت هدف نهایی انسان، عبودیت است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: انسان وقتی به این مقصد نهایی، یعنی عبودیت دست‌یافت، در جرگه انسان‌های متکامل و هدایت‌شده قرار می‌گیرد. (ذاریات: ۵۶) حقیقت عبادت این است که انسان، خود را بنده و مملوک خدا دانسته و برای خود، مالکیت و اراده مستقلی در مقابل خدا نداشته باشد، بلکه خود و دارایی خود را ازان خدا دانسته و به‌طور کامل تسلیم اراده او باشد. به عبد بودن خود در مقابل پروردگار اعتراف کرده و از روی اختیار، بندگی تکوینی خود را در مقابل خدا اظهار بدارد. عبادت، اظهار همین مطلب است، خواه با توجه قلبی، خواه با اظهار زبانی یا نشان دادن با اعضاء و جوارح، رکوع و سجود نیز اگر عبادت به حساب می‌آید، به این دلیل است که بیانگر اظهارذلت در مقابل عظمت بیکران الهی است. (مجلسی، ۱۴۱۳: ۳۹۱) ذکر زبانی نیز گویای همین حقیقت است. اصل همه عبادت و روح آن‌ها، توجه قلبی است و حرکات و ذکر زبانی، جلوه این حقیقت است. دعا، نشان‌دهنده اعتقاد به مالکیت، ربوبیت و عزت و قدرت الهی در عمل است. کسی که دست خود را به درگاه الهی دراز می‌کند، گردن خود را کج و سرخود را خم می‌کند، روی به خاک می‌ساید و اشک از دیدگان سرازیر می‌کند و با دعای خود از او حاجت می‌خواهد، در عمل، نهایت شکستگی و تذلل خود را در برابر عظمت الهی نشان داده، خود را فقیر، ضعیف، ذلیل و بیچاره و خدا را غنی، قوی، عزیز و قادر می‌بیند و باحالت خود این را بیان می‌کند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۲۱-۲۲)

اگرچه دعا در ظاهر، درخواست رفع نیازهای مادی و معنوی است، ولی درواقع، اعتراف به بندگی، فقر و عجز انسان است. و ازآنجاکه این دعا راهی برای عبودیت است؛ حال با توجه به آیات و روایات معصومین حقیقت دعا چیزی جز عبادت نیست و حتی دلیل توجه انسان به خداوند همین عبادت است. (همان) درواقع دعا، خواندن خدا و از خدا درخواست داشتن است البته باید به این نکته نیز توجه شود که خواندن باید همراه با اخلاص باشد و این نکته را نیز آیات قرآن تصریح می‌کنند. (بینه: ۴) پس با توجه به آنچه بیان شد دعا خواندن خداوند است نه دعا خواندن، متأسفانه یک فرهنگی که در جامعه ما است که بیش از آنکه به تأمل توجه شود به خواندن توجه می‌شود این حقیقتاً فرهنگ خوبی نیست البته منظور این نیست که خواندن رها شود بلکه باید این خواندن مقدمه شود برای تأمل ورزیدن. (موحدی کرمانی، بی تا: ۵) همچنین زراره در حدیثی از امام باقر نقل کرده که فرموده‌اند: مقصود از عبادت دعا است و برترین عبادت، دعا است. (فهمیمی، ۱۳۹۷: ۵۵)

با توجه به آموزه‌های اسلامی، دعا کردن به درگاه معبود امری فطری و یکی از مهم‌ترین ابزار برای رسیدن به خدا و نیل به تکامل مادی و معنوی و حل مشکلات فردی و اجتماعی است. همان‌طور که بارها بیان شده است در قرآن کریم و روایات بر اهمیت دعا تأکید شده است (همان: ۱) و لازمه‌ی این امر فطری یاس از غیر حق می‌باشد با توجه به بارگاه حضرت معبود که این نوعی تکامل معنوی است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۱۹)

دین اسلام نیز به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین اسمانی برای دعا اهمیتی خاص و شایان قائل است. قرآن کریم کتاب مقدس اسلام، مسلمانان را بارها و بارها دعوت به دعا و نیایش و ذکر خدا کرده است. در ایه ۷۷ سوره‌ی فرقان آمده: بگو اگر دعایتان نباشد پروردگار من به شما اعتنایی ندارد.

و همچنین در ایه ۸۶ سوره‌ی بقره می‌خوانیم: و چون بندگانم درباره من از تو پرسش کنند بگو من نزدیکم و دعای هر دعاکننده‌ای را وقتی مرا بخواند اجابت می‌کنم پس به‌فرمان من گردن نهد و به من ایمان آورند باشد که راه یابند. (اکرمی، ۱۳۸۷: ۶۰-۶۱)

در سنت و سیره پیامبر (ص) و ائمه هدی (ع) تأکید و سفارش به دعا فراوان به چشم می‌خورد و دعاها و مناجات پرمغزی از بزرگان منقول است که در جامعه‌ی اسلامی و در میان مؤمنان بسیار ارزشمند و محترم و موردتوجه است. برای نمونه پیامبر اسلام فرموده‌اند: دعا سلاح مؤمن است و همچنین می‌فرمایند: هیچ چیزی ارزشمندتر از دعا در نزد خدا نیست؛ و امام باقر (ع) می‌فرمایند: دعا بهترین عبادت است. (همان)

و اما آن حالت روحی که میان انسان و معبودش رابطه انس ایجاد می‌کند و کششی برقرار می‌سازد، نیایش نامیده می‌شود. درک ما، مشاعر ما، تخیل ما، تفکر ما، وجدان با عظمت‌تر از جهان هستی ما، همگی و همگی در حال نیایش درهم می‌آمیزند و اقیانوس جهان ما را می‌شوراند. (جعفری، بی تا: ۲۹) نیایش اصولاً کشش روح است، به‌سوی کانون غیرمادی جهان. نیایش عبارت از تضرع، ناله مظطربانه و طلب یاری و گاهی یک حالت کشف و شهود روشن و آرام درونی و مستمر و دورتر از اقلیم همه محسوسات است. (کارل، بی تا: ۱۵)

دکتر الکیس کارل، فیزیولوژیست بزرگ و برنده‌ی جایزه‌ی نوبل در قرن بیستم، وقتی از نیایش سخن می‌گوید، آن را مظهر یک احساس و اشراق و عالی‌ترین تجلی روح و معنویت انسان برمی‌شمرد. وی بر اساس مطالعات علمی و تجربیات مستقیم بر روی بیمارانش، به‌جایی رسید که این حکم را به‌عنوان یک حکم علمی و نه به‌عنوان تبلیغ دینی صادر می‌کند: نیایش همچون نفس کشیدن و خوردن و آشامیدن، از نیازهای ژرفی است که از عمق سرشت و فطرت طبیعی انسان سر می‌زنند. خوردن، نمو کردن، تکثیر نسل و نیاز، چهار بعد اساسی روح انسان هستند (همان: ۱۳۱) و درجایی دیگر می‌گوید: هیچ ملتی در تاریخ و هیچ تمدنی در گذشته به زوال قطعی فرو نرفت، مگر آنکه پیش از آن، سنت نیایش در میان آن قوم ضعیف شده بود (همان: ۲۷) و به نظر می‌رسد که نیایش همان عبادت است. به‌هرحال دعا و نیایش در هر زمان خوب و سازنده است، ولی به هنگام انجام کارهای مهم که انسان نیازمند نیرو و توان بیشتری است، اهمیت ویژه‌ای دارد. مولای متقین علی (ع) نیز در این باره می‌فرمایند: آن کس که به‌شدت گرفتار دردی است، نیازش به دعا بیشتر از تندرستی است. (دشتی، ۱۳۸۱: ح ۲۰۳)

۴- مصادیق صدمه

پس با توجه به آنچه بیان شد دعا و نیایش نیازی است که در فطرت همه‌ی انسان‌ها سرشته شده است و یکی از نیازهای بنیادین انسان‌ها نیاز ارتباط و اتصال با خداوند است و یکی از این راه‌های ارتباطی دعا است و با توجه به این که با توجه به ایه قرآن که می‌فرماید: ما انسان‌ها را در سختی آفریدیم. (بلد: ۴)

همچنین در ایه ای از قرآن خداوند لحظات سخت و دردناک زندگی رتبه خاطر مشرکان می‌آورد و از وجدان آن‌ها استمداد می‌کند که در این‌گونه لحظات که همه‌چیز را به دست فراموشی می‌سپارند پناهگاهی جز خدا برای خودشان فکر می‌کنند؛ ایه می‌فرماید: ای پیامبر به آن‌ها بگو اگر عذاب دردناک خداوند به‌سوی شما بیاید و یا قیامت با آن‌ها همه هول و هیجان و حوادث وحشاک برپا شود، راست بگویید آیا غیر از خدا را برای برطرف ساختن خود می‌خوانید. (انعام: ۴۰)

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه می‌نویسد: روح معنی این ایه نه تنها برای مشرکان بلکه برای همه‌کس به هنگام بروز شادای و حوادث سخت قابل درک است؛ اما هنگامی که حادثه فوق‌العاده شدید باشد انسان همه‌چیز را فراموش می‌کند، ولی در همین حال در اعماق دل خود یک نوع امیدواری به نجات که از منبع قدرت مرموز و نامشخص سرچشمه می‌گیرد، احساس می‌کند. این همان توجه به خدا و حقیقت توحید است، حتی مشرکان و بت‌پرستان در چنین لحظاتی سخنی از بت‌ها نمی‌آورند و همه را به دست فراموشی می‌سپارند. (عبداللهی، ۱۳۹۹: ۱۰)

پس بهتر است که انسان در هر حال توسط دعا ارتباط خود را با خالق هستی برقرار نماید ولی در مواقع دشواری این ارتباط تنگ‌تر خواهد شد، یکی از موارد دشواری بیماری است. بیماری مسئله‌ای است که تاکنون هیچ بشری از آن در امان نبوده است و در عصرهای مختلف جوامع را به خود درگیر کرده است، اما با ورود ویروس کرونا به‌عنوان یک بیماری نوپدید و کاملاً ناشناخته و پیچیده بشر بیش از پیش در معرض بیماری قرار گرفته است.

حال با توجه به این که این ویروس نوپدید تمام جهان را در گیر کرده است و از آنجاکه این ویروس می‌تواند به‌آسانی منتقل شود ممکن است به افراد صدماتی بزند و بهداشت روحی و روانی اشخاص را قبل از ابتلا به بیماری به خطر بی اندازد و اما ممکن است سؤال شود منظور از بهداشت روانی چیست؟ می‌توان این چنین پاسخ داد که:

بهداشت روانی یعنی داشتن احساس امنیت، آرامش، به دور بودن از اضطراب، افسردگی، تعارض‌های مزمن روانی از منظر دیگر بهداشت روانی؛ یعنی بهره‌مندی از سلامت ذهن و اندیشه و تفکر. (میلانی فر، ۱۳۹۰: ۱۲)

خداوند نیز در قرآن کریم با تأکید بسیار در آیات نورانی وحی، تنها راه رستگاری و سعادت انسان را در تزکیه و پالایش روح و روان او می‌داند آنجا که می‌فرماید: همانا هرکس که نفس خود را تزکیه کرد، رستگار شد. در حقیقت پالایش روح که قرآن کریم از آن به تزکیه تعبیر می‌فرماید، همان چیزی است که امروزه از آن به سلامت روان یاد می‌کنند. (قدمی کارمدی، ۱۳۹۷: ۵۵۹)

همان‌طور که دانسته شد انسان‌ها همراه در سختی هستند و از اینجایی که انسان‌ها در خلال زندگی دنیوی، لحظه‌به‌لحظه ممکن است استرس‌ها و فشارهای روانی گوناگونی را تجربه کنند که غلبه بر آن‌ها به‌تدریج از قدرت روحی و روانی انسان کاسته و زمینه را برای ایجاد بیماری‌های خطرناک روانی و گاه جسمی فراهم می‌سازد (همان) که این بیماری‌ها افراد صدماتی را وارد می‌کند؛ صدماتی اعم از: از بین رفتن امنیت روانی اشخاص، از بین شادی افراد، ترس از گرفتن بیماری، احساس تنهایی، ایجاد اضطراب، از بین رفتن رضایت از زندگی و اما دعا می‌تواند فرایند شفابخش باشد؛ زیرا که دعا در سراسر تمدن انسان و در تمام فرهنگ‌ها و ادیان وسیله‌ای برای رهایی از گرفتاری‌ها، درماندگی‌ها، تحقق آرزوها و درمان آسیب‌های بدنی و روانی بوده است. (خدیوی زند، بی تا: ۱۲۱) در مقاله‌ی حاضر نیز به بیان نقش‌هایی که دعا برای کنترل شرایط، ایفا می‌کند؛ می‌پردازد و باعث می‌شود افراد از عهده‌ی شرایط به‌خوبی بربایند. نقش‌هایی اعم از:

الف) ایجاد امنیت روانی اشخاص:

یکی از مفاهیم مهم در بهداشت و سلامت روان، مفهوم امنیت روانی است. اگر فردی احساس امنیت روانی نکند زندگی برای او بی‌معنا خواهد بود و سلامت روانی هم برقرار نخواهد شد. امنیت روانی؛ یعنی داشتن روح و روانی آرام، به دور از ترس که در این صورت زندگی گورا و دلپذیر خواهد بود (قدمی کارمزدی، ۱۳۹۷: ۵۶۰) در اسلام و شریعت اسلامی نیز، شارع مقدس ابزارهای ادراکی و ویژگی‌های مثبت و منفی انسان را مرزبندی و ترسیم نموده و راه معرفت سلامت و امنیت روان فرد و اجتماع را مشاهده اعمال و رفتار انسان‌ها دانسته است. (روستایی، ۱۳۹۶: ۱۴۰) و از اینجایی که امنیت روانی در ذهن و فکر انسان ریشه دارد، بر انواع دیگر امنیت مقدم است و باید همگان اعم از قانون‌گذار، دولت و ملت در ایجاد و حفظ آن کوشا باشند و شالوده فکری و روانی فرد و جامعه را به سمت این قاعده هدایت نمایند. (همان: ۱۵۷)

همچنین امنیت از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان به شمار می‌رود، به‌طوری‌که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جان او را می‌گیرد. مرتفع شدن بسیاری از نیازهای آدمی درگرو تأمین امنیت است. (کاهه، ۱۳۸۴) امنیت روانی نیز یکی از مسائل مهم در سلامت روان و بهداشت روان انسان‌هاست. دانشمندان می‌گویند: بهداشت روانی یعنی استعداد روان برای هماهنگ، خوشایند و مؤثر کارکردن، برای موقعیت‌های دشوار و انعطاف‌پذیر بودن و برای بازیابی تعادل خود توانایی داشتن. (گنجی، ۱۳۷۸) احساس امنیت روانی از برجسته‌ترین ویژگی‌های شخصیتی افراد خلاق و تواناست و همچنین شیوه‌ای مؤثر برای تشویق افراد در جهت تلاشی برای ایجاد آرامش روانی، تأمین امنیت فردی، خانوادگی، شغلی، حرفه‌ای و اجتماعی است. (افروز، ۱۳۸۶) آنچه این وضعیت را ایجاد می‌کند، قابل پیش‌بینی کردن نیازها و راه برآوردن آن‌ها و نیز معین کردن تهدیدها و شیوه‌ی کنترلشان است.

پس به نظر می‌رسد که بیماری کرونا امنیت افراد را دچار مختل می‌کند و به‌عنوان تهدیدی برای افراد به‌حساب می‌آید و اما با اتکا به خداوند و منابع معنوی همچون دعا افراد می‌توانند امنیت روانی خود را بالا ببرند و در نتیجه این افراد حس کنترل و تسلط بیشتری بر شرایط داشته باشند. (صالحی، ۱۳۹۸: ۱)

ب) اداخل سرور و شادی در افراد:

برای زمان‌های طولانی، انسان‌ها در جستجوی منبع شادی بودند، بنابراین مطالعه و بررسی شادی و علل اصلی آن مناسب و لازم است. (حقیقی، ۱۳۹۱: ۱۳۱) رویکردهای نظری و تئوریک برای درک و شناخت فرایندهایی که شناخت شادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، هم شامل دستورالعمل‌ها و فرمول‌های پایین به بالا و هم بالا به پایین می‌باشند. دستورالعمل‌های پایین به بالا بر نقش عوامل خارجی مانند مهارت و تجربه و جمعیت شناختی‌ها تأکید می‌کنند و دستورالعمل‌های بالا به پایین نیز که بر ویژگی‌ها و خصیصه‌های درون افراد، تأکید می‌کنند. این خصیصه‌های درونی شامل ویژگی‌های شخصیتی ازجمله برون‌گرایی و روان رنجور خویی و متغیرهای مربوط به شخصیت ازجمله ثبات اسنادی، ثبات عاطفی، تنهایی، منبع کنترل و اعتمادبه‌نفس هستند. پژوهش‌ها در زمینه شادی نشان می‌دهد که خلق‌و‌خو و فطرت در مقایسه با متغیرهای جمعیت شناختی ارتباط قوی‌تری با شادی دارند. همچنین بر اساس نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه خوشبختی و نشاط، از نظر ۵۰٪ مردم، احساس شادکامی و نشاط، مهم‌ترین مسئله زندگی به شمار می‌رود. (صفری شالی، بی تا)

ارسطو شادی را این‌گونه تعریف می‌کند: شادمانی عبارت است از پروراندن و نمو دادن عالی‌ترین صفات و خصایص انسانی. (زارعی محمودآبادی، ۱۳۸۸) در تعریفی دیگر، شادی یک تجربه و حس درونی و ذهنی است؛ افراد به‌اندازه‌ای شاد هستند که خودشان اعتقاد و باور دارند که شاد هستند، دانشمندان تمایل دارند که با شادی به‌عنوان یک مفهوم رفاه برخورد کنند، یک سازه چندبعدی که چندین جزء و مؤلفه، ازجمله رفاه و سلامت عاطفی، شایستگی، اشتیاق، استقلال، عملکرد منسجم و رضایت را تحت پوشش قرار می‌دهد. (حقیقی، ۱۳۹۱: ۱۳۲) شادی به‌صورت عملیاتی به‌وسیله شاخص رفاه شخصی و مقیاس رضایت از زندگی تعریف می‌شود و اما روش‌های دستیابی به شادی، در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. جستجو و تلاش برای شادی همگانی و جهانی است و محیط یک نقش حساس و اصلی در شادی افراد ایفا می‌کند ولی محیط آلوده به ویروس کرونا امروزه تأثیر بسزایی در تضعیف شادی افراد داشته است. در سال‌های اخیر معنویت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد انسانی موردتوجه قرار گرفته است که

این ارتباط معنی‌دار با خدا در بهبود سلامت و شادی مؤثر است (همان: ۱۳۳) و این ارتباط با خداوند تحت عنوان دعا کردن می‌تواند در کنترل از صدمه‌ی سلامت روحی و روانی جلوگیری کند و آن را بهبود ببخشد و موجب شود که افراد بتوانند محیطی سرشار از شادی داشته باشند.

ج) کنترل ترس از گرفتن بیماری:

انسان به سبب ترسی که گاهی در زندگی دارد نمی‌تواند از فنون جدید برخوردار شود در صورتی که اگر این فنون را به کاربرد خوشبخت می‌گردد. این ترس نخست رابطه‌اش با طبیعت و دوم برخوردش با دیگران و سوم سروکارش را با خویش را تحت شعاع قرار می‌دهد. ترس واکنشی است که در انسان و حیوان هردو می‌باشد، گاه انسان را خویشندار می‌سازد و گاه یک‌باره بالعکس نتیجه می‌دهد. کسی که مغلوب ترس نباشد بهتر می‌تواند به کاری که خطر را تقلیل می‌دهد بی‌اندیشد چه‌بسا گاهی اوقات ترس نمی‌گذارد مردمان به وجود ترسی که در دل از آن می‌هراسند اقرار کنند و به همین سبب پیش‌بینی‌های که عقل توصیه می‌کنند را به‌جا نمی‌آورند. گاه این کتمان سخت، پوچ جلوه می‌کند مثلاً ترس از مرگ مانع نوشتن وصیت‌نامه می‌شود. (برتراند راسل، بی تا: ۵۴۰) همان‌طور که به نظر می‌رسد ترس از بیماری نیز مانع عملکرد روزانه می‌شود و این مسئله شخص را آزرده‌خاطر می‌کند. باید با خطرات گوناگون به طریق گوناگون روبه‌رو شد. هر زمان ترس واقعی پیدا شود یعنی خطر حقیقی عیان گردد، دو کار باید کرد: یکی این‌که در افراد باید چنان بردباری به وجود آورد که بتوانند به‌آرامی با مصیبت روبه‌رو شوند. دیگر این‌که باید وضع اجتماعی را به تعدیل کرد تا خطر برطرف گردد (همان: ۵۴۱) و همچنین امروزه مسلم طبیعت حدودی برای انسان تعیین کرده است و از این حدود مزبور تاندازه‌ای نمی‌توان پرهیز کرد به‌عنوان مثال بیماری کرونا که امروزه جوامع را به خود درگیر کرده است از مسلمات طبیعت از است که تا حدودی نمی‌توان از مبتلا شدن به آن جلوگیری کرد اما انسان با برقراری ارتباط با خداوند به‌وسیله دعا تا جهاتی می‌تواند با این ترس از مبتلا شدن به بیماری مبارزه کند و با این مبارزه کردن و با این غلبه بر ترس خود شخص می‌تواند تمرین بردباری کند.

د) جلوگیری از احساس تنهایی:

واژه تنهایی به‌خوبی قابل‌بررسی و تأمل است. به اعتقاد اکثر روان‌شناسان تنهایی از جهات کاملاً متفاوتی قابل‌بررسی است. این تنهایی گاهی به‌تنهایی شخص اطلاق می‌شود اما در بسیاری از موارد شخص حتی در حین حضور در یک جمع هم احساس تنهایی می‌کند چون یا هم دم یا هم‌زبان نمی‌یابد یا از لحاظ روحی دل‌تنگ است و این در اعماق وجودش نشسته است. (قندهاری، ۱۳۸۳: ۲-۱) اما در مقاله حاضر منظور معنای اول یعنی تنهایی شخص می‌باشد چراکه در دوران بیماری کرونا افراد به دلیل منع رفت‌وآمدها در خانه می‌مانند و درواقع صله‌الراحم در خانواده‌ها قطع شده است؛ زیرا که صله‌رحم یک رفتار اجتماعی است؛ ازاین‌رو هنگامی که افراد تنها هستند معاشرت با دیگران را جستجو می‌کنند و این رفتار حاکی از این است که ارتباط با دیگران و صمیمی شدن با آن‌ها یک نیاز روان‌شناختی است. هرگاه این نیاز به‌صورت سالم ارضا شود بستری را فراهم می‌آورد که افراد استعدادها و توانایی‌های بالقوه خود را شکوفا سازند. در سایه ارتباطات انسانی و گرم با دیگران است که افراد احساس آرامش و شادابی می‌کنند و از استرس‌ها و مشغله‌های ذهنی زندگی روزمره دور می‌شوند. همچنین دیدگاه اسلام در نگاه به ارحام، نگاه به نعمت‌های بالارزش الهی است که اگر صله و ارتباط بین آنان نباشد، کفران نعمت محسوب می‌شود. همچنین انکار نسب و رحم بودن به‌منزله‌ی کفر به خدا است. (مجلسی، ۱۴۱۳: ۱۳۸).

درواقع در احادیث اسلامی فواید بسیاری برای صله‌رحم ذکر شده است که ازجمله: یادگیری رفتار شایسته، رشد روحیه حمایت اجتماعی و تعاون، افزایش عواطف انسانی، کمک به سلامت روانی ارحام و ارتقای سطح امید به زندگی، طولانی شدن عمر، زیداشدن روزی و دفع بلا و پاکیزه شدن اعمال و رشد معنوی است. تحقیقات روان‌شناسی علمی نشان داده است که ارتباط رضایت‌بخش و یادآوری دوستان و خویشاوندان علاوه بر فواید معنوی و روحانی، فواید روانی بسیاری دارد که ازجمله می‌توان دستیابی به منبع حمایت اجتماعی، یادگیری مهارت‌های اجتماعی از طریق یادگیری مشاهدات و پرداختن به ارتباطات مناسب و خود نظم دهی رفتارها در خلال ارتباط صحیح با دیگران را برشمرد. (غباری بناب، ۱۳۸۶: ۱)

به نظر می‌رسد؛ حال که این منع رفت‌وآمد باعث می‌شود افراد احساس تنهایی کنند و دچار اختلال در سلامت روانی آن‌ها شود پس افراد باید شرایط را با ارتباط با خداوند به‌وسیله دعا، کنترل کنند و از آسیب‌های وارده جلوگیری کنند درواقع ارتباط با خالق هستی مبدأ قدرتی است که افراد کمتر ترس احساس تنهایی کنند.

ج) ایجاد رضایت از زندگی:

رضایت از زندگی و احساس خوشبختی یکی از مؤلفه‌های پایدار فرهنگ است که تنها بعد شناختی و ارزیابی‌کننده از زندگی را دربرمی‌گیرد و کیفیتی پایدار از احوال فرد در لحظه دارد. وین هون معتقد است رضایت از زندگی نشان‌دهنده میزان قضاوت مثبت فرد از کیفیت زندگی‌اش به‌مثابه‌ی کل است. (سیدکاظم و دشتی، ۱۳۸۱: خطبه ۷/۲۳) رضایت از زندگی نیازمند تبیین جامعه‌شناختی است. (نصر اصفهانی، ۶۳۰) سنجش میزان رضایت از زندگی یا بهزیستی ذهنی، از موضوعات موردتوجه محققان بوده است. در بسیاری از مطالعات، مقوله رضایت تحلیل‌شده و تأثیر مؤلفه‌های مختلف بر میزان رضایت افراد از زندگی مطالعه شده

است. همان‌طور که دانسته می‌شود عوامل مختلفی می‌تواند بر احساس رضایت از زندگی تأثیر گزار باشد که سلامتی مهم‌ترین آن هاست اما امروزه با شیوع بیماری کرونا این احساس از بین رفته است. البته تأثیر صله‌رحم هم در احساس رضایت از زندگی بی‌اهمیت نیست که باز صله‌رحم نیز یکی از عوامل است؛ اما در میان عوامل مختلف مؤثر بر رضایت از زندگی، به ارتباط میان دیدنداری و رضایت از زندگی در مطالعات متعدد روانشناسی، اقتصاد و جامعه‌شناسی توجه شده است. بسیاری از مطالعات نشان داده‌اند مقوله‌های رضایت از زندگی و شادی با باورها و رفتارهای دینی ارتباط مستقیم دارد (رنگین کمان، ۱۳۸۶: ۱۹۰). برخی از محققان بر این باوراند که دین به دلیل ایجاد احساس امنیت خاطر، عامل مهمی در به وجود آمدن احساس رضایت از زندگی است. علاوه بر باور دینی، اعمال فردی را نیز می‌توان عاملی در جهت افزایش رضایت از زندگی دانست. اعمال دینی فردی مانند: نماز و دعا به دلیل ایجاد ارتباط میان فرد و خدا، برای فرد احساس برخورداری از حمایت و احساس امنیت ایجاد می‌کند (همان: ۶۳۲). علاوه بر دعا متون دینی هم به احساس رضایت از زندگی کمک می‌کند. پس همان‌طور که دانسته شد رضایت از زندگی از نگاه مثبت به زندگی به دست می‌آید اما امروزه که بیماری کرونا در تمام جهان همه‌گیر است به دلیل نگرانی از ابتلا به بیماری اشخاص نمی‌توانند این نگاه مثبت را حفظ کنند به همین خاطر رضایت از زندگی در این افراد کاهش می‌یابد ولی این نگاه را می‌توانند با ارتباط به خداوند به وسیله دعا و نماز حفظ کنند.

البته درنهایت باید بدانیم که تمام این مؤلفه‌ها به هم مرتبط است و نبود و کمبود هر کدام به سلامت روحی روانی شخص آسیب وارد می‌کند و آرامش را از او می‌گیرد به‌طوری‌که منجر به افسردگی در شخص می‌شود و تردیدی نیست که وضعیت افراد متدین نسبت به افراد غیر متدین از جهات اخلاقی و روانی مناسب‌تر است و افراد مذهبی آرامش بیش‌تری در شرایط مختلف زندگی احساس می‌کنند البته توجه به مذهب به آن انگیزه نیست که صرفاً وسیله تسکینی برای آن‌ها باشد، بلکه این اعتقاد را سرمایه زندگی پس از زندگی مادی خواهند داشت؛ اما از آنجاکه فرد مؤمن و معتقد در ارتباط با خدا و توجه به مبدأ آفرینش پاسخ عینی و واقعی جوش و خروش و میل نامتناهی درونی خود را دریافت و به مقصد واقعی خود در مقام معرفت و ادراک می‌رسد، احساس آرامش واقعی می‌نماید (میرحسینی، ۱۳۸۴) زیرا که قرآن می‌فرماید: بدانید که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد. (رعد: ۲۸)

۵- روش کلی پیشگیری

اما به‌طور کلی می‌توان این‌طور بیان کرد که: بی‌شک همه‌ی امور در دست قدرت لایتناهی خداوند و مشیت اوست. انسان با دعا و نیایش و تضرع به درگاه الهی، می‌تواند الطاف و رحمت خداوند را به‌سوی خود جلب کند و امنیت و آرامش بطلبد چراکه ایه ی قرآن می‌فرماید: مرا بخواند تا شمارا اجابت کنم (بقره: ۲۸۶) ارتباط معنوی با خدا، تأثیر گرفتن و خود را در مسیر فیض و رحمت واسعه‌ی الهی نهادن و اتصال به منبع هستی‌بخش سرچشمه‌ی امنیت و آرامش است.

همچنین ما در احادیث داریم که یاد خداوند و ایمان به او باعث آرامش قلب می‌شود، زیرا انسان مؤمن به قدرت و عظمت الهی متکی است و انوار الهی دور او رسوخ می‌کند: مؤمن حقیقی از هیچ چیز در دنیا نمی‌هراسد؛ چراکه یقین دارد اگر خدا نخواهد، هیچ شر و آزاری به او نمی‌رسد. (نور علیزاده میانجی، ۱۳۸۶)

و همچنین رابطه میان انسان و خدا چنان نیروی معنوی به انسان می‌بخشد که موجب تقویت امید، نیروی اراده و آزاد شدن توانایی عظیم وی می‌گردد. دعا و نیایش تأثیر بسزایی در نفس انسان دارد و اعتماد به نفس و قدرت او را افزایش می‌دهد و با دفع نگرانی و اضطراب از دل او، احساس امنیت و آرامش را بر وی حاکم می‌سازد چراکه بشر می‌کوشد از راه دعا نیروی محدود خود را با متوسل کردن به منبع نامحدودی چون خدا افزایش دهد.

از آنجایی که شرایط کنونی اقتضای آن را دارد در مقاله‌ی حاضر به بررسی نقشی‌های دعا در این شرایط پرداخته شد ولی می‌توان این‌طور بیان کرد که دعا و ارتباط با خداوند یکی از ضروری‌ترین نیازهای هر بشری است.

تأثیر ارزش‌ها و عقاید مذهبی بر سلامت روانی افراد در پژوهش‌های گوناگون بررسی شده است. در این مطالعه نشان داده شد که عقاید مذهبی قوی‌تر باعث ایجاد یک اثر مثبت روانی می‌شود که در ارتقاء بهداشت روان مؤثر است (رحیمی نژاد، ۱۳۹۴: ۹۵-۱۱۲). همچنین مطالعات دیگری نشان‌دهنده‌ی این بود که مذهب و اعتقادات مذهبی می‌تواند باعث کاهش ترس و نگرانی از مرگ شود (منظری و همکاران، بی تا: ۳۰-۴۰) تمپر و همکاران نشان دادند که بین اعتقاد به زندگی پس از مرگ و کم شدن اضطراب، ارتباط وجود دارد. در حال اثر مهم دین در آرامش روانی، بهداشت و سلامت روانی و همچنین نقش آن در کاهش بهبود بیماری‌های و ناهنجاری‌های اجتماعی قابل‌مشاهده است؛ و همان‌طور که روشن است این اعتقادات در بردارنده ارتباط با خالق هستی می‌باشد همچنین همان‌طور که بیان شد یکی از راه‌های ارتباطی دعا است.

به اعتقاد گروهی از پژوهشگران، مذهب به‌عنوان مجموعه‌ای از اعتقادات، باورها و نیایدها و نیز ارزش‌های اختصاصی و تعمیم‌یافته، یکی از مؤثرترین تکیه‌گاه‌های روانی به شمار می‌آید که قادر است معنای زندگی را در تمام عمر فراهم سازد و در شرایط خاص نیز با فراهم‌سازی تبیینی فرد را از تعلق و بی‌معنایی نجات دهد؛ (بهرامی و همکاران، بی تا: ۴۱-۶۳) و از سوی دیگر، وجود

باورهای مذهبی می‌تواند بر روی عوامل تنش و اضطراب، رفتارهای پرخطری همچون مصرف سیگار و مواد مخدر، فرار از مدرسه و اعتیاد به الکل، نقض در مهارت‌های اجتماعی، روابط دورن فردی ضعیف و حرمت نفس پایین کم‌رویی و بروز افسردگی اثر منفی بگذارد و از میزان آن‌ها بکاهد. دین و مذهب به‌عنوان یک کاتالیزور موجب شادمانی، رضایت از زندگی، امید و خوش‌بینی، هدفمندی و معنا در زندگی و حرمت نفس شده و سبب بهبود در آن‌ها می‌شود؛ همچنین بر روی عواملی نظیر احساس تنهایی، شدت افسردگی شدت اضطراب وقوع انواع روان‌پریشی، شدت خودکشی و نوع نگرش به آن و نیز ثبات در زندگی تأثیر مثبت می‌گذارد و موجب کاهش این عوامل نامساعد می‌شود. (منظری و همکاران، بی تا ۳۰۰-۴۰)

آگاهی از ارزش‌ها؛ آموزش آگاهی‌های هیپارانه از ابعاد مختلف زندگی و تمرکز و توجه به قدرت مطلق هستی، آگاهی از داشته‌ها و نعمت‌هایی که پروردگار در اختیار ما قرار داده است، استعانت الهی و توکل به پروردگار هستی در انجام همه‌ی امور و توجه به پیامدهای مثبتی که به دنبال دشواری و سختی رخ می‌دهد؛ و از آنجایی که آیه قرآن می‌فرماید بعد از هر سختی و دشواری آسانی است (شرح: ۶) و با توجه به آیات قرآن و احادیث نبوی در معنا بخشیدن به زندگی، همه‌ی این موارد باعث می‌شود که انسان از مراحل سخت زندگی همچون بیماری کرونا به‌آسانی عبور کند. (شیروانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۶-۲۷) همان‌طور که بیان شد، وجود برخی از ابعاد نامطلوب که در زندگی امروزه شایع شده است، موجب می‌گردد فرد به‌نوعی احساس پوچی که درواقع ناشی از فراموشی خدا به‌عنوان مبدأ و مقصد زندگی است؛ احساس کند؛ درنتیجه انسان امروزی هنگامی که به پایان زندگی می‌اندیشد، آینده را تاریک و مبهم می‌بیند و از آن هراسان می‌گردد، درحالی که دین اسلام و در رأس آن کتاب اسمانی قرآن، با فراهم نمودن یک نظام فکری و عقیدتی منسجم در چارچوب مبدأ واقعیت‌های زندگی را برای انسان قابل‌فهم می‌کند و باعث می‌شود فرد احساس معناداری پیدا کند (ناظمی اردکانی و همکاران، بی تا: ۱۱۳-۱۳۱) برخی از تحقیقات نیز نشان می‌دهد که فعالیت‌های معنوی و شهودی، مانند تمرکز و اندیشه معنوی تصویرسازی ذهنی نسبت به شگفتی‌های جهان هستی و عظمت پروردگار که قادر مطلق است، نیایش و ارتباط عمیق با خالق هستی در حل مشکلات زندگی و نجات انسان اثرات شفابخش و نیرومندی برای انسان‌ها دارد با توجه به تأثیر مذهب در پیشگیری و درمان اختلالات روانی و جایگاه خاص مذهب و اعتقادات دینی در کشورمان ضرورت ایجاد می‌کند که با استفاده از شیوه‌های درمانی مبتنی با رویکرد اسلامی و با استفاده از آموزه‌های اسلامی برای رفع مشکلات اقدام نمود (شیروانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۶-۲۷) و همان‌طور که بیان شد یکی از این مشکلاتی که امروزه بشر با آن روبه‌رو است بیماری کرونا است؛ و بیان شد که ارتباط باخدا به نوع دعا، برطرف‌کننده‌ی این مشکل است زیرا که دعا اصالت دارد دعا جنبه‌ی مقدمی دارد یعنی ابزار و وسیله‌ای برای رسیدن به خدا و نیل به تکامل مادی و معنوی و حل مشکلات فردی و اجتماعی و درمان بیماری‌های جسمی و روانی و .. است پس دعا هم طلب است و هم مطلوب. هم وسیله است و هم غایت. هم مقدمه است و هم نتیجه. (سبحانی نیا، بی تا: ۴۶) و همچنین امروزه این امر ثابت است که جسم و روح انسان در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگرند، به‌گونه‌ای که با تقویت نیروهای درونی و روانی؛ قدرت نیروهای جسمانی نیز افزایش میابد و حتی با نیروهای معنوی و روانی می‌توان در تک‌تک اعضا و بافت‌های بدن تغییراتی ایجاد کرد و انرژی آن‌ها را آزاد ساخت. کارل می‌گوید، بعضی فعالیت‌های معنوی می‌تواند با تغییرات تشریحی و عملی بافت‌ها و اعضا توأم گردد. این کیفیات عضوی در موارد مختلفی دیده می‌شود برای نمونه:

دکتر ماسورا اموتو با کشفیات بزرگ خود در مورد تأثیر میدان‌ها و امواج انواع صداهای موسیقی، کلمات، اذکار، افکار و دعاها بر روی آب، تحول عظیمی در دانش بشری ایجاد کرد. وی مطالعات خود را صرف انرژی حیاتی اشیاء و پدیده‌ها در فیزیک کوانتومی و میدان روزنانش امواج پیرامون اشیاء مختلف کرد و مشاهده نمود که تمامی اشیاء و پدیده‌ها، میدان مغناطیسی خاص خود را دارند. او با تکنیک عکس‌برداری خاص خود، توانست تأثیر میدان‌ها و امواج را بروی آب نمایش دهد.

اموتو با انجام آزمایش‌های متعدد و تصویربرداری از ساختمان مولکولی آن مشاهده نمود که هرگاه آب در معرض صوت دل‌نشین، همچون دعا و نیایش و نیز ادای کلمات زیبا و مثبت قرار می‌گیرد، کریستالی با دانه‌بندی مولکولی زاویه‌دار، زیبا و منظم مانند شکل یک گل تشکیل می‌شود درحالی که با صدای ناهنجار، موسیقی تند و کلمات زشت و منفی حالت درهم‌ریخته و بسیار آشفته پیدا می‌کند.

نتایج تحقیقات بیانگر آن است که آب به‌صورت هوشیار و زنده به هرگونه احساس، عاطفه و فکر ما عکس‌العمل نشان می‌دهد دعا و نفرین نیز بدون در نظر گرفتن بعد مسافت می‌تواند تأثیر گزار باشد؛ و اما از آنجایی که هفتاد درصد وزن بدن انسان بالغ را آب تشکیل می‌دهد و نیز مایه‌ی حیات تمام موجودات کره‌ی زمین است؛ از این‌رو کیفیت و تمامیت آن در شکل‌گیری و تداوم همه‌ی موجودات بسیار مهم است. بدن انسان شبیه اسفنجی است که از تریلیون‌ها حفره‌های سلولی تشکیل شده و قابلیت نگهداری مایع را در خود دارد. کیفیت زندگی ما نیز به چگونگی آب موجود در آن بستگی دارد. پس کلمات مثبت و دعاها و نیایش‌ها در بدن انسان تأثیرهای مثبتی می‌گذارد و بالعکس کلمات زشت و زنده تأثیرات ناسازی بر بدن دارد (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۸۶) همچنین بیان شده است؛ درصد قابل‌توجهی از بیماری‌های جسمانی، ریشه روان‌شناختی دارد و بهره‌مندی از بهداشت روان می‌تواند بر سلامت جسم اثر مثبتی داشته باشد. آزان سو، سلامت جسم نیز بستر مناسبی به را ی رسیدن به احساس امنیت درون و سلامت

ذهن و روان است. (میلانی فر، ۱۳۹۰: ۱۲) پس با توجه به آنچه بیان شد می‌توان این‌طور بیان کرد زمانی که شخص به هر دلیلی همچون بیماری کرونا سلامت روحی و روانی‌اش دچار اختلال شود به تبع آن جسم شخص هم به‌مرورزمان دچار آسیب می‌شود.

۶- ارتباط دعای هفتم صحیفه سجادیه با کرونا

باید توجه کرد که همان‌طور که بیان‌شده است انسان‌ها می‌توانند همچون شرایط طاقت‌فرسایی که جامعه کنونی را به خود درگیر کرده است با دعا مدیریت و کنترل کنند و یکی از این دعاها، دعای هفتم صحیفه‌ی سجادیه است که دارای مضمونی پربار است. دعای هفتم صحیفه از ادعیه پربار امام العارفین امام سجاد (ع) است که هنگام پیشامدهای سخت و زمان غم و اندوه توصیه‌شده است. طبیعت زندگی بشر همراه با سختی‌ها و پیشامدهای ناگوار و درد و رنج است، چگونگی مواجهه با این امور در زندگی افراد مؤمن و ملحد متفاوت است. اعتقاد به امور فوق طبیعی و قدرت غیرمادی در زندگی افراد مؤمن سبب می‌شود هیچ‌گاه تسلیم شرایط نشوند و یاس به خود راه ندهند. درواقع علت ایجاد حالت پریشانی در مشکلات و سختی‌ها عدم اطلاع نسبت به چگونگی رفع مشکل است. در ابتدای دعای هفتم صحیفه نیز اشاره به قدرت الهی و تأثیرگذاری در امور دارد و سپس به بیان عجز و ناتوانی و سنگینی بالای وارده می‌پردازد و همچنین در فرازهای ابتدای دعا به گره‌گشایی خداوند از مشکلات و همواره کردن سختی‌ها اشاره‌شده است. (عبداللهی، ۱۳۹۹: ۱۳)

در متن دعای هفتم آمده است: خواندن و صدازدن خدایی که برطرف‌کننده گره‌ها است، تحمل مشکلات و پیشامدها را آسان می‌کند. همچنین شدت وحدت سختی‌ها به‌واسطه اراده خداوند می‌شکند، توجه به صدازدن خدایی که گشاینده و از بین برده سختی‌هاست، رافع مشکلات و آرامش‌بخش دل‌های مضطرب است.

تمام جریانات جهان بر وفق خواست الهی درحرکت است و اشیاء مطابق اراده الهی به‌کاررفته است. چنین نیرویی اگر اراده کند سبب تأثیرگذاری امور می‌شود جاهایی که بشر تنها با اتکا به نیروی عقل خود به دنبال راه‌حل بوده دچار سر دگمی و یاس شده است. همان‌طور که روشن است در جریان بیماری کرونا واضح است که مدعیان علم و دانش هم نتوانستند پاسخ گوی این بحران باشند و به‌ناچار تسلیم این ویروس شدند حال آنکه تکیه بر قدرت الهی و اعتقاد بر این که همه‌چیز به یک اشاره و فرمان الهی بسته است انسان مأیوس و ناامید از اسباب طبیعی را امید وار می‌کند (همان: ۱۴-۱۵) و به نظر می‌رسد همین امر موجب می‌شود شخص دچار اختلال در سلامت روحی و روانی نشود و زندگی خود را با آرامش خاطر ادامه بدهد چراکه می‌داند تأثیرگذاری هر امری در عالم هستی بنا بر اراده خداوند متعالی است و اگر اراده او بر چیزی تعلق بپذیرد، تخلف‌ناپذیر است. این نگاه بالاترین اثر را در دفع و رفع ناخوشی‌ها دارد.

این یک قانون عمومی است که هرکسان را تجربه کرده است که در گرفتاری‌ها هنگامی که کارد به استخوان می‌رسد، موقعی که اسباب ظاهری از کار می‌افتند و کمک‌های مادی ناتوان می‌گردد انسان به یاد یک مبدأ بزرگی از علم و قدرت می‌افتد که او قادر بر حل سخت‌ترین مشکلات است. (همان: ۱۶) اگر انسان نسبت به مبدأ دفع بلا آگاهی پیدا کند به‌جای سردگمی و حیرت در زندگانی پر از نارضایتی و ناامیدی به خواندن قدرت مطلق الهی می‌پردازد تا در اثر این خواندن، خدا به انسان توجه کند و دفع بلا صورت بگیرد؛ زیرا بر اساس آیه قرآن ارزش انسان‌ها به دعاست و اگر دعا نباشد نزد پروردگار وزن و قدری نیست. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۴۵)

در ادامه دعای هفتم صحیفه بیان می‌شود: بلایی بر من واردشده که سختی آن مرا درهم‌شکسته است و گرفتاری‌هایی بر من حمله‌ور شده که تحملش برای من دشوار است و آن را تو باقدرت بر من وارد ساختی و به اقتدار خود متوجه من نمودی. آنچه تو وارد کنی کسی نتواند بازگرداند و آنچه تو روانه سازی کسی نتواند بازدارد و آنچه تو بگشایی کسی نتواند بست و آنچه تو ببندی کسی نتواند گشود. همچنان که اضطراب‌های زندگی و وحشت از درد و رنج‌ها که همواره توأم بازندگانی دنیای است. (آمدی، بی‌تا: ۳۱) بدون شناخت قدرتی که آرام‌بخش اضطراب‌های درونی و شفابخش رنج‌های روحی باشد، امکان‌پذیر نیست و اگر آدمی دل به‌جایی نبندد و قدرتی را شناسد که سر رشته امور به دست اوست در جهنمی از ناراحتی و ناامیدی غوطه‌ور می‌شود. از سوی دیگر، شناخت و ارتباط با نیرویی که قدرت بی‌انتها دارد و کلید حل تمام مشکلات در نزد اوست آرامش‌بخش و التیهاب دهنده است چه رسد به اینکه این مبدأ مهربانی و رافت بدون هیچ محدودیتی همواره منتظر و مشتاق درخواست‌کنندگان باشد. (عبداللهی، ۱۳۹۹: ۱۷) در ادامه بیان می‌شود: انسان از خداوند می‌خواهد که بافضل خودش در فرج را بگشاید و باقدرتش سلطنت غم و اندوه را بشکند و رحمت و گشایشی مرحمت کند و راه گریز در پیش پایم قرار دهد. خداوند مرا به سبب غم و اندوه‌ها از رعایت واجبات و اجرای سنتت بازمدار. با استشهاد به این فراز، یکی از عوارض مترتب بر بلاها سلب توفیق عبادت از بندگان به سبب اشتغال ذهنی آن‌ها به غم و اندوه ناشی از مصائب است که بندگان را از الزام به فرایض و نوافل بازمی‌دارد. گاهی افراد تحت تأثیر ناخوشی‌ها قرار می‌گیرند و خود را از فیض مستحبات و سنت‌های الهی محروم می‌کنند. گاهی نیز محرومیت از مستحبات ناخواسته و به سبب

ترس از ابتلا و سرایت بیماری است؛ مانند آنچه در بیماری کرونا دیده می‌شود و انسان به سبب شرایط پیش‌آمده از محافل عبادی اجتماعی محروم شده است، از محافلی که تحت تأثیر بحران اجتماعی کرونا به تعطیلی آن‌ها انجامید.

در ادامه: ای مولای من به آنچه به من رسیده بی‌طاقتم و آنچه به من هجوم کرده پر از غم و اندوهم. انسان در برابر بلاها دچار کم‌طاقتی و بی‌تابی می‌شود. اعتراف به عجز و بی‌طاقتی، از آثار فردی مترتب بر بلاست که در این معنی این فراز اشاره شده است.

در فراز پایانی دعای هفتم؛ سیاق دعا تغییر کرده است و بنده با اصرار و پافشاری، دوباره خواسته خود را مطرح می‌کند. در اصول کافی بابی با عنوان پافشاری کردن و اصرار در دعا و انتظار اجابت بیان شده است. برخلاف مطلوب نبودن اصرار و پافشاری بندگان نسبت به یکدیگر در رفع نیازمندی‌ها این امر در رابطه با خداوند مورد تأکید قرار گرفته است. با توجه به آنچه بیان شد اگر که انسان‌ها در این شرایط بتوانند دعای هفتم صحیفه با این مضمون پربار را دائماً مطالعه بنمایند موجب آسایش و سلامت روحی و روانی و به تبع سلامت جسمی آن‌ها می‌شود.

۷- نتیجه‌گیری

هدف نهایی انسان‌ها عبودیت است. انسان‌ها باید خود را بنده و مملوک خدا دانسته تا در مسیر هدایت و سعادت قرار گیرند و اما این عبادت و بندگی از راه‌های متفاوت محقق می‌شود؛ گل‌ها ذکر زبانی، گاه ذکر قلبی، گاه با نماز و گاه با دعا. درواقع دعا یکی از راه‌هایی است که انسان‌ها می‌توانند به مسیر هدایت وارد شده و سعادت‌مند شوند و این دعا کردن به درگاه معبود امری فطری و یکی از ابزار مهم برای حل مشکلات است و با توجه به آیهی قرآن که می‌فرماید: انسان‌ها همراه در سختی و مشکلات به سر می‌برند؛ یکی از این مشکلات بیماری است که این بیماری می‌تواند به افراد صدمات جبران‌ناپذیری را وارد کند و با توجه به این که جوامع امروز درگیر بیماری با عنوان کوید ۱۹ است و شیوع آن همه گیر است و می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری به اشخاص قبل از ابتلا به بیماری کرونا وارد کند که این صدمات سلامت روحی و روانی اشخاص را مختل می‌کند و تبع آن فرد سلامت جسمانی خود را نیز از دست می‌دهد اما انسان‌ها در هر قشر و منطقه‌ای که باشند می‌توانند با خداوند متعال ارتباط برقرار کنند و این ارتباط تحت عنوان دعا می‌تواند نقش بسزایی در کنترل کردن این بیماری ایفا کند نقش‌هایی اعم از: ایجاد امنیت روانی برای اشخاص، ایجاد شادی برای اشخاص، کنترل احساس تنهایی، کنترل ترس از گرفتن بیماری، از بین رفتن اضطراب، ایجاد رضایت از زندگی در اشخاص و درنهایت می‌تواند از افسردگی جلوگیری کند.

همچنین با تحقیقات به عمل آمده، این‌طور به نظر می‌رسد که افراد مؤمن و با اعتقاد در مقایسه با سایر افراد بیشتر این نقش‌ها را درک می‌کنند و همچنین می‌دانند که ارتباط با خداوند به‌عنوان خالق هستی نقش بسزایی در حل مشکلات دارد و باعث آرامش قلبی می‌شود زیرا که ارتباط با خداوند تحت عنوان دعا یک فرایند شفاف‌بخش است که افراد یادآوری می‌کند که بی‌شک همه‌ی امور در دست قدرت لایتناهی خداوند است. انسان با دعا و نیایش و تضرع به درگاه الهی، می‌تواند الطاف و رحمت خداوند را به‌سوی خود جلب کند و امنیت و آرامش بطلبد؛ زیرا که دعا اصالت دارد دعا جنبه‌ی مقدمی دارد یعنی ابزار و وسیله‌ای برای رسیدن به خدا و نیل به تکامل مادی و معنوی و حل مشکلات فردی و اجتماعی و درمان بیماری‌های جسمی و روانی و... است و از آنجایی که درصدد قابل‌توجهی از بیماری‌های جسمانی ریشه روان‌شناختی دارد پس بهره‌مندی از بهداشت روان می‌تواند بر سلامت جسم اثر مثبت بگذارد در غیر این صورت شخص با مختل شدن سلامت روانی‌اش سلامت جسمانی‌اش نیز مختل می‌شود. بنابراین انسان‌ها در این شرایط طاقت‌فرسا می‌توانند با توسل و دعا این امر را مدیریت و کنترل کنند و یکی از این دعاها دعا هفتم صحیفه‌ی سجادیه است که دارای مضمونی پربار است.

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. آمدی، عبدالواحد، «غررالحکم ودرالحکم»، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۴. افروز، غلام علی، (۱۳۸۶)، «ضرورت تقویت احساس امنیت درونی و ارتقای بهداشت روانی محققان و دانش پژوهان جوان»، سومین سمینار سرای بهداشت روانی دانشجویان، تهران، خرداد.
۵. اکرمی، غلامرضا، «دعا و نیایش در ادیان»، ص ۶۰ و ۶۱
۶. بهرامی، احسان، هادی و آناهیتا، تاشک، (بی تا)، «ابعاد رابطه میان جهت گیری مذهبی و سلامت روانی و ارزیابی مقیاس جهت گیری مذهبی»، روان شناسی و علوم تربیتی، ش ۶۹.
۷. برتراند واسل، «مقاله زندگی بی ترس»، ترجمه کتاب امید تبار، سال سوم_ سال دهم، اردیبهشت .
۸. جعفری، محمدتقی، «جبر و اختیار»، تهران، انتشارات ولی عصر.
۹. حقیقی، محمدعلی، حیدری، فائزه، کاظمی، (۱۳۹۱)، «معصومه، معنویت شادی و محیط کار»، چشم انداز مدیریتی دولت، تابستان، شماره ۱۰.
۱۰. خدیوی زند، محمد مهدی، (بی تا)، «اولین همایش بین المللی نقش دین در بهداشت روان، هنگامه های دعا و درمان»، فصلنامه ی تازه های روان درمانی، سال پنجم، شماره ۱۹ و ۲۰.
۱۱. دشتی، محمد، (۱۳۸۴)، «ترجمه نهج البلاغه»، قم، موسسه ی فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
۱۲. روستایی صدرآبادی، حمید، جماعتی اردکانی، راضیه، رایگان، محمود، (۱۳۹۶)، «تأثیر اصل صحت بر امنیت روانی فرد و جامعه، حکومت اسلامی»، سال بیست و دوم، شماره اول، بهار ۹۶، پیاپی ۸۳.
۱۳. رحیمی نژاد، عباس و همکاران، (۱۳۹۴)، «رابطه سبک های هویت با بهزیستی روان شناختی و هیجانی و اجتماعی نقش واسطه ای تعهد و پذیرش هویت دینی، پژوهش کاربردی روان شناختی»، سال ششم، شماره ۴.
۱۴. رنگین کمان، امیر، (۱۳۸۶)، «رضایت از زندگی»، شماره چهل و پنجم، پاییز.
۱۵. زارعی محمودآبادی، (۱۳۸۸)، «شادی و سرور در فقه امامیه»، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه امام صادق، ایران
۱۶. سبحانی نیا، محمد، (بی تا)، «اثار تربیتی و روان شناختی دعا»، فصلنامه ای در عرصه فرهنگ و تربیت اسلامی، شماره ۴۶.
۱۷. شیروانی سعادت آباد، محبوبه، خضری مقدم، نوشیروان، سام نژاد، صدیقه، (۱۳۹۹)، «اثربخشی معنا درمانی با تلاوت قرآن و دعا بر آخرت نگر و سلامت روان زنان افسرده»، سال سیزدهم، شماره اول، بهار .
۱۸. صفری شالی، رضا، (بی تا)، «بررسی عوامل نشاط انگیز در بین جوانان قم و ارائه فرهنگ نشاط و امید در بین جوانان»، (طرح تحقیقاتی)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران
۱۹. صالحی، بلن، اصغری ابراهیم آباد، محمدجواد، (۱۳۹۸)، «مقاله بررسی نقش مذهب و تحمل پریشانی هیجانی بر زنان ناباور»، سال ۱۷، بهار .
۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷)، «المیزان التفسیر القرآن»، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۱. عبدالهی، طاهره، (۱۳۹۹)، «نقش دعا در رفع و دفع عوارض مترتب بر بحران کرونا»، مطالعات دین پژوهی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان .
۲۲. عابدینی، ابوالفضل، «مقاله دعا و آثار آن»، عضو هیئت علمی دانشگاه، شماره شصت و دوم.
۲۳. غباری بناب، باقر، نقی فقهی، علی، قاسمی پور، یدالله، (۱۳۸۶)، «آثار صلح رحم از دیدگاه اسلام و روان شناسی و کاربرد تربیتی آن»، دو فصلنامه ی تربیت اسلامی، سال ۳، شماره ۵، پاییز و زمستان .
۲۴. فهیمی، شریفه، (۱۳۹۷)، «نقش دعا در تکامل معنوی انسان، دو فصلنامه تخصصی کلام حکمت»، سال اول، شماره ی دوم، پاییز زمستان .
۲۵. قدیمی کارمزدی، فخری، (بی تا)، «نقش نماز و دعا در تقویت بهداشت روانی»، دو فصلنامه علمی_ تخصصی معارف فقه علوی، ویژه ی همایش ملی نماز، اردیبهشت ماه ۱۳۹۷
۲۶. قندهاری، شقایق، (۱۳۸۳)، «آمان از درد تنهایی، کتاب های کودک و نوجوان»، شهرپور.
۲۷. کارل، الکسیس، نیایش، «ترجمه علی شریعتی»، تهران، انتشارات حسینیه ارشاد.
۲۸. کاهه، احمد، (۱۳۸۴)، «مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی»، جلد ۱، تهران.
۲۹. کاظم دشتی، محمد، «نهج البلاغه»، ترجمه محمدی، (۱۳۸۱)، «مجموعه آشنایی با نهج البلاغه (۱)»، قم نشر امام علی، خطبه ۲۳، قسمت ۸_۱۰.
۳۰. کار بخش، مژگان، جهانگیر، اکرم، جعفری، سمیه، (۱۳۸۳)، «نقش دعا در ارتقاء سلامت، فصلنامه اخلاق پزشکی»، سال سوم، شماره نهم، پاییز .
۳۱. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴)، «بحار الانوار»، بیروت، قم: موسسه الوفاء.
۳۲. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۲)، «آیین پرواز قم»، انتشارات موسسه ی پژوهشی امام خمینی.
۳۳. موحدی کرمانی، «جایگاه دعا در اسلام»،
۳۴. میلانی فر، بهروز، (۱۳۹۰)، «بهداشت روانی»، نشر قومس، تهران.
۳۵. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۱۳)، بحار الانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۳۶. میر حسینی، احمد، (۱۳۸۴)، «دین و درمان افسردگی»، پژوهش های دینی، شماره ۳.

۳۷. منظری، وحید، توکلی، هادی، بهرامی، احسان، (بی تا)، «بررسی پایایی و اعتبار سازه مقیاس آخرت نگری»، مطالعات روان‌شناختی، دوره ششم، شماره ۳.
۳۸. ناظمی اردکانی، فاطمه و همکاران، (بی تا)، «اثربخشی مداخله معنوی _ مذهبی مبتنی بر رویکرد اسلامی بر شاخص‌های ایمنی و روان‌شناختی بیماران مبتلابه روماتوئید آرتريت»، پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، سال ششم، شماره ۴.
۳۹. نصر اصفهانی، آرش، روز خوش، محمد، دریس، پویا، (۱۳۹۷)، «دین‌داری و رضایت از زندگی در ایران»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران دوره ۷، شماره ۴، زمستان .
۴۰. نورعلی زاده میانجی، مسعود، (۱۳۸۶)، «قدرت فکر و دعا»، نامه جامعه، شماره ۴۲.
۴۱. نوری، (بی تا)، «ویژگی‌های روان‌سنجی و ساختار عاملی مقیاس استرس کوید».

تغییرات سبک زندگی خانوادگی در همه‌گیری کرونا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۹

کد مقاله: ۷۱۸۷۱

راضیه نظری^۱

چکیده

امروزه همه در مورد همه‌گیری کرونا صحبت می‌کنند (COVID-19) و در هر کجا که نگاه کنید اطلاعاتی در مورد این ویروس و چگونگی محافظت در برابر آن وجود دارد؛ بیماری که تمام جهانیان اعم از نهادهای دولتی و غیردولتی را درگیر خود ساخته است؛ همچنین باعث تغییراتی در سبک و شیوه زندگی خانواده‌ها شده است؛ عادت‌ها، آداب و رسوم، رفتارها و کنش‌های افراد و مواردی دیگر مجموعه‌ای از مصادیق سبک زندگی هستند. از این رو ویروس کرونا گاه با تناقض و ناهنجاری و گاه با پیشرفت‌های بزرگ و افتخارآمیزی همراه بوده درحالی‌که تعادل میان این ناهنجاری‌ها و پیشرفت‌های مهم خانواده‌ها را با بحران‌های جدی روبرو کرده است. در مقاله حاضر، تغییرات سبک زندگی خانواده‌ها پس از شیوع ویروس کرونا در شش حیطه بررسی می‌شود که عبارت‌اند از تغییرات شیوع کرونا بر روابط اجتماعی افراد، بر آموزش و یادگیری، بر شیوه‌ی برگزاری مراسمات ترحیم و دیدوبازدیدها (مصحفه)، و بر سبک تغذیه، بر شرکت در اجتماعات دینی. روش مقاله حاضر مروری است که در سال ۱۴۰۰ انجام شده است و با مرور پژوهش‌ها و مطالعات انجام‌شده در سال ۲۰۲۰ یعنی زمان شیوع ویروس کرونا، تغییرات حاصل‌شده را بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، کووید-۱۹، خانواده.

۱- طلبه سطح دو حوزه علمیه فاطمه الزهرا. Raziehnazari1377@gmail.com

۱- مقدمه

در دوره‌ی زمانی حاضر مسئله همه‌گیری کووید ۱۹ بسیار پربحث و گفتگو و مرکز توجه در تمام جهان است؛ کشف و شیوع ویروس کووید ۱۹ باعث بحران بسیاری از جوامع شده است البته اگر گفته نشود تمام جهان دچار بحران شده اما با رعایت نکردن توصیه‌های ایمنی و خود مراقبتی تبدیل به بحران می‌شود؛ بیماری کووید ۱۹ یک بیماری است که تمام مردم جهان را درگیر کرده است این بیماری در اواخر سال ۲۰۱۹ به‌عنوان یک ذات‌الریه ویروسی در چین آغاز شد و تا مارس ۲۰۲۰ به مرحله‌ای رسید که با سرعت بیشتر نقاط جهان را مبتلا کرده است. در فرایند همه‌گیری کووید ۱۹، دگرگونی‌های گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف فرهنگ، هویت، معاشرت، علایق، عادت‌ها و رفتارها، کنش‌ها، چگونگی گذراندن اوقات فراغت، آداب و رسوم و آموزش، عادت غذایی، معاشرت‌های اجتماعی، غیره و در مفهوم عام بر سبک زندگی افراد رخ داده است؛ درحالی که مردم هزاران سال است که روش زندگی معینی برای خود برگزیده‌اند و برای مدیریت و بهتر شدن آن تلاش می‌کنند؛ اما ویروس کرونا سبک زندگی افراد خانواده و تبع آن جامعه را تحت شعاع قرار داده و موجب تغییر شیوه‌ی زندگی مردم شده است. خانواده‌ها با سبک زندگی جدید وابسته به کرونا ویروس، هنوز سازگاری و هماهنگی نداشته و تلاش برای بازگشت به سبک زندگی قبل از کرونا تقریباً سخت یا گاه غیرممکن است؛ لذا خانواده در دوره‌ی حاضر، دستخوش تغییرات وسیعی در سبک زندگی شده که نه تنها نسبت به قرن‌های گذشته، بلکه نسبت به دهه‌های گذشته تفاوت یافته و بر سطوح مختلف خانواده و به تبع آن در جامعه تأثیر گزاردده است.

این پژوهش باهدف بررسی تغییرات و تحولاتی که در سبک زندگی‌های خانواده‌ها پیش‌آمده انجام شده است؛ البته اثرات و تبعات ویروس کووید-۱۹ بر سبک زندگی شامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی، روانی و دینی است که در این مقاله به پاره‌ای از تغییرات ویروس کووید ۱۹ به‌صورت محدود و ضیق پرداخته می‌شود. لذا در این راستا پس از بررسی اسناد موجود (مقالات، کتب و سایت‌ها) به تحلیل، تشریح و جمع‌بندی مباحث پرداخته خواهد شد ازجمله معصومه فتحعلی زاده در سال ۱۳۹۸ پژوهشی انجام داد که در آن تحولات سبک زندگی خانواده‌های ایرانی بررسی شده است. همچنین محمدمهدی فرقانی و همکاران در سال ۱۳۹۷ پژوهشی در رابطه با میزان استفاده از شبکه‌های مجازی انجام دادند که تفاوت تمام مقالات ذکر شده با مقاله حاضر درمساله ویروس کووید ۱۹ است که مسئله دهه‌ی جدید است که تاکنون مقاله‌ای در این باب وجود ندارد. در این نوشتار ابتدا متغیرها تعریف شده‌اند و ضمن آن تاریخچه‌ی کرونا بیان شده است و در آخر به سؤال اصلی یعنی تغییراتی که در سبک زندگی‌ها و عادت‌های غالب افراد به وجود آمده است پرداخته شده است.

در باب اهمیت و ضرورت نیز می‌توان گفت این مقاله به جهت ایجاد آگاهی برای خوانندگان نوشته شده است تا سبک زندگی کرونایی را بیشتر بشناسند و از تهدیدها به‌عنوان فرصت استفاده کنند و از طرفی از آسیب‌های محتمل در حد توان جلوگیری کرده و بتوانند مدیریت بحران بکنند، منظور از مدیریت بحران، فعالیت‌های پاسخگویی طراحی شده برای مدیریت تهدید است. درواقع این افراد حرفه‌ای هستند و می‌دانند که با موارد اضطراری چگونه کنار بیایند. در این نوشتار، از روش توصیفی و تحلیلی پیروی شده است و جمع‌آوری اطلاعات بر اساس روش فیش‌برداری، کتابخانه‌ای و یادداشت‌برداری است.

۲- تعریف مفاهیم نظری

۲-۱- کووید ۱۹

بیماری کووید ۱۹ یک بیماری است که تمام مردم جهان را درگیر کرده است این بیماری در اواخر سال ۲۰۱۹ به‌عنوان یک ذات‌الریه ویروسی در چین آغاز شد و تا مارس ۲۰۲۰ به مرحله‌ای رسید که با سرعت بیشتر نقاط جهان را مبتلا کرده است از آنجاکه هیچ واکسن یا درمانی برای این بیماری وجود ندارد، از مداخلات غیر دارویی ازجمله انزوای در خانه و فاصله اجتماعی استفاده شد. در واقع این منجر به قرنطینه داوطلبانه و تعطیلی بسیاری از مشاغل در نتیجه تغییر در سبک زندگی افراد شد.^۱

۲-۲- سبک زندگی

مفهوم سبک زندگی به‌صورت علمی در جهان غرب در سده‌ی گذشته مطرح شده و بانام آلفرد آدلر روانشناس اتریشی، پیوند خورده است. هرچند مفهوم سبک زندگی در آثار دیگران مورد استفاده قرار گرفته اما این اصطلاح در آثار آدلر محوریت یافته است. او گفته است سبک زندگی یعنی کلیتی بی‌همتا و فردی زندگی که همه‌ی فرآیندهای عمومی زندگی ذیل آن قرار دارند. سبک زندگی طرح و دریافتی اجمالی است از جهان، فرآیند در حال گذار و راه است؛ راه یکتا و فردی زندگی و دستیابی به هدف؛ خلاقیتی است حاصل از کنار آمدن با محیط و محدودیت‌های آن. همچنین سبک زندگی رفتار و منش نیست بلکه امری است که همه رفتارها و تجربیات انسانی را برای واحد هدایت می‌کند. لذا سبک زندگی مجموعه‌ای از رفتارهای انسان است و به تک‌تک رفتار و اعمال انسان سبک زندگی گفته نمی‌شود.

۱ Ratten, V. Coronavirus (Covid-19) and entrepreneurship: cultural, lifestyle and societal changes.

در تعریفی دیگر سبک زندگی به‌نظام ترجیحات رفتاری تعریف شده است. درواقع بیان می‌کند اموری که بدون انتخاب و ترجیح انسان بر او تحمیل می‌شود سبک زندگی نیستند، هرچند بر آن تأثیر بگذارند. (میرخندان، سرگرمی اخلاقی در سبک زندگی اسلامی: ۱/ ۲۹-۳۰) به‌طور مثال در دوران شیوع ویروس منحوس کووید ۱۹؛ این ویروس بر مردمان تمام جهان تحمیل شده است و به خواسته‌ی خود آن‌ها نبوده و سبک زندگی آن‌ها نیز محسوب نمی‌شود ولی بر سبک زندگی آن‌ها تأثیرگذار است و زندگی آن‌ها را در جوامع امروزه بسیار تغییر داده است که مقاله حاضر در پی بررسی همین تغییرات است. به بیان ساده‌تر می‌توان سبک زندگی را الگوها و شیوه‌های زندگی روزمره تعریف کرد، درواقع سبک زندگی تمام عادات‌ها و روش‌هایی که فرد یا اعضای یک خانواده با آن خو گرفته‌اند یا عملاً با آن سروکار دارند می‌شود؛ که شامل تمام معاشرت‌ها، روابط اجتماعی، سرگرمی‌ها و تفریحات و شیوه کار و شغل و آموزش و غیره است. از جهتی متخصصان بهداشت روان اهمیت عوامل سبک زندگی را به سه مورد خلاصه کرده‌اند:

۱. به‌عنوان عوامل کمک‌کننده به درمان و آسیب‌های روانی متعدد.

۲. برای تقویت رفاه فردی و اجتماعی.

۳. برای حفظ و بهینه‌سازی عملکرد شناختی.^۱

مصادیق تغییرات حاصل از شیوع کرونا بر سبک زندگی خانواده‌ها:

امروزه بیماری کووید ۱۹ سرآغاز داغ تمام گفتگوها و بحث‌ها می‌باشد و همه در حال دانستن حقایق و مطالب کاربری برای حفظ عزیزانشان و آماده‌سازی مناسب برای مقابله با این بیماری منحوس می‌باشند و هر کجا را که نگاه کنید اطلاعاتی در مورد این ویروس و چگونگی محافظت در برابر آن وجود دارد؛ از این رو این نوشتار در پی بررسی مصادیق تغییرات حاصل شده در سبک زندگی است.

۲-۳- اهمیت فضای مجازی در شیوع ویروس کرونا

آنچه بیش‌ازپیش در این بازه‌ی زمانی قرنطینه اخیر چهره خود را نمایان کرد، زندگی جدید شیوه‌های زیست اجتماعی نوین در بستر شبکه‌ها و فضای مجازی است. البته بررسی تأثیرات رسانه در سبک زندگی در این دوران خاص نیازمند بررسی‌های عمیق و گسترده‌ای هست که در اینجا صرفاً کلیاتی از این موضوع ارائه خواهد شد تا ساحت ذهنی نویسنده و خوانندگان را به یکدیگر نزدیک سازد و زمینه برای پیوند با مفهوم رسانه‌ای شدن در این دوران فراهم گردد. در ابتدا باید گفت وجود شبکه‌های اجتماعی به تاریخ بشریت بازمی‌گردد اما شبکه‌های اجتماعی مجازی پدیده‌ای است که در چند دهه‌ی اخیر معنا و مفهوم پیدا کرده است به‌طوری‌که امروزه به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در زندگی بسیاری از کاربران قرار گرفته است. (فرقانی، مهاجری، ۱۳۹۷: ۱۲)

امروزه در همه‌گیری کووید ۱۹، نقش رسانه‌ها به‌ویژه فضاهای اجتماعی مانند یوتیوب، اینستگرام، تیک‌تاک و... برای تولید و معرفی سبک زندگی و شکل‌دهی به هویت و شخصیت افراد اهمیت دارد؛ درواقع به سبب انزوای خانگی و قرنطینه، افراد ملزم به استفاده‌ی بیشتر از رسانه‌ها هستند و این مسئله اهمیت بررسی و تأثیرات رسانه‌ها را چندین برابر می‌نماید؛ به‌طوری‌که افراد توانایی انجام فعالیت‌های روزانه خود و مدیریت زندگی‌شان را مثل سابق داشته باشند؛ زیرا شبکه‌های اجتماعی به دلیل افزایش سرعت حجم اطلاعات و به‌روز شدن آن پاسخ‌گوی نیازهای بشیرت است. از طرفی رسانه‌ها می‌توانند همانند یک مرکز قدرتمند فرهنگی، نظام خویشاوندی، آداب‌ورسوم، ارزش‌های اخلاقی، زبان، هنر و ادبیات و غیره را تحت تأثیر قرار دهند و با بهره‌گیری از فن‌های ارتباطی، بر ایده‌ها، نگرش‌ها و در یک‌کلام سبک زندگی مردم آثار مثبت و منفی بگذارد. رسانه‌ها در جوامع کنونی به‌ویژه در این دوران خاص با ایجاد چارچوب‌ها تجربه و نگرش‌های کلی فرهنگی، افراد را در تفسیر و سازمان‌دهی اطلاعات یاری می‌دهند و شیوه‌هایی را پی می‌ریزند که افراد به‌وسیله آن بتوانند زندگی اجتماعی را تفسیر کنند. درواقع می‌توان بیان کرد فرد از طریق رسانه هویت کسب کرده و یا از طریق به ساخت و ارائه هویت مطلوب خود می‌پردازد. (تبریزی، ۱۳۹۸: ۱۱-۱۰)

الف. روابط اجتماعی: یکی از مصادقات‌های سبک زندگی روابط اجتماعی و معاشرت‌های خانوادگی است که این مورد هم مانند مؤلفه‌های دیگر در همه‌گیری کووید ۱۹ دستخوش تغییرات گسترده‌ای قرار گرفته است؛ که در اسلام به‌عنوان صلهرحم از آن یاد شده است. مفهوم صلهرحم (دیدوبازدید) به علت تکرار برای همگان مشخص و معین است اما در برخی از منابع اخلاقی صلهرحم، برقراری ارتباط دوستانه و شریک ساختن خویشاوندان در مال و جاه و دیگر خیرات دنیا و یا شاد نمودن آنان دانسته شده است. در دیدگاه روانشناسی صلهرحم یک رفتار اجتماعی است؛ ازاین‌رو، هنگامی که افراد تنها هستند معاشرت با دیگران را جست‌وجو می‌کنند و این رفتار حاکی از این است که ارتباط با دیگران و صمیمی شدن با آن‌ها یک نیاز بنیادین روان‌شناختی است همچنین در سایه ارتباطات انسانی و گرم است که افراد احساس شادابی و آرامش می‌کنند و از مشغله‌های روزمرگی خود دور می‌شوند. از طرفی دیگر صلهرحم در افراد احساس خویشاوندی ایجاد می‌کند که با بهزیستی آن‌ها در ارتباط است. شواهد نشان داده ست که افرادی که دارای روابط اجتماعی‌اند مرگ‌ومیر در آن‌ها کمتر است و دارای طول عمر طولانی‌تر هستند، علاوه بر این صلهرحم موجب بالا رفتن مقاومت افراد در مقابل فشارها و مشکلات روانی می‌شود و باعث کاهش بیماری‌های قلبی و عروقی و روانی می‌شود. به دلیل اهمیت و نقش بسیار مهم صلهرحم قرآن کریم نیز از فرائض دینی آن برشمرده است. همین‌طور در احادیث

^۱ Walsh, R.. Lifestyle and mental health , 66(7), 579.

فراوانی علاوه بر اثرات مطلوب آن بر سلامت روانی، چگونگی آن را نیز بیان کرده‌اند. لذا در متون دینی آثار صلح رحم این گونه بیان شده: افزایش رزق و روزی، دفع بلا بخشش گناهان و پاکیزه شدن اعمال و رشد معنوی، حسن اخلاق و غیره. به همین ترتیب برای قطع صلح‌رحم نیز آثاری بیان شده از جمله: فقر و محرومیت از رفاه از دست دادن مال و مقام، مرگ زودرس، وارد نشدن به بهشت و غیره. (غباری بناب، فقیهی، قاسمی پور، ۱۳۸۶) برای نمونه در قرآن کریم خداوند پیرامون صلح‌رحم می‌فرماید: و خدا رو پرستید و برسید از خدایی که بانام او از یکدیگر درخواست می‌کنید و از قطع خویشاوندی‌ها بپرهیزید که خدا مراقب شماست. (نسا: ۱)

در نتیجه صلح‌رحم که در زندگی فردی و اجتماعی مهم است آثار و فواید نیز بسیاری دارد از جمله یادگیری رفتارهای شایسته، روحیه اجتماعی و تعاون و موارد دیگر که در بالا به آن‌ها پرداختیم حال سؤال اصلی در اینجا است که در زمان همه‌گیری کووید ۱۹ رفع این آثار و فواید، چه تأثیری در سبک زندگی خانواده‌ها خواهد گذاشت؟ درواقع با قطع صلح‌رحم در همه‌گیری کرونا در سبک زندگی خانواده‌ها اختلال ایجاد می‌شود؛ به نظر می‌رسد یکی از عواملی که باعث راحت‌تر شدن روان آدمی است صلح‌رحم است به علاوه توان و مقاومت افراد را مقابله با بحران افزایش می‌دهد؛ شاید بتوان گفت در این دوره که حال روحی و روانی اکثر افراد خوب نیست چه بهتر است که با خانواده‌های درجه‌ی یک با رعایت پروتکل‌های اجتماعی رفت‌وآمدهای حداقلی داشته باشیم. در انتها به نظر می‌رسد قطع صلح‌رحم تأثیری منفی در سبک زندگی خانواده‌ها گذاشته است که شاید افراد متوجه آن نباشد و این تأثیر باعث تبدیل و تغییر سبک زندگی خانواده شده است. البته در این دوران بسیار گوشزد شده است با پیام‌رسان‌ها و شبکه مجازی همچنان صلح‌رحم و رابطه‌ی اجتماعی داشته باشید؛ پس می‌توان گفت رسانه‌های نقش مهمی در تعیین سبک زندگی خانواده در دوران همه‌گیری کووید ۱۹ دارند؛ زیرا که انسان موجودی اجتماعی و نیازمند برقراری ارتباط با دیگران است و بدون داشتن ارتباط با دیگران نمی‌تواند نیازهای اساسی خود را برطرف سازد از سویی دیگر به نظر می‌رسد نیازهای انسان‌ها و میزان برآوردن شدن نیازها با برقراری روابط اجتماعی با دیگران در ارتباط است؛ به همین علت است که میزان استفاده افراد در همه‌گیری کووید ۱۹ به چندین برابر دوران قبل از قرنطینه رسیده است. چون آن‌ها تمام فعالیت‌های خود را توسط این رسانه و فضای مجازی انجام می‌دهند. درواقع می‌توان گفت یکی از ویژگی‌های ارتباطات در دوران قرنطینه‌ی خانگی ارتباط افراد با دیگر در شبکه‌های اجتماعی است که در مقیاس جهانی صورت می‌پذیرد؛ البته افراد کوچک‌ترین احساسی هم ندارند که فعالیت در شبکه اجتماعی با فعالیت در خارج و عالم واقع تفاوت داشته باشد. لذا افراد به میزان موفقیت خود درواقع در شبکه‌ی مجازی نیز موفق‌اند؛ زیرا شبکه‌های اجتماعی گونه‌ای از رسانه‌ها هستند که بیشترین شباهت را به جامعه انسانی داشته است و به افراد امکان برقراری ارتباط با شماری از افراد فارغ از محدودیت‌های زمانی، مکانی، فرهنگی و اقتصادی را می‌دهد. (حسینی، ۱۳۹۸: ۹۱-۹۳) اما نکته قابل تأمل این است که استفاده از این محیط‌ها برای افراد متفاوت به گونه‌ی متفاوت است؛ لذا استفاده نادرست هرچه بیشتر از فضاهای مجازی و سایبری باعث کاهش ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای تربیتی جامعه شده است که این تأثیری منفی در سبک زندگی‌هاست. (فرقانی، مهاجری، ۱۳۹۷: ۱۲) در واقع می‌توان نتیجه گرفت هر فردی ملزم است مهارت‌های کافی برای استفاده از این فضا را فراگیرد تا از آسیب‌های محتمل داخل در این فضا جلوگیری کند؛ اما فقط آسیب‌های به درون این شبکه‌ها خلاصه نمی‌شود. تحقیقاتی از جمله پژوهشی رملی (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که روی آوردن به ارتباطات غیرحضوری و اینترنتی مانع بزرگی برای رشد مهارت‌های اجتماعی نظیر احساسات، کنترل احساسات و برقراری روابط عاطفی و اعتمادبه‌نفس می‌شود. همچنین استفاده بیش‌ازاندازه از اینترنت با افزایش احساس تنهایی و افسردگی و کاهش روابط اجتماعی رابطه دارد. (حسینی، ۱۳۹۸: ۱۰۵)

ب. آموزش و یادگیری: یکی از امکاناتی که رسانه‌ها و فضاهای مجازی در دوران قرنطینه ایجاد کرده است کسب‌وکار راحت و تسهیل آموزش و یادگیری است که می‌توان بیان کرد یکی از بزرگ‌ترین و بهترین تأثیرات در آموزش و یادگیری بوده که زمان کمتری نیز می‌برد و وقت‌ها و زمان‌ها در بازارچه‌ها و مسیرها هدر نمی‌رود و ما هرگز ائتلاف وقت نداریم. از این رو با تمام موارد ذکر شده می‌توان بیان کرد کرونا ویروس در حوزه‌ی رسانه و فضاهای سایبری در برخی از جنبه‌ها تأثیرات مثبتی داشته است از جمله تسهیل آموزش و یادگیری سریع و راحت، مدیریت زمان و هدر ندادن آن در مسیر رفت‌وآمدها، امکان خریدوفروش آنلاین کالا و هدر ندادن زمان در بازارچه‌ها و غیره؛ اما در برخی از جنبه‌ها تأثیرات منفی به همراه داشته است از جمله از دست دادن مهارت اجتماعی در اثر قرنطینه خانگی و معاشرت نکردن با دوستان و اقوام، افسردگی، الگو کردن‌های ناهنجار از محتوای داخل فضای سایبری به‌خصوص برای نوجوانان و جوانان و از دست رفتن ارزش‌های اخلاقی و نادیده گرفتن مسئله‌ی حیا در روابط و هزاران موارد دیگر درواقع انجام این پژوهش مؤید آن است که رسانه‌های شدن زندگی روزمره‌ی امروزه پیش از قبل توانسته است قلمروی خانواده را دستخوش تأثیرات خود قرار دهد این امر در جامعه‌ای که خانواده مهم‌ترین گروه اجتماعی آن بوده است و ریشه‌های عمیق فرهنگی و دینی در آن برای حراست و حمایت خانواده عمل کرده‌اند بسیار برجسته و قابل تأمل است. اما در سؤال «آیا استفاده بیش‌ازاندازه از رسانه در دوران قرنطینه خانگی باعث نزدیک شدن اعضای خانواده می‌شود یا فاصله گرفتن اعضا از یکدیگر؟» نظریه‌های مختلفی وجود دارد:

۱. برخی بر این باورند که فناوری‌های نوین رسانه و سایبری به‌عنوان عامل و نیرویی منفی مانع روابط خانوادگی بوده و با تهی کردن روابط اجتماعی به انزوای اجتماعی خانواده از یکدیگر و فاصله گرفتن اعضای خانواده از یکدیگر منجر شده‌اند و مناسبات

خانوادگی را به انحاء مختلفی تحت تأثیر قرار داده است. درواقع به دلیل استفاده بیش از اندازه از این فضاها باعث دور شدن اعضای خانواده‌ها در دوران قرنطینه شده است (جنادله، رهنما، ۱۳۹۷: ۱۳).

۲. برخی نیز بر این باورند که هرچند استفاده از فضاهای سایبری و رسانه در این دوران به اوج خود رسیده باشد اما چون افراد مجبور به قرنطینه داوطلبانه شده‌اند و از خانه خارج نمی‌شوند اعضای خانواده با احساس صمیمیت بیشتری با یکدیگر ارتباط دارند. اما نگارنده این مقاله با نظر گروه اول موافق است و معتقد است که هرچند اعضاء دائماً در خانه کنار یکدیگر باشند اما فناوری‌های نوین رسانه‌ای یک فضای روان‌شناختی اجتماعی و سرگرمی، تفریحی و مصرفی است که بر روابط اعضا با یکدیگر تأثیر بسزایی می‌گذارد؛ و منجر به جدایی اعضا از یکدیگر در سطوح مختلف می‌شود؛ اما در کل علا رغم تفاوت‌هایی که خانواده و رسانه باهم دارند، در این نکته مشترک‌اند که هر دو از مهم‌ترین عنصر شکل‌دهی به شخصیت و سبک زندگی افراد هستند. (عزیزفاضلی، زهرا قاسمی، بی تا)

۲-۴- تغییر در سبک تغذیه

تغییرات ذائقه و عادات‌های غذایی یکی از مصداق‌های مهم سبک زندگی خانواده است. در دوران قبل از همه‌گیری کووید ۱۹ ذائقه ایرانی به سمت غذاهای آماده ازجمله غذای فوری کشش بیشتری داشته است در حقیقت تغییر در ساختار خانواده، اشتغال زنان در بیرون از خانه، افزایش انواع متعدد خانواده و ورود فناوری به آشپزخانه‌ها، راحت‌طلبی مادرها، تبلیغات رسانه‌ای و غیره باعث تغییر عادات‌های غذایی خانواده‌ها بوده است (شهرناز کریمی، خانواده ایرانی و تغییر سبک زندگی؛ تغییر در ذائقه غذایی، ششمین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده، پژوهشکده خانواده). ولی شیوع این ویروس بر روند غذایی خانواده‌ها اثرات بسزایی گذاشته است به‌طوری‌که مردم از مواد غذایی که احتمال آلودگی در آن وجود دارد استفاده نمی‌کنند؛ زیرا که در دورانی که ویروس کرونا باعث مرگ‌ومیر جهانی است، سیستم ایمنی به خطر افتاده یک عامل خطر شناخته‌شده برای همه‌ی عفونت‌های ویروسی آنفلوانزا است. لذا غذاهای کاربردی ازجمله مواد مغذی مثل اسیدهای چرب اشباع‌نشده و ویتامین‌ها آهن، روی و غیره ظرفیت سیستم ایمنی بدن را در همه‌گیری کرونا برای جلوگیری و کنترل عفونت‌های ویروسی بیماری‌زا بهینه می‌کنند. به همین ترتیب غذاهای کاربردی که در خانه‌ها توسط مادران تولید می‌شود؛ به‌عنوان محافظت‌کننده‌های خوبی در برابر عفونت‌های تنفسی و کووید ۱۹ تلقی می‌شود؛ و مادران با خودکفا شدن در تولید اقسام مواد غذایی داخل خانه موجب سالم ماندن اعضای خانواده شده‌اند. لذا این یک تأثیر مثبت در سبک زندگی خانواده‌ها در طول قرن‌های گذشته بوده است که خانواده مواد مصرفی موردنیاز خود را داخل خانه خود ایجاد می‌کنند. در آخر می‌توان گفت عادات مناسب غذایی و غذاهای کاربردی به کاهش خطر ویروس و افزایش کیفیت خواب در حین قرنطینه کمک می‌کند؛ از جهتی شیوه‌ی زندگی و تغذیه مناسب ممکن است رویکردهای ضدویروسی بیشتری برای سلامت عمومی ارائه دهد.

اما در عده‌ای از مقالات و کتب بیان شده است که سبک زندگی خانواده‌های اروپایی در عادات‌های غذایی نه اینکه تأثیر مثبتی نداشته بلکه باعث تغییرات منفی و مشکلاتی در این زمینه نیز شده است، بدین معنی که به دلیل نگرانی از مشکلات در دسترس بودن غذاهای آماده در آینده، افراد تمایل به خرید غذاهای بسته‌بندی شده و طولانی‌مدت دارند تا غذاهای تازه. چنین رفتارهای ناسالم در رژیم غذایی باعث ایجاد چندین بیماری غیرمسمی مانند چاقی، دیابت، بیماری‌های قلبی عروقی، بیماری مزمن کلیه و آرتروز می‌شود؛ درواقع می‌توان بیان کرد که فرهنگ غربی در عادات‌های غذایی نه تنها تغییرات مثبتی نکرده بلکه باعث آسیب‌هایی نیز شده است.^۱

۲-۵- تغییر در نحوه آداب معاشرت (مباحثه)

یکی از عادات‌های پسندیده و البته سفارش شده در دین اسلام مصاحفه است، مصاحفه به معنای قرار دادن کف دست در کف دست دیگری است که از واژه‌ی (صفح الکف) گرفته شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲: ۵۱۴). درواقع دست دادن افراد با یکدیگر یکی از رسوم رایج در بیشتر فرهنگ‌هاست؛ و در اسلام به مصاحفه در محدوده‌های مجاز شرعی، توصیه‌های فراوانی شده است؛ همچنین مصاحفه یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی محسوب می‌شود که در دوران همه‌گیری کرونا دستخوش تغییرات قرار گرفته است. از فواید دست دادن می‌توان به اثرات مثبت روانی آن اشاره کرد که بر ذهن افراد می‌گذارد، درواقع این ارتباط بدنی در ایجاد تعلق خاطر و فرو کاستن از کینه‌ها و خشم‌ها مؤثر است. در کتاب کافی بیان شده امام صادق فرموده‌اند مصاحفه کنید که کینه‌ها را از بین می‌برد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲: ۵۱۴). لذا مصاحفه آثار مثبت فراوانی به همراه دارد. از جهتی دیگر دست دادن پیوند قلبی و ذهنی بین طرفین ایجاد می‌کند که باعث صمیمیت و محبت و ردوبدل شدن صفا و عشق بین افراد می‌شود و در متون دینی هم باعث بخشیده شدن گناهان می‌شود و نشاط را مهمان دل‌ها می‌کند. (تحریری، ۱۳۹۷: ۱۷۹).

همچنین برای اهمیت مصاحفه می‌توان به سیره‌ی زندگی رسول خدا اشاره کرد که ایشان هنگام دست دادن آن‌قدر دست طرف را در دست خود نگه می‌داشتند که طرف مقابل دست‌های خودش رو از میان دستان پیامبر بیرون نکشد. همچنین امام باقر در

1 Alkhatib, A. Antiviral functional foods and exercise lifestyle prevention of Coronavirus, 12(9), 2633.

حدیثی می‌فرماید: هرگاه دو مؤمن همدیگر را ملاقات کنند و دست. در دست یکدیگر نهند، خدا با کسی که نسبت به دوست خود محبت بیشتری دارد دست می‌دهد. (خدامیان آرانی، ۱۳۹۱: ۱: ۴۰-۴۱) از این رو در این دوره که ویروس کرونا بر جهان حاکم شده است و بسیاری از ملت‌ها را درگیر کرده است؛ مردم مجبور به رعایت پروتکل‌های بهداشتی اند و طبق گفته سازمان بهداشت جهانی نباید با یکدیگر دست بدهند و از دستکش و ماکس استفاده کنند و فاصله‌های ایمنی را رعایت کنند. به این هنگام در این همه‌گیری تغییراتی بر معاشرت افراد با یکدیگر و ارتباط آن‌ها با یکدیگر ایجاد شده است. آیا این تغییر در سبک زندگی تأثیرات مثبتی خواهد بود؟ آیا این جدایی و به اصطلاح رعایت حدفاصل بین افراد تأثیرات منفی بر ذهن‌ها و روان‌ها خواهد گذاشت؟

نگارنده معتقد است این تأثیری مثبتی بر سبک زندگی خانواده‌ها نیست اما تأثیر منفی نیز تلقی نمی‌شود زیرا که این سخت‌گیری‌های بهداشتی از جمله رعایت حدفاصل بین افراد برای سلامتی اعضای خانواده‌ها و در دایره‌ی وسیع‌تر افراد جامعه هست و آسیبی برای افراد تلقی نمی‌شود زیرا همان اندازه این ویروس مسری است مهربانی و محبت ما انسان‌ها به یکدیگر نیز مسری است و ما باید با عشق و علاقه مواظب هم نوعان خود باشیم؛ پس هرچند حرکت کوچکی مثل مصاحفه احترام به دیگران است اما می‌توانیم با سر تکان دادن، نیمه خم شدن و حرکاتی این‌چنینی برای دیگران احترام قائل باشیم زیرا بزرگ‌ترین احترام اهمیت دادن به سلامتی طرف مقابل است.

۲-۶- نحوه برگزاری مراسم ترحیم

یکی از اخلاق عمومی مردمان جهانیان هنگام درگذشتن اشخاص برگزاری مراسم و مجلس ترحیم است. مجلس ترحیم، مجلسی است که خانواده و خویشان شخص درگذشته به منظور آموزش‌خواهی، فاتحه‌خوانی یا ختم ترتیب می‌دهند. همچنین می‌توان گفت این مراسمات فرهنگی و روان‌درمانی برای کمک به غم دیدگان طراحی شده است.^۱ اما با تأسف باید گفت زمانی که جهان دچار بحران کووید ۱۹ شده است درحالی که این ویروس به شدت مسری است و فوج فوج کشته می‌دهد، بازماندگان شرایط شرکت در مجلس سوگواری و هم‌دردی و عرض تسلیت باغم دیدگان را ندارند زیرا مجبور به قرنطینه و انزوای خانگی هستند. از آنجاکه مرگ‌ومیر کووید ۱۹ نمونه‌ی مرگ بد است و با ناراحتی جسمی و تنفس دشوار انزوای اجتماعی پریشانی روان‌شناختی و مراقبت‌هایی که ممکن است با ترجیحات بیمار ناسازگار باشد همراه است لذا هر یک از این ویژگی‌های مرگ ارتباط مستقیمی با علائم افسردگی اضطراب و عصبانیت بازماندگان غم‌دیده دارد.^۲ درواقع می‌توان بیان کرد شیوع کووید ۱۹ سبک زندگی پیشین افراد را در حوزه‌ی مختلف بالأخص در مراسم و مجلس ترحیم تغییر داده است و برای غم دیدگان استرس‌های فردی و اجتماعی متعدد و ناگهانی ایجاد کرده است که یکی از این استرس‌ها عدم ملاقات با فرد مبتلا شده پس از مرگ اوست و بدتر از آن عدم برگزاری مراسماتی چون تشییع و ترحیم.

با شیوع ویروس کرونا اجرای مراسم ترحیم مجازی مورد استقبال قرار گرفت و شاهد برگزاری این مراسمات به شکل مجازی هستیم مراسم ترحیم مجازی همانند مراسم ترحیم معمول ترحیم است که مهمانان از طریق لینک وارد مراسم می‌شوند و به خانواده متوفی و بازماندگان تسلیت عرض می‌کنند. از طرفی قبول کردن تلاوت قرآن و ادعیه توسط بستگان و آشنایان برای متوفی از دیگر شرایط ترحیم مجازی است. (چیت ساز، ۱۳۹۹: ۱۵۷). درحالی که امکان حمایت عاطفی-روانی به صورت مجازی از غم دیدگان اموات وجود ندارد. از این رو در انتها باید گفت شیوع بیماری کووید ۱۹ به طور اساسی سبک زندگی انسان‌ها را تغییر داده است و این مورد یک تغییر منفی برای جامعه تلقی می‌شود زیرا که آسیب‌های جدی اعم از عصبانیت، افسردگی، احساس تنهایی شدید، اضطراب و استرس‌های فردی و اجتماعی متعددی به بازماندگان اموات وارد کرده است. همچنین یکی از موارد تغییر در سبک زندگی مسئله‌ی فقه‌ای تدفین جان‌باختگان کرونا است که ما از پرداختن به آن معذوریم.

۲-۷- شرکت در اجتماعات

تعطیلی مناسک جمعی و اماکن مذهبی، بحث‌برانگیزترین تأثیرات شیوع کرونا بر حیات دینی دین‌داران برشمرده شده است. مناسک جمعی بارزترین مجال بروز و ظهور ادیان در دنیای مدرن امروزه است. در تمام ادیان مناسک دست جمعی وجود دارد، دین با ایجاد روح جمعی و شور اشتیاق مذهبی و گسترش احساسات همگانی از طریق مناسک و مراسم دست جمعی می‌تواند زمینه‌های لازم برای پیوند میان افراد و انسجام اعضا فراهم آورد؛ و همه‌گیری و شیوع کرونا باعث لغو مناسکات و مراسمات دست جمعی از سبک زندگی افراد شده است. (چیت ساز، ۱۳۹۹: ۱۵۴) همچنین از زیبایی‌های اسلام این است که دارای دو نوع عبادت است، عبادت در خلوت و عبادت در میان مردم و با مردم. مفهوم عبادت به علت تکرار برای همگان مشخص و معین است اما در برخی منابع عبادت به معنای فرمان‌برداری و اطاعت، خضوع و خشوع در قبال پروردگار جهان هستی (واجب تعالی) است از جهتی انجام اعمال و افعال آدمی با قصد قربت. یکی از روش‌های سبک زندگی مسلمانان عبادت‌های دست جمعی در اماکن زیارتی و مساجد است عبادت در میان مردم و با مردم مانند نماز جماعت، نماز جمعه و مناسک حج و پیکار در راه خدا و غیره. این اجتماع دارای آثار و

1 Romanoff, B. D. Rituals and the grieving process. , 22(8), 697-711.

۲ Carr, D., Boerner, K., & Moorman, S. Bereavement in the time of coronavirus: Unprecedented challenges demand novel interventions, 32(4-5), 425-431

برکات فراوانی است، برادران ایمانی و مؤمنان مشفق هر صبح و ظهر و مغرب در خانه خدا به زیارت یکدیگر نائل می‌گردند و از احوال همدیگر خبر می‌شوند و درد یکدیگر را به درمان می‌رسانند و مشکل یکدیگر را حل می‌کنند و کاستی‌ها و نواقص محل و منطقه را برطرف می‌نمایند و در یک صف واحد برای پیشانی سائیدن به پیشگاه حق و تواضع دسته‌جمعی و عبادت عاشقانه به امامت امامی عادل و باتقوا شرکت می‌کنند. (انصاریان، ۱۳۹۴: ۲؛ ۲۳۴) لذا برای بیان ارزش اجتماع و عبادت‌های دسته‌جمعی به پاره‌ای از روایات اشاره می‌کنیم: رسول خدا می‌فرماید: (ای مردم شمارا به اجتماع و باهم بودن سفارش می‌کنم و از تفرقه و دور افتادن از یکدیگر بر حذر می‌دارم). (متقی هندی، ۱۳۷۴: ۱۰۳۱) همچنین پیامبر در روایتی دیگر می‌فرماید: قدرت خدا با جماعت است، هرگاه یکی از آنان از جماعت جدا شود و تنها و فرد بماند شیطان او را می‌رباید، چنان‌که گرگ گوسپند تنها مانده از گله را می‌رباید. (متقی هندی، ۱۳۷۴: ۲۰۷) به‌علاوه درباره نماز جماعت و حاضر شدن در آن و امتناع از حضور در نماز جماعت روایاتی از اهل بیت نقل شده است: حضرت صادق فرموده‌اند: گروهی از مردم در زمان رسول خدا بودند که برای حضور در نماز جماعت در مسجد کُندی می‌کردند، پیامبر فرمود قومی که نماز در مسجد را ترک کرده و جماعت را واگذاشته‌اند نزدیک است فرمان دهم هیزم درب خانه‌هایشان بگذارند و آتش برافروزند و خانه‌هایشان را به آتش بکشند. (طوسی، ۱۴۱۳: ۲۵)

با تمامی موارد ذکرشده اهمیت و ضرورت عبادات دست جمعی مشخص شد همچنین می‌توان به این نکته اشاره کرد که افراد قبل از شیوع ویروس کرونا داوطلب برای عبادت‌های دسته‌جمعی بوده‌اند اما امروزه با تغییر سبک زندگی دینی و محدود شدن حضور مردم در اماکن مقدس نوع عبادت به عبادت در خلوت تغییر یافته است. حالا پرسش اصلی در اینجاست که آیا شرکت نکردن مردم در زمان شیوع این بیماری منحوس در مناسک گروهی برای اعضا خانواده‌ها و در محدوده‌ی گسترده‌تر برای افراد جامعه تأثیرات منفی به بار می‌آورد؟

نگارنده معتقد است این‌طور نیست که مردم با خواسته‌ی خود در مناسکات جمعی شرکت نکنند بلکه آن‌ها به‌اجبار محکوم به قرنطینه‌ی خانگی شده‌اند لذا تأثیر منفی تلقی نمی‌شود از طرفی همان‌طور که در ابتدا بیان شد یکی از گونه‌های عبادت، عبادت در خلوت است و در دین مبین اسلام به اهمیت آن اشاره شده است که عبادت در خلوت یکی از بهترین عبادات و دارای پاداشی عظیم و غیرقابل‌تصور است. البته این مطلب قابل‌انکار نیست که عبادت دست جمعی از نظر ارزشی در اولویت قرار دارد اما عبادت در خلوت برای افراد در این دوره‌ی حساس بهترین گونه‌ی عبادت است زیرا که حفظ سلامتی و جان هم‌وطنان خود می‌تواند یک نوع عبادت محسوب شود.

۳- نتیجه‌گیری

امروزه بحران کرونا از یک مسئله بهداشتی- پزشکی به‌سرعت تبدیل به مسئله اجتماعی اقتصادی سیاسی فرهنگی و به تعبیری جهانی‌ترین مسئله بشری تبدیل شده است. با ظهور ویروس کرونا، زندگی و سلامت بسیاری از انسان‌ها بعد از چند هفته مورد تهدید قرار گرفته است. این بیماری همه‌گیر نه‌تنها میزان بالای مرگ‌ومیر ناشی از عفونت‌های ویروسی را به همراه دارد؛ بلکه باعث تغییرات سبک زندگی بشریت شده است که هدف این نوشتار بررسی برخی از تغییرات حاصل از شیوع کووید ۱۹ بر عادات و ویژگی‌های رفتاری به‌اصطلاح سبک زندگی خانواده است هرچند به این موضوع به مطالعات گسترده نیاز است اما هدف این نوشتار آگاهی خوانندگان با این مطلب و تطبیق داده‌های ذهنشان با یک مطلب علمی - اجتماعی است؛ این تحقیق از نوع تحقیقات نظری است و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. در دوران قرنطینه خانگی که در کلیه مناطق جهان انواع گوناگون رسانه در سطوح گوناگون زندگی اقشار مختلف راه گشوده است، تأثیر حضور رسانه بر زندگی خانوادگی امری معلوم و ملموس به نظر می‌رسد؛ زیرا رسانه‌ها در این دوران حساس به‌عنوان مهم‌ترین ابزار انتقال پیام در تأثیرگذاری و شکل‌دهی سبک زندگی جایگاه ویژه‌ای دارند؛ اما رسانه و فضای مجازی علاوه بر اثرات مثبت پیامدهای منفی را همچون احساس تنهایی شدید، افسردگی، ناهنجاری‌های اخلاقی را به همراه دارد. به‌علاوه مادرانی که به علت اشتغال، راحت‌طلبی، تبلیغات، ورود فناوری به آشپزخانه‌های سنتی ایرانی و تغییر در سایر زمینه‌های زندگی اجتماعی به مادرانی مصرف‌گرا تبدیل شده بودند در این دوران به مادرانی خودکفا در تولید تبدیل شدند و این‌یک تغییر مثبت در سبک زندگی خانوادگی است. همچنین در این دوران دیدوبازدیدها هم به علت سریع انتقال بودن این ویروس منحوس تغییر پیدا کرده است و افراد اجازه‌ی دید و بازدید از عزیزان خود را ندارند و حتی شیوه‌های دیدارها و ملاقات به‌اصطلاح دین اسلام مصاحفه که یکی از آداب ملاقات و معاشرت هست، تغییر کرده است و مردم دیگر اجازه‌ی شرکت در مراسم‌های ترحیم و خاک‌سپاری عزیزان خود را نیز ندارند.

از طرفی مناسک و عبادت‌های جمعی مسلمانان که از اهمیت والایی برخوردار بود در این دوره‌ی زمان رخت از جامعه‌ی اسلامی بسته است و مردم به‌ناچار مجبور به عبادت‌های فردی در خانه‌های خود هستند و شرایط و امکان شرکت در عزاداری‌های دسته‌جمعی، زیارت‌ها در حرم ائمه اطهار ندارند، یا مناسک عبادی و دست جمعی خود را به‌صورت مجازی در پیام‌رسان‌ها و یا در فضای اسکای روم‌ها برگزار می‌کنند. لذا تمام این موارد از اثرات منحوس این ویروس در سبک زندگی پیشین خانواده‌ها است. در نتیجه اهمیت و ضرورت این مطلب آگاهی به افراد و جلوگیری از تبدیل این شرایط به بحرانی سخت است. در نهایت تحقیق حاضر تلاشی برای بررسی تغییرات سبک زندگی در دوران کووید ۱۹ به‌صورت کمی بود که از خلال آن در عین اتکا به تحقیقات

پیشین، سازه‌ای نو به این عرصه تحقیقی گذاشته است و این تحقیق قدمی نو پا به شمار می‌رود و از علاقه‌مندان به این حوزه درخواست می‌شود به فهم عمیق‌تر این موضوع بپردازند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، «لسان العرب»، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.
۳. انصاریان، حسین، (۱۳۹۴)، «تفسیر حکیم»، دارالعرفان، قم، چاپ اول، جلد ۲.
۴. تبریزی، منصوره، (۱۳۹۸)، «رابطه رسانه‌ای شدن زندگی روزمره و سلامت خانواده»، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال پنجم، شماره هجده.
۵. تحریری، محمدباقر، (۱۳۹۷)، «اخلاق اجتماعی»، مرکز نشر هاجر، ایران؛ قم، چاپ پنجم.
۶. جنادله، علی، رهنما، مریم، (۱۳۹۷) «بازنمایی آسیب شناسانه رسانه‌های نوین در مطالعات خانواده»، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال چهارم شماره ۱۶.
۷. چیت‌ساز، محمدجواد، (۱۳۹۹)، «کرونا و دین‌داری: چالش‌ها و تحلیل‌ها»، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی.
۸. حسینی، زهرا، (۱۳۹۸)، «رابطه بین استفاده از شبکه اجتماعی و مهارت اجتماعی دانشجویان»، فناوری آموزش و یادگیری، سال سوم شماره ۹.
۹. خدامیان آرانی، مهدی، (۱۳۹۱)، «معجزه از دست دادن»، ایران؛ قم، وثوق.
۱۰. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۴۱۳)، «تهذیب الاحکام»، دارالتعارف للمطبوعات، جلد ۳.
۱۱. غباری بناب، باقر، فقیهی، علی‌نقی، قاسمی پور؛ یدالله، (۱۳۸۶)، «آثار صله‌رحم از دیدگاه اسلام و روانشناسی و کاربردهای تربیتی آن»، دو فصلنامه تربیت اسلامی.
۱۲. فاضلی، عبدالعزیز؛ قاسمی، زهرا، (بی تا)، «نقش خانواده و رسانه در ترویج سبک زندگی اسلامی»، چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
۱۳. فتحعلی زاده، معصومه، «تحولات سبک زندگی در خانواده ایرانی»، اولین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اجتماعی، سایت سلویکا.
۱۴. فرقانی؛ محمدمهدی، مهاجری؛ ربابه، (۱۳۹۷)، «رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌ها اجتماعی مجازی و تغییر در سبک زندگی جوانان»، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال چهارم، شماره ۱۳.
۱۵. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، «اصول الکافی»، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۶. میر خندان، سید عبدالله، (۱۳۹۸)، «سرگرمی اخلاقی در سبک زندگی اسلامی»، میراث فرهیختگان، تهران؛ ایران.
۱۷. یعقوبی، مریم، (۱۳۹۹)، مرکز اطلاع‌رسانی داروها و سموم معاونت غذا و داروی علوم پزشکی کاشان. (تاریخ استفاده از سایت ۱۳ فروردین ۱۴۰۰).
18. Alkhatib, A. (2020). Antiviral functional foods and exercise lifestyle prevention of Coronavirus. *Nutrients*, 12(9), 2633.
19. Carr, D. Boerner, K. & Moorman, S. (2020). Bereavement in the time of coronavirus: Unprecedented challenges demand novel interventions. *Journal of Aging & Social Policy*, 32(4-5), 425-431.
20. Ratten, V. (2020). Coronavirus (Covid-19) and entrepreneurship: cultural, lifestyle and societal changes. *Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies*.
21. Romanoff, B. D. (1998). Rituals and the grieving process. *Death studies*, 22(8), 697-711.
22. Walsh, R. (2011). Lifestyle and mental health. *American Psychologist*, 66(7), 579.



فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال چهارم، شماره ۳ (پیاپی: ۱۶)، تابستان (شهریور) ۱۴۰۰

رویکردی کارکردی در بررسی جادو

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۹

کد مقاله: ۹۷۳۳۴

امید ابرقوئی^۱

چکیده

در بررسی هر پدیده اجتماعی از سه عنصر مهم بحث می‌شود: چیستی، چرایی و چگونگی. در چیستی سخن از تعریف و تحدید پدیده می‌مد نظر به میان می‌آوریم، در چرایی به پیدایش یک پدیده پرداخته می‌شود و در چگونگی بر نحوه تکاملی متمرکز می‌شویم. با کنار هم قرار دادن این سه عنصر می‌توان به کارکرد یک پدیده اجتماعی پی برد. هدف نوشتار حاضر آن است تا پدیده جادو را به مثابه یکی از کهن ترین عناصر فرهنگ بشری، از دریچه این سه وجه بررسی و نگاهی کوتاه اما مفید به وجوه کارکردی آن داشته باشد.

واژگان کلیدی: جادو، کارکرد، پدیده، چیستی، چرایی، چگونگی

۱- دانشجوی آموزش علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان، oabarghooe@gmail.com

۱- مقدمه

در لومه پایتخت کشور توگو در غرب آفریقا، بازاری وجود دارد که آکودسوا^۱ نامیده می‌شود. این بازار، محلی برای ارائه شیوه های جادویی توگویی ها موسوم به وودو^۲ است. وودو سیستمی جادویی است که در میان بخش قابل توجهی از مردمان توگو، غنا، نیجریه، هائیتی و بنین در قاره آفریقا رواج دارد. آیین وودو در اصل مجموعه ای از سنت های جادویی، اوراد، نمادها و باورهای آفریقایی است که در قرن هجدهم زمانی که هائیتی مستمره فرانسه بود نظام یافت و مدتی بعد در اثر نفوذ و ورود مسیحیت کاتولیک با آن آمیخته شده و به صورت یک سیستم ناخالص درآمد (میتفورد، ۱۹۹۶).

در سیستم پیچیده وودو در راس سلسله الهیتی متعال یا رئیس بزرگ^۳ قرار دارد. پایین تر از رئیس بزرگ، تعدادی لوا^۴ وجود دارد که روح های شخصیت های بزرگ در گذشته همچون روحانی های بزرگ یا قهرمانان هستند. این لواها نمادی از وجوه مختلف دنیای طبیعی همچون سلامتی، مرگ، جنگل ها می باشند که به دو گروه تقسیم میشوند، گروه اول رادا (یا ارواح نیکو) نامیده میشوند که جادوی سفید با آنها پیوند میخورد و از آنها برای مقاصد خیر همچون درمان بیماری ها کمک گرفته میشود اما گروه دوم پتروها (ارواح خبیث) هستند که با جادوی سیاه ارتباط دارند و در نتیجه از آنها برای مقاصد شر از قبیل صدمه زدن به دیگران و انواع مصیبت ها کمک گرفته میشود (همان). در آیین وودو رقص و موسیقی نقش مهمی را ایفا میکند (استاین و استاین، ۲۰۰۵) و از آنجایی که طبیعت مایه اصلی آن به حساب می آید، موجودات طبیعی (همچون اعضای خشک شده جانوران و گیاهان) نقش قابل توجهی در مراسم ها و پیشروی آیین ایفا میکنند.

آکودسوا که ابتدای متن بدان اشاره شد بزرگترین بازار زنده مرتبط به آیین وودو محسوب میشود. در این بازار عجیب، بر روی میزهای چوبی بزرگی صدها مجسمه، استخوان، شاخ و بقایای مختلف دیگر حیوانات قرار گرفته است (پالایو، ۲۰۱۴). روحانیان و واسطان همچون پزشکان به افراد متقاضی کمک خواهند کرد تا متناسب با مشکلی که دارد وسیله ی مورد نیازش را تأمین کند. پای فیل، شاخ گوزن، پنجه میمون، پوسته لاک پشت، پوست مار تنها نمونه هایی از تنوع غریب جانوری در آکودسوا محسوب میشود؛ اما وودو فقط مجموعه ای از آیین های جادویی که عده ای از افراد سودجو و یا خرافه پرست برای رسیدن به اهداف خود بدان متوسل بشوند نیست، در حقیقت وودو نقش قابل توجهی را در حفظ انسجام و پیش برد زندگی پیروانش ایفا میکند.

در سال ۲۰۱۰ میلادی، در کشور هائیتی زمین لرزه ای به قدرت هفت ریشتر اتفاق افتاده که خسارت های جانی و مالی بسیاری را برای پایتخت این کشور، پورتو پرنس ایجاد کرد. شدت و خسارت این زمین لرزه به حدی بود که سازمان ملل این رخداد را «بدترین فاجعه سال ۲۰۱۰» اعلام کرد (پرچی، ۲۰۱۰). در این میان آیین وودو در یکپارچه سازی مردم زلزله زده هائیتی نقش مهمی را ایفا کرد. در سیم وودو بلایای طبیعی همچون زلزله ناشی از آزاد شدن نوعی انرژی است (آستیر، ۲۰۱۰). چنانکه در مقاله حاضر بررسی خواهد شد، جادو به عنوان عنصری فرهنگی کارکرد مهمی در جامعه بشری داشته که این کارکرد چیزی جدا از روزمرگی موقعیت های اجتماعی انسان نبوده است. این کارکرد هم از منظری روانی-عاطفی و هم از منظر عقلایی حائز اهمیت است.

۲- مفهوم شناسی " Magic-Sorcery-Witchcraft "

واژه مجیک^۵ که جادو ترجمه شده خود از ریشه فارسی مخ^۶ گرفته شده است (براتی، ۱۳۹۶؛ وبر، ۱۹۲۰). این امر ظاهراً ناشی از آن می شود که غربی ها پیشینه جادو را مرتبط به ایرانی ها می دانند و گاهی از زرتشت به عنوان نخستین جادوگر یاد شده است (براتی، ۱۳۹۶). در نقطه نگاه انسان شناسی و جامعه شناسی مجیک آیین هایی است که فرد با انجام آن ها امور ماورایی^۷ را مجبور به انجام کارهای خاصی میکند (استاین و استاین، ۲۰۰۵). از این منظر در موارد زیادی میان magic با sorcery و witchcraft تفاوت قائل شده اند.^۸ «سورسری» را مرتبط به ذات عمل جادویی دانسته اند که نوعی باور نسبت به دستکاری در طبیعت است. همچنین از این واژه به طور کلی در معنای جادو (با هر نوع قصدی) استفاده شده است. «ویتچکرفت» واژه جدید الوصف تری محسوب می شود و آن را در مواضع متعددی برای اعمال جادویی با مقاصد شیطانی و بد وصف کرده اند، یعنی همان چیزی که

1. Akodessewa
2. Voodoo
3. Gran met

۴. به معنای راز یا سر

1. Magic
2. Magus
3. Supernatural

۴. در زبان فارسی معادل های صریحی وجود ندارد که بتوان با استفاده از آنها این سه واژه را نام گذاری کرد فلذا به ناچار برای توضیحاتی که در ادامه آورده می شود از خود این واژگان استفاده خواهیم کرد.

جادوگران^۱ در قرون وسطی به آن متهم بودند (همان). تمایز میان این سه واژه گاهی پیچیده می‌شود. در تمایز میان دو عمل سورسری و ویتچکرفت میتوان از پژوهش کلاسیک پریچارد^۲ بهره گرفت.

طبق تحقیقات پریچارد در میان قبایل آزانده^۳ در شمال آفریقا، مردمان این قبایل اساساً تمایزی مهم برای دو حالت جادو قائل هستند (آزادگان، ۱۳۸۶). در نگاه مردم آزانده ویتچکرفت (یا مانگو^۴) چیزی است که در بدن جادوگر وجود دارد. این ماده و قدرت از طریق رابطه جنسی و توارث منتقل می‌شود و همواره از طریق یک جنس به جنس دیگر منقل می‌شود بنابراین اگر پدری مانگو داشت، دختر او این ویژگی را از او به ارث نخواهد برد (پریچارد، ۱۹۳۷). نکته‌ی مهم دیگر آن است که طبق باور آزانده ای ها ویتچکرفت روشی برای شر و بدی تلقی می‌شود که عمدتاً به زنان و قدرت درونی آنان مربوط است در حالی که آنها گونه‌ی دیگری از جادو را باور دارند که معادل با همان سورسری است و این مرتبه از جادو را مرتبط با ابزار و شیوه‌های اکتسابی جادوگر میدانند که میتواند برای رسیدن به مقاصد خیر همچون درمان امراض به کار برود (آزادگان، ۱۳۸۶). فروید میان سورسری و مجیک تفاوت قائل می‌شود. به عقیده او سورسری فن تأثیر بر ارواح از طریق جلب آنها و تحمیل اراده بشری به آنهاست در حالی که مجیک با آئیمیس ارتباط دارد و نوعی نظام نمادین است (فروید، ۱۹۱۳).

باری، در مواقع زیادی اساساً مرز خاص و واضحی میان این سه واژه وجود ندارد به نحوی که همه‌ی آنها را برای توصیف همان «جادو یا سحر» به معنای مجموعه‌ای از توانایی‌های خاص برای مقاصدی در نظر گرفته‌اند. نظر نگارنده بر این است که با توجه به قرابت معنایی وسیع تر لغت مجیک، استفاده از آن در حالتی که هدف نگاهی به کلیت پدیده جادویی باشد، بهتر است و مراد ما از جادو در نوشتار حاضر، همان مجیک است. (البته به جز قسمتی که به سبب پرداخته شده است) همچنین ما در این نوشتار به جای مجیک از همان معادل زبان فارسی یعنی جادو استفاده خواهیم کرد.

۲- پیشینه بررسی جادو و جادوشناسی

بخش بزرگی از مردم هنگامی که واژه جادو را می‌شنوند، تصور غیب شدن اشیا یا موجودات در مقابلشان را دارند (استاین و استاین، ۲۰۰۵). گروهی دیگر که شامل بخش قابل توجهی از روانشناس‌های جدید نیز می‌شوند، جادو را مرتبط با خرافات سرتاپا اشتباهی میدانند که ناشی از اشتباهات ذهنی و فکری بدویان و تمسک آنان به خیال و اوهام برای توجیه وقایع پیرامون دیدگاه خود بوده است؛ اما هیچکدام از این دیدگاه‌ها نمی‌تواند گستردگی، پیچیدگی و تحول پدیده جادو را در حالت اکمل و دقیق توضیح بدهد. مسلماً جادو را نمی‌توان پدیده‌ی جدا از بستر فرهنگی و کارکرد آن مورد تحلیل قرار داد و وارد کردن قضاوت‌های ذوقی در بررسی علمی پدیده‌ها خطر وارد شدن به دره تقلیل گرایی و قوم مداری را ایجاد می‌کند.

جادو مقوله‌ای عمیقاً ناپایدار است. در بیشتر شرایط معمولاً توسط مقامات مختلف (مذهبی، حقوقی، فکری) تعریف شده است که یا مخالف یا دست کم با توجه به عقاید شخصی خود دست به تعریف و حتی تحریف آن زده‌اند. این تعاریف به طور چشمگیری در طول زمان و بین فرهنگ‌ها متفاوت بوده است و این بی‌ثباتی عمیق تر می‌شود زیرا حتی در یک جامعه معین همه افراد جادوگری را لزوماً بخشی از یک سیستم منسجم و واحد نخواهند دید و یا اینکه تمام آن را بپذیرند (بیلی، ۲۰۰۶). سخن و تلاش برای بررسی جادو و علوم غریبه^۵ پیشینه بلندی دارد. اندیشمندان و نویسندگانی نام آشنا در دوران باستان و دوران پسا کلاسیک که هنوز علومی مثل مردم شناسی و جامعه شناسی به صورت مدون و ساختاریافته ایجاد نشده بود به تحلیل چیستی جادو و اشکال آن پرداخته بودند اما عمدتاً با فراتر از این دو مورد نگذاشته و مثلاً به تحلیل چگونگی پیدایش جادو یا کارکرد آن در جوامع بشری توجهی نداشته‌اند. بخش بزرگی از این افراد، با توجه به نگاه ایدئولوژیک - مذهبی که به جادو داشته‌اند و به علت تقبیح مذاهب مسیحیت و اسلام، این عمل زشت و قبیح را ناشی از دور شدن از خداوند و تمسک به روش‌های شیطانی دانسته‌اند. در نتیجه گاهی حتی به مرحله بررسی علمی وارد نشده‌اند.

اکثر اندیشمندان کلیدی یونان باستان از فلاسفه‌ای همچون افلاطون و تالس گرفته تا فیثاغورت ریاضیدان به امور جادویی باور داشتند و حتی بحث‌هایی را در این زمینه‌ها انجام داده‌اند (سلیگمن، ۱۹۴۸)؛ مثلاً افلاطون معتقد بود نفس که منشا امور جادویی و در پیوند با آن است از جسم کهن تر و والاتر است. به اعتقاد او نفس از سه عنصر تشکیل شده است: عنصر غیر قابل تفکیک که مرتبط با علویت است، عنصر قابل تفکیک که به زمین برمیگردد و عنصر سومی که از ویژگی‌های هردو بهره‌مند است و آن دو عنصر دیگر را به هم ربط می‌دهد (همان).

5. Witches
6. Pritchard
7. Azande
8. Mangu
1. Occlut

در سده های میانه، بدبینی ها که ناشی از مخالفت صریح مسیحیت و کلیسا با جادوگری به عنوان جزئی از آیین پاگانی^۱ بود، گسترش یافت. دانت (۱۳م) در کمدی الهی جادوگران نزدیک به دوره خود را در دوزخ قرار داده و سرنوشت آنها را عذابی ابدی وصف کرده است. «و این زنان بلاکش را بنگر که سوزن و دوک و چرخ خیاطی را هشتند و به غیغویی پرداختند تا با علف ها و نقش و نگارها عزائم بسازند» (دوزخ، سرود بیستم؛ ۳۴۶). اندیشمندان مسلمان نیز با توجه به اشاره صریح قرآن^۲ به وجود جادو و تاثیر گذاری آن و همچنین مشاهدات و شنیده ها سعی کرده اند تا باب هایی را در زمینه جادو و علوم غریبه بگشایند. اگرچه کوشش های آنان عمدتاً از توصیف فراتر نمی رود.

ابن ندیم در گزارش خود از ساحران ذکر میکند که جادو به دو طریق الهی یا شیطانی صورت میگیرد؛ گروهی سحر را در راستای اطاعت از خداوند و یاری از قدرت او برای تسلط و به کارگیری نیروهای ماورایی به کار میگیرند. او سلیمان نبی را نخستین کسی میدانند که از این راه بهره گرفت. گروهی دیگر باور به این دارند که با انجام اعمال زشت و ضد خدا همچون قربانی کردن و انجام محرمات شیاطین را بنده خود میکنند (ابن ندیم، ۳۷۷ ق). او در ادامه اشاره به تفاوت های روش های مختلف سحر در نزد اقوام مختلف (هندیان، چینی ها، ترک ها و...) دارد و از این جهت نگاهی نسبی گرا نسبت به پدیده جادو دارد.

ابن خلدون (۷۵۶ ق) در اثر خود «مقدمه»، دیدگاه روشن تری را ارائه میدهد. به اعتقاد او جادو استعداد های نفوس بشری است که بوسیله تاثیر کردن در عالم توانا میشود. این تاثیر گذاری نفس بر عالم میتواند سه صورت داشته باشد:

– گاهی بدون کمک ابزار و واسطه ها اتفاق می افتد که آن را ساحری میدانند.

– گاهی با کمک ابزار و واسطه ها رخ میدهد که همان طلسمات است.

– و گاهی عمل جادویی صرفاً تاثیر در قوای ادراک و بصر مخاطب است و فریفتن حواس از طریق روش هایی خاص است که آن همان شعبده یا چشم بندی است.

مشکل این گونه تحلیل ها از جادو که تا پیش از پیدایش انسان شناسی، جامعه شناسی و روانشناسی – که آغاز بررسی سیستماتیک و علمی این پدیده بود- غالب بود، دو چیز است: اول آنکه محققان نگاهی ایدئولوژیک و مذهبی به قضیه جادو داشتند و نتیجتاً آن را از نقطه نگاه مذهبی تحلیل و نهایتاً تکفیر میکردند. دومین مسئله محدود بودن پژوهش های صورت گرفته و پراکندگی آنها بود، حتی ابن خلدون که از پیشگامان جدی تحلیل اجتماعی به شکلی سیستماتیک محسوب میشود، متأثر از باورهای رایج و محدودیت دانشی زمان به توصیف وقایعی خاص و تقسیم بندی هایی از جادو بسنده میکند. البته باید به شرایطی زمانی و مکانی این اندیشمندان و نویسندگان توجه کرد که از طرفی با توجه به سلطه کلیسا در غرب و حکومت اسلامی در شرق نوعی محافظه کاری ایجاد میکرده و از طرف دیگر، محدودیت دانشی و تکنولوژیک باعث سخت تر شدن کار می شده است.

۳- آغاز مطالعات علمی در شناخت جادو

از قرن هفدهم میلادی با انتشار سفرنامه ها گرایش به تطبیق و بررسی فرهنگ ها تشدید می شود (ریوبر، ۱۹۹۹). در طول قرن نوزدهم جمعیت های علمی و انجمن های مردم شناسی گسترش می یابند و گروهی – که تحت تاثیر پیشرفت های طبیعت شناسی بودند- به بررسی انسان، فرهنگ و مراحل جوامع بشری می پردازند. مهم ترین پیشگامان مطالعه جادو و جادوگری دو انگلیسی به نام های تایلور^۳ و فریزر^۴ بودند. تایلور و فریزر هر دو تصورگرا بودند. طبق باور این گروه همان طور که در جهان طبیعی می توان شاهد گوناگونی انواع و تکامل پیوسته در محیط بود، جهان انسانی سیر تعاملی را از سادگی (بدویت) تا پیچیدگی (تمدن و مدرنیته) طی کرده است (پیشین). نوع نگاه آنان به جادو مثال خوبی بر شیوه فکری آنان محسوب می شود.

تایلور باور داشت که نظام فکری انسان در سه مرحله اساسی جاندارانگاری، دینی و علمی شکل گرفته است. او مرحله اول یعنی جاندارانگاری^۵ را مرتبط با جادو میدانست. جادو نوعی از منطقی فکر کردن است اما این فکر کردن بر پایه مقدمات و مواد اشتباه ریخته شده است (استاین و استاین، ۲۰۰۵). جادو ایجاد رابطه غلط بین رخداد های طبیعی و علت های غیر طبیعی (مرتبط با ذهن ما) میباشد؛ بنابراین نوعی تداعی ایجاد میشود که به اشتباه وقوع یک رخداد به رخداد دیگر ارتباط داده می شود (تایلور، ۱۸۷۱). به عنوان مثال فردی در قبیله بیمار میشد و اعضای دیگر قبیله با یک رویکرد منطقی (همانگونه که تایلور میگفت) در تلاش برای درمان او متوسل به جادو میشدند. آنها با اجرای مراسم ها و روش های خاصی نهایتاً به نتیجه مطلوب (به زعم خود) میرسیدند و در نتیجه جادو را روشی برای درمان امراض – که علت طبیعی داشت – می دانستند. در صورتی که این علت دهی کاذب

۲. مجموعه ادیان غیر ابراهیمی که متکی بر چند خدایی و شرک هستند.

۳. بارزترین آن، آیه ۱۰۲ سوره بقره است.

1. Tylor
2. Frazer

۳. animism. باور به وجود روح در عناصر موجود در طبیعت

بود زیرا بیماری که در نتیجه گذر زمان (علت طبیعی) درمان میشد، در اثر تداعی معانی جادو اینگونه تلقی شده بود که به خاطر طلسم ها یا تعویذها شفا یافته است.

فریزر کار تیلور را ادامه میدهد و معتقد بدان بود که جادو نوعی از شبه علم است (استاین و استاین، ۲۰۰۵). او در اثر دوران ساز خود «شاخه زرین»^۱ که محل بحث و استفاده بسیاری از پژوهشگران بعد از خود بوده است، به تحلیل جامعی از نقش جادو و دین در جوامع بشری پرداخته است. به اعتقاد فریزر جادو نتیجه چیزی بوده که او قانون سمپاتیک^۲ مینامد (فریزر، ۱۸۹۰). او این قانون را به دو بخش تقسیم میکند:

اگر اصول تفکری را که مبنای جادو است بکاربیم، احتمالاً خواهیم دید که به دو بخش تجزیه می شود: نخست این که هر چیزی همانند خود را می سازد یا هر معلولی شبیه علت خود است، و دوم این که چیزهایی که زمانی با هم تماس داشتند، پس از قطع آن تماس جسمی، از دور بر هم اثر می کنند. اصل اول را می توان قانون شباهت^۳ و دومی را قانون تماس یا سرایت^۴ نامید. جادوگر از اصل نخست یعنی قانون شباهت نتیجه می گیرد که می تواند هر معلول دلخواهی را فقط با تقلید آن ایجاد کند. از دومی نتیجه می گیرد که با یک شیء مادی هر کاری که بکند، اثری مشابه روی شخصی که زمانی با آن شیء تماس داشته است خواهد نهاد. افسون های مبتنی بر قانون شباهت را می توان جادوی هومیوپاتیک یا تقلیدی نامید. افسون های مبتنی بر قانون تماس یا سرایت را نیز جادوی واگیردار می نامیم. در یک کلام جادو نظام جعلی قانون طبیعی و هم چنین راهنمایی فریبده ی تماس است (فریزر، ۱۸۹۰؛ ۸۸).

نمونه ای از قانون شباهت را میتوان در جادوی تصویر دید (استاین و استاین، ۲۰۰۵). تصور بر این است که با سوزاندن تصویر فردی میتوان به خود او صدمه ای وارد کرد. جادوی مو و ناخن نمونه ای برای قانون سرایت به شمار می رود. بخشی از گفتار زرتشت و اهورا مزدا در کتاب وندادید مبین همین قضیه است:

زرتشت از اهوره مزدا پرسید: ای سپندترین مینو! ای دادار جهان استومند! ای اهوره مزدا! ای اشون! کدام است مرگ آورترین کردار مردمان که نیروی رنج آور دیوان را تا نیازآوری برای آنان برگردانده باشد؟ اهوره مزدا پاسخ داد: چنین کرداری آن است که کسی موی خویش را شانه زند یا بتراشد یا ناخن های خود را بگیرد و موی و ناخن از تن جدا شده را در گودال یا شکافی بریزد (فرگرد چهاردهم).

پژوهش فریزر با وجود تاثیرگذاری اش مورد نقدهایی قرار گرفت. ویتگنشتاین (۱۹۳۹) در یادداشتی که بر شاخه زرین می نویسد، به فریزر خرده میگیرد که نوع نگاه او نسبت به قبایل بدوی اندیش قوم مدار است و او با در نظر نگرفتن مختصات زبانی هر دوره، مسئله را اشتباه متوجه شده است. موس میگوید که بر خلاف ادعای فریزر او لا هر جادویی سمپاتیک نیست ثانیاً سمپاتیک هایی وجود دارد که اصولاً جادو تلقی نمی شود. او بعضی مراسم های دینی را مثال می زند که با وجود سمپاتیک بودن، جادویی نیستند (موس، ۱۹۰۲). در ادامه بررسی های علمی جادو و جادوگری، دورکهایم، موس و مالیونوفسکی سعی کردند تا با تلفیق مردم شناسی و جامعه شناسی و اتخاذ رویکردی کارکردی به جامعه، تحلیلی چند جانبه تر را ارائه بدهند.

دورکهایم با متمرکز شدن بر قواعد و چهارچوب های جمعی به تحلیل جادو پرداخت. جادو طبق نگاه او بازتابی از خواسته های فردی بوده است. به همین جهت به باور او اساساً جادو گرچه میتوانسته بازتابی از خواست قبیله یا جامعه بوده باشد (مثلاً اجراییجادی اعضای قبیله برای بارش باران) اما در نهایت این رخداد بازتابی از فردگرایی بوده است و این دقیقاً بر خلاف مذهب است.

«در تمام تاریخ هیچ مذهبی را بدون کلیسا پیدا نمیکنیم، هیچ کلیسای جادو وجود ندارد» (دورکهایم، ۱۹۱۳؛ ۶۰). موس (۱۹۰۲) در ادامه کار دورکهایم، انزوا و رازداری را دو نشانه جادو می داند و معتقد است جادو بر اساس بسترهای اجتماعی تعریف می شود؛ بنابراین ارائه تعریف واحد از جادو مطلوب نیست.

مالینوفسکی که پیشگام مشاهده مشارکتی^۵ محسوب میشود، به محققان دیگر (همچون تیلور و فریزر) دو خرده اساسی میگیرد؛ اول آنکه ما نمی توانیم به صرف خوانده ها و شنیده های خود به صدور حکم در باره منشا و حدود جادو بپردازیم. ثانیاً جادو را نباید فقط بر اساس اشتباه علی (گفته تیلور) یا جدایی آن از زندگی روزمره تحلیل کرد. مالینوفسکی معتقد است که جادو باید از دریچه کارکرد و هدف تحلیل بشود (مالینوفسکی، ۱۹۲۵). تحقیقات او در میان مردمان ملانزیایی^۶، او را بدین رهنمون کرد که اولاً جادو پدیده ای مقطعی است، بدان معنا که جادو زمانی به وسط می آید که خطری جدی یا وضعیتی خاص در پیش باشد. او مثال میزند که هنگامی که ملانزیایی ها قصد ماهیگیری در دریاچه ها و آب های بی خطر داشته باشند از جادو خبری نیست و آنها صرفاً به مهارت های عملی خود تکیه میکند اما هنگامی که قصد رفتن به دریای آزاد و آب های خطرناک را داشته باشند آیین های جادویی گسترده ای انجام می شود. تز دیگر مالینوفسکی آن است که جادو یک کارکرد است. کارکرد جادو بدان معناست که جادو فقط جلوه ای از توهم بشری نیست بلکه در کنار عوامل دیگری (همچون علم و مذهب) نقشی قابل توجه را در ساماندهی به

1. The golden bough
2. Law of sympathy
3. Law of similarity
4. Law of contagion

۱. participant observation: حضور و مشارکت محقق در جامعه مورد مطالعه

2. Melanesians

زندگی روزمره و تامین های اقتصادی یا خانوادگی بدویان و بدوی اندیش ها ایفا کرده است (پیشین). در نتیجه جادو برای بدویان عاملی وحدت بخش محسوب می شود. وبر (۱۹۲۰) در دیدگاهی شبیه به مالتی‌فوسکی معتقد است که کنشی عقلانی در پس جادو در میان است و فرد در فرایند جادو، میان عادی بودن (طبیعی بودن) یا عادی نبودن پدیده های اطرافش تمایز قایل است. او مثال می آورد که هر سنگی نمیتواند وسیله ی جادو باشد یا هر گیاهی خاصیت جادویی نداشته و این امر بازتابی از توانایی تمایزگذاری ذهنیت بدوی است؛ بنابراین او معتقد است که نباید تفکر جادویی از کنش و عقلانیت زندگی روزمره جدا کرد.

جدول شماره ۱- دیدگاه ها در تعریف جادو

متفکر	تعریف از جادو
ابن خلدون	تاثیر کردن استعدادهای نفوس بشری در عالم
تایلور	نوعی رابطه علی کاذب
فریزر	نظام جعلی قانون طبیعی و راهنمایی فریبنده تماس
دورکهایم	مناسکی متکی بر فردیت
موس	مشخص شدن بر اساس بستر اجتماعی
مالتی‌فوسکی	نوعی واکنش در موقعیت های خاص برا رسیدن به هدفی
وبر	کنشی در پیوند با زندگی روزمره

۴- تلاش برای فهم منشا جادو

از دیرباز احساسی در بشر ایجاد شد که او با موجوداتی ماورایی و غیر مادی روبه روست و در این راستا جادوگری را سلاحی هم برای محافظت خود و هم کنترل آن نیروها دید (سلیگمن، ۱۹۴۸). از جمله سوال های مهم این است که چگونه باید شکل گیری این گونه احساسات و باورها را در بشر تبیین کرد. مسلماً عواملی در کار بوده است. به دلیل محدودیت دانش ما از یک سو و پیچیدگی و گستردگی پدیده ی چون جادو از طرف دیگر، نخواهیم توانست تا با قطعیت به پیدایش جادو بپردازیم؛ بنابراین سعی بر آن بوده و هست تا با استفاده از مجموعه ای از وقایع و تجربیات، به حدس ها و نظریاتی در این راستا رسید.

تایلور چنانچه خواندیم، باور داشت که نظام جادویی، نظامی کاذب است. او معتقد بود که ریشه شکل گیری جادو (و بعدتر دین) در مواجه بشر با رخدادهای غریب و متحیر کننده برای او بوده است (تایلور، ۱۸۷۱). مواجه با مرگ و رویا در راس این رخدادهای غریب برای نیاکان ما بوده است. تلاش برای درک این وقایع منجر شد تا بشر قائل به دو نوع هستی بشود. یکی همان جسم یا صورت ظاهری که مربوط به بیداری میشد و دیگری همان باطن یا روح که به خواب و مرگ ربط داشت. این جاندارانگاری در ابتدا جادو و بعدتر دین را گسترش داد.

فریزر معتقد بود جادو به مثابه ابزاری در راستای تامین نیازهای طبیعی شکل گرفته که در نتیجه دانش کم بدویان و خیال پردازی و کودکانه بودن آنها (از لحاظ فکری و در قیاس با دوره های بعدی) باعث این توهّم میشده که بشر مستقیماً در طبیعت قدرت دخالت دارد (فریزر، ۱۸۹۰). این ساده اندیشی بعد تر جای خود را به مذهب داد و خود مذهب نیز چون عناصر جادویی عمده ای به میراث برده بود نهایتاً مغلوب علم شد.

فروید با تائر از تیلور و فریزر، معتقد است که منطبق با مراحل سه گانه جاندارباوری، مذهبی و علمی، روان بشر نوعی تحول پیدا کرده است. مرحله اول که تفکری آنیمیستی است منطبق با مرحله خودشیفتگی^۱ است (فروید، ۱۹۱۳). در این مرحله انسان را قدرت مطلق ذهنیات پیش میراند. افراد خودشیفته خودبزرگ بین و بی علاقه به دنیای بیرون هستند. به همین خاطر انسان ها در مرحله تفکر جادویی و آنیمیستی، خود را محور طبیعت قرار میدهند و روابط شان با اشیا و دنیای بیرونی را در خیال خود حفظ کرده اند، پس ابژه های خیالی در خاطراتشان را جایگزین ابژه های واقعی کرده اند یا آنها را با هم درآمیخته اند (فروید، ۱۹۱۴). برون فکنی بشر البته فقط ناشی از خودشیفتگی یا ناآگاهی او نبوده بلکه تلاشی برای حل کشمکش های عاطفی بوده است. فروید می نویسد: «ما به قبول این نکته باید قناعت کنیم که تمایل به برون افکنی، وقتی که این عمل متضمن سبکبار شدن نفس باشد، کسب شدت می کند. سبکبار شدن در مواردی که امیال برای بدست آوردن قدرت مطلق به کشمکش با یکدیگر می پردازند، امری مسلم است. تردیدی نیست که در حالت کشمکش، همه آن امیال نمی توانند قدرت مطلق را به چنگ آورند» (۱۹۱۳؛ ۸۷)؛ بنابراین از نگاه فروید جادو نوعی برون فکنی ذهنی و نتیجه خودشیفتگی و تلاش بشر برای رهایی از عواطف و سرکوب ها بوده است.

موس می گوید جادو از آنجایی سرچشمه میگیرد که استعاره ها و نمادها به جای واقعیت نشانده شده است. جادوگران با اطلاق ویژگی های بیرونی به اشیا باعث شده اند تا نوع نگاه گروهی خاص به وقایع که تبدیل به ماهیت آنان شود. در جادو خصلت هایی فرعی و کم اهمیت به عنوان ویژگی های برای تعیین و سنجش قرار میگیرد؛ مثلا سختی شی، نامش، کمیاب بودن و یا حضورش در نقطه ای خاص باعث شده تا ارتباط آن با موارد دیگری (از قبیل شفادهندگی یا پلیدی) ربط داده شود در صورتی که این حالت ها (خصلت ها) بر پایه تصادف است. (موس، ۱۹۰۲).

جدول شماره ۲- دیدگاه ها در پیدایش جادو

متفکر	پیدایش جادو
تایلور	مواجه با رویدادهای غریب همچون مرگ و رویا
فریزر	دانش پایین انسان بدوی
فروید	برون فکنی ذهنی و خودشیفتگی
موس	نشان دادن استعاره ها جای واقعیت

۵- تحلیلی از جادو، کارکردی دو وجهی

تا بدینجا در باب چیستی و چرایی پدیده جادو و تلاش های متفکران در این زمینه سخن رانیدیم. همچنین از دل بررسی این دو مورد، روند تکاملی این پدیده در تعریف و تحلیل های آن توجه شد. جادو از باورهای ریشه میگیرد، ابزارهایی به کار میبرد و برای هدفی سازمان می یابد؛ بنابراین جادو سه ضلع اصلی باور، ابزار، هدف را در خود دارد که این سه در کنار جادوگر نظام جادو^۱ را تشکیل می دهد. گرچه ممکن است گاهی ضلع دوم یعنی ابزار حذف شود، چنانچه در مورد آزانده ای ها و باورشان درباره جادوی درونی گروهی از جادوگرها صدق میکرد. جادو را به نباید به عنوان وسیله ای در راستای سرزنش بدوی یا ناعقلانی بودن او به کار بست. مواجه بشر با کمترین امکانات و شناخت از جهان پیرامون خود در مرحله ای که دیر زمانی از تکامل او نمی گذشت، باید در بستر و زمان خود فهمیده بشود. «فقط بر طبق شرایطی که اعمال در آن انجام میشود میتوان قضاوت کنیم که این اعمال ناشی از غریزه و خرد بوده یا از پیوستگی تصورات ناشی میشود (داروین، ۱۸۷۱؛ ۷۴). توانایی ذهن بدوی گرچه در حد و اندازه های امروز نبوده است اما این نمیتواند ما را به این نتیجه برساند که عمل او انحصارا از ناخودآگاه یا سرکوب ها (چنانکه فروید متصور بود) ناشی شده باشد. جهان برای بدوی افزون بر آنکه ناشناخته ای تمام و کمال بود، ارتباط مستقیم با زندگی روزمره او ایفا میکرد. در جوامع مبتنی بر شکار و گردآوری خوراک، معاش از طریق پیوند مستقیم با طبیعت تامین میشد پس در اینجا هدف تامین نیاز است و هرکاری برای تامین نیاز که عمدتا مربوط به زندگی اقتصادی و حفظ سنت هاست اتفاق میفتد (گیدنز، ۱۹۸۶).

به نظر نگارنده، برای تحلیل جادو، از کارکرد^۲ آن باید بهره جست. این کارکرد به معنای نقش آن پدیده (در اینجا جادو) در یک سیستم کلی محسوب می شود؛ بنابراین این گمان که جادو نقش «یگانه ای» را در سیستم زیستی بشر- در هر جامعه و زمانی- ایفا کرده باشد، به خیال خامی می ماند. این کارکرد از دو منظر روانی و عقلانی قابل بررسی است.

۵-۱- کارکرد روانی

فروید در مقاله ای تحت عنوان «ناشناخته^۳» که در سال ۱۹۱۹ منتشر کرد، به دنبال توضیحی پدیده هایی برانگیزنده حسی همچون پدیده های روحی و ماورایی استفاده است. فروید در راستای شناخت امر غریب آن را چیزی میداند که درمانی پنهان بوده اما اکنون ظاهر شده است (اکو، ۲۰۰۷).

او در جایی از مقاله به توصیف تجربه ای جالب از خود در زمانی که در قطاری بوده، میپردازد:

« من در واگن خود به تنهایی نشسته بودم که تکان شدید قطار باعث شد تا در دستشویی مجاور باز بشود و مردی سالخورده، لباس شب به تن و کلاه مسافرتی به تن داخل وارد شد. گمان کردم که بعد از ترک دستشویی که بین دو کوپه قرار داشت، مسیر اشتباه را آمده و وارد کوپه من شده اما ناگهان و در عین ناراحتی و وحشت متوجه شدم فرد مزاحم جز انعکاس خودم در شیشه باز نیست» (فروید، ۱۹۱۹؛ ۱۷)

فروید این امر ناشناخته را به امیال سرکوب شده (به ویژه واپس زدگی های جنسی) مرتبط می داند. این عناصر سرکوب شده می تواند در هیئت لغزش زبانی، توهم و رویا بازگردند (اکو، ۲۰۰۷). ارواح، شیاطین و به طور کلی موجودات غیرارگانیک و جادویی، امرهای ناشناخته ای هستند که دیرزمانی (از کودکی) سرکوب شده باقی مانده و سرانجام در اثر تصعید یا به کارگیری قدرت

1. The magic system
2. Function
3. The uncanny

ذهنیات تبدیل به واقعیت‌هایی شده‌اند؛ در صورتی که چیزی بیشتر از کارکردهای روانی-عاطفی بشر نیست. این واقعیت‌های خیالی در ارتباط با رویدادهای توضیح‌ناپذیر تقویت می‌شود. رویداد توضیح‌ناپذیر زمانی اتفاق می‌افتد که مثلاً دیگر نمی‌توانیم اتاق یا خیابانی را که به خوبی می‌شناسیم تشخیص دهیم؛ حوادثی یکسان چندباره برای ما رخ می‌دهد و چیزی که گمان می‌کردیم کابوس باشد صورت واقعی می‌یابد، ارواح پدیدار شده و به برخی مظنون می‌شویم که به حسادت ورزیده و ما را چشم‌کرده‌اند (پیشین) بنابراین آن وجود تخیلی که ما را می‌ترساند یا نگران می‌کند تبدیل به به واقعیتی که در برابر ما قد علم کرده می‌شود و حالت‌هایی نمادین به خود می‌گیرد. ویلسون (۱۹۹۸) درباره مارها اشاره می‌کند که ادراک‌های ساده درباره مارها که ناشی از ترس وجودی از آنها است (نفرت و تشویقی توامان)، به پیدایش فروانی بی‌پایان انگاره‌هایی خاص با معنای خاص می‌انجامد. مار به شکلی نمادین در می‌آید و در تصاویر و نمادهای، از دوران باستان نقش مهمی را در فرهنگ بشری ایفا می‌کند.

۵-۲- کارکرد عقلایی

فروید چنانچه پیشتر ذکر شد، معتقد بود «در حالت خودشیفتگی انسان‌ها ابژه‌های خیالی در خاطراتشان را جایگزین ابژه‌های واقعی کرده‌اند یا آنها را با هم درآمیخته‌اند». این خودخواستگی و سرایت آن به دنیای اطراف گرچه بخش مهمی از پایه تفکر جادویی را برای ما روشن می‌سازد اما بر خلاف چیزی که فروید گمان می‌کرد جادو و به طور کلی تر تمسک به امور ماورایی، پدیده‌ای مطلقاً مرتبط با ذهنیات و واپس‌زدگی‌ها نیست بلکه در موارد زیادی ارتباطی نمادین با جهان پیرامون و زندگی روزمره دارد در نتیجه کنشی عقلانی می‌شود. در آسیای جنوب شرقی کشاورزان با انجام آمیختگی جنسی در جوار زمین‌های کشاورزی (که منبع اصلی گذران زندگی آنها است) گونه‌ای از جادوی تقلیدی متکی بر یک سیستم نمادین^۱ را انجام می‌دادند و این بدان جهت بود تا سرمشق و درسی به زمین داده بشود تا همچون آنان آبستن شده و محصول خوبی به بار بیایند. در جنوب و جنوب شرقی ایران اجنه که موجوداتی ماورایی تصور می‌شوند به صورت بادهایی وصف می‌شوند که درون جسم آدمیزاد می‌روند و به اصطلاح او را «هوایی» می‌کنند (براتی، ۱۳۹۶). این ماوراپنداری باد به جهت ارتباط نزدیک مردمان جنوبی با خلیج فارس و آب‌ها و به طبع کشتیرانی و اهمیت باد برای آنها می‌تواند باشد، بنابراین برای مثال در سیستان و بلوچستان - که بادخیزترین نقطه ایران محسوب می‌شود - از ۲۷ نوع باد یاد کرده‌اند. پس کارکرد باورهای جادویی نه فقط مرتبط با اصول ذهنی و یا پریشانی روانی، بلکه در ارتباط مستقیم با محیط جغرافیایی و فرهنگی مشهود است. شکل‌گیری جادو و مراسم‌های مربوط به آن خود به عنوان وسیله‌ای برای گذران زندگی مطرح است. پس به نظر نمی‌توان با بقین گفت که در پیدایش جادو کدام یک تقدم دارد؛ امر ناشناخته و فراقکنی ذهنی یا رویکرد ابزاری بشر.

جادو همانگونه که تایلور و فریزر گفته بودند شکل بدوی از اندیشیدن (گرچه غلط) محسوب می‌شد. این اندیشیدن ماورایی مسیر را برای اندیشیدن علمی در ادامه کار فراهم می‌کرد. کیمیاگری که امروز منسوخ شده است، نقش مهمی را در گسترش شیمی و تره‌های بعد از خود ایفا کرد (سلیگمن، ۱۹۴۸). حتی نیوتن که از بانیان علم جدید محسوب می‌شود، به کیمیاگری علاقه نشان داده است. تفکر اصلی کیمیاگری آن بود که می‌توان عنصری را به عنصر دیگر تبدیل کرد و این مسئله بعدها مسجل شد. گرچه بخش بزرگی از نظرات کیمیاگری در حد همان تفکر جادویی او باقی ماند من جمله آرزوی دیرین بشر برای تبدیل فلزات کم‌ارزش به طلا.

بعد از تمام این سخنان، با اینحال ما می‌توانیم شاهد موارد قابل توجهی از دگردیسی باورهای مربوط با جادو به پدیده‌های دیگری همچون علم (یا دین) باشیم. این قضیه نظرات دورکهایم و موس مبنی بر دوری‌گزینی که ویژگی اجتماعی جادو می‌شمارند را تا حدودی زیر سوال می‌برد یا حداقل می‌تواند مثال‌های نقضی برای نظرات او فراهم کند. گرچه فردی بودن جادو نکته‌ای است که به عنوان یکی از تفاوت‌های اصلی جادو و دین ذکر شده است اما همیشه این مرز حفظ نمی‌شود. همچنین هدفمندی عمل جادویی - یعنی سخن مالینوفسکی - نیز در مواردی قابل نقض است. در ادامه مثالی از محفل سبت بررسی می‌شود تا پیچیدگی‌های عمل جادویی در عمل بیش از پیش مشخص شود.

۶- محفل سبت، نمونه‌ای از جادوی جمعی

محفل سبت^۲ که در قرن ۱۵ ام میلادی پدیدار می‌شود، نمونه‌ای از جادوی جمعی و به هم ریختن مرزهای مناسک و اهداف که مرز میان دین و جادو را تعیین می‌کرد محسوب می‌شود. سبت مجلسی شیطانی بود که ساحره‌ها (که عمدتاً زنان بودند) علاوه بر طلسم و جادو و تقدیم قربانی، به هم‌خوابگی و خوشگذرانی با شیطان می‌پرداختند (اکو، ۲۰۰۷). طبق گزارش یکی از جادوگرانی که خود در این محفل حضور داشته، ۱۰ هزار نفر در یکی از مراسم‌ها حضور داشته‌اند (دانشنامه بریتانیکا). گرچه این رقم تخیلی به

1. Symbolic system

نظر میرسد اما حداقل میتواند دلالت بر کوچک نبودن این گروه داشته باشد. مراسم سبت زمانی که متهم به برگزاری اعمال کفر آلود و مبادله با شیطان شد، مورد غضب و تعقیب کلیسا واقع شد (سلیگمن، ۱۹۴۸). از جزئیات دیگر مربوط به این محفل که بگذریم، ما در نگاه به سبت (که یقیناً وجود داشته است)، میتوانیم هم وجوه سه گانه جادو (باورها، ابزارها و اهداف) را ببینیم و هم کارکردهای دو جانبه آن را مورد بررسی قرار دهیم. در سبت ما گروهی از زنان بینوا داشته ایم که در تلاش بوده اند تا توسل به قدرت هایی فراطبیعی بتوانند به مال و ثروتی برسند، همچنین احتمالاً بخش قابل توجهی از این بینوایان از مشکلات روانی جدی رنج میبردند به نحوی که خود را در خیالات و رویاها در افعالی می دیدند که نمونه مشهور آن ماجرای پرواز آنها بر فراز شهر و حرکت به سمت محفل بود. هم عنصر عواطف و هم عنصر عقلانیت -به مثابه دو کارکرد جادو- در سبت دیده شد اما چنانچه در ابتدای متن گفته شد، سبت را باید در مجموع نمونه ای نقض کننده دانست.

مالینوفسکی جادو را از برای چیزی میدانست در حالی به عقیده او دین خود هدف است (مالینوفسکی، ۱۹۲۵). در سبت ظاهراً نمیتوان تماماً با دریچه نگاه مالینوفسکی به قضیه نگریست زیرا طبق بررسی ها سبت خود به نحوی هدف بوده است. زنان ثروتمند نیز در میان بیهو زنان یا بیچارگان حاضر در سبت گزارش شده اند (و البته دستگیر). در تابلو هایی که از جشن های جادوگران سبت کشیده شده ما شاهد حضور پررنگ مرفهان در این مراسم هستیم. در این مراسم شراب، گوشت و نان و کره وجود داشته و زمانی که فرد ثروتمندی تامین کننده مراسم میشد، اوضاع خیلی بهتر بود؛ بنابراین ظاهراً ما نمیتوانیم حضور مرفهان را با هدف اقتصادی (مثلاً تقاضای طلا یا سکه که رایج بود) بدانیم، همچنین وصفی که از جزئیات مراسم شده نشانگر آن است که اساساً گویی این لذت طلبی و بیخیالی -که در سراسر مراسم جاری بوده- برای رسیدن به هدف خاصی نبوده بلکه به تنهایی خود هدفی بوده است. ممکن است خرده گرفته بشود که جادوگران به دنبال قدرت بوده اند بنابراین در اینجا هدفمندی باز هم آشکار است، چنانچه خود دستگاه کلیسا افراد حاضر در این محفل را مسبب بلایای طبیعی همچون سیل و طوفان می دانست! این انتقاد وارد است اما اصل قضیه را مبنی بر درونی بودن هدف سبت -لااقل بخش قابل توجهی از آن- تغییر نمی دهد.

دیگر آنکه در اینجا ما شاهد دور شدن از اهداف فردی و حرکت به سمت یک خواسته ی جمعی نیز هستیم. همه ی افراد که خواهان حضور در مراسم بوده اند باید مراحل را- از کفر و طرد خدا و مسیح گرفته تا اهدای قربانی به شیطان و دریافت داغ- طی میکرده اند، این مناسک گذر را میتوان با سنت های دینی خاصی (همچون آداب مسیحی شدن) مقایسه کرد. همچنین چنانچه ذکر شد درون مراسم نیز یک خواسته ی جمعی- که لذت طلبی و فساد و شهوت رانی در راس آن بود- وجود داشت و در این راه حتی ابزار و وسایلی مشترک همچون جارویی که با آن اعضا به پرواز در می آمدند یا روغنی که به خود می مالیدند وجود داشت؛ گویی که خداپرستان کاتولیک برای دعای روز یکشنبه با صلیب ها و لباس های پاک خود فعالیتی مذهبی همچون گوش دادن به وعظ کشیش را انجام میدادند. با اینحال ابهام های جدی در باب این محفل وجو دارد که به دلیل کاستی اطلاعات گاهی ما را دچار سردرگمی می کند.

۷- نتیجه گیری

جادو در عصر فعلی مسلماً نه معنای سابق خود را حفظ کرده است و نه قدرت کارکردی سابق را دارد گرچه همچنان میتوان در جوامع بدوی اندیش همچون برخی قبایل آفریقایی یا استرالیایی، شکل های سنتی و واضح تر آن را مشاهده کرد. چنانچه در مقدمه این نوشته گفته شد، آیین وودو در میان بخش قابل توجهی از توگویی ها نقش مهمی را ایفا میکند. با اینحال با غلبه تفکر تجربی بر زندگی بشر، جادو نقش سرنوشت سازی در زندگی مردم- حتی افرادی که به نحوی به آن باور دارند- ایفا نمی کند.

مالینوفسکی (۱۹۲۵) می نویسد: «به دلیل رونق مجدد باورها و آیین های باستانی که عمدتاً اشتباه درک شده اند، علاقه به امور رازآلود یا دستیابی به حقیقت سری امروزه حتی برای کسانی که علاقه ای به چنین اموری ندارند، شدت گرفته است. باورها و آیین های مذکور تحت عناوینی چون «عرفان» «روح گرایی»، «معنویت» عناوین گوناگون شبه علمی دیگر یا فلاں شناسی ها^۱ و فلاں گرایی ها^۲ بازتولید شده اند؛ بنابراین حتی برای اذهان علمی هم موضوع جادو کشش ویژه ای دارد. شاید بخشی از این امر به این خاطر باشد که ما امیدواریم در جادو عصاره ای از آرزوها و فرزانگی های انسان بدوی را بیابیم.....» (۴۲). ظهور روزافزون فرقه های و جنبش های نوین جادویی و مذهبی به خوبی سخنان مالینوفسکی که بیش از ۹۰ سال قبل گفته شده است را اثبات میکند. جادو امری پیچیده و بازتابی از وجوه مختلف زندگی بشری است. به گفته هگل هیچ ملتی را نمیتوان در تاریخ یافت که جادو در میان آن ها نبوده باشد (سلیگمن، ۱۹۴۸). این پدیده میان فرهنگی هم ناشی از نیازهای بشری بوده بنابراین با زندگی روزمره او گره خورده است، هم نشانی از ویژگی های روانی بشر و ناتوانی او در درک کامل محیط طبیعی. جادو هم محلی برای به کار افتادن قوه تفکر بشر بود- مانند داستان کیمیاگری- و هم مسئله ای برای جدال و ستیز همانند آنچه در قرون وسطا دیده شد. طبق گزارش

ها از اواخر قرن ۱۵ ام تا حدود دو سده بعد، حدود ۴۰ هزار جادوگری (اکثرا زن) که مرید شیطان دانسته می‌شدند و یا به نقل لوتر «روسپیان شیطان» خوانده می‌شدند، سوزانده و اعدام شدند. ما در این نوشتار کوتاه یا رویکردی فرهنگی- تاریخی، پدیده جادو را از منظر تحول تاریخی و کارکردهای ذهنی و جمعی بشری بررسی کردیم زیرا برای درک پدیده نیازمند بررسی بسترهای مناسب هستیم.

منابع

۱. آلیگیری، دانت. (۱۳۲۱م). کمدی الهی، «دوزخ». ترجمه شجاع الدین شفا. تهران: امیرکبیر. ۱۳۳۵.
۲. آزادگان، جمشید. (۱۳۸۶). «جادو و جادوشناسی». فصلنامه آفتاب اسرار. سال دوم، شماره ۴. ص ۲۲-۱۶.
۳. اکو، اومبرتو. (۲۰۰۷). تاریخ زشتی. ترجمه هما بینا و کیارش تقی زاده انصاری. تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۹.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمان. (۷۵۶ ق). مقدمه. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: علمی فرهنگی. ۱۳۹۱.
۵. ابن ندیم، محمد ابن اسحاق. (۳۷۷ ق). الفهرست. ترجمه محمدرضا تجدد. تهران: بانک بازرگانی ایرانی. ۱۳۴۶.
۶. براتی، پرویز. (۱۳۹۶). بادهای افسون: مقدمه ای بر شناخت علوم غریبه در ایران. تهران: چشمه.
۷. پرچی، لیدا (۲۰۱۰). «هائیتی در انتظار کمک جهانی». رادیو بین المللی فرانسه. برگرفته از: http://www1.rfi.fr/actufa/articles/121/article_10460.asp
۸. داروین، چارلز. (۱۸۷۱). تبار انسان. ترجمه کاوه قدیمی. تهران: سیزان. ۱۳۹۹.
۹. ریویر، کلود. (۱۹۹۹). درآمدی بر انسان شناسی. ترجمه ناصر فکوهی. تهران: نی. ۱۳۹۹.
۱۰. سلیگمان، کورت. (۱۹۴۸). تاریخ جادوگری. ترجمه ایرج گل سرخی. تهران: علم. ۱۳۷۷.
۱۱. فریزر، جیمز جورج. (۱۸۹۰). شاخه زرین. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگاه. ۱۳۸۲.
۱۲. فروید، زیگموند. (۱۹۱۳). توتم و تابو. ترجمه محمد علی خنجی. تهران: طهوری. ۱۳۵۱.
۱۳. فروید، زیگموند. (۱۹۱۴). در باب خودشیفتگی. ترجمه حسین پاینده. بی جا. بی نا. بی تا. (نسخه الکترونیک).
۱۴. موس، مارسل. (۱۹۰۲). نظریه عمومی جادو. ترجمه حسین ترکمن نژاد. تهران: مرکز. ۱۳۹۷.
۱۵. گیدنز، آنتونی. (۱۹۸۶). جامعه شناسی (ویراست چهارم). ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نی. ۱۳۹۷.
۱۶. ویلسون، ادوارد. (۱۹۹۸). در جست و جوی طبیعت. ترجمه کاوه فیض الهی. تهران: نو. ۱۳۹۷.
۱۷. میتفورد، میراندا. (۱۹۹۶). دایره المعارف مصور نمادها و نشانه ها. ترجمه معصومه انصاری و حبیب بشیر پور. تهران: سایان. ۱۳۹۴.
۱۸. ماینوفسکی، برانیسلاو. (۱۹۲۵). جادو، علم و دین. ترجمه بهنام خلیلیان و مصطفی آقایی. تهران: جامی. ۱۳۹۵.
۱۹. وبر، ماکس. (۱۹۲۰). جامعه شناسی دین. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: ثالث. ۱۳۹۷.
۲۰. کتاب وندادید، ترجمه ابراهیم پورداوود. بی جا. بی نا. بی تا. (نسخه الکترونیک).
21. Astier, Henri. (2010). Voodoo religion's role in helping Haiti's quake victims. BBC news. Retrieved from :<http://news.bbc.co.uk/2/hi/americas/8517070.stm>
22. Bailey, Michael D., "The Meanings of Magic" (2006). History Publications. 1. Retrieved from :https://lib.dr.iastate.edu/history_pubs/1
23. Durkheim, É.(1913). The Elementary Forms of the Religious Life. New York: Collier Books.
24. Freud, S. (1919). "The Uncanny". First published in Imago, Bd. V., 1919; reprinted in Sammlung, Fünfte Folge. [Translated by Alix Strachey.]
25. Pelayo, Cynthia. (2014). "Shopping for Spells: Exploring Four of the World's Witchcraft Markets". Retrieved from: <https://www.atlasobscura.com/articles/guide-to-witchcraft-markets>
26. Pritchard, E. E. Evans. (1937). Witchcraft, Oracles and Magic among the Azande. Oxford, England: Clarendon.
27. Stein, R. L. and Stein, F. R.(2005). The Anthropology of Religion, Magic, and Witchcraft. Fourth edition. New York : Routledge, 2017.
28. Tylor, E. B. (1871). Primitive Cultures: Researches into the Development of Mythology, Philosophy, Religion, Language, Art and Custom. London: J. Murray.
29. Wittgenstein. L.) 1939(. Remarks on Frazer Goden Bough. Published in 1967. Chicago: Univercity of Chicago.Hau Books.

فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری،
خیابان شهید سبحانی، پلاک ۴۸، واحد ۴
کدپستی: ۳۱۴۳۹۵۳۵۹۵

۰۲۱۳۳۲۰۲۴۸۷
۰۲۶۳۴۴۵۳۱۳۱
www.ASSCS.ir

ISSN: 2645-4475

